

بازدید شد
۱۳۸۴

کتابخانه

بازرسی شد
۱۳ - ۲۲

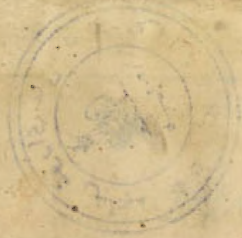
۶۱

۱۰۱۸۰

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: مکارم اللغات (ترجمه کلام الاخلاق کبری)	
مؤلف: علی بن حسن نواری	شماره ثبت کتاب: ۱۶۶۱۹
موضوع: شماره قفسه: ۱۰۵۷۴	

خطی - فهرست شده
۱۰۵۷۴





Handwritten text in a rectangular box on the right page, possibly a date or a reference number.



بسم الله الرحمن الرحيم
 هَذَا كِتَابِي كَمَا خَلَقَ اللَّهُ الْفِئَالِ عَلَى اجْنِ كَانَفِي حَقِّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 حمد بید و شکر بید و حضرت احدی را نزد که سید بشر و ائمه اثنا عشر
 برگزیده و بکارم اخلاق و محسن شفاق برای رحمت طالبین و پدایر اوسیان
 و درود نامیده و در جنبه است و درود و صندرشین مقام محمود و شفیق
 روز موعود شرف بشری بسم الله الرحمن الرحيم و وقف و جهم و مرتب ترین
إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ بیت ای جز با احترام خداست بزرده نام
 نامم فدای نام تو ای سید انام ۲ و برال عظام و غرة کرام او علی الخصوص
 زوج بول. متعلق با خلق الهی و متصف با وصف
 نیست تنهایی و بی طریق
 صلوات باقیه الی یوم النجمه
 دانش بعد از معرفت خدا
 حق تعالی است که در ضمن عبادت
 شرح اندس ان حاصل است و اکثر از ان غافل است علی وجه الکمال
العالم الفاضل حق تعالی کامل الحق تعالی الحق تعالی الحق تعالی
 الفضل الطیب است که الله تعالی در جنانه کنایه ثانی

ثانی فرموده در اخلاق تمام دارد در افاق مشتمل بر اقوال و افعال و بقول
 صحیح سید الانام و ائمه الکرام بر وجهی که بسی فرایند کلیه و دین و اخرویه
 در و سدرج است و بدشک عمل او در دنیا جمیل است و در آخرت
 بقدر و بجهت عموم فائده العبد الفقیر الی الله الباری علی بن حسن سید فرید
 عقی عنهما با وجود کثرت عموم و عموم مقصدی ترجیح ان شد که انصاف باشد
 بکارم کرام امید که انعام باید و فایده کسب از ان نماند ان حضرت
 فائده علیه صلوات الله الملك الذائم اکنون شروع میکنم در مقصود
 بعون الملك المعبود ابتدا میکنم بنام خدای یکتا یزیده وجود و دردی
 بمحض وجود و از زنده گشتن ان بنده کمان و در ازنده بهشت جاودان
 شتابش و سپاس بر معبودی را که یکتا است در ذات و بهیست
 در صفات ان بی نیازی که ترانه و ترانه شده شد مثل عباد و نیت مر
 او را مانند ان نه از زن و نه از اولاد صلوات الله بر محمد المصطفی صلی الله علیه و آله
 که برگزیده و در رسول پسندیده حضرت خالق است که فرستاده
 او را به خدایت در رحمتی که بشارت و دهنده است به بهشت
 عزیز تر است و ترساننده از روزخ بر و رحمت زشت و خواننده بوی
 معبود بحق و خداوند مطلق و جبرایع نور دهنده است در زمین و
 بر ابل بیت که بر شوالان بد استند و نور دهنده ابل ظلمت که

بان را بطلوب می بیند اهل دین انانی که حضرت اله مرده در این
 بر حسن و کمال پاک گردانیده ایشان را از برتبه و ساحت
 ایشان را از سقر بن درگاه و سجدم بر کسی که پیروی کند ایشان را
 درین راه **افا بعد** از حمد الهی و صلوات بر حضرت رسالت
 پناهی و ال بدایت است با بی پس در سبک حق جل و علاقت
 رسید است با رضای خود ساخت در این بوصول جان خود بندگان
بان بنواخت بموجب هر کرم لعل کان لکم فی رسول الله
اسوة حسنه لمن کان یرجو الله و متابعت ان حضرت را
سبب محبت و وسیله رحمت گردانده و بخواهی فل ان کنیم
تحتون الله فانبعونی یمحبکم الله باعث شد در این کلام
 انجام که جمیع سازم کتب بی را که مشتمل باشد بر حسن اواب و
 اخلاق سیرت آن حضرت بر وجهی که فرموده فال رسول الله صل الله
 علیه و اله بعثت لائمه مکارم الاخلاق که من مبعوثم
 تا اخلاق خجسته را با تمام رسالت که علم به چیز مقدم است بر عمل کردن
 بان پس با فتم در کلام امیر المؤمنین ع در کتاب نهج الهدی
 مطهر است که ان مشتمل و محتوی است بر حقیقت و درویش است
 کلام علیه الصلوة والسلام در بریدن مردمان بکلی و پیوستن

بکثرت حق در حال خوف و رجس بکلی و انقطاع از دنیا و پس بجانب
 عقبی و از جهه استسپاه عظام مخصوص گردانیده است نام را بکمال
 این سیرت را از ترغیب و ترخیص فرموده با فتم او متابعت آن حضرت
 امیر المؤمنین علی ع فرموده در خطبه طوبی بعضی از حالات و کیفیات
 از ان جمله این کلمات با بر کلمات است که بعضی مردمان و عوی می
 کنند بر عم خود مثل معویه علیه الفتنه که امیدوار است بجاوند جیخ
 برین و حال آنکه در دفع میکوبد بختی خدای کریم حیث حال فاعل لکم که
 ظاهر می شود امیدواری او در کردن او و هر که امیدوار است شانه
 شده امید او در کردارش و هر امید ی از آدمی غالباً خالص است و محقق که
 امید بخصه است حق که آن محبوب است و در خول و بر ترس محقق است و مقبول
 مکر ترس حضرت حق که آن غیر خالص است و معلول امید دارد بجاوندی
 در ثواب دائم و عطای کسیر و امیدوار است به بندگان در امر صغیر
 و بنا بر عقیده پس مید بد بنده آنچه نمید بد به پروردگار پس حیث
 شان پروردگار با وجود کسیر با عظمت که تقصیر کرده می شود بکار
 او از آنچه میکند به بندگان بمقدار او یا بیشتر می که باشد در امیدواری تو را
 در کادوب یا باشد که به بینی مرا اندر موضع پس کردی زبان و خایب
 همچنان است ان اگر او برسد بنده از بندگان مید بد به او از ترس خود

آنچه عید بد پروردگار عالمیان را یعنی ترس از بنده دارد و از خدا نه بگریزاند
خوف خود را از بندگان نقد و اجل و ترس را از افریده کار خود و عده غیر
اسب و دار و اجل و همچنان کسی که بزرگ باشد و بنا و چشم کوته بین او
بزرگ باشد و متوقع دنیا در دل غفلت این او بزرگترند و دنیا را بر خدا
تعالی پس منقطع شود بسوی مشاع و بنا و بگرد بنده مرا این سر را و محقق
بست در شمس رسول و آنچه کافی است ترا در اقداد و دلیل است ترا
برنداشت بنا و غیبت او و بسیاری مواضع فقر او و خاری و بدیهایی
سرای فانی زیرا که فطرش کرده شده از آنحضرت اطراف بنا و بطا کرده شده برای
غیر او اگر فانی را و باز گرفته شد طفل بدین آنحضرت از شیر دادن دنیای دنیا
دور کرده شد از بیعتنای دنیوی اگر خواهی و دنیا کن افتد کن بجوی کلیم الله
دروغی که میگفت وَبَلِّغْنَا أَنْزَلْتَ إِلَيْنَا مِنْ جَبْرِ قَقْسٍ ای پروردگار
من بذر سبکه من بجهت آنچه فرو فرستاده بسوی من از طعام محتجم سوگند بخدا
که سوال نکردم او را که نماند که بخورد زیرا که میخورد بسوی زمین را و بسوی دیده
میشد از تنگی پوست و بدن شکم او بجهت لاغری و کمی گوشت او در ریاضت
و عبادت باری و اگر خواهی سه تا کن پروی بداد و پیغمبر خداوند فرامیر که
نموده است که هر فضلی در او موسوم است بر ضرر و در اصل معنی برود است
و فاری اهل بهشت بتوحید و کتاب مجید که در روز قیامت حضرت فرماید

مراد که ای داد و مرا به بزرگی یاد کن بالحن پاکیزه خود انگاه داد
بقرائت و خواندن زبور مشغول گردد و هر که او را از او بشنود از اهل
از خوشی آن بیفتد او بود که عمل میکرد بنزاع با فی برک درخت حنا
بدست مبارک خود و میگفت بهشتینان خود که کدام یک از شما کفایت
میکند فروختن این را و میخورد قرص حوی که از بهای میخوردند و اگر خواهی
بگویم سخن در باره ریاضت عیسی علیه السلام پس مریم هراینه بود که بالش میخورد
سنگ را و می پوشید جامه درشت و کوناه و میبود نان خورش
او که سنگی و چسب را و شبیه روشنیایی و سیاهان او در فضل
تبتان مشارق زمین و مغارب ان و میوه در میان او آنچه میروید از
زمین از برای چهار بابان و میوه او را زنی که بختنه افکندش نه فرزندایی
که عکس کندش و نه ناله که روی خود را بسوی او افکند و نه طبعی که او را خد کرداند
مرکب دپایهای او بود که باده راه می پیچید و خد مسکاران او و سینهایی
او بود و تا بکس خد میخورد غیر مود پس افتد کن بر پیغمبر خود که از همه
خوشر و پاکیزه تر بود سستی که در دست افتد انگیزی که افتد ای او
در ابد و نسب بکسی که انتاب بوی نماید چه افتد ابهمه پیغمبران است
زیرا که او مستجمع فضائل همه ایشان است و دوست ترین بندگان
بسوی خدا تعالی و پروی کنند است مرا اثر در انگشت دست

شکستی با خود زبری بدمان خوردنی و نداد بجا ریت دنیا کو شمشیر را
اصلا التفات نکرد بمشاع آن قطعا لا غریب من اهل دنیا بود از دنیا
از روی شکم بواسطه تنی نگاه داشتن عرض کرده باشد بر او دنیا
پس باز زد و استماع نمود که قبول کند او را و دانست که خدا چیزی را
و دشمن دانست پس خود را هم بر دشمنی او گذاشت و حقیر شد و
کوچک داشت خدا بتعالی چیزی را پس آنحضرت هم کوچک داشت او را
و نباشد در ما که دوستی چیزی را که دشمنی داشت از خدا بتعالی
و فظیم چیزی را که مضغیر کرد از خدا بتعالی هر لایه کافی است
این کار از روی خدوف و متعاقب به افزود کار و مخالفت نمودن از امر
کار بسته بسته بود پیغمبر هر که که طعام خوردی بر زمین نشستی مانند
بنده کهین یعنی بدو را الو چون فقیران خاک نشین و میدوخت
بدست خود و فلین خود را از غایت فروتنی در قه میزد بدست ماه شکاف
خود چاه پاره را از غایت شکستگی و بر دراز گوش بر بنه سوار میشد
و دیگری را بر عقب خود سوار میکرد و سپرد پرده در خانه آنحضرت بود
پس تصویر ما بران چون نظر مبارک بران میداشت میفرمود
که این را غایب سازد از نظر من که چون بان پرده میسنگرم
یاد میکنم و سب را دمی اید زینستهای او در برابر من پس

روگردان

روگردان شد از دین بدل سلیم خود و میگذاشت از چشم آن حضرت
تا فراتر کشید و از زخارف انیوی زینتی و اعتقاد نکند دنیا را جایی قرار
و امیدوار نشود و در او بمقام ساختن و استقرار پس برین کرد
اندیشه دنیا را از نفس نفیس کامل خود و بسیر و محبت او را از دلش ل
خود و غایب کرد و سب را از پیش بصر خود و سپینا نکند کسی
و دشمن میدارد چیزی را و دشمن میدارد که نظر اندازد بسوی او
آنکه مذکور کرد و نزد او میدانید بود رفت و گفتار رسول صیانه
علیه و الله که دلالت می کند بر بدیسی دنیا و پیغمبای آن چون
که سر بسته بود در ادایا مخصوصان خود و در کرده شد از او زینستهای
و سب با بزرگی قرب و منزلت او و نزد حضرت عزت پس
که نظر کند نظر کنند بعل خود که ایا کرامی داشت خدا بتعالی
محمد را صلی الله علیه و آله بسبب ترک دنیا که خوار کرد او را پس اگر گوید
که اباست کرد او را در دفع کلمه بحق خدای بزرگ اگر گوید کرامی داشت
او را پس باید بداند بدستیکه خدا بتعالی خوار کرد غیر او را جایی
که کتر اندیش را از برای ان غیر دفع کرد و سب را از زینت کردن
مردمان از او بجهت ابراد خیر پس باید که افتد افتد آفتد آفتد
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیروی اثر او کنند و در پای بجای در امان و

و اگر نه این نمی شود از بلا کت پس بدست که خدا تعالی کرد اندر محمد
 نشانه قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمان است و ثرت دهنده
 پس طاعت بجهت و هم کنند اهل معصیت بدو رخص
 و عیوب بیرون رفت از دنیا بشکست که نمی از رفت اکل دروزه داری
 و فرود آمده بخرت سال از معایب نفائی و نهنگی با بر سنگی نا انکه
 گذشت راه خود یعنی نداشت تا قتل القار واجبات کرد و خوانده بدگاه پرده
 پس بزرگ است و لغت خدا نرود ما وقتی که انعام کرد بهایان حضرت
 پیش آمده که پیروی کنیم او را در طریق دین و کشنده که در نور دیم راه
 در عقب او برسیم بجهت و سو کند بخدا تعالی که هر این رفته در دستم
 خود را که این است چند انکه مشرم داشتم از رفته در زنده او گفت
 که ابا نمیدانی انرا کفتم در شو از من که نزد صبا حشایش میکنم
 کرده بشب رفته عاقبت آن شب که را که بجهت نزدیک شدن منزل
 رسید یعنی مسافر چون تعب بشکیر بر خود نهاده پاس از شب زنده راه
 راه برید و صبح بمنزل رسید تا پیش میکند آن شب را
 همچنان است حال ثومین در وقت رحلت چون سجد مترا از
 عقوبت سنایش میکند بجهت دنیا و این مثل است که مروی از ابراهیم
 شغل مشقت بر امتیاد است پس این خطبه بلغیه کافی است و مقصود

بر طریق اجمال است تا ذکر میکنیم فضل بکارم آنحضرت در جمیع احوال و تصرفات
 در نشستن و برخاستن و سفر کردن و در در حضرت بودن و خیزدن و ایستادن
 بخصوص آنحضرت و جمیع آنچه مردیست از آنحضرت و از ائمه معصومین احوال و تصرفات
 نسبت باحوال عموم مردمان در این باب از حق جل و علا تو من بخواهیم
 در انعام این کتاب چه و جل ذکره میخواهد باشد و در شواهدی هر کار بر او است
 بنا و توانست و این کتاب ترتیب را در هر از ده باب **باب اول** در خلق
 حضرت رسالت و سایر احوال و نشستن بر پنج فصل **فصل اول** در
 خلقت صورت و هاست آنحضرت و هشتاد و نه باب و کیفیت آن **فصل**
دوم در بعضی احوال و اخلاق آنحضرت از کتاب شریف النبی غیر آن که کتاب
 که در توضیح و جمیع آنحضرت و در فضیله **فصل سوم** در اخلاق آنحضرت از
 خوردن **فصل چهارم** در مصفت آنحضرت از کتاب میدان **فصل پنجم** در ذکر
 جمعی از ذکر آنحضرت از سایر احوال **باب دوم** در آداب یا کی و خوشنویسی
 و شکر کردن و دروغن و بالیدن و مسواک کردن و شستن بر **فصل**
اول در پاک کردن و خوش بوی و آنچه در حکم آن است **فصل دوم** در مسواک کردن
 در پوشیدن و غن و بالیدن و مسواک کردن بدین **باب سوم**
 در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است **فصل اول**
 در کیفیت حمام رفتن **فصل دوم** در پوشیدن عورت **فصل سوم** در بالیدن و غن

در دهن زینت و سپوس و غیر آن **فصل چهارم** در تراشیدن موی سر و
از آنکه کردن موی از باقی از خانه و بغل **فصل پنجم** در شستن سر بآب
خطمی و برک کت **فصل ششم** در نوزده نهادن **باب چهارم**
در آداب ناخن گرفتن و برودت چیدن و شستن کردن و اصلاح
محسن نمودن و در آینه نگریستن و حجامه کردن مثل چاه
فصل اول در ناخن چیدن **فصل دوم** در برودت گرفتن و آنچه بدان
متعلق است **فصل سوم** در شستن کردن موی سر و آنچه بدان متعلق
فصل چهارم در حجامت کردن **باب پنجم** در آداب رنگ
کردن موی و زینت انگشتری و آنچه متعلق است بدان شستن
برشش **فصل اول** رنگ کردن موی و ترغیب دادن و ذکر مبالغه
فصل دوم در رنگ کردن محاسن سیاه **فصل سوم** در رنگ بخا و غیر آن
و خا بردن نهال **فصل چهارم** در کراحت حنا
نهال و نمرحبت و حایض را و پیوند کردن موی **فصل**
پنجم در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بدان
فصل ششم در آرایش و زینت زنان به انگشتری
و دست در بخن و غیر آن **باب ششم** در آداب لباس پوشیدن
و ترتیب مقام و سکن را و آنرا و آنچه بدان متعلق است **فصل اول**

در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن **فصل** در رنگ
جامه پاک و شستن آن **فصل سیم** در پوشیدن انواع لباسها
و اختلاف رنگها **فصل چهارم** در پوشیدن جامه خمر و صله و غیر
فصل پنجم در بخر در پوشیدن جامه و توضیح و افتادگی در آن
فصل ششم در کراحت لباس شهرت و نحوه چیدن در آن **فصل هفتم**
در بیان ستار و طایفه **فصل هشتم** در پوشیدن کفش و موزه
فصل نهم در باب سکن و آوای و جایز است از آن متعلق آن
فصل دهم در خواب و فراش و متاع خانه و توضیح آن **باب هفتم**
در آداب خوردن آشامیدن و آنچه متعلق است به آن و شستن است
بر سر روده **فصل اول** در فضیلت طعام خوردن و آن
و نیکوی کردن و روزه داشتن **فصل دوم** در آداب شستن
و غیر آن **فصل سیم** در آداب خوردن و آنچه متعلق است بدان
فصل ۴ در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است بدان
فصل ۵ در آداب خدال کردن و دندان **فصل ششم** در
فضیلت آن در سر و کجالات **فصل هفتم** در منافع آبها
فصل هشتم در منافع کوبشها و منقعات آن **فصل نهم** در ذکر شیرینیه **فصل دهم**
در ذکر میوه های گرم در ذکر سبزیها **فصل یازدهم** در خواب و بستر **فصل دوازدهم** در ذکر خوردن

غیر مکرر **باب هشتم** در ادب نکاح و متعلق آن برده فصل
فصل اول در رغبت بزوجه و مبارک بودن بعضی از زنان و نشو
بودن بعضی از ایشان **فصل دوم** در اصناف زنان و خلق ایشان
فصل سیم در نکاح همسران در میان ایشان **فصل**
چهارم در ادب عروسم و مباشرت و غیر آن در معاشرت **فصل**
پنجم در حق زوج بر زوج و حق زوج بر زوج **فصل ششم** در
اولاد و هر چه متعلق است بدان **فصل هفتم** در در عقیقه کردن بچه
مولود و طعام دادن **فصل هشتم** در ختنه کردن فرزند و بچه
بدان متعلق است **فصل نهم** در آنچه متعلق است بزنان و ما بچه ایشان
فصل دهم در نوا در نکاح و غیر آن **باب نهم** در ادب
و آنچه متعلق است بدان شامل بر پشت **فصل اول** در سفر کردن
و نیک و بد داشتن **فصل دوم** در ابتدا کردن سفر و صدقه
دادن و خیر کردن و غیر آن **فصل سیم** در بیرون آمدن از خانه و عمل
کردن بخیری چند که مستحب است **فصل چهارم** در نکاح و اخلاق
و در سفر **فصل پنجم** در نگاه داشتن تن و اموال و استخاره کردن
و طلب حاجات از دوز و اجلال **فصل ششم** در ادب رفتن و گزاف
تنها بودن در سفر و دعا خواندن برای دفع خطر **فصل هفتم**

در غیبت

در محافظت و خدمت چارپایان و تحو آنها بر صاحب ایشان **فصل هشتم**
در نکته های نوادر که واقع در **باب دهم** در ادب دعیه
و آنچه بدان متعلق است شامل است بر پنج **فصل اول** در فضیلت دعا
و کیفیت آن **فصل دوم** در دعای شبانه روزی از اهل کبریه
فصل سیم در ذکر در و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در استغفار و کبریه
در ادب بر رکاه پروردگار **فصل چهارم** در نمازی که بجهت حصول
مهمات گذارند **فصل پنجم** در دعایی که برای برآمدن حاجا بجای
باب یازدهم در ادب پاران و علاج کردن ایشان و آنچه متعلق
بر آن بر پنج **فصل ششم** در ادب پاره و پرستش و علاج کردن
فصل ۲ در باب غفلت کردن از قرآن مجید در جمیع اراض **فصل ۳**
در باب طلب کردن شغای پاران بصدقه دادن و دعا کردن و نماز گذاردن
جمیع اراض **فصل ۴** در افشون کردن دعوات و اسماء الله و غیر آن
نخا از نیک و بدیدن و نوشتن و نگاه داشتن برای سایر پاران **فصل**
پنجم در حرزا و دعا یا از هر باب لایق این کتاب **باب دوازدهم**
در نکته های نوادر این کتاب که واقع است در هر باب شامل هفت **فصل**
فصل اول در ذکر حقوقی که بر آدمی از مسلمان منقول از کلام امام
زیر العباد علیهم السلام **فصل دوم** در ذکر از کلام حضرت زین العابدین

صلی اللہ علیہ وآلہ و اولادہ و یا کردن مناجی **فصل سیم** در صحبت
حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ و آلہ حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
فصل چهارم در موعظه حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ و آلہ در غزای
فصل پنجم در موعظه رسول صلح مرابین **فصل ششم** در اختیارات
روزنامه روی حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام **فصل هفتم** در نظم
کتاب خطبه امیر المؤمنین علیه السلام که در باب تمام **باب اول**
در خلق حضرت رسالت پائی صلی اللہ علیہ وآلہ و آلہ و سایر احوال شمشیر بر فصل
اول در طلق و صورت و سیرت آنحضرت و همچنین با مردمان
و کیفیت آن بروایت صحیح از امام حسن و امام حسین علیهما السلام در کتاب محبت
بن ابراهیم بن یحیی الطالقانی که او روایت کرد از نقاب و او شان از
حضرت حسن بن علی علیه السلام که آنحضرت فرمود که من پرسیدم از خاندان
هند بن مالک تمیمی از خلیه و ثمال حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ و آلہ و وصف نمود
و حال آنکه من آنرا ندیده بودم که او وصف نماید مرا از خلیه آنحضرت صلعم
بر آنکه کسی که خاطر می بر آن تعلق بود و آن گفت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ و آلہ
او عظیم بود و قد اوجسم و روی مبارک او میدرخشید مانند خورشید
قرمیدر و قد مبارک او دراز بود و نه کوتاه و سر مبارک او
اندکتر بود و کوهی محدش کشیده بود تا بنا کوش و فرق مو میفرمود در

که انبوی

که انبوی میکرد و آلله و رکت مبارکش نورانی بود و گشاده ابرو داشت
و روی بود در میان پشانی او مشهور رکت باشی که هرگاه قدم فرمودی آن رکت ظاهر
شدی و بلند بینی بود و رخسار مبارکش لطیف و مموار و گشاده دندان
و مان و گردن او چون گردن آهو و در نیکی و بی فحش آنکه چون فقره
خام نمید و لطیف لبی مموار و معتدل مساوی الا جزا و شکم مبارکش
بسیار گیسان نه در زیر و نه در بالا و سینه مبارکش عریض بود و
شانهش از یکدیگر دور و از چتر کلوی مبارکش تا ناف خطی بود چون خطی
و مموار و کشیده و زیاده از آن بر ناف و پستان و سینه اش موی
و هر چه ساعدش داز بود و اندک موی داشت و کف دستش گشاده
و پست پایش برآمده و چون بر آه رفتی بر آهش و زمی بودی با
آنکه در غایت جستی فرمودی و قدم کشیده رفتی و هرگاه که رو بپیش
کردی روی و تمام بدن مبارکش باز گردیدی و دایم چشم بر برداشتی
و نظر مبارکش بر زمین پشته بودی تا بوی اعلان اغلب می پوشیدم
نگاه کردی و در حال ملاقات مبادرت اسلام نمودی گفت مرا و را
که وصف کن از نکلم آنحضرت گفت دایم او را در حزن و تفکر داشت
بخشی و راحت نداشتی اگر خاموش بودی و ناخوش نشد با
سخن بگفتی و چون تکلم فرمودی نه حاصل سخن بودی در عبارت فصیح

انکه پان نمودی که بر همان فیصله بخشیدی نه درشت کلام بود
 سر و سخن و عظیم نعمت الهی کردی اگر چه انکه بودی و نعمت را نمید
 نفرمودی و هر چه از آن پدید می نیکی بدش ظاهر ساختی و بدو بخش
 گفتی و بدو سطره امر دینوی در قهر نشدی و اگر احمق دیدی غضب
 بر آن تحمل نفرمودی و انتقام آن کمبختی و غایب کسی را از آن حلقه
 نکردی و قهر نمیکردی برای حوالی نفس خود و مدد از کسی استی برای آن
 امر و هرگاه اشارت فرمودی بیک دست اشاره کردی و چون تهنیت فرمودی
 دست مبارکش گردانیدی و هرگاه که حدیث فرمودی دست اشاره کردی
 و گفت دست راست بر انگشتان دست چپ نهادهای و چون فرمودی
 مبارکش کفایت دیگر کردی و چون شاد کردیدی چشم مبارکش را بر انداخت
 و عظم خنده اش تبسم بودی و دندانهای مبارکش را مانند مروارید
 آنحضرت مینمود امام حسن علیه السلام گفت زمانی این اوصاف از
امام حسین پنهان در ششم بعد از آن حدیث که دم یا فتم او را که
 پیش دارد اوصاف او را درین حدیث از او پرسیدم فرمود
 که من از پدر بزرگوار خود شنیده بودم از مدخل و مخارج و مجلس و مجلس
 هیچ چیز فرنگداشته امام حسین علیه السلام فرمود
 که من از پدر بزرگوار خود شنیده ام که چون رسول الله صلی الله علیه و آله

بنزل خود و موی اوقات حجتیه عیالت رفت قسم ساختی قسمی را بوقت
 حق چنان ملاحظه فرمودی و یکی دیگر را از برای معاشرت اهل خانه و یکی
 دیگر را بوقت احوال خود و این قسم که بوقت احوال خود بود قسمت کرده بودی
 میان خود و میان مسازی مردمان و اموال مسکینان و بر عاقبت و خاصه
 و دقیقه آنان فرو گذاشت نفرمودی و از سیرت آنحضرت بود که
 سر کس را از امت بقدر رتبه او داشتی و همسازی کردی بقدر حاجت
 بعضی را بیک حاجت بودی و بعضی را حاجتها بیک حاجت بودی و بعضی را
 تمام حاجت و بعضی را و مواعظ فرمودی و احوال ایشان پرسیدی و هرگاه
 نمودی و امر فرمودی که هر که در مجلس حاضر است آنرا بایمان رساند و فرمود
 که هر که نزد من حاضر است حاجت خود را عرض نماید و اگر غایب است و غرض
 نمودنما که حاضر اند حاجت او را نزد من عرض نماید و فرمود که هر که
 حاجتی از حاجتمندی نزد پادشاهی رساند که صاحب حاجت را توانایی باشد
 روز قیامت خوشبخت باشد و پادشاهی او را تابستانه قلم دارد و هر که
 بخدایت آنحضرت رفتی چون پروان آمدی دوستی و معارف و بر
 حاصل بودی برکت صحبت آنحضرت و از صحبتش مدد و کمال این
 نکردی بلکه بدو و دوستی او پروان آمدی دیگر فرمود که از پدر
 بزرگوار خود شنیده ام که چون آنحضرت از خانه پروان برآمد

زبان را و این جامه پوش داشتی مگر در امر ضروری که تکلم بر آن نمودی و صاحب
ایم الفت دادی و از لغت و بدایای تنفر دادی و بزرگان هر قوم را
حمت داشتی و ریاست و سروری آن قوم را بوی تفویض فرمودی
و مردمان را از فتنه ترسانیدی و بر غیب کردی که از آن محترز باشند
و بر روی همه خدای بودی و دایم شخص احوال اصحاب خود نمودی و اطوار
و احوال مردم از مردم پرسیدی و آنچه نیک پسندید بودی بکس کردی
و تقویت نمودی و آنچه بد و ناپسند بودی از آن منع نمودی و از فتنه
مردمان عاقل نمودی و ایشان نیز از اثر صحبتش از جاده اعتدال و نهج صفا
انحراف نکریدی و آنچه محض حق بودی آن کردی بامر دمان بی زیاده
و نقصان و آسانی که دایم در خدمت آنحضرت بودی اخبار و بر کریان
قوم خود بودند و بهتر آن مردمان نزد آنحضرت جماعتی بودند از روی
قدر و منزلت زیست ایشان بامر دمان حسن خلق و مدارا و ماساکوت
بودی باز امام حسن عسکری سلام فرمود که از پدر بزرگوار خود شنیدم
که نشستی آنحضرت در مجلسی که پخته بودی هر که که نشستی بر جوار
که آنرا ذکر حق تعالی است بر زبان زانندی و چون مجلس را بآدمی هر جای که
حال تو نشستی و از بالا و زیر تفاوت ننهادی و بیار آن و
بچنین امر فرمودی و با هم نشینان بنوعی اخلاط و مواظبت نمودی

که انکس

که انکس گمان میکرد که آنحضرت اورا از همه دوستر میدارد و هر که در
صحت او نشستی باید خدمت آنحضرت حاجتی داشتی چندان بر فرمودی
که انکس خود بر جوار و روان شدی و هر کس حاجتی نزد وی بردی اگر قوا
حاجت او را بر آوردی و اگر نه چندان لطیف نمودی که انکس را راضی
و تسلیم شدی و در کشف خلق عظیم او همه کس را جابودی و با مردم
بظف و شفقت چون پدر و مادر و برادران بودی و هیچ کس را بگریز
تفضیل و زیادتی ننهادی همه را در راه حق برابر یکسان داشتی
و مجلس آنحضرت مشتمل بر جبار و علم و صالح مشتمل بر عیب و علم
و صبر و سخاوت امانت بودی و او از او در مجلس بلند شد و گفتی
ایرادای بلند گفتن و خوان مجلس نمودی و در آن مجلس خرم احتیاط رعایت
کردندی بی فسق و قصور و کسی بان بغش و دشنام نیامد و نشستی
و کس را سهو و لغت از برکت صحبتش بر نفیض واقع نشدی و با همه صحبت
او برابر بودندی و تواضع درستی سخن گفتندی و بر برهیز و درستی
او نمودندی و پیران را حمت داشتندی و با جوانان مرحمت
کردندی و انشای از غریبان حاجتمندان دینغ نمداشتندی و فطانت
نمودندی و حاجتمندان بر آوردندی و کس را رسیدم از پدر بزرگوار
خود که روشش سیرت آنحضرت با هم نشینان چگونه بودی فرمود

نستی

که رسول الله علیه و آله در روی ایشان خندان بودی و خوشنوی نمودی
و احسنیک ظاهر ساختی و ترش روی و درشت کوی و پخت کوی عجبی
نمودی و مدح و خوش آمدن از آن حضرت بقصص نمی آمد و آنچه خواستی بفرمودی
و موافقت بر آن ندستی و کسی را از خود محروم نکردی و کسی
و سپهر را نسبت بترک انگاشتی بحد نکردی و اکثر در کل لغو نمودی
و سرزنش نمودی و عیب کسی نفرمودی مگر آنکه در ضمن آن تمیذ
ثوابی بودی و چون تکلم نمودی حضار مجلس سر در پیش افتاده
مستمع بودند و کسی را یارای گفتار نبود و چون خاموش شدی
حضار مجلس تکلم شدند و در حالت سخن گفتن آنحضرت یارای سخن
نداشتندی و هرگاه که سخن کردی همه گوش داشتند خاموش میشدند
و در هر خبری که میفرمودی خنده کردند حضرت بسم فرمودی و مفت
ایشان نمودی و از آنچه ایشان تعجب داشتندی آنحضرت نیز تعجب داشتی
و اگر غیری در مجلس وی سخن رشتی گفتی یا چیزی خواستی آنحضرت بر آن
صبر و تحمل فرمودی و حاجتش را بر آوردی و امر کردی اصحاب که چون
حاجتمندی حاجت پیش بیاورد در رو کردن حاجتش سعی نمیدادند
چون کسی قبول نکردی یا بمکافات عوض آن فایده کلی بوی رسانیدی
و سخن کس را بسخن نبردی و چندان که سخن بدستی که او سخن را تمام کردی

و دیگر امام علی علیه السلام فرمود که پدر بزرگوار خود را پرسیدم که سکوت
آنحضرت چه کیفیت بود فرمود که سکوت و خاموشی آنحضرت چهار چیز
میتنی بودی بر حلم و بر خرد و بر تقدیر و بر تفکر اما از حلم و تدبیر و تفکر
آنحضرت را تغیری و نقصانی عارض نمیشد و بر کمالات غصه بود
و صبر بر آن فرمودی اما خرد در چهار صورت نمودی در امور خیر
و یکی را ظاهر کردن مانت بوی اقتدار کند و از بطالت و ترک
عبادت دور باشند و دیگر در ترک قباح و بدیها امر فرمودی تا از
سرفتهای مخوف و مسون مانند و دیگر در اجتهاد و پراوری خبری
که صلاح کافه امت بودی در آن و دیگر ایستادگی مهتات و قیام
نمودن باموری که خیر دنیوی و اخروی است در آن بودی و ثوابت
شامل و نیز تقدیر نمودی یعنی تسویه نظر در میان مردم و استیاض کلام
کردی و هیچ کس را در باقی اخروی و امور دنیوی و دینی
و بعضی از احوال و اخلاق حضرت رسول الله علیه و آله از کتاب
شرف النبیین و غیر آن از کتب که در تواضع و جای آنحضرت در و دیوار
روایت از انس بن مالک که رسول الله علیه و آله بر شش مبارک
امت رفتی و پیروی جنازهای کردی و رحم بر ایشان و هر که او را بخواند
اجابت نمودی اگر چه غلامی بودی و بر دراز گوش سوار شدی و در روز
خبر

و بی قریط بر دراز کوشش سوار بودی پالان افشار و از لطف فرما
 بود و دوست داشتی که از برای او قیام نمایند و هر کس از اصحاب
 که ویرا دوست تر داشتی قیام نکردی که قیام موجب کراهت خاطر
 مبارک آنحضرت شدی **و نیز** از انس که آنحضرت بر زمینش طعام
 تناول فرمودی و کوفته دوشیدی و نیز مرویست که آنحضرت
 بر کوچه کان اسلام کردی بروایت اسامه بنت زید و این مسعود روایت
 کرده که شخصی آنحضرت آمد چون آغار سخن کرد لرزه بر اندام آن شخص افتاد
 آنحضرت از وی مرحمت و مهربانی فرمود که خوش و پاک مدار که من
 از ملوک نیستم بلکه فرزند عورتی هستم که گوشت همدیگر خوردی **و**
 از ابی ذر که حضرت رسول الله علیه و آله چنان شستی که اگر غری
 امی ندانستی که پیغمبر کدام است مادر خواست کردیم که محلی از برای
 آنحضرت معین یابیم تا ممتاز باشد صفه ما خیم از کل آنحضرت
 بر آنجا شستی و یاران در حوالی او نشستی تا اگر غریب از جای پاید
 راه بودی چون بجاده رفتی جامه پاره پاره خود را دوختی و بلباس
 پنبه کردی و کار درویشان نسبت با اهل حرم و جعل آوردی و هر یک
 سفینه ای او و خیاطی بودی **و** از امام جعفر علیه السلام مرویست
 که در کتب السیره که زنی بنیامان بود آنحضرت آمد و آن حضرت طعام تناول

میفرمود آن زن گفت یا محمد خوردنت چون خوردن غلامانست و نشستن
 مثل ایشان فرمود و ای بر تو کدام بنده از من بنده تر است و کدام غلام
 از من غلام تر آن زن گفت از آن طعام که بخواری آنقدر بمن ده حضرت عقیقه
 برداشت که بوی بد زن گفت لا والله آن آنقدر میخواهم که در دهان است
 آنحضرت لعن را برون آورد و بوی داد **و** از امام جعفر علیه السلام فرمود
 که تا آن زن زنده بود زبانش در کفش نمیگشت و کسی از وی بی نشنود
و از انس روایت کرده که نه سال در خدمت حضرت رسول الله علیه و آله
 بودم نیافتم که بمن بگوید که چو این کردی و چنان نساختی و هرگز چیزی را
 بر من عیب نفرمود و دو سال در خدمت آنحضرت بوی خوش میبویدم
 هیچ بوی از بوی آنحضرت بهتر ندیدم و هرگاه که شخصی نزد آنحضرت
 نشستی تا آنکس بر تو نخواستی آنحضرت بر تو نخواستی و اگر کسی است او را بدست
 گرفتی آنحضرت دست نمیشدیدی و هم انس روایت کرده که روزی آنحضرت
 در راهی میگذشت اعرابی بوی رسید و ردای مبارک آنحضرت را بنظر
 تمام کشید که اثر کوشش را بر گردن مبارک او ظاهر شد و گفت یا محمد
 امر فرما که از مال خدا که در نزد دست بجمع منید آنحضرت روی بر او کرد
 تبسم فرمود و گفت تا چیزی بوی دادند روایت از ابو سعید خدری
 که کسی از حضرت رسول الله علیه و آله چیزی طلب کردی الا که بدای

دیگر روایت کرده که حیای آنحضرت بکسی بود که از دختران و شیرازه میشته
 و هرگاه چیزی را خوشش نیامدی می یافتم در روی آنحضرت روایت
 از ابن عباس که رسول الله علیه و آله میفرمود که هیچکس از اصحاب نزد
 من غیبت نکند مگر بگوید و بگوید مگر گوید که من خجالت میدارم که شما
 دایم بیدار باشید و خاطر من بایم صاف باشد روایت از امیرالمومنین علیه السلام
 که رسول الله علیه و آله از همه کس دست کشاده تر بودی و جوان مردتر
 و جراتش از همه بیشتر بودی و در راست گفتاری از همه بیشتر بودی
 و با خلق بخلق زیادت می نمود و با عامه خلایق بملطف رحمت بودی
 و کسی که بروی نگاه کردی بیستی و وحشتی بروی کار کردی و چون او
 بسخن برآمدی الفتی و مودتی در دل خود یافتی و هر که با وی اختلاط
 کردی او را از همه کس دوست تر داشتی و هر که او را ببیدی خود را از جمله
 خاکساران او انگاشتی و گفتی ندیده ام مثل او را نه پیش از و نه بعد
 از و دیگر این عمر گفت که ندیدم کسی را بسجاوت و سماعت و حمایت
 و بخت و شجاعت و نورانیت بمثل رسول الله علیه و آله
 بوده باشد روایت از جابر بن عبد الله که مرکز آنحضرت چیزی
 نخواستم که نه گفته باشد روایت از عبد الله عباس که رسول الله علیه و آله
 فرمود که معلم و مؤدب من حسن بجانم و معا بود و معلم و مؤدب

امیرالمومنین علیه السلام بودم و خضعت از فرمود و مرا سخاوت و بیکوکاری و نبی
 فرمود از بخل و زیان کاری و هیچ خصلتی نزد خضعتا بدتر از بخل و بدخلی نیست
 و این دو خصلت بدیضا دی با هم انداخته اند که کل عمل و هم از این دو نیست
 که ابو سفیان بعد از فتح مکه در میان مردمان قدری و حرمتی نمود
 کسی از مسلمانان با او اختلاط نمی کرد و از این معنی بد حال و تنگ
 دل بود و روزی نزد پیغمبر ص آمده و گفت سر در خواست دارم از تو
 یا رسول الله آنحضرت فرمود که بگو گفت اول آنکه دختری دارم بکوثر بن
 عربت از روی جمال بخوانم او را بد نکاح تو دارم آنحضرت فرمود
 که قبول کردم دوم بپرسم معاویه را داعیه دارم که کاتب مجلس باشد
 فرمود که چندان باشد سیم بچنانکه در زمان سابق با مسلمانان کارزار
 میکردم با کافران این زمان نیز بخار به کنم گفت چنین باشد این
 را میل گوید که ابو سفیان اگر آن در خواستها نکردی آن حضرت از او
 این امور قبول نکردی و چون خلق و کرم آنحضرت به مرتبه بود که هرگز
 سولی هیچ سالار ندکردی بنا بر این قبول فرمود و شجاعت آنحضرت
 روایت از امیرالمومنین علیه السلام که در روز بدر با همه پناه بخت رسول الله
 بردیم و او از ما همه بکارزار بر دشمن نزدیکتر بود و هیچکس از او دیرتر
 و شجاع تر نبود و هم آنحضرت فرمود که شبی در مدینه غوغای برآمده
 و همه مردمان روی به آن آوردند و اثوابی در میان خلایق افتاد

و این روی بدان طرف آوردیم حضرت را دیدیم برابر باطله
انصاری نشسته و ششیری بر منته بر دست پس روی باز پس کرده ملکیت
بج کروی نیست اسوده باشند و مراد دل میداد در علامه رضاور
غضبان حضرت روایت میکند این عمر که معلوم میشدش دی و
غنائی آن حضرت در روی او چه رکاهت داشت پس گویانند
چیز در روی مبارک او نمایان است و زکمش بر دوار تابانست
و چون خشم گرفت زکمش تیره کشی کا به لبیابی مایل و کای بی برنی
و کعب این مایل روایت کنند که چون حضرت شادمان شدی زکمش
چون ماه شب چهارده بر افروختی و چون قدر فرمودی زکمش مبارک
متغیر شدی و رخ بر آید و امیر المومنین ع فرمود که چون
رسول ص چیز بر او دست داشتی فرمودی که الحمد لله الذي تم
الضمانات و در مهربانی حضرت با ائمه روایت کرده است که
از اصحاب بی اگر کسی سه روز بخدمت حضرت نیامدی بعد از آن
بختش احوال وی کردی و پرسیدی اگر بفرقت بودی دعا میش
کردی و اگر در حضر بودی بنمایارش رفتی و اگر بیمار بودی بعبادتش
فرمودی و از جا بر این عبدالله انصاری مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم بیعت و یکت غا کرد و بود

کرده بود در نوزده غزا در رکاب طغر آشباش بودم و از آن غزا و
دو غزا از من فوت شد در شبی از شهرها شتری از من بگذاشته بود و من
در آن جریان مانده که ناگاه دیدم حضرت اعقب هم می آمد من کلمه در د
گفتم آواز مرا شنید پرسید که چه کسی گفتم من چارم فدای تو کردم فرمود
که چه حال داری گفتم شترم مانده است فی الحال فرو داد و گفت با تو
چیز هست گفت من بی سبب و دارا نیستم و بر این گفتم و باز
نویابانید و پای بر دستهای شتر می نهاد و مهرش گرفت فرمود که شتر
و بار شترم را خوابانید و بر خیزانید و روان شدیم پس شتر من شش
بر شتران دیگر میگرفت و پیست و پنج نوبت برای من استغفار نمود و
آمرزش طلبید بعد از آن از من پرسید که از پدرت جدا شد و دیگر
فرزند مانده گفت من و حضرت در خانه فرمود که پدرت حج رفتی
گفتم با فرمود که چون بمیدانی آن قرص خدایان در خواست کن که با تو مدارا
کنند چون عمل خوا بریدن شود نزد من آرایش را دیگر فرمود که زن
فرستاده گفتم یا گفت که گفتم فلان دختر بیوه که در مدینه باشد
فرمود که چرا دختر کوچک خواستی که با او بازی کنی و او نیز با تو بازی کند
گفتم نزد من خواهران کوچک بودند خواستم که عاقل باشد تا صبیحه
احوال ایشان نماید فرمود که نیکو کردی صلاح و زیدی دیگر فرمود که شتر

بچند خزیده گفتیم پنج اشرفی فرمود که ما باز بهمان قیمت قبول داریم
 بعد از آنکه دیدیم شتر را نزد آنحضرت بردم فرمود ای بلال اشتر
 بوی ده و سه و یکم خرید کن باقرض پدرش عبدالله دهد و شتر را نیز
 بوی ده بلال خدمت بجای آورده من آنهارا تمام بقرض خوان دادم
 دیگر پرسید که باقرض خوان قطع و فسخ کرده گفت نه یا رسول الله فرمود
 که موقوف کن تا وقت خرابی درین در رسد نزد من ای پس چون وقت
 خرابی رسید نزد آنحضرت رفتم پس بختان خراب فرمود و دعا کرد
 برای ما خراب دیدیم و تمام قرض خوان را داد نمودیم و چندان
 باز ماند که زیاده از قوت سالیانه ما بود پس آنحضرت فرمود که بردارید
 و کیل و وزن کنید آنها را بر دوشیتیم آنها را بی کیل و وزن و نماند
 دیدی از آن بخور دیدیم **مر ویست** از ابن عباس که رسول الله علیه و آله
 هرگاه سخنی فرمودی از چیزی پرسیدی سه مرتبه مکرر کن تا سایل
 بفهمد و بفهماند و این عمر گوید که چون کسی گفتی یا رسول الله فرمودی که
 بلیک **رو** کند زیر بن ثابت که هرگاه که می نشستیم در خدمت
 آنحضرت اگر از احوال آنحضرت یا از دنیا یا از خوردن یا از آشامیدن
 سخن می گفتیم آنحضرت با ما موافقت می نمود و از آن می گفت **برینست**
 از ابو حمزه گوید که در کرم یا رسول خدا پیش از زمان بعثت دو دعا

فراموش کردم دو روز بران گذشت پس روز سیم بران مقام باز گذشتیم
 فرمود که ای جوان مرا فراموش کردی من مرا روز سه روز است که در اینجا مقام
 دارم روایت کند جوهر بن عبدالله که روزی آنحضرت با یاران بخانه من آمدند
 مراد خانه جای نماد بیرون در ششم چون رسول الله علیه و آله که مراد ید
 بجای خود را نزد من انداخت که بزیر پا انداز من آنرا برداشتم و روی
 خود مالیدم و نزد آنحضرت بردم **منقولست** از سلمان بن اسیر رضوان الله علیه که
 راوی نزد رسول الله علیه و آله رفتم و او برایشی تکیه کرد و بود چنین
 مرادید باش را نزد من انداخت فرمود که یا سلمان بر مسلمان کنی که نزد مرا در
 مسکن رود و او از روی تعظیم و تکریم با بش خود را بر روی اندازد خدا
 او را پادشاه و در مزاج ویم حضرت رسول الله علیه و آله روایت
 که میفرمود که من مزاج میکنم اما غیر میکنم شخصی پرسید از ابن عباس که آنحضرت
 مزاج میفرمود گفت یا **امام حسن علیه السلام** فرمود که من پرسیدم از خا
 خود نمند از حضرت رسول الله علیه و آله گفت هرگاه که غضب کردی
 روی مبارک بردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک بر هم نهاده
 بزرگ ترین خشنده وی تبسم بوده که بدان مبارک گشت نمودی و گاهی چنان
 تبسم نمودی که همه دنیا را شش منطوقشتر و نیز مرویت که چون سخن
 گفتی در میان سخن تبسم نمودی مرویت از یوسف شبلی که امام

از من پرسید که چگونه است فراح و باری شما با بعضی گفتیم ارفع میشود
 و نمود که چنین نیست که باری و فراح از نیکی اخلاق است برتر که برادر ما را
 فراح میتوان شد ساخت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده این
 بن مالک که چون ابراهیم پسر آنحضرت وفات یافت آنحضرت گریه میکرد
 و میفرمود که چشمم اشک میریزد و دل من وکیلن میکرد و لیکن من
 نمیگویم آنچه غیر رضای پروردگار را در آن نیست و ما برای تو ای ابراهیم
 اند وکیلن نمیکنیم **روایت** از خالد بن محمد مخزومی که چون زید بن حارثه دروغی
 موته شنید شد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بمنزل او فرمود از برای تغذیه
 و پرورش و حرا ن زید را چون چشم بگرفت آفا و آغاز کرد زید حضرت رسول
 نیز بگریه افتاد بعضی از اصحاب که در خدمت آنحضرت بودند گفتند یا رسول الله
 این چه کردی و فرمود که این شوق دوستی است لبوی دوست در میان **در بیان**
حضرت رسول **مر ویت** از حضرت ابراهیم مؤمنین علیه السلام که راه رفتن حضرت
 چنان مود و خوش آئیده بود که گویا نهالی از نسیم صبا متحرک شده
 یا آبی که بر روی سبزه روان گشته و من ندیده ام مثل آن رفتن را
 که هیچکس را نباشد **روایت** از جابر که چون آنحضرت براه رفتی اصحاب
 در پیش رفتندی و بخت راحت و شستن کان که داشتندی این **در بیان**
 علیه السلام که یکبار آنحضرت چنان براه رفتی که ظاهر شدی که او از راه رفتن

عاجز است چون شستی با اصحاب صلواته ز دندی و چون سواره گویی همراه شدی
 او را بر عجب خود سوار کردی اگر او قبول نمودی فرمودی پس تو بیشتر
 در جای که میخواهی که مراد باری مر ویت که روزی شخصی آنحضرت را در میانه
 بهمانی طلب نمود طعمی میخواست نموده آنحضرت باو بیچ تن از اصحاب متوجه
 خانه آنکس شدند یکی دیگر همراه شد چون بدر خانه رسیدند آنحضرت
 به آن شخص که در راه فراق شد گفت که اینجا زمانی قرار گیر که ترا نظایم ده اند
 یا با صاحب خانه اجازت بیاوریم و جای ترا بر سر زمین بعد از آن برای
در بیان شستن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امر فرمودن و اصحاب را
 بر او شستن مر ویت که چون طفلان از مادر متولد میشدند آنحضرت
 می آوردند تا دعای میکرد و نام می نهاد و آنحضرت او را در کن خود نشاندی
 بخت تعظیم مادر و پدرش و گاه بودی که طفل را جامه آنحضرت اراشدی
 بعضی چون بچان دیدندی بانگ بر وز دندی و اضطراب کردند آنحضرت
 میگفت که هیچ بگوید و بچان کند شستی بگوید که بول تمام کردی بعد از آن
 دعا در حق آن فرمودی و نام نهادی و اطهارت و سجده و بخت و سر و زوای
 تا خاطر ایشان ملول نکرد و چون ایشان برفتندی جامه شستی **روایت**
 روزی شخصی به آنحضرت صلی الله علیه و آله در آمد آنحضرت تنها در اینجا
 شسته بود پس آن شخص آمد که در سبزه ای و بی نشیند آنحضرت جای بوی

خود را زود و زتر کشید آن شخص گفت یا رسول الله جای کشاید است شما آموخت
 بنشینید آنحضرت در جواب فرمود که حق برادر مسلمان بر برادر مسلمان است
 که چون بنشیند کسی نزد وی بنشیند خود را از او دور تر کرد و جهت تکریم
 دیگر آنکه که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که دوست میدارد
 که مردم در نزد او بر پای بایستند پس جای او در خارج است و دیگر رسول الله
 فرمود یا پستید در پیش یکدیگر همچنانکه بعضی از عاظم نزد بعضی می ایستند
 لیکن یکی نیست که در میان یکدیگر در آیند و اما حمزه علیه السلام فرمود
 که چون آنحضرت صلی الله علیه و آله در مجلس آمدی و در پایین مجلس جای
 یافتی نشستی و از امام علیه السلام مرویت که نشستن آنحضرت در پیش
 روی قبل بودی و فرمودی که از شما کسی که مجلس در آید باید که بنشیند
 بجای که جای بانجام شده باشد و دیگر فرمود که هر که از شما از مجلس پرو می رود
 سلام کند همچنانکه در آمدن سلام میکرد که در آمدن مرفعت تفاوت
 ندارد در سلام و دیگر فرمود که هر که از مجلس پرو می رود و چون باز آید بجای
 خود بنشیند و است از آنحضرت که بر میدی حق مجلس را گفتند یا رسول الله
 حق مجلس چیست فرمود که چشم خود را بپوشانید و هر که سلام بگوید بگوید
 ذیابنار الله بجا بید و اگر بگوید عوف و منی کند از نظر **و است**
 مرویت که نشستن آنحضرت صلی الله علیه و آله سه نوع بود یکی آنکه

بر دو ساق مبارک بر داشتی و دستهایش آن را آوردی و دستی بر
 ساعد نهادی و یکی آنکه هر که مربع بر زمین نشستی **فصل سیم**
 در اخلاق حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله از اضاف و انواع خوردن
 که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودی آنچه خدای تعالی بر وحلال کرده بود با استیلا
 و خدمتکاران خود خوردی و هر که از مسلمانان او را دعوت کردی اجابت
 نمودی و در زمین با ایشان تناول نمودی و آنچه خوردی چون همه آنها بر سر می
 و با همان خوردی و طعامی را دوست تر داشتی که دست بسیاری از آنها
 در وی درآمدی روزی اصحاب نزد وی بودند فرمود بار خدایا دیوخواهم
 از فضل رحمت تو که غیر از تو مالک این مرد و نیست در آشنای این دعا
 شخصی درآمد و گوشتی بریان کرده آورد و فرمود که بپذیرد ایری از
 فضل خدای تعالی و مانند رحمت اویم و چون خوردنی نزد آنحضرت آوردند
 فرمودی **بسم الله اللهم اجعلنا نعمة مشكورين** **فصل**
بها نعيم الجنة و بسیار بودی که چون نشستی برای طعام خوردن جمع
 فرمودی بر دو پای مبارک را باز آنجا که برای نماز نشینند الا آنکه
 پای بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهادی و فرمود که بنده چنان طعام
 بخورم که بنده کان و غلامان خورند و چنان می نشینم که بنده کان نشینند
و است از امام حمزه علیه السلام که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هرگز نخورد و طعام

نخوردی از آن نان که او را پختی فرستاد تا آنوقت که روی عالم بقائمان
 و جهت تواضع و فروتنی بدرگاه خدای عزوجل و چون دست مبارک بوی
 طعام برودی فرمودی بسم الله ما کنا فیما ادرنا و علیک
خلقتنا . امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که آنحضرت در وقت افطار
 میفرمود اللهم لک صمنا و علی ذیقنا ک افطرننا فقله
منا ذهب الظما و اکتلت العذق و بقی الکج و نیز فرمود
 که چون آنحضرت نزد قوی افطار کردی گفتی بر سپیل خدوای که افطار کردند
 نزد شماروزه داران و خوردند طعام شایکو کاران و فرمودی که حاجت
 دعای روزه داران در وقت افطار و در روایت آمده که بخواب افطار
 فرمودی و اگر شکریافتی بر آن نیز افطار نمودی بر وقت از امام جعفر علیه السلام
 که آنحضرت افطار شیرینی مینمود و اگر نیافتی آب بنیم گرم افطاری نمود
 که آب فطر مکرر و مکرر را پاک میسازد و بوی دهن را خوش میسازد و دندانها را
 قوی و محکم میکند و در حدقه چنانی می افزاید و گمان میشود که
 میدارد که گاهی حرکت را و مضطرب را و صفر را می نشاند و بطن را پرمز
 و حرارت از سده پمزد و در دسر را تسکین میدهد و آنحضرت طعام
 گرم نخوردی تا سرد نشدی و فرمودی که حق سبحانه و تعالی آتش بخورد و مانعند
 بدستی که طعام گرم بر برکت پس اگر سرد کنی نگاه بخورند چون آنحضرت

طعام خوردی نام خدای تعالی بر روی و از پیش غیر نخوردی و چون طعام آوردی
 پیش از مردم شش و ده کدی طعام خوردن و بعد از آن ایشان شش و ده کدی
 و به انگشت تناول نمودی بر گشت بزرگ و بسبب که پهلوی اوست و به پشته
 و گاهی چهار انگشت ز خوردی و گاهی تمام کف تناول نمودی و به انگشت
 تناول نمودی چرا که به انگشت چربی خوردن عادت شیطانست روزی
 اصحاب دیک با لوده نزد آنحضرت آوردند رسول چون از آن تناول نمود و فرمود
 چه چیز خوراید بعد از آن گفت قدری تو کردم و غنم عمل در یکدیگر کرده ایم و بر
 آتش نهادیم تا جوشید بعد از آن نشسته در آن انداختیم و بر هم زدیم
 تا پنجه شد و پنجه شد فرمود که این طعام نیکوست و گاه بودی که اگر در پنجه
 نان کردند و آنحضرت تناول نمودی و گاه بر سپیل جوف میخوردی و در
 روزه الواعظین نقل میکند از عیص بن قاسم که گفتیم حضرت امام جعفر الصادق
 که حدیثی روایت میکنند از پدر بزرگوار تو که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 هرگز از نان کندم سیه نخوردی آیا این خبر راست یا نه فرمود که هرگز
 کندم نخورد از نان جو هرگز سیه نخورد عایشه فرمود که حضرت رسول صلی الله
 هرگز از نان جو در روز سیه نخورد تا از دنیا رحلت نمود مرویست که
 آنحضرت از نان طعام نخورد تا از دنیا معارفتم نموده و نان تنگ هرگز
 میل نفرمود عایشه گوید که همیشه دنیا بر ما دشوار بود و تیره تر بود چون

را

آنحضرت از دنیا رحلت نمود دنیا ریخت بر ماصیبت های گوناگون در کمال غم
 مذکور است که حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که خوش آنحضرت بیشتر از آن
 تا از دنیا رحلت نمود ریخت کرده اند که آنحضرت اجابت دعوت مملوک کردی
 و بر پس مرکب خود سوار کردی و طعام خود بر زمین نهادی و چار بار طرب تاول
 نمودی و چار بار نمک نیز خوردی و میوه ای تر میل نمودی و دوستی را
 نزد وی انکسور و خربزه بانان خوردی و گاهی با شکمرا کل نمودی و گاه خربزه
 با رطب تناول نمودی و گاه بود که بهر دو دست تناول نمودی ریخت
 که روزی حضرت رسول الله علیه و آله نشسته بود و رطب تناول میفرمود
 و استخوان آنرا بدست چپ گرفته و بر زمین انداختی که ناگاه کوفته
 نزد وی گذشت اشاره نمود کوفته را به استخوان رطب بدست
 راست خوردی و بدست چپ استخوانها را به او میخورانید چون فارغ شد
 کوفته گرفت و ریخت چون آنحضرت روزه داشتی افطار بر طب کردی
 و انکور را داد و از خوردی و گاهی گوشت تناول نمودی که قطرات او
 بر میسن مبارکش چکید آنحضرت چنان خوردی و خرمای نیز تناول نمودی
 و آب بر بالای ایشان تناول مینمود و بیشتر طعام آنحضرت خرمای بود
 و آب و سایر جمع و نمودی میان شیر و خرمای و نام آن نهادی طبیسن
 و بیشتر آنچه خوردی ریسه بود و سحور به آن کردی و گویند جریل علیه السلام

از جهت او ریسه از پشت آوردی و با سحور خوردی و گوشت پنجه و بریان با نان
 خوردی و گاهی عقیده نمائیل نمودی و گاهی نان نیز خوردی و دوستی را
 طعام مهانزد و گوشت بود و فرمودی که گوشت در قوت شنوایی
 و پنبائی می افزاید و میفرمود که گوشت نیکو ترین طعامهاست در دنیا و آخرت
 و اگر من از غذای تمه و پنجه استم که هر روز طعام من گوشت شتر چنان میکرد
 و آنحضرت تربد با گوشت و کد و خورده و دوست داشتی کد و را میفرمود
 که این از درخت برادر من است و او را کد و خوش آمدی و آنحضرت
 مرغ خاک خوردی و گوشت وحشی و گوشت مرغ که صید کرده میسوزند
 بخوردی و نا صید کردی اما دوست داشتی که صید کرده نزد وی آورند
 و پنجه سازند و بخوردی و دوست داشتی نان بر و غنچه را و از کوفته
 با چوب دست و گوشت شتر و از ناخوش سر که دوست داشتی و از سبزیها
 کاشنی و با در و ج و قلعه الا بصار که او را کلم گویند و آنحضرت بخوردی
 سیر و پانز را و اگر اسس و عیار که ده و بقایای دست که کسب از آن خوردی
 و از آن در آن پیدا بودی که آن موجب بوی دهن بودی و هر کس طعام را
 بدست نکردی و بچشیدی آنرا اگر خوش آمدی خوردی و اگر نه بگذاردی
 و آنحضرت اگر چیزی از طعام خوشش نکردی بر دیگران حرام نشاختی
 و بد گفتی و چون از طعام خوردن فارغ شدی دست بخت خود را میزدی

و دست خود را بر ستمال پاک کرده ای یکبار می کشی و می گفت که معلوم
 که برکت در کدام تخت و آنحضرت تکرار خوردی و چون تکرار نمی بوی
 تفقد کرده بر چیدندی و نزد آنحضرت آوردندی و فرمود که خوردن تکرار
 و دانه ها را نافع است و چون کشتان بریدی دست شستی و چون پاک شست
 خوردی خاصه ستمار را نیکو شستی و بقیه آب در دست مبارک خوردی
 و بدان روی مبارک خود را مسح کردی و نامحکم بودی تنها طعام خوردی
 و می فرمود که آثار این کرم به بیان شما گفتندی یا رسول الله و فرمود که تنها
 طعام خورد و بنده مملوک را زنده و منع بدید نماید **فصل چهارم**
 در وصف حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ایشان آمدن **در** آنحضرت
 چون آب آشامیدی ابتدا بنام خدای تعالی کردی و قدری از آن آب بکف نفس کشیدی
 باید نفس ستایش الهی بجای آورد و باز معاودت کردی بنام خدای تعالی
 و قدری آشامیدی و باز پس کردی و الحمد لله بجای آوردی و در خوردن
 بسم الله و سه الحمد لله گفتی و آب می کشیدی بر آن نوع نه می کشید که پاک
 می کشیدن آشامیدی و می فرمود که در دیگر از آب خوردن نیست که بیکبار در کف
 و آنحضرت در وقت آب خوردن غرض در آب نزدی و چون غرضی که نفس کشیدی
 ظرف را دور کردی و گاهی بکف آب خوردی و آب از قوسهای شیشه
 خوردی که از شام می آوردند و از کاسهای چوبین و ظرفی که از پوست ساخته بودند

و از ظرف خالی نیز آب خوردی و گاهی بهر دو کف مبارک خود آب نوشیدیدی
 و فرمودی که هیچ ظرفی بهتر از کف دست نیست و از دانه ای که تکرار می خوردی
 و دانه ای که تکرار می خوردی و می فرمود که در صحن آب خوردی و چیدن مشک
 آب بر بوی می شود و سواره نیز آب خوردی از مشک و بوی و از هر ظرفی
 که اتفاق افتادی و نیز آب که بر شیر دو شیده بودندی و گاهی بوی
 نوشیدیدی و آن جو است با کد م نیم رس بریان کردی و فرمود تا کوبیدی
 و آبی بر آن بزدی که بوی از اسب بوی گویند و نجاسات و دوت و دوت
 نزد آنحضرت آشامیدی بودی که شیرینی در دهان باشد و در رعایت
 و در دست که در شیرین شربت ها نزدی شربت شیرین سرد بودی
 و گاهی آب بر بالای اصل نوشیدیدی و گاهی شربت ساختی و نان در آن
 کردی و فرمودی که بهترین آشامیدنی دنیا و آخرت آب است پس مالک کعبه
 که آنحضرت یک شربت آب وقت افطار نوشیدیدی و یکی در هنگام صبح و گاهی
 نیز یکی گفتانندی و گاهی بودی که شربت بودی و هم او گویند که شربت آنحضرت
 نان در شیر ریزه کرده بود که چون از مسجد بخارج می افطار کنند دیر شد و نیامده
 مکان بروم که مگر کسی او را دعوت کرده من آنرا خودم بعد از نماز حضرت
 با ساقی تشریف آورد پس رسیدم از همراه وی که مگر کسی حضرت را همراه
 کرد یا در مسجد طعامی تناول نموده گفت نه جای افطار کرده من بهایت ملک

بمتر که خداوند آن غنیمت را در آن غنیمت ملامت کرد اگر آنحضرت طلب نماید آن طعام را چه حاجت
 چون شربت آنرا بروی من نیاورد چون پاسبی از شربت بگذشت قدری شیر
 از برای آنحضرت آوردند در آن حال ابن عباس آمد و بجانب راست آنحضرت نشست
 قدری از آن شیر را ساقی می کرد گفت یا بن عباس آنچه در ظرف مانده است اگر
 رخصت دهی که از آن چیزی بنجالد هم چرا که او سیال از تو بزرگتر است ابن عباس
 گفت لا والله که من نیم خورم رسول الله صلعم را یکی دهم پس گفت و انشا
 و گویند این غلیظ و زنی آنحضرت طرشی آورد که در آن غسل شیر بود
 ابا فرمود از خوردن آن و گفت دو شربت در یک شربت نیم خورم و بر
 کسی نیز حرام نمیکرد آنم لیکن کرده دارم فخر و حساب بزیادتهای دنیا
 و دوست دارم فروتنی که هر که تواضع کند از برای رضای خدا تعالی
 و حق جل و علا مرتبه او را بلند گرداند **فصل پنجم** در ذکر محلی از سایر
 احوال آنحضرت از روغن مالیدن و جام پوشیدن و غیر آن آنحضرت
 چون سر و محاسن مبارک شستنی با رک شستنی و دوست داشت
 روغن مالیدن و کرده داشتی در شستی و زواید که موی و میفرمود روغن
 مالیدن بر بدن پیر و خرد و اند و حرا به اصناف روغن تدبیر کردی
 و چون روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن نمودی و بر روغن نقش
 ترسین کردی پشتر کفنی او بهترین روغن است و اول تدبیر کردی

بر و او بر و بعد از آن بهر دو شارب بعد از آن قدری بر بنی چکانیدی و بر بومی
 و آنحضرت جهت در و سر او را روغن مالیدی و شاربین را چکان کردی
 روغن که غیر آن روغن نبود و محاسن نیز به آن تدبیر نمودی در موی
کردن آنحضرت روایت است که گاهی خود سر و محاسن شریف را شانه کردی و گاهی
 زبان و مویها که افتاده نگاه داشتندی و گویند مویها که در دست مردمان
 آن مویهاست **روایت** که مویی که در ج و عمر تراش کردی چو علی السلام آنها را
 به آسمان بردی و گاه بودی که در یک زده مویها را بر سر مبارک را شانه نمودی
 و فرمودی که شانه کردن دفع دیامیند و هر گاه شانه کردی از زیر سیال
 چهل نوبت و از بالا بر پشت نوبت و فرمودی که دفع ناید میکند و بلغم
 پیرد در بوی خوش روایت است که حضرت رسول الله صلعم و آنکه
 بشک تطیب نفرمودی و برفق مالیدی و مذکور بود با تطیب کرده
 مشک است و غیر و گاه بغالیه نیز خود را خوشبوی ساختی و گاهی زنان
 آنحضرت تطیب کردند و بعد و قماری بخورد کردی و در شربت تاریک اندک کس
 او را پسند از بوی خوش و براد استندی و گفتی که این معطر است
 و روایت از حضرت الصادق علیه السلام که آنحضرت بر بوی خوش شپش
 اتفاق و احسان نمودی که بر طعام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
 که حضرت رسول الله صلعم را سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه

اورا سایه نمود و دیگر آنکه چون از راهی که شتی بعد از دور و زیاده روز
معلوم میشد که بوی عرق مبارک است و دیگر آنکه هر چه سبکی و درخت
نمک شتی بکار او را سجده کردند و هیچ بوی خوش بر او عرض نکردند الا آنکه
از و خبری قبول کردی و به آن تطیب فرمودی و گفتی بوی خوش خوبست
و اما آن سبک و اگر تطیب نکردی آنکه مبارک بر آن نهدی و بدان
و لعن نمودی و فرمود که لذت من در دنیا از زناست و بوی خوش تو خوشم
من از بهشت نماز و روز بهشت **در سرم کشیدن** روایت که حضرت
رسول الله علیه و آله سه نوبت سرم را در چشم راست کشیدی
و دو نوبت در چشم چپ و فرمود که سرم نوبت در چشم چپ میتوان کشیدی
اگر زیاد و کم بکشند پاک نیست و گاهی که حال نمودی دروزه بودی
آنحضرت را سرم دانی بود که در شب بدان سرم کشیدی و کحل می
بودی **در بیان نخستین** در آنکه حضرت رسول الله علیه و آله
در آنکه نمرستی و دست مبارک بر بوی محاسن شریف فرود آوردی
و زمین و ترتیب دای بشان زدندی و گاهی نظر مبارکش آب افکند
و خود را در آب ترتیب و ترتیب **تجسس** نموده از آنکه نزد اهل خود
برفت و این را عجایب گفت و قتی که میخواست نزد اصحاب رود
در حالتی دید او را و گاه نظر بومی انداخت که در آن آب بود در او

شاید به حال میفرمود عایشه گفت پدر ما در من فدای تو باد که در کوزه چنین
آینه روی خود را دیدی و راست کردی و حال آنکه تو پیغمبر و پسر حلقه فرمودی که
میدارد خدای تعالی باینکه را که چون نزد برادران رود و خود را بمبار خست
در بیان ماییدن چیزها در بدن روایت که حضرت رسول الله علیه و آله
امروز فرمودی و دیگری با طلا کردی از بالای چپش تا محل پستان بنداز و زنا
پایین تربست خود ماییدی روایت که آنحضرت در هیچ سفر از خود جدا نکردی
شیارش و عن و سرم و آن معراض آینه و سواک و شانه در روایت دیگر
که با وی ریمان و سوزن و تنویر بودی که جامه را که باره شده بود میدوشت
و کفش را پند روی چون سواک کردی بعضی کردی و بطول **در بیان نخستین**
روایت که آن شعله پوشیدی و از آن از ازار ساختی و کلیمه دوزنک که از آن
نمره کویند از آن نیز ازار ساختی و آن ز پیا و خوشش آینه بود چو سیاه
نمره و غیدی از ظاهر بود از جسد مبارکش از سابقین و قدیمین فاسقین
و کوفین و قتی که میخواست سجده تعاقب و روح اطهری نمود او را نمره بود
که در پی عبدالله شمل بفته بودند آنرا پوشید و از دنیا رحلت نموده آن نمره
از و مانده بود و چون با مردم نماز گذاردی شعله پوشیدی آنس که بید
که بسید بود که آنحضرت با نماز پیشین میکند و با وی شعله بود که هر دو
بر گفت مبارک میبود عهد کرده **در بیان ظاهر و در بیان** روایت که رسول الله

طاقت در زیر دست پوشیدی و دستار و طایفه بر سر نهادی و دستار
 بی طایفه پوشیدی و طایفه های سفید و طایفه یمنی بر سر نهادی و بگفت
 که مرد و کوشه را از دو طرف داشتی و بعضی سبز بودی و گاه بودی
 که طایفه ها از سر بر گرفتند و در پیش رو آوردند و نماز بسوی او گذاردند
 و آنحضرت در سفر کاهای عمامه سیاه بر سر بست و در غیر سفر نیز بر بست
 و گاه بودی که چربی پوشیدی چنانکه کوشه ها و گردن جان پوشیده شدی
 و گاه بودی که دستار بست که بر گردن بر پشانی محکم و از عمامه آنحضرت
 مستقیم بستن بودی و بسیاری دیده میشدند و همچنین و آنحضرت را دستار
 بود که او را سنجایی میگفتند و آنرا ابوالموئین علی علیه السلام را داد و گاه
 که بر آن نزد حضرت رسول الله ص رفته گفتی علی علیه السلام آمد در حجاب
 یعنی دستاری که بوی بخشیده بود عایشه گوید که روزی حضرت رسول صلعم
 با حبیب و صف و عمامه پروان فرمود پس در میان مردمان بمنبر برآمد و خطبه
 بلند داد فرمود که من ندیده بودم از خلق خدا و هر چه کس حال بد آن و حال
 که من مشاهده کردم در این عمامه و در میان لباس پوشیدن **آنحضرت**
 چون جامه نو پوشیدی فرمود که **الحمد لله الذی کفانی ما یؤادی**
عشره و اجمع **بیر فی الناس** و چون جامه را بر کردند از جانب چپ
 ابتدا کردی و از عادت آنحضرت بود که چون لباس نو پوشیدی ستایش

بسیار فرمود **حق جل جلاله** او دعای دیگر خواندی و میبینی طلب نمودی و جامه
 که نو بودی ادا می فرمودی که هر مسلمانی مسلمان را جامه نو پوشاند خاصه از برای رضای
 خداوند اما او در زمان حق جل جلاله و او را از خداوند عاقبت و غمزه
 باشد در زندگی و مردکی و آنحضرت چون لباس نو پوشیدی برخواست
 و راست بایستادی پیش آنکه خانه بیرون رفتی گفتی **اللهم**
انشرمت و ایاک توجهت و بک اعتمدت و علیک
توکل اللهم انت نعمتی و انت جانی اکنی میا الهی
و ما لا الهی و ما لا الهه سیر و ما انت ذودی لا اله الا
ربی عن جارتک و جعل ثناءک و لا الذینک اللهم
ذودنی التوفی و اغفر لی ذنبی و خیر لی خیر حیث ما
توجهت بعد از آن پروان فرمودی برای حاجتی که داشتی و آنحضرت را
 دو جامه بود یکی خاصه از برای روز جمع و دیگر از این روزهای دیگر و آنحضرت
 خود منید بود که روی مبارک خود در آنوقت کردی از وضو و گاه بودی
 که بطرف ردایی که بروی بود روی مبارک را پاک میساخت **در بیان**
آنحضرت روایت که حضرت رسول الله صصلی الله علیه و آله آنکشتی
 نقره در آنکشت کردی و نمکین او جفتی بودی و آنرا بطرف کف برداشتی
 و گاه آنکشتی جدید در دست داشتی که معاد بن جبل پس از آمدن

برای وی آورد بود که محمد رسول الله بر نقش کرده بود و آنرا در دست راست کردی و مرا حضرت زکریا انشتری بود از نقره که نگینش ظاهر بود و بختی مردمان او را در دست میکنند و در آن محمد رسول الله نقش کرده بود و استیجا برت جی کردی که انشتری نقره درو بودی و نگینش نقش انداشته لیکن جی وی آنست که انشتری در دست راست داشتی تا از عالم حرکت و کاهی انشتری در انگشت میثا کردی و در بند دویم از آن و کاهی در انگشت مسجور کردی که پهلوی انگشت بزرگت و در انشتری ریخته بستی که نزد اصحاب آمدی تا آن که روی بشم و مهر بر کتابت کردی تا از نهمة در امان باشد در بیان خصلت حضرت مرویت که غلین پوشیدی بر مثال کفش که میان آن با ریک و پاشنه جبهه و پنجه آن پهن بودی برستوی که در شام مید و زنده بسیار پوشیدی غلین که در موی نبودی چون ابتدا به پوشیدن غلین فرمودی از پای راست ابتدا کردی چون از پای در آوردی است از پای چپ کردی و کاه امر فرمودی پوشیدن غلین هر دو با هم و گندن هر دو با هم زیرا که مکر و بهیشتی که یکی پوشد و یکی نه و از مسج هر دو نوع پوشیدی در بیان جام خواب روایت که جام خواب حضرت ماحلی که از دنیا حلت فرمود از پلایها وادی غری بود از پرشم شتر پر کرده گویند درازی آن و زرج بود مانند

پنجاهی آن گزی و جسی بود مرویت از حضرت ابراهم علیه السلام که جام خواب حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله از ابایی بود و مشکای او بود بود بر زلف فرماشی بران خواب کرد و جاش فرمود که مرا جام خواب از ناز مسج کرد فرمود تا از اینکای کردند و خوابی داشت از پوست و بر زلف فرما و گویند که آنحضرت صدرا فرماش بود از ابایی تا از دنیا نقل فرمود و کاه دو تیر کردی و بسیار بودی که از بالش از پوست میساخت بر زلف فرما و او را قطیقه بود قد که کردی بران نهادی و بدان خوش فرمودی تا آنچه دشت مصری و کوتاه ریش و کلی میزد داشت از موی که برانستی و کاهی بران نماز گذاردی در بیان خواب روایت که حضرت رسول خواب کردی بر روی حصیر که چرخه زبر آن نبود چون اراده خواب می نمود سواک میکرد و چون بجام خواب رفتی بر جانب راست جا میدی و دست راست در زیر گونه راست نهادی و فرمودی اللهم قنی عذابك يوم تبعث عبادك يا الله يا رحمن درین باب روایات مختلف است از آنجمله آنست که چون بجای خواب رفتی فرمودی اللهم انی اعوذ بک من معافانک من عقوبتک و کونک برضاک من خطاک و اعوذ بک منک اللهم انی لا استطیع ان ابلغ فی الشکر علیک و کونک صحت انت کما اتمیت

عَلَى نَفْسِكَ وَدَرخواست کردن گفتی که جَنَّمَ اللَّهُ أَمْوَاتُ لَحْيَا
 إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ اللَّهُمَّ مِنْ وَدَعْنِي وَأَنْتَ عَوْنِي وَأَنْتَ غِيَاثِي
 وَآيَةُ الْكَرْسِيِّ خَوَانِي وَفُتُوْدُ كَهْرَبِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و بم گفت با محمد
 عَفْرَتِي اَرْجُوْكَ تَزَالُ كُنْ كَرْدَه كَرْدَه وَفَتْ خَوَابِ بِرُتُوْطُ طَرَابِدِ بِرُتُوْطُ بَادِ كِهْ اَكْرَهْ كَرِهْ
 بَخَوَانِي دَرِ فَتْ خَوَابِ رَفْتَنِ وَدَرِ فَتْ پیدار شدن **روایت** از امام محمد باقر
 كه حضرت رسول صلم هرگز از خواب برخاستی الا آنكه حجتی بجا آید بجا بگذری
 و روی نیاز بر زمین نهادهی و دیگر گویند كه آنحضرت خواب نكردهای مگر
 بر بالای سر نهادهی و چون از خواب پیدار شدی اول مِوَاكُت كردی
 و فرمودی كه ما مَرُشْدِیم مِوَاكُت كردن تا غایتی كه رسیدیم كه بر من
 واجب كرده اند شده باشند و چون از خواب درآمدی گفتی اللَّهُمَّ
 الَّذِي أَحْلَيْتَنِي بَعْدَ مَوْتِي اَرْجُوْكَ لِقَائِي بِرَحْمَتِكَ بَعْدَ اَزَانِ
 فَرَمودی كه اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْیَوْمِ وَفَوْقِهِ
 وَهَذِهِ وَفَوْقَ كُنْتِهِ وَطَهْوَرُهُ وَمَعَا فَايَةَ اللَّهُمَّ اِنِّیْ
 اَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا هُوَ وَخَيْرَ مَا هُوَ ذَلِكُ مِنْ شَيْءٍ وَشَرِّ
 مَا بَعْدَهُ **در بیان مِوَاكُت** روایت كه آنحضرت هر شب سه نوبت
 مِوَاكُت نمودی كنوبت پیش از خواب كنوبت در محل برخاستن از خواب
 و كنوبت پیش از آنكه بخارج بر روی رود و چو آب اك مِوَاكُت كردی فرمودی

بهر روز

كه هر شب طریقت تمام مرابن فرموده است **روایت** از امام جعفر علیه السلام كه مكره میدارم كه مكر
 بگردم و كنوبت از ستمهای رسول الله صلی الله علیه و آله را فرود كنم و كنوبت باشد
باب دوم و **عمر** در آداب پاكي و خوشبویی و سر كشیدن و در غنای پاكي
 و مِوَاكُت كردن شمس بر سه فصل **فصل اول** در پاكي و خوشبویی
 و آنچه در حكم آنست **روایت** از ابی عبد الله علیه السلام كه امر المؤمنین علیهم السلام
 كه پاكي كنند از آب از بوی كنده كه حجتی بجا آید و نوازشش میدارد و بندگان
 نپاك را و هم از آنحضرت مرویت كه شستن جام غم را میزداید و پاكي
 از برای نماز و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده كه ای انسان! بسیار پاكي
 جام را كه حجتی بجا آید دعا می فرماید در عمر پس از آنكه توانی چنان كن كه شب در روز
 با طهارت باشی كه اگر با طهارت بمیری شهید مرده باشی و این در روز عظیم
 ذكر كود است **روایت** از امام جعفر الصادق علیه السلام كه هر كه وضو بسیار بزد
 و اندام را خشك كند مرا و او را يك حسنه باشد و هر كه وضو كند و خشك
 و بگذارد و ناخود خشك شود حسنه دارد و یوان حال او بنویسند روا
 كند علی بن ابی طالب كه شنیدم از ابی الحسن علیه السلام چهار چیز است كه از اطفال
 انبیاء علیهم السلام خوشبویی بودن و لباس بودن بكن نگاه داشتن
 و موی ستردن از جسد بنوره و نزدیکی بسیار بزن كردن و **در بیان**
بوی خوش مرویت از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله كه بوی خوش

دل اوقوی میدارد و این را مالی طوسی مذکور است امام جعفر علیه السلام فرمود
 که حضرت سجاد علیه السلام دوستانه میدارد جمال نیکو و زینت و خوشبوی و مکر و مکر و
 کز قیاد و ترش روی و چو کبی را بدستی که حضرت سجاد علیه السلام هرگاه نعمتی بر بند
 نمیداد و جهت میداد که اثر آن نعمت بر آن نایاب باشد پس سید بن طاووس
 فرمود که پاک دارد و جامه را و بوی خوش بکار برد و خانه را بعد از نماز نیکو
 بچسبید کند و اطراف خانه را بپار و بربود و چراغ روشن کند و شمشیر
 فروزین آفتاب منع فقر میکند و در روزی می افزاید ابو عبد الله فرمود که
 چهار خصلت از سننهای پیغمبر است صلی الله علیه و آله مسواک کردن و حاد بوی خوش
 و تروکی با زبان و هم آنحضرت فرمود که هر روز بوی خوش بر خود کردی و اگر
 نیافتی غایب خود از زمانه کفایتی و آب بر آن فشانی و بر بدن مبارک خود مالیدی
مرویت هم از آنکه رسول الله علیه و آله فرمود که قبول کردم از دنیای شما
 که زن و بوی خوش را و فرمود که آنچه بوی خوش صرف کنی اصل است
 و بیکر فرمود که هر که از شما ریختن است که باید که بویید و بر چشم خود مالید
 که آن از بخت غیر شتر است ملک جنتی گوید که بوی خوش ریختن بخت
امام جعفر ع از مردم بوسیده و چشم نمالید و فرمود که هر که از این چنین چیزی بود
 و چشم نمالید و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد غیر تا آنکه خدای تعالی او را پاد
روایت از رسول الله ص که هرگاه برادر شما را برای شادی یا درد رو کند

که او از بخت

که او از بخت آمده و روایت که امام رضا علیه السلام را از این بوی خوش
 که بوی خوش و غسل و سواری تعویذ است و دیگر حضرت امام مذکور فرمود که معلوم
 جای بود امام جعفر علیه السلام از بوی خوش و او نیز فرموده که بوی خوش از بخت
 پیغمبر است و بیکر امام جعفر ع فرمود که دو رکعت نماز گذاردن بوی خوش
 بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بوی خوش شنیده شود که بوی خوش
 از خصلتهای نبوت موسی است و بوی خوش بکار دشمن و بسیار شست
 با زبان روایت از امام جعفر علیه السلام که هر که میکند بوی خوش را که آن که وقت
 غسل است و بیکر فرمود که شستن بوی خوش کردن از اخلاق انبیاء کرام
 و بیکر از امام جعفر الصادق علیه السلام مرویت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 نافه شک بود چون وضو گرفت و دست او تر بودی و را بدست گرفت و معالجه
 شدی که آن حضرت رسول است که پروان آمده روایت که امام رضا ع از امام جعفر ع
 عطر دانی بود از رضا ص که در خانه او بخت بودی پس هرگاه که خوشی جامه را بپوشی
 عطر دانی را گرفت و از او مشک پروان آوردی و در اعضا مالیدی روایت
 که امام رضا علیه السلام بعد از هندی بسیار بخور کردی بعد از آن کلان بر بدن
 افشاندی و مشک بکار بردی روایت از امام رضا ع از امام جعفر ع از امام جعفر ع از
 این بکات امام جعفر الصادق علیه السلام مرویت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 فرمود که بر شما باد این عود و حندی می ریشی که در روغن و عود و عود است

و خوشبوی ترین بویها مسکت و هم او فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله بوی خوش
 پیش از طعام بکار بردی و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود مرا ای محمد بن
 که بر تو باقی بوی خوشی در هر روز جمعه که ارسته های منت و میسند
 ثواب آنرا نماند ام که آن بوی خاص از تو می آید و دیگر فرمود که سزاوار است
 که مرد بکار برد هر روز بکار و اگر نتواند در هر روز جمعه بکار دیگر حضرت رسول
 که هر زن که بوی خوش بکار برد و از خانه بیرون آید ببلعت باشد تا بار خانه آید
 و است از فرام که با ابی الحسن سلام بحکم رفقم چون بکار کن بر آن
 بجم طلب کرد و بخور کرد و فرمود که از بجم نصیب بگیرد روایت از امام جعفر
 که گفت سزاوار است که مرد و بخور کند جامه های خود را و است که پسر بر
 امام حسن سلام را بولیم طلب که طعام عروست آنحضرت ابی فرمود از
 جهت که روزه داشت پسر ز پر کف تخم برای تو با ورم که لایق روزه دار باشد
 آنحضرت قبول فرمود او بوی خوشی در روزه آورد آنحضرت روغن باجه من
 مبارک آید و جامه ها را بوی خوش بخور کرد که امام حسن سلام فرمود که
 زن آنست که میوراشاد کند و بخور بکار برد و است آنحضرت امام جعفر
 که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که بوی خوش زن آنست که زکمش ظاهر باشد
 و بوی خوشی مخفی و بوی خوش مرد آنست که بوی خوش ظاهر باشد و زکمش مخفی
 و بیان کل و کتاب در کتاب ابی حمزه السلام روایت کرده حسن بن

که چون حضرت سالت پناه بمعراج فرمود زمین از رفتن آنحضرت عکس شد و بر
 بر آورد و چون باز آمد خوشحال شد پس کل بر آورد هر که خواهد که بوی پخته
 بشود کل بوی کند و در حدیث دیگر و روایات که چون آنحضرت بمعراج
 فرمود عرق جسد مبارکش بر زمین چکید از کل سسج بر وید پس آنحضرت
 فرمود که هر که خواهد بوی من بشود کل سسج بر وید انس روایت کرد
 که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود در شب معراج کل سفید عرق من مخلوق
 و کل سسج از عرق جبرئیل و کل نرد از عرق براق و دیگر روایت آنحضرت
 که کتاب بروی امی افزاید و درویشی می برد شمال از آنحضرت روایت کرده
 که هر که کتاب را در روی والد در آن روز می و درویشی به او نرسد
 و هر که خواهد که کتاب بکار برد بر روی و دستها مالده و بر سینه و آل او
 و نرسد و است از امام حسن علی السلام که پیغمبر صلوات الله علیه دست نرسد
 بر بخت و میفرمود که این سید را یا حیثت در دنیا و آخرت و است
 و است که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که زکس را فضایل سید
 و ثواب چهار است در بوییدن او و از روغن او مالیدن و است
 که چون مرد و یا آنش افروخت از برای سون حقن ابراهیم علیه السلام خوش بوی
 و بوی قدرت خود آنش بر و خنک سلامت گردانید و زکس بر و یابند
 پس اصل زکس آنست و بیان از زکس انس مالک روایت کرد که حضرت رسول الله

فرمود که بر شما باد بنگر داشتن مرز انکوش که بوبیدن آن دماغ را بغایت نافع است
روایت که اگر کلی باریکانی نزد آنحضرت آوردند می بوبیدنی باز پس دادی
 الامم را انکوش پس آنرا اندادی **روایت** از امام موسی علیه السلام که رسول
 فرمود که مرز انکوش نیکو رنج نیست بسته از ساق عرش و آب او شغای از پاره
فصل دوم در سرم کشیدن دروغ بایند در کتاب من لایحضر الفقیه روایت کند از
 امام محمد باقر علیه السلام که سرم کشیدن مژه را میر و یاند و نور را بصره را
 زنده می نماید و یاری میکند در سجود و حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود
 که اعوانی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله اند قلب نام چشمهای او تربو و حضرت فرمود
 که ای قلب چشمهای تو بر اثر می بینم بر تو باد سرم کشیدن برستی که آن چراغ
 حشمت دیگر فرمود که مسواک کردن بوی دهنی باری برد و سرم کشیدن
 دیده را جلا میدهد **روایت** از امام رضا علیه السلام که هر که را ضعف بصر باشد
 باید که هفت میل از سرم بکشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ است
 که آن مژه را میر و یاند و دیده را جلا میدهد و فایده مند میگرداند و آب
 دهن را خوش میبازد و اشک چشم را بازمی دارد و دیده را روشن میسازد
 میدهد و حق سبحانه و تعالی فایده میگرداند او را از آن سرم کشیدن بعد از
 سستی دیگر فرمود که هر که ایمان بخدا دارد باید که سرم بکشد
 و بر تو باد سرم کشیدن که در بای می افزاند **دیگر** فرمود که هر که ضعف بصر

باید که وقت خواب کردن هفت میل سرم بکشد که روشنایی دید میدهد
 از امام رضا علیه السلام روایت که سرم کشیدن شب بوی دهن را خوش میگرداند
 و منفعت اوباقی مانند چهل صباح و کمر فرمود که سرم کشیدن در قوت می
 و هم از روایت که امام رضا علیه السلام که پیشتر سرم کشیدن حضرت رسول
 در شب بودی و در چشمی می کشیدی و هم از روایت که سرم
 کشیدن در وقت خواب امانت از نزول آب این فضایل گوید که حسن
 بن حمیر میگوید از آن بمن داده که بر آن سرم کشیدی و من هم می کشم
 با هر خادم روایت میکند که یکی عرض کرد بخدمت امام رضا علیه السلام در
 منزلش دست نمی دارد در زینت را فرمود که از خدا برتس و سرم
 بکش از دست بگذارد **روایت** از رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سرم
 کشد باید که طاق بکشد که بغایت خوب است اگر چنین کنم کند باکی نیست
 و هم روایت از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که سرم بکشد
 طاق کشد و هر که بخورد طاق کند هر که استنجی کند طاق و هر که استنجی
 کند بجزت طاق کند و دیگر فرمود که بر شما باد سرم کشیدن که
 بوی دهن را خوش کند و بر شما باد که مسواک کردن بصر را جلا میدهد
 فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله مسواک بلغم را ببرد و جلا میدهد و دیدگان را
 و چون سرم می کشی بلغم را ببرد و دهن را خوش می کند و دعای

که در محل سر کشیدن بخواند اللهم انی اسألك بحی محمد وآل محمد
ان تصلي علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصیری و البصیرة
فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة
فی دینی و السعة فی رزقی و انک کذلک ابد الما یقین
 در بیان روغن **مالیدن** ابو جعفر بابویه روایت کند از امام رضا علیه السلام
 که هرگاه روغن بیت مایه می کنی اللهم انی اسألك ان ترزقنی
فی الدنیا و الآخرة و اعود ذلک من الشین و الشان فی الدنیا
و الآخرة **دیگر** فرمود که روغن مالیدن نرم میکند بشیر را و می فراید در دهان
 و آسان می سازد راه آب را و دیر خشکی را و روشن میکند زبان را و دیگر
 فرمود که هر که روغن کاه می کند سما فی را بنویسد خمس سحر از برای او بعد
 از سوختن نوری در روز قیامت و هم از او روایت که روغن مالیدن سختی و تنگی
 و اندوه را ببرد و **دیگر** روغن بنفشه بهترین روغن است و رسول الله صلی الله علیه و آله
 در وصایا فرموده مرا ایر المؤمنین علیک سلام که ای عاتق اول کنی نتوان را
 و روغن باو مال پس بیشتر که هر که بخورد زیتون را و با او روغن را و را
 تا چهل سال شیطان نزدیک او نکند و دیگر حضرت ایر المؤمنین علیک سلام
 میفرماید که بکار بر روی روغن بنفشه را که آن سرد است در تابستان گرم
 در زمستان و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که فضل بنفشه بر دیگر روغن ها بخور

فضل منت بر سایر مردمان **دیگر** از او روایت که روغن باو بکشد در در میان
 و طاق و چنان سوزد که **فصل در مسواک کردن**
 در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده از رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که در نماز
 جبرئیل میفرمود مرا بمسواک کردن تا آنکه برتسبدم که دندانهای من
 شود یا بریزد و همیشه وصیت میکرد بر رعایت همایکان با کمال
 که دندان باشد که میراث ببرد و دایما میفرمود مرا بر رعایت و خاطر عوی ملکوت
 که تا کمال بر دم که زود باشد که بجهت او مدتی مقرر کرد که در آن مدت آزاد
 شوند امام موسی کاظم علیه السلام تحت سیب دندان فرمود که خوردن ایشان برتر است
 و مالیدن ایشان جسد را کند میسازد و مسواک کردن در خلایق و دهن پدید می آید
 در روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مسواک کردن می فرماید در فصاحت
 و دیگر فرمود که چون بروزه باشی باید مسواک کنی و در آخر روز
 مسواک کنی زیرا که هر روزه دار که لبان او خشک شده باشد
 در آخر روز نوری از روی او تابان باشد و در روز قیامت **دیگر** فرمود
 که خوب چربیت مسواک کردن بچوب زیتون که آن درخت مبارک است
 زیرا که میگوید در دوستی دندانها را و آن مسواک منت و مسواک
 که پیش از من بوده اند **دیگر** فرمود که چهار خمر است که سنت پیغمبر علیه السلام
 خست که در آن و بوی خوش بکار برون و نکاح نمودن و مسواک کردن

امام جعفر علیه السلام فرمود که چهار چیز است که سنت انبیاست بوی خوش
 و مسواک و حنا و نثار است که امام موسی علیه السلام فرمود که شستن با
 ناپار است از چهار چیز سجاده از برکت خدا که نماز بر آن گذارند و انگشت
 در دست راست کنند و مسواک نمایند و پیش از خاک قبر امام علی علیه السلام
 سازند که سی و چهار درانه باشد و دود و دگر سی و دانه که مجموع صد و
 چون بزرگ چون گردانند بنویسد رحمت سبحانه و دعا بجهت هر دانه چهل
 اگر آن را به سو و عیث کرد اند بگوید پسند برای او است حسنه حضرت
 رسول صاعه فرموده در وصایای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که ای
 بر تو باد مسواک کردن نرود وضو و وضو و وضو است امام جعفر الصادق
 فرمود که چون مردمان برین اسلام آمدند که و ده کرده از آب مسواک در خانه
 که دلی ایشان تنگ تر بود و دمان ایشان پاک تر گشتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله
 و پاک دمان ایشان از حصیت فرمود که ایشان مسواک میکردند و دمان
 جاهلیت بدینی که داشته اند دیگر فرمود که هر چربی را چربی پاک میکنند
 پاک کننده دمان مسواک است امام محمد باقر عا فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله
 بسیار مسواک میفرموده و واجب نیست پس حضرت بر نیاید ترک آن
 در بعضی از آیام و یکی نیست مسواک کند در روزه رمضان در هر روز
 روزه و نیز یکی نیست در محرم و مکره است در حرام مسواک کردن کفایت

برکت امام محمد باقر عا و امام جعفر الصادق علیه السلام که دو رکعت نماز مسواک
 بر سر است از بقاء دو رکعت نماز به مسواک دیگر امام محمد باقر عا فرمود که ترک کنند
 مسواک را اگر چه هر سه روز یکبار بشوید دیگر بعضی صلوات الله علیه فرمود که سر را ببطون
 بمشید و مسواک را بعضی دیگر امام الحاد و جعفر الصادق علیه السلام ترک فرمود
 مسواک را پیش از شستن پاک به و سان بجهت ضعف دندان دیگر بعضی صلوات الله علیه
 از برادر خود امام موسی عا فرمودی که از مسواک بپشت میکرد هرگاه که برخواست
 بنماز شب و حال آنکه قادر بود بمسواک کردن بگوید فرمود که هرگاه ترس از
 آمدن صبح بکافی نیست و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله شستن نمی بود بر امت
 هر آنکه امر می کردیم ایشانرا بمسواک کردن نزد نوی هر غازی را و دیگر
 شکایت کرد بوی خدای تعالی به آنچه میرسد به او از نفسهای شرکان پس بگوید
 و می فرستاد که روشن چشم تو ای کعبه که من اینها را ببل میکنم بجهت
 بقوی که پاک کرده باشند و از این اشباح کل درخت باریک پس صلوات الله علیه
 چون تسبیح است حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که در انداختن مسواک در خانه
 آورد امام جعفر عا فرمود و مسواک کردن دوازده فصلت یکی آنکه نیست
 دیگر پاک کننده دمان و روشن سازنده دیکان است خشنود کنند رجعت
 و سفید سازنده دندان است و بر کننده میان آن و حکم کننده گوشت بر دندان
 داشتند آرنده طعام و بلغم را بمرد و در غوطی افروید و مضاعف

و شاد شوند بر او فرشتگان در جمیع اوقات **رویت** که حضرت امام رضا علیه السلام
 کعبه بود در پنج مسواک و هر یک مسواک نام یک نماز نوشته بود از نمازی
 و در کتاب طب ثمر المعتمدين علیه السلام وارد است که مسواک کردن شستن
 میسازد دنیا کار او میرود و مانند موسی را و می برد انک چشم را در وصایای
 حضرت رسول الله صله الله علیه و آله امرای المؤمنین علیه السلام و رو یافته که ای علی بر تو باد
 بمسواک کردن اگر توانایی داری چیزی از آن کم کنی که هر نماز بر آن مسواک
 میکند ای فضیلت دارد بر نمازی مسواک تا چهل روز **رویت** که حضرت امام رضا علیه السلام
 فرمود که هر چنانچه از بر سر بصره از آن زایل شد بخال او مسواک و حجامت دیگر
 حضرت رسول فرمود که پاک کنید راه قرآن را بر سید که یا رسول الله چه
 خیر است راه قرآن فرمود دنیا نهایی شامت گفت بچ پاک سازیم فرمود بگو
 دیگر فرمود که پاک سازند دندانش را که محل سرور و تسبیح **رویت**
 که امیر المؤمنین علیه السلام که مسواک کردن موجب رضای الهیست و زنده سازند
 سنت رسالت نباهی و پاک سازند دنان و کجای **رویت** از ابی عبد الله
 که مسواک کردن در ستن جودش بوی دمانست و آواز منقول است از حضرت
 علیه السلام که هر چه بیز بیزم را دفع میکند و در حفظ می افزاید مسواک کردن
 در روزه و شستن و قرأت قرآن **باب سیم در آداب حجامت**
 و آنچه متعلق است بدان بر شش فصل شصت و یک **فصل اول** در کینه حجامت

و در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده اند از محمد جعفران که او روایت کرده از امام رضا علیه السلام
 که چون حمام داخل شوی در وقت باده کن کن که **اللهم اغفر عني ذنبي**
 التفاق و ثبتني على الإيمان و چون بخانه اول روی بجوی که
 اللهم اغفر ذنبي من شئ نفسي و استعبد بك من اذاه و چون
 بخانه دوم روی بجوی اللهم اذهب عني الرجس النجس و طهر جسدي
 و قلبی و فرای که از آب کرم و بریزد بر میان سر و بر پای خود و اگر
 تواند جز بر آب شامه که مانند سر را پاک میسازد بعد از آن در خانه دو
 در نهان کن چون در آن بخانه سیم بگو **نعوذ بالله من النار و**
اسأله الجنة و این دعا تا زمانی که وقت بیرون آمدن از حمام نرسد بخند
 کنی از آب سرد خوردن و نفع آن ایشان حده را فاسد سازند و آنست
 بر خود میریزد که آن موجب ضعف بدنت و بریز آب سرد را بر قد های خود
 که بیرون آید که آن در دراز بدن تو بیرون می کشد چون جامه پوشیدی
 بگو اللهم السنی التقوی و جنبی الردی هرگاه که از چنین کردی این
 از هر ردی و پاک نیست از خواندن قرآن رحام ما دام که مقصود به آن آواز
 خوش باشد هرگاه بر تو آزار باشد محمد بن مسلم بر سید از امام محمد باقر
 علیه السلام که از شستن با منی میفرماید آن قرآن در حمام فرمود بر آنکه آنکس حمام نشسته
 علی بن قلیب بر سید از امام موسی که قرآن در حمام نشوید آن خانه و کجای متوان کرد

فرمود که بکسی نیست و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که حمام نیک است که در وقت
 بیا و آدم می آورد و چون بدن را بشوید دیگر گفت بدخانه است که کثرت عورت
 میکند و بیجا می برد امام جعفر علیه السلام فرمود که بدخانه است حمام که کثرت عورت
 می نماید و کثرت عورت می نماید و دیگر گفت خوب خانه است حمام که گرمی آن در خانه
 بیا و اینک می رسد و از آداب حمام می آید که مرد و زن خود را بجام نبرد که نظر
 بر عورت او کند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که هر که ایام بخند
 در روز قیامت دارد باید که جلیه خود را نگیرد بجام دیگر فرمود که منع می نمود
 زنا است خود را از رفتن حمام امام موسی فرمود که مرد نباید بجام طعام
 بخورد و ابی عبد الله فرمود که مرد بجام نبرد و زن شام خوری را طعام
 تا حرارت معده شمار افروشد و بدن را تقویت کند و در وقتی که شکم شارب از
 طعام باشد بجام مروید و فرمود که بکسی نیست مرد را قرآن خواندن در حمام هرگاه
 قصد رضای الهی باشد نه خوشنویسی ابو یوسف روایت کرد که بیدم از ابی عبد الله
 که ایام در بر نه می تواند شد وقت زینت آب که کثرت عورت کند یا بریزد بر سر
 یا او چند عورت مردمان را فرمود که پدرم کرده می داشت هر یک از اینها را
 ابی عبد الله فرمود که بر پشت نمی باید در حمام که بپاشد می کند از دهنش
 کرده اند از امام جعفر که چون از حمام بیرون می رفت تمام می بست و می فرمود که
 تمام را ترک نکردم وقت بیرون آمدن از حمام نه فرستادن تا بستانم و تمام

در حمام

فرمود که بجام می برد باید رفت دیگر و زن که هر روز بشوید را می کند از دهنش
 زیاد می کند امام رضا فرمود که کسی که بای نشوید بعد از بیرون آمدن از حمام
 نیست و اگر نشوید نیز بکسی نیست **فصل در حمام** که روزی امام حسن از حمام بیرون آمد
 گفت طاعت است حمام یعنی در باره حمام شما حضرت فرمود که این چیست که می گوئی
 گفت فطاب حمامت یعنی خوشنویسی و حمام تو باز کثرت فرمود که هرگاه خوشنویسی
 حمام من پس راحت بدن چیست باز آمد فرمود که فطاب حمامت یعنی خوشنویسی
 با دوق تو و یکت ایام است که جمیع عورت گفت پس هر کس که فرمود که بگوید
 طاب ما طهرت و طاهر ما طاب منک یعنی خوشنویسی و خوشنویسی
 و پاک باد این خوشنویسی از تو امام جعفر علیه السلام فرمود که چون کسی در وقتی که
 از حمام بیرون آید گفت طاب حمامت که بود جواب او انعم الله بک و حضرت
 رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که در بر سر کون است و جواب رس کون در و یا
 بخت غلبه کونست یا از کثرت صفرا یا از کثرت بلغم بیرون وای خون مجام
 و دوی بلغم حمام و دوی صفرا درد و حرکت امام جعفر الصادق علیه السلام
 فرمود که سپهر بزرگ افزون می سازد و سپهر لاغر آنچه بزرگتر می کند
 بسیار حمام رفتن و بوی خوش استعمال کردن و لباس نرم پوشیدن
 اما آن سپهر که لاغر می سازد بدن را تخم مرغ بسیار خوردن است و ما
 خوردن و بسیار بجام رفتن هر روز امام محمد باقر علیه السلام فرمود

کتاب حمام را با کی نیست مگر آنکه او را ماده باشد و او دو بر سه جان گوید که
 من آن حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام را پرسیدم که چه میفرماید در آنجا
 فرمود که او بنزد آب حمام است محمد بن مسلم گوید که من پرسیدم از ابی عبد الله
 که در آب حمام جنب غیر جنب غسل میکند فرمود که نیکوتر و باکی نیست
 چون غسل کردی و بدون آمدی هر دو پای خود را بشوی اگر بخت آنکه آلوده باشد
 و تازه گوید که امام محمد باقر علیه السلام را دیدم که از حمام آمد و ندیدم که پا
 شسته باشد امام جعفر علیه السلام میفرمود که پای بشوید چون از حمام بیرون آید
 که در شقیقه را تسکین میدهد و چون بیرون آید حمام به بندید و بپوشید
 گوید که امام محمد باقر و امام جعفر الصادق علیه السلام از حمام میفرمودند و میگفتند
 که هر گاه یکی از شما بحمام رود و حرارت بر او غالب شود آب سرد را بر خود
 که حرارت را تسکین میدهد منقولست از امام رضا علیه السلام فرمود که اگر کسی
 در روز شنبه و جماعت کند در روز چهارشنبه و بحمام رود در پنجشنبه
 و بوی خوش بپاشد بر بوی درجه **فصل دوم در پوشیدن درکتب** بر لایحه الفیه
 آورده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدای تعالی دارد
 و روز قیامت بگوید و در آب مگر به از او برتر که جماعتی را از او بگذران
 بر آب کاشته اند پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام از غسل کردن آنجا
 فرمود چون او را کسی نپندد رواست و فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

منع میشود از فرو رفتن در آب بی لکت زیرا که شیطان نظر میکند در آن
 بر منگی طلع می نماید در او پس پوشانید از او مرویت که سعد بن عبد الله
 از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید که چیست که کسی بحمام بآید و آنرا بپوشد
 فرمود که باکی نیست مگر آنکه در ایشان اندازد باشد و برهنه نباشد مثل
 ریختن از امام جعفر علیه السلام که بخت بدست نظر کردن بچورت مسلمانان و آنکه
 زعمان مثل نظر کردن بچورت حمار و دیگر فرمود باید که نظر نکند بچورت
 برادر خود پس هر گاه بر او پوشش باشد پس رو چرخ نیست دیگر فرمود که را آن
 عورت نیست حدیث بر بنصور گوید مرابی عبد الله علیه السلام را که مردمان میکشیدند
 که عورت نمون بر نمون عوام است گفت نیست همین که بران فرستد اندویش
 تا که اگر از او بغرض با چیزی که او را بداند عیب کنند آنرا پوشانند و فاش نشوند
 که بنا در روزی از اسامه بن شکران گفتند او را **فصل سوم در بایده و نهی** در روغن
 در کتاب من لایحه الفیه آورده از امیر المؤمنین علیه السلام که در حمام شستن
 مخفی کند که چه کرده را میگذارد و پای خود را بفعال نماید که خدام نمی
 و گویند که آن کل مصر و سفال شام است **فصل چهارم در بایده و نهی** در روغن
 بپای فرزند که بر من می آورد و روی را بحمام پاک مسازد که بر او
 می برد و امام رضا علیه السلام فرمود که در حمام روغن زیت و سبون
 نایدن رواست و چیزی که خایه بر بدن میرساند اصراف نیست اصرا

تغیالت و چیزی که مقتدرت بدن رساند امام جعفر علیه السلام فرمود که روزی
خوش بکار دشتن دوست و درایم بکار دشتن سنت نیت و درین
اثر او بر او و همچنین از امام رضا علیه السلام پرسیدند که در جام بعد از
نوره روغن بر بدن مالیدن دوست اصراف نیت فرمود که اگر بخورده و در میان
اصراف نیت و تلف مال که ضرر بدن رساند اصراف است و اما اصراف نیت
پرسیدند که این رسول الله اقطاع چیست فرمود نهان با نمک خوردن
که تو انما می بخیر آن دشت باشد و گفت اقطاع یعنی بماند روی فرمود که نهان
و گوشت بکار و بار و غنی نیت یکی فصل چهارم در تراشیدن موی سر
و انداختن آن باقی در کتاب من لا یحضر الفقه آورده اند که بفرستد رسول الله
فرمود مردی را که سر تراش که آن در جمال تومی افزاید امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که تراشیدن مرد در حج و عمره مکروه است برای دشمنان و جاهلست
از برای شما و هم او روایت کند که تراشیدن سر کوفه کافر است و جمیع کم مافی
تراشیدن و بعضی را بگذارید دیگر فرمود که گوشت را بچندت حضرت نعمان
عبد الله آوردند که برای او دعا کند بر سر او کاکل بود و دعا نکرد اما سر او را
تراشیدند دیگر آنحضرت امر فرمود تراشیدن موی سر مرد نیست
که رسول الله علیه السلام فرستند و سر تراشیدن اما چیزی که عنه
و بقدر موی برایشان تصدق نمود و عقیقه فرمود و قابل را از آن گوشت

داد و فرمود که چون سر تراشید از طرف پشانه بنیاد کنید و این دعا کنید
بسم الله و بالله و عالتة رسول الله و آله و سلم اللهم اعطنی
بیک شئ قوتی و قوتی القیتة چون فارغ شوند بگویند اللهم فی
بالتقوی و جنبنی بالزویا امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که باکی نماید
در موی هفت روز بنوره یا در پانزده روز پرسیدند هم از آنحضرت
در ازای موی فرمود که اصحاب رسول الله سر تراشیدند پیش از آنکه دراز شود
و دیگر فرمود که موی بینی کنید که در یک موی روی می فراید یک روز فرمود که حضرت
رسول الله و آله و سلم فرمود که هر که ایمان بکند او روز قیامت در موی
زمار زار زاده از چوین و زنگار دارد و زنی که ایمان بکند او روز قیامت دارد
عنان نیت که موی زمار بکند از زیاده از نیت روز روا امام جعفر الصادق
فرمود که هر که ایمان بکند او روز قیامت دارد که موی زمار زیاده از نیت
بکند و و بصر کجا که بکار نوره بکند و پس هر که زیاده از این بکند و نماز
و حضرت رسول الله فرمود که مرد وزن باید که تراشند موی سر را
از امام جعفر الصادق علیه السلام روایت که حق سبحانه و تعالی امر فرمود که
که باکی کن پس از آن تراشید دیگر فرمود که بنوره زایل سازید بقدر
در جام که کندن آن دوشه را ضعیف می سازد و ضعف بصر می آورد
دیگر فرمود که موی بقل تراشیدن بهتر است از کندن و نوره نهادن بخیر است

از تر اشیدن و حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود که از آن که در موی بقیل می
می برد و آن پاکست و سنت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت رسول صدام
فرمود که موی بقیل را در آن که شیطانی در او نهاده باشد و بقیل
نیست که نوره نداشته زیرا که نوره در پاکی می آید اما جمیع الصادقین
فرمود که زمان پادشاه و ابراهیم هر سال بود و شریعت ابراهیم عاریش
بتوحید و اخلاص بود و از بت پرستی منع می نمود و آن فطرت دیرینه بود
که بر آن فطرت خلاق مخلوق شده بودند و بر پیمان گرفته بودند که غیر خود را
پرستند نه موی شریک نیابند و دینی و امر فرمود بمعروف و نیکو دینی
از شر و حکم نبود بر وی احکام قرض مواریث و زیاده فرموده بود او را
در سن خفیه که آن خست که دست و موی سبیلت گرفتن موی بقیل را
کردن و داخل چیدن موی را از تر اشیدن و امر فرموده بود او را بنای خانه
که بت و مسکات حج پس از آنکه شریعت او بود که از موی بقیل که در موی
امر فرموده بود ابراهیم علیه السلام که پاکی کن پس گفت موی سبیلت را بکن
فرمود که پاکی کن بعد از آن گفت موی بقیل را باز فرمود که پاکی کن تا خنجر
دیده فرمود پاکی و در پس موی را از تر اشیدن باز فرمود که پاکی و در
پس خنجر که در فصل پنجم در کتاب خط و در کتاب در کتاب من لایحضره الفقیه
آورده اند که حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که شش تن است که خط می

هر روز جمعه اعانت از خدا و بر صفت دوزخی می آید و در هر یک و در هر یک
که شش تن است که خط می آید و حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود که
شش تن خط می آید که پاکی بر او نود کی را دفع می کند و آنست که رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل و فرمود که سر را برکت کن و بشوی که سر را زنده کنی
اما موی موی علیه السلام فرمود که شش تن است که سر می کشد و دوزخی را امام
جعفر علیه السلام فرمود که بشوید سر را برکت سر که پاکی بدهد کرد
او را هر ملک مقرب و نبی مرسل هر که خود را بشوید برکت سر حق سبحانه و تعالی
بکند و زنده شود و سر شیطانی را هر که دفع کند و سر شیطانی را نافرمان
کنن بهشت و داخل شود و هم از دوزخیت که هر که سبیلت را بکند و داخل
پنجیند و سر را خط می شود در روز جمعه حکم آن دارد که بده آزاد کرده یا
جای جعفری گوید که با امام محمد باقر علیه السلام شکایت کردم از عاریش سر فرمود
که آب مورد کوفه بگیر و در سر که تند بریز و نیکو بر هم زن بضر هر چه
تا که بر آرد و بعد از آن شش محاسن خود را بدان بشوی بهر قوه که داری بعد
از آن مجال و عن کچند فصل ششم در نوره و در کتاب من لایحضره الفقیه
آورده اند که امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که خواهد نوره ببرد
که نوره را و نزدیک بخنی بر د و بگوید اللهم احکم سلیمان بن داود
علیکما السلام کا امر بالتوراه نوره او را نوره از انست و الله بمرور

که هر که بنشیند در آن حال که نوره نهاده باشد ترسیده باشد و از و باو
 حکم بر عین گوید دیدم امام محمد باقر علیه السلام را که بر آن خنای خود میسپارید
 فرمود ای حکم چه میفرماید این گفتیم چگونه اما نزد ما جوانان این کار میکنند
 فرمود ای حکم هرگاه کسی نوره نهاده و آن خنای او متغیر نشود به نسبت مردگان
 باکی نیست اگر تغییر کند بخانا آن رنگ برنگند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرمود که هر که خوابت حق سبحانه و تعالی او را ایمن میگرداند از جهنم بر حق
 و اکل و ائمه و منین علی فرمود که روز چهارشنبه نوره نهید که خمس مستحب است
روایت از امام ضیاء الله السلام که هر که روز جمعه نوره گذارد بر سر مستجاب شود
 باید که هفت کند الا خود را امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که خانه اندون
 اثر نوره امانت از اعدایم و بر حق رسول صلیم فرمود که پنج خیر است که بر حق
 پیدا میکند نوره نهادن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن بر آب
 که بر آفتاب گرم شده باشد و در خجابت چربی خوردن و زدیگی کردن بزین
 حالت حیض و به اشتها طعام خوردن **روایت** که هر که بنهد بعد از آن چنان
 بر تمام بدن بالندق عاویذ و بر او **باب چهارم** در آداب اخراج چیدن
 و بر دست گرفتن و سر شانه نمودن و اصلاح محسن نمودن و در آینه نگه داشتن
 و مجامعت کردن و بر چهار فصل شملت **فصل اول** سلمان خلیفه
 گوید که گفتم مرا ابی عبد الله علیه السلام که با چشمم در روز جمعه فرمود علی کردارم

موسی بن مکر گوید که گفتم مرا امام ضیاء الله السلام که اصحاب با میگویند که رفتن
 بروت و باخ روز جمعه و نسبت فرمود سبحان الله بکبر هر روز که خواهی از
 جمعه و غیر آن را زیارت ایام **روایت** از جعفر الصادق علیه السلام که ناخ چیدن
 و بر دست گرفتن و سر شانه نمودن و در آینه نگه داشتن و در آینه نگه داشتن
 او از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت میکند که هر روز جمعه ناخ چیدن و سجاده نهادن
 از ناخنهای بدن بردن و شفا دار آوردن **روایت** فرمود که ناخ چیدن و بر دست گرفتن
 در روز جمعه امانت از اعدایم تا جمعه دیگر و مردی گفت که گفتم مرا عبد الله بن
 که گفتم که برادر چربی در طلب کردن رزق گفت بگو اللهم توکل امری
 و لا یخیرک **روایت** از امام ضیاء الله السلام که بر این امام جعفر الصادق را فرمود که من ترا
 تعلیم کنم ترا در رزق بر چیزی که فایده تر باشد از این گفتم بفرمانمود که برو
 و ناخن خود را بیک روز جمعه **روایت** از ابی عبد الله علیه السلام که رسول الله
 فرمود که هر که بچیند ناخن خود را در روز چهارشنبه و شنبه و بر دست بگیرد
 ایمن شود از درد دندان و از در چشم حلق گوید که امام رضا علیه السلام را دید که در
 چشم و چشم فرمود که ای دلالت چشم بر چیزی که چون از اجای آن می روی
 در چشم کشی گفتم علی بن ابی طالب علیه السلام که بچیند ناخن خود را در روز
 پنجشنبه چیدن کردم و بگرد چشم کشیدم که امام محمد باقر علیه السلام فرمود
 که کسی که در روز جمعه ناخ چسبند و بر دست بگیرد و در حال چیدن بگوید

که چون بر ابراهیم موی سفید در محاسن خود دید فرمود ای پروردگار من این چه پستی
فرمود که این چه قار است گفت بار خدا یا زبده کردن و قار مراد است از این عیب است
که باکی نیست چیدن کردن موی سفید از محاسن آن چیدن آن کند و خبر است
پیغمبر ام منی فرمود که ریش را دو بار شانه کند روزی آنحضرت ریش را شانه میکرد
بر آب در کتاب نجات آورده که هر که خواهد که در آن کمره بماند که این را بگوید
چپ کرد و بگوید بسم الله و بنده است راست خود را بر فرق سر خود بگذارد
و بر روی خود فرو آورد و محاسن را بگیرد و نظرد و آنرا بگوید و بگوید الحمد لله
الَّذِي خَلَقَنِي مِنْ سُوءٍ وَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَجْعَلْ لِي فُتُورًا وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ
مِنْ خَلْقِهِ تَقْصِيلًا وَمَنْزَعًا بِالْإِسْلَامِ وَرَضِيَهُ كَدِّبِي
و چون آینه را از دست ببرد بگوید اللَّهُمَّ لَا تَغَيِّرْهُ مَا بَيْنَنَا
مِنْ عَمَلٍ وَجَعَلْنَا لَا يَغْفِرُكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ رسول الله صلى الله عليه و آله
فرموده در وصایای امیر که با علی چون در آیین نظر کنی بگو اللَّهُمَّ
حَصَّنْتَ خَلْقِي أَمَامَ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُوهُدِ كَمَا كُنْتَ تَكُونُ
خَلْقِي فَأَحْسِنْ خَلْقِي وَصَوِّرْهُ كَمَا كُنْتَ تَصَوِّرُ مَا شَاءْتَ
مِنْ عَمَلٍ وَكَرَمِي بِالْإِسْلَامِ فَضْلٌ سِيمِ دَرْسِ كَرَمِ مَوِي
در کتاب من لا یخیر العقیقه آورده که از امام جعفر الصادق بر سر سینه از قول
که خُذُوا مِنْ نَفْسِكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ مراد از شانه ریش نزد هر نمازی

و این حدیث در کتب معتبره است

دیگر فرمود که شانه کردن امانت از عیبتهای بدن و روزی می فرماید و موسی را
نیکو میسازد و حاجت را بر می آورد و پشت را قایم میکند و دفع بلغم میکند
و فرمود که موی شانه کردن دفع و با می کند و ریش را شانه کردن دندان را قایم
میسازد امام موسی علیه السلام فرمود چون موی سر و ریش را شانه کند شانه را
بر سینه بمالد که دفع و با و بلغم میکند امام جعفر الصادق فرمود که هر که
اعتقاد نوبت ریش را شانه کند و یک یک بشمارد و چهل و نوبت شستن آن نزدیکی
وی برود در روضه الوافی این آورده که رسول الله صلى الله عليه و آله محاسن را
از زیر چپ نوبت و از بالا نوبت و میفرمود که در ضمن می فرماید
و بلغم را می برد امام موسی فرمود که بجان شانه کند که و بار دفع میکند
امام جعفر الصادق فرمود که شانه و روغن آن کسر مردان از عیاج باشد
و حضرت رسول الله ص فرمود که موی نیکو از کسوت حضرت عزت است
بر کسی و این را از امام جعفر الصادق فرمود که کسی که ریش بر آرد باید که
نیکو تربت نماید تا گوشت کند حضرت رسول الله ص فرمود که شخصی است
ریش را شانه کند بلای قرض گرفتار شود دیگر فرمود که در حمام ریش را شانه نکند
که موی تنگ میشود دیگر فرمود که بگوئی بشه اشانه بشه درو
از برود و فرمود که سر را بر روغن چپ کردن تنگی را ببرد
دیگر فرمود که هر که موی سر را و فرسازد و فرق کند خج عیادت و حاجت

از راه آتش فرقی کند و موی رسول الله ص در کثرت بخد فرقی نی رسیده
 که فوق باید کرد قیسم و بگوید که من از ابن عبد الله رسیده که شانه و با
 روغن را باستان میل می تواند بود فرمود که بی لیکه و کج و حمت از نقره با
 سوال که نذا طرف طلا و نقره و در روغن می فرمود که روایت
 گفت بعضی روایت میکنند از امام حسن علیه السلام را اینست بود که بنقره شود
 بودند فرمود که بلکه طاهر آن از نقره بود امام محمد بنی امام حسن می گویند
 که سر را شانه کنید بجان که موی را می رویند و گرم از روغن پیر و صفر
 می نشاند و بن دندان را محکم می کند امام موسی ص فرمود که با بی تیوان
 و شانه کردن موجب ضعف است و شستن موجب قوت بسم الله
 که ریش را شانه کردن از عقب هر وضو و رویشی امیر روایت از امام
 که هر که از شما خواهد که سر را شانه کند بنشیند و شانه را بدست راست گیرد
 و نوبت بر فرق سر و بگوید در محل شانه کردن اللهم حسنین شری طینهما
واصرف عني الوباء بعد از آن سر را شانه کند و بگوید اللهم لا
تردني علي عقي و اصرف عني كيد الشيطان ولا تمسكني
 من قيادي ثم ردي علي عني بعد از آن هر دو بار و شانه کند و بگوید
اللهم زينني بزيك المهدى بعد از آن موی را بشوید با لایا شانه
 بعد از آن که از زیر بنا لایا شانه کرده باشد در هر دو حالت بگوید اللهم

شرح عني الغموم المغموم و وحشة الصدور و وسوس الشيطان
 بعد از آن اما از لایا بخواند و در روایت در و یا و از حضرت امام محمد باقر
 که سر شانه کردن بخم را دفع میکند و شانه کردن ابروان صدم را زایل میکند
 و از آن هر دو عارضه اند از آن محکم می سازد بر رسیدن از و تر اشیدن سر را
 فرمود بسیار نیکوست فصل چهارم در حجامت کردن امام جعفر الصادق علیه السلام
 فرمود که خون را نشانه است پیداشدن دانه در جسد و خارش و چیزی مانند
 مورچه در بدن و دیدن و در حدیث دیگر آورده که آوردن خواب است و
 و آنحضرت هرگاه میبایست بسم الله فرمودی که نظر کنید در روی
 پس اگر زرد پسند آن از غلک صفر است پس فرمود ای پاشا که اگر رنگ
 او سبز است از غلک خونی است حجامت می باید امیر المومنین علیه السلام
 روایت از حضرت الطه من الله عید الله که گوید که حجامت کنید
 چون خون غلک کند انگیس را بکشد روایت کرده انصاری از امام
 که با وقتی که خون حضرت رساند در دل شب حجامت کنید امام جعفر ص فرمود
 روزه دار فرماه رمضان هرگاه حجامت میکند باکی نیست اما در ماه رمضان
 خون برودن بخت که مقدار سوزن شرم و دیگر فرمود که حجامت با در ماه
 در شب و در غیر آن در روز یکشنبه و حجامت موالیان مادر و در شب
 و دیگر فرمود که نباشا حجامت کنید و دیگر فرمود که بحام مروید در وقت

که شکم تا بر اطعام باشد و تا چیزی نخورد اندک حمامت نکند که آن
 روان تر است از برای عروق و آسان تر از برای خون و قوت دهنده از
 برای بدن رویت کرده امام موسی علیه السلام که حمامت بعد از چیزی خوردن
 زیرا که چون چیزی خوردی و حمامت نمودی جمع میشود خون و پرون می آید
 و آلتها جمع میشود و در خون پرون می آید و دردی ماند زیرا حمامت گوید
 که من در خدمت ابی عبد الله علیه السلام بودم پس حمام طلب نمود و مجسمه را
 شست و بر محل حمامت گذاشت یک تیر تیرا دل نمود و چون فارغ شد اندر
 دیگر طلب نمود و بخورد که صفرا می نشاند رویت که آنحضرت فرمود
 یکی از اصحاب خود را که چون خواهی که حمامت کنی و خون پرون آید از مجسمه
 پس بگویش از فارغ شدن و در محل حمامت روان کنی خون بگو
بسم الله الرحمن الرحیم أعوذ بالله الکبیر فی حمامت
هذه من العین فی الدیم و من کبر شوبه و باز فرمود مرکب ازین
جمع کرده خیر از برای که حق سبحانه و تعالی در کتاب خود آورده و گو
گفت أفکل الغیب کانت کثرت من الخیر و ما من
السوء ابو نصر گوید که پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام که چه چیز
 باید خورد بعد از حمامت فرمود که کاشنی رویت که چون
 ابی عبد الله علیه السلام حمامت مینمود بجا میزد و میگفت که قند یا زرات

چیزی می آورد و میفرمود که شکم خوردن بعد از حمامت خون تازه را بعروق
 می برد و قوت می افزاید رویت از امام موسی علیه السلام که حضرت رسول الله
 فرمود از شما هر که خواهد حمامت کند باید در روز شنبه حمامت کند و امام محمد باقر
 فرمود که حمامت در روز یکشنبه شفاست از هر دردی و هم از آنحضرت
روایت که گذشت بر قوی که حمامت میکردند فرمود که چه میشد اگر تاخیر میکرد
 تا آخر روز یکشنبه تا آن در را از بدن شما نبرد رویت از رسول الله
 میفرماید که حمامت در روز شنبه بود عصر ابو سعید خدری گوید که رسول الله
 فرمود که حمامت در روز شنبه بخندیم ماه یا نوزدهم یا بیست یکم یا بیست
 شفاست از دردی تمام سال روایت که از امیر المؤمنین علیه السلام
 که رسول الله ص فرمود که هر که روز چهارشنبه حمامت کند عارض شود
 برص پس حمامت نکند نفس خود را روایت از امام جعفر الصادق علیه السلام که
 که هر که حمامت کند در آخر روز یکشنبه آخر ماه در در از بدن او تمام بدن
 کشد روایت فرمود که خون جمع میشود در موضع حمامت در روز یکشنبه
 بر من زوال آفتاب شد متفرق میشود پس بگره خود را از حمامت
 پس از زوال و نهی میخورد از حمامت کردن در پیشین روز جمع میفرمود
 از آنکه کسی بخواند در وقتی که خواهد حمامت کند امام موسی علیه السلام
 فرمود که حمامت را از دست مگذارد در منضم خیزان ماه

رومی پس اگر آن فوت شود چاره هم آن باشد و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است
 که رسول صم حجامت میفرمود در سه روز هر دو شانه و قفای خود و اولی را
 با حجامت گویند و دوم را مغیث و سیم را منقذه امام جعفر صادق علیه السلام
 فرمود که کودک چون چار ماهی شد در هر ماه یکبار حجامت کند که لعاب
 دماغ از آن میگذرد و ماده را از سر فرومی آورد و بدن را پاک میکند و آن
 معاویه بن جهم گوید که امام محمد باقر علیه السلام قضا در اطلب نمود و از شکم
 خود قضا نمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل اینچنینی را حجت
 و صیقت کرد که گمان بردم که وجهیست دیگر فرمود که حجامت زیاد میکند
 عقل او قوت حافظه را **روایت** که مردی سگیست که پیش امام جعفر صادق علیه السلام
 از خارش بدن فرمود که حجامت کن سه نوبت یا در هر پایی یا میان پای
 گفت حجامت کردم زایل شد شکوه که مردی نزد امام ضیاء السلام
 از حر فرمود که آن را بخار جگر است فصد کن از پای راست و در غن
 بادام شیرین با آتش جو خور و مایه که جو خور چون نیکو بداندن الله
 صحیح شد **باب پنجم در آداب نیکه موی کتفی** بر شش فصل **فصل اول**
 در فضل نیک کردن و ترغیب در آن ذکر منافع آن در کتاب نیک موی کتفی
 آورده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که کسی را بخار نکند که دوده را
 رویش میکند و موی را می ریزد و بوی در بدن خوش میسازد امام جعفر صادق علیه السلام

فرمود که خانه اندان در چشم را ساکن میسازد و آب روی را می افزاید و بوی را
 خوش میسازد و دوده را نیکو بکشد و اند و از ابو موسی علیه السلام فرمود که کسی را
 بخار نکند که بدن بیدار نیست رسول است **روایت** که شخصی نزد رسول
 آمد و ریش را در آن زده بود آنحضرت فرمود که نیکوت نوبت دیگر آنست
 کرده بود خنده بر آن حضرت غالب شد فرمود که این نیکوتر است از آن هر دو نوبت
 و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود حضرت ابو موسی علیه السلام را که ای علی یکبار هم در خضاب
 صرف کن: بهترین است از هزار درهم غیر آن در راه حق سجا باشد چو در آن چیده
 اول آواز گوش را دفع میکند **روایت** چشم را روشن میسازد **روایت** بوی بدن را
 ببرد **روایت** و دندان را محکم میسازد و دفع میرساند و فواید را **روایت** و مرض را
روایت و دوسو شیطان را دفع میکند **روایت** و ملائکه را خرم میسازد **روایت** و کافران
 بخشم می آورد **روایت** و زینت و آرایش و پاکیزه و آسایش و منکر و بیکار
 بر هم می آورد **روایت** و برانت و خلاصی و بقر **روایت** و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
 دوستی خضاب کردن تو بسوی خدای تعالی خضاب سیاه است امام ضیاء
 فرمود که در خضاب جو بسیار است بدستی که آن زیاد میکند عفت و صلاح
 و صورت زانرا بچنانکه یکبار تا صورت خوب می بیند خرم میشود
 و عفتش می افزاید بدستی که سیاهان پیغمبر دنیا را هزار زن بودند اندر
 قصر سیصد زن مهربان بود و مفضلشش کنیز بود و در هر روز شش

به سطر او با کبریا که در فصل دوم در رنگ کردن محاسن ابی عبد الله علیه السلام
روایت کند که مردی بنحیت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت نظر کرد موی سفید
در محاسن او دید فرمود که جوانی که پرشود در اسلام مرا و انوری باشد در وقت
زحان پس چون باز آمد بسیاری رنگ کرده بود محاسن خود را آنحضرت فرمود
که نه دست و اسلام دیگر براه بسیاری رنگ کرده بود فرمود که من نور است
و اسلام و ایمانی محبت زنان و ترس در دلهای دشمنان حسین بهم گوید
که زخم محبت ابی عبد الله علیه السلام دیدم که محاسن بسیاری رنگ کرده بود
گفتم فدای تو کردم خضاب کرد فرمود که در خضاب و در حرارت یک
خضاب و یکی تیره بسیار از پنجه می افزاید عفت زنان و اگر ترک کنند
زنان عفت را ترک میکنند شوهران ایشان تیره که برای ایشان میکنند
ابو عبد الله فرمود که امام حسین علیه السلام سر خود را و سر رنگ میکرد و در
چهری پیچید که امام خود الصادق علیه السلام که خضاب بود و مهرت برای دشمنان
و آنست برای زنان جابر روایت از امام محمد باقر علیه السلام که او فرمود چنانچه
محضت امام زین العابدین علیه السلام آمدند محاسن ابی سحر رنگ کرده بودند
از آنحضرت پرسیدند دست بجای حسن مبارک خود کشید و فرمود که
رسول الله صلی الله علیه و آله در غزای از غزوات فرمود اصحابی را که محاسن را رنگ
کردند تا نگاه داشته شود در مشرکان و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زینت

کنند مردان بشا بنحی دوست میدادند که زنان بر آن را رنگ کنند فصل سوم
در رنگ کردن موی و خاندان بردست از برای زنان چنانکه
که من از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم از رنگ کردن موی فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله
و امام حسن علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام خضاب نینموده اند بکرم و آن نسبت
که بوسه می افروزد و بر آن رنگ می کنند ابو عبد الله علیه السلام محاسن خود را زرد میکرد
بنحی و خا و من فرمود که خازن باید میکند جوانی را در جسد و روی می افزاید
اسماعیل توسع گوید که بخت امام رضا علیه السلام رفتم گفتم که کز رنگ دارم چون چش از
بر طرف شده فرمود که مرا و را بجا بگیر که زود باشد که عود کند چون چنین کرد
عود کرد و دیگر فرمود که در خضاب در خصلت یکی است در حریت و قال
و بخت زنان و باده برقوت که امام رضا علیه السلام فرمود که در خضاب ثواب بسیار است
و وقت باده برستی که زن دوست میدارد که مرد صورت و زینت خوب
و زنی اسرائیل از عفت و صلاح بفسق و فجور افتادند بخت این بود که
شوهران ایشان زینت کم میکردند و میگفتند که مایه شوایم از شما چنانچه
شما از ما میخواهید و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خا بهترین ریاضت
و قیام نمایند در خا پنج روز است در راه خدای تعالی دیگر فرمود که
خضاب اسلام زینت میدهد مومن را و می برد در سرد را
فرمود که آنچه تغییر میدهد بری شمار احاسن است و کم از المومنین علیه السلام

نقل نموده از آنحضرت که زکین شود بجا که می فراید در جوانی و جمال شما
 و قوت میدهد در نکاح شما و حسن روی شما انگاه میدارد و حق سبحان و تعالی
 بیانات میفرماید بشاوش تکان در پی در راه خدا صرف کردن حکم مفقود
 دارد و در پی در راه خدا صرف کردن حکم محنت نهرادر هم دارد
 پس هر که که مردی از شما منکر فیکر آمد و نظر گرداند بجا نیست شما
 حیا میکنند و میگویند یکدیگر که بیا تا برویم که ما را بر و راهی نیست
 و آنحضرت امر فرمود زمان شود در راه را و غیر شود و در آنحضرت
 در راه را بجهت آرایش او تا شود هر را خوش آید و غیر شود در راه تا ماند شود
 دست او بماند دست مرد **فصل چهارم در کرامت خانها و** در جن و جانی
 و پیوند کردن موی امام رضا علیه السلام فرمود که مکر و هستیش زنگ کردن
 مرد در جان جنابت و فرمود که کسی که جنب بشود و خائنه بداد و حال خضاب
 خود را جنب کرد اندامش نمیشود بر خود از اینکه شیطان در او داخل کند بدی
 امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که جنب مباشید و جنب مگردید
 در حال خضاب و زن جایض نیز همچنین که شیطان حاضر میشود نزد او
 و اما نصایب باکی نیست و سوال نمودند از یکی از ائمه علیهم السلام که بگوید
 که زن موی سر را بموی دیگر پیوندد فرمود که از موی خود شاری و از موی
 غیره سیلیمان بن خالد گوید که از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم از پیوند

موی زان فرمود که از موی زن بگیر و اینست اما از موی کوفته رو است
 عمار بن جاحلی گوید که گفتم مرابی عبد الله که مرده مان روایت میکنند از پیوند
 واصله و موصله را لعنت کرده فرمود بی گفتم اگر بموی جوان پیوند کنند چو
 فرمود که بایک نیست گفتم چو پیوند دارد واصله و موصله فرمود که مراد زن
 فاجره و فواید است **فصل پنجم در بیان کرامت** و آنچه متعلق است بدان عزیزان
 امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که پدر بزرگوار مرا آنشتری بود که آنرا
 بهشت دنیا را طلبا خرید بود پرسیدند از امام جعفر الصادق از آنشتری
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و بران نوشته محمد رسول الله پرسیدند
 که کین است فرمود که نه سکونی روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام که پیغمبر
 فرمود که حق سبحانه و تعالی پاک نمیداند دستی را که در دو آنشتری آهن باشد
در او روایت کند از پیران بزرگوار خود که رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود
 ما را بهشت چیز و نمیی از نعت چیز آنچه امر فرموده یک پرسیدن چهار و پوی
 بخانه و افشای سلام کوچک و بزرگ و یاری دادن مظلوم و اجابت کردن
 داعی در دست ساختن سوگند و جواب عاطس بر حکمت الله گفتند و از آنچه ما را
 آنشتری طلا و شامیدن چو بی بطرف نقره و نشستن بر زمین سرج و از
 بخیرای که کفایت بخیر و از پوشش ابریشم و دپا و از کینه و از
 کرده ابی عبد الله علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله میفرمود مرا بر المومنین

که برت که خدای از انکشتی طلا در دنیا که آن ریز تو خواهد بود در پشت
 و او دین سرخان گوید که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که چه کند است
 کو دکان را زین و زینت بطلان فرمود که پدرم از آن کو دکان خود را
 زینت میفرمود بطلا یکی غنیت امام موسی فرمود که پدرم غنی نبود از
 انکشتی که در کین بخاری باشد و فرمود که زین علی علیه السلام را بر آن
 شهید کردن کین بخاری در دست داشت **ریخت** که حضرت ابراهیم علیه السلام
 چهار انکشته بود یکی کین با قوت بجهت براندختن و دیگری کین عقیق سرخ
 بجهت ضبط در دست میکرد یکی کین فروزه بجهت طغ و فروری و یکی کین
 آهنی بجهت زد دست میکرد بجهت قوت اندازی و غنی میفرمود و شایع را
 از انکشتی آئین و وصیت میفرمود اصحاب خود را به انکه نقش کین نام
 خدا باشد و اردشتی که بر آن استجا میکند بگرداند بدیگر دست یعنی از دست
 چپ به دست راست آورد **ریخت** از ابی عبد الله علیه السلام که رسول الله
 فرمود که انکشته نفعی نمیکنند و انکشته عقیق خوشی نمی آورد و اگر
 فرمود که هر انکشتی عقیق در دست کند خوشی از دست خاست و عاقبت
 او را ببدل فرماید بامین و ایمان **ریخت** از ابی عبد الله علیه السلام که انکشته عقیق
 در دست کند که آن اول کوی بود که اقرار بر بوبیت خدای عزوجل کرد و
 محمد رسول الله علیه و آله و با امامت حضرت ابراهیم علیه السلام این ابی عبد الله علیه السلام

اول کوی بود که گفتیم که موسی بن عمر را بکلام هر که کین از آن کیندار و فضیلت
 از در کین هر نازی که بغیر آن گذاردند از انواع جواهرات الوان انکشتی گوید
 که من در خدمت امام محمد باقر علیه السلام بودم بدرخانه منصور دوانقی فریدی از نزد
 او بروی آمد و بر زبان بسیار زده بودند فرمود که ای سیاه نظر کن که در دست
 یکین انکشتی او از چه چیز است گفتیم رسول الله علیه و آله کین عقیق دارد فرمود که اگر
 یکینش عقیق می بود تا زنه نمیخورد گفتیم با رسول الله علیه و آله بپان زیاد کن فرمود
 که این ابانت از بریدن دست باز گفتیم بپان زیاد فرما باز فرمود که این از خون
 و ندای عزوجل دست میدارد دستی که بالابرند و در و یکینش عقیق باشد
 و عجب از دستی که در آن یکین انکشتی عقیق باشد و خالی ماند از دانه در دست
 گفتیم دیگر زیاده کن فرمود که آن خط است از مر بلا و امانت از فقر گفتیم
 این حیث از که میفرماید **منقوت** از ابی ابراهیم علیه السلام که هر که او را کینش
 نقره کند کین او عقیق بشمار نشود و حاجات او روا کرد و در وجه حسن
 و هم او فرموده که هر که انکشتی کین عقیق در دست کند که آن مبارک است
 بر شما و باشید در امن ایمان از جمیع بلا امام جعفر علیه السلام روایت کرده اند
 ز کور خود که مردی سکایت نزد رسول الله علیه و آله برد از حرمیان که با او
 مضرت رسانیده بودند فرمود که انکشتی نقره در دست انداختی که آن
 صاحب را نگاه میدارد از هر فتنی و مضرتی و هم او فرمود که هر که انکشتی

هم

عقیق در دست داشته باشد و بر آراف نگاه میدارد و بوی نیکی بر
 مادام که او درست است و همیشه خوش بوی او را نگاه دارد و آراف بر دست
 که مردی بخیرانی افتاده بود گذارن بجانب حضرت امام جعفر ^ع افتاد بدو فرمود
 که انکشتی عقیق را از دست بگذارد که در دستش که انکشتی عقیق بر سرش مگردانی نمید
 عبدالمؤمنان نصاری گوید که آنحضرت فرمود که قیامت شود مردی که در دست او
 انکشتی فیروزه باشد چنان میرود که در قیامت امام موسی ^ع
 در دست او انکشتی دیدم که کین او فیروزه بود و نقش او اِنَّ اللَّهَ الْمَلِكُ
 من نظر بوی او انداختم بوی او فرمود این بکینست که بر جبرئیل علیه السلام
 بجهت رسول الله آورده و آنحضرت بر این المؤمنین ^ع بخشید و نام او بکار
 فیروزه است و بعرفی ظفر ابراهیم ^ع فرمود که در دست کینه انکشتی که
 نگین او از جوی مانی باشد زیرا که دفع میکند شیطان هر کس را که امام جعفر ^ع افروزد
 که نیکو بکینست بگوید رویت که انکشتی زمره و یاقوت زرد و فیروزه
 میکند امام جعفر الصادق ^ع فرمود که نقش نگین حضرت رسول محمد رسول الله
 بود و نقش نگین ابراهیم ^ع اَلْمَلِكُ الْمَلِكُ و نقش نگین امام جعفر ^ع
اَلْعِزَّةُ الْعِزَّةُ از صفوان علیه السلام که نقش نگین امام القاسم علیه السلام
اَنْتَ رَافِعِي فَاَصْبَحِي مِنْ عِلْمِكَ رویت از ابراهیم بن حمید که نقش
 نگین امام ضابطه السلام خنجرش را اند بود و نقش نگین ابراهیم ^ع

نعم فرمود المقادی بود نقش نگین امام صفی الله ^ع اَلَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ
 محمد رسول الله علی ولی الله بود این خالک گوید که امام ضابطه السلام فرمود
 که من سجده می نمودم پنج ساله که چون تو وضعی که با تو اندر کشتی قرار
 گیرد تو هزار نوبت بگو اَلَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ و حاجت خود را بخواه چون سوار شد
 بکشتی باو نهند کشتی بالا گرفت و اضطراب پیدا کرد گفت تا نذر تو
 تبدیل گویم تیرسم شش از فارغ شدن من کشتی غرق شود پس بقصر فریاد
 کرد و تو نام گفت که کینوبت بگو اَلْفَا هُوَ هُوَ هُوَ یا باری گفت
 نوح این کشتی قرار گرفت حق ایشا را امان داد از غرق شدن سالتم
 پس فریاد گفت که کلامی که با قوم بر آن بجات یا قسم پس سزاوار است که از
 نقش نگین شتری که دادم و از خود جدا کنم حسین ^ع را که گفت ابراهیم
 سرانیت تفرش بر سر بیت فرمود اَلَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ الف ^ع یا
 و فرمود که نقش نگین ابراهیم ^ع شش صوف بود که جبرئیل ^ع آورده بود در
 وقتی که او را در تحقیق نهاده بودند که در آتش اندازند گفت مرا و که ابراهیم
 حق جل جلاله را اسلام میرساند که خوشش از نقش خود را و بکت مدار و افروزد
 که این کلمات را نقش نماز حاجت بجا آید و آتش را بر تو سر و گرد
 و عام فانی اَلَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ محمد رسول الله تو کنت علی الله
 اسندت ظهري الى الله فوضت الى الله لا حول ولا قوة الا بالله

اصح

نقش نیکین پیمان علیه السلام بود سجنان من الجسم النجس
نقش نیکین موسی در توره مسطور بود ارضی نقیض
نقش نیکین عیسی در انجیل مسطور است طوبی العبد ذکر الله
من اجله والویل لعبد نسی الله من اجله نقش نیکین امام حسن
العنه بود و نقش نیکین امام حسین از الله بالبحر احسن
و از علی ایحسین علیهما السلام همان نقش نیکین پدر بزرگوارش بود و
نیکین امام محمد باقر حسینی الله حافظی و نقش نیکین امام علی
الله الملیک بود و نقش نیکین امام حسن عسکری ما شاء الله لا قوة الا بالله
و در روایت دیگر و در یافته نقش نیکین شتری ایرالمؤمنین
هفت سطر بود که بگوهر صید صبی ایض صافی نقش کرده بودند که در کنار
در دست مبارک میکرد برین عبارت اعدت کل حول الا لا
ولکل کرب لا حول ولا قوة و ولکل مصیبة فان کیر
حسینی الله و ولکل ذنب کیر استغفر الله و ولکل
هم وغم فارج ما شاء الله و ولکل نعمة محمد و آل محمد
ما یعلی ابن ابی طالب من نعمة من الله و در روایت دیگر
وارد است که نقش نیکین امام محمد باقر این بوده که ظنی بالله
حسن و بالیقینی المؤمن و بالوحد و الممن بالحق و الحقیق

امام عیسی بن موسی گوید که نقش نیکین شتری جد بزرگوار من امام جعفر صادق
این بود ما لقتی قتی نقش جمیع خلقت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که نقش نیکین برای باشد از کلام الهی امر زنده شود بگوید که من
از ابی عبد الله از انکشتی که بدست راست گردی فرمود که همه بنی امام
در دست راست میکردند و پدرم نیز در دست راست میکرد افضل افقه
نمی شوم بود در آن زمان که حضرت ایرالمؤمنین علیا و امام حسن و حسین
علیهم السلام گاهی نیز بدست چپ میکردند او روایت کند که بیغمض الله
منع میفرمود امت را که انکشته با انکشت سپاه و انکشت وسطی میکند
روایت که چون انکشتی در دست کنید این دعا بخوانید که اللهم سق
مسنی منیاء الایمان و تسقنی ببلج الکرامته و قلده
خبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و نیت که
چون جوارق ماه رمضان برنگین صبی این نقش کنند در وسط
کعبه لاهوت لا اله الا الله و لا اله الا الله برای همه آنها نیکوست
نقل ششم در ادوات و نور زمان با انکشتی و دست و برین و غیر آن
نیت از فضل که امام محمد باقر فرمود که فاطمه زهرا علیه السلام
بهترین زمان اهل شست و متغذیه پاکیزه از دوش مبارک او فرود
آمده و پشتر دشت را پوشیده بود ابو عبد الله علیه السلام

فرمود که سزاوارست که زن مسلم را چنان بپوشد که بران ویرانی نشاند و از
 زیور آنحضرت پرسیدند که سزاوارست که ترک زیور کند اگر چه قناده باشد
 در کربن و باید که ترک کند بخضاب اگر چه بایلدن باشد بختش اگر چنان
 زن سالدار باشد ذراره روایت کند از امام محمد باقر علیه السلام که عادت رسول
 این بود که چون سفر میفرمود سلام و وداع میکرد بهر یک از اهل خود تا آخر
 وداع فاطمه علیها السلام میفرمود و از آنجا روانه سفر میشد و چون نوبت گشت
 اول مکان فاطمه میفرمود بعد از آن بر یک خانه پیش کنیوت از سفر بازگشته
 بخانه وی فرمود در آن وقت چربی از خیمت بر آید المؤمنین علیهم السلام
 رسید بود بفاطمه داد و او از آن دوست و برکن ساخته بود و در دست
 داشت و بگریه و جنت در خانه فریاد بود و او تخته آبی دست و برکن و پرده را
 دیدیم آنجا نشست و بسوی فاطمه علیها السلام نظر کرد و روی انداخت و گریه کرد
 بگریه نشست و چون آنحضرت بمنزه خود فرمود فاطمه آنی است و برکن را از دست
 بیرون کرده و پرده را نیز از در باز کرده به امام حسن علیهما السلام داد
 خدمت پر بر زکوة خود فرستاد و فرمود که سلام برسانید و بگو بید
 که امر از شماست هر چه فرمایید بعد از این چنان کنیم چون ایشان آمدند پیغام
 گذاردند آنحضرت ایشان را در کنز گرفت و بوسه داد و نوازش نمود
 و فرمود که تا دست و برکن و مکان را نسختند و آن پرده را بپندارند که در

و اصحاب صفه از مهاجرین که بغایت فقیر بودند بطلب فرمود و با ایشان نشست
 بعد از آن فرمود و زنا را سر بر ندارد از کوچک و بزرگ و تا مردان سر بردارند
 بجهت آنکه از مردان کوچک بود چون کوچک و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ و بزرگ
 ایشان میفرمود و میدیدند جماعتی که پس ایشان نماز میکردند سر بر ندارند
 یا ایشان سر بر ندارند و این سنت گشت بعد از آن فرمود که حق جلال
 رحمت کند و بر فاطمه زهرا و در عوض اینها حکمهای است که است فرماید
 علی گوید که من پرسیدم از امام جعفر الصادق و امام محمد باقر که چون کسی
 دندان بیفتد جایز است ویرا که دندان از طلا یا دندان کوفته نموده باشد
 ذراره گوید که شخصی پرسید از آنحضرت و من حاضر بودم که اگر دندان مردی
 بیفتد و دندان آدمی مرده را بجای آن نهد چنانست فرمود که بایستی نیست
باب ششم در لباس پوشیدن و ترتیب تعام و کفن و ادای آنچه
 تعلق بدان دارد و در فصل شصت **فصل اول** در پوشیدن لباس
 زینا و کیفیت پوشیدن آن **در باب** از امام جعفر الصادق که چون ایشان
 از پیش امیر المؤمنین علیه السلام بجانب خواجه مرفت پوشید بهترین جامه که بپوشی
 خوش طیب ساخته بود و به نیکوترین مر که بپوشاوار شده بسوی ایشان روانه
 گشت گفتند ای پسر عباس ما چنان کردیم که تو در میان ما بهتر ناس باشی
 تو در لباس جامه و مرکب پیش آمده ای پس عیسی این آیه بر خود انداز

بجای آنکه سزاوارست که بران ویرانی نشاند

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الْمَرْغُوبِ
 پس لباس از جام پوشیدم و بر مرکب سوار شدم زیرا که خدا می خواهد
 و جمال او دوست میدارد و لیکن از حلال باشد اسحق بن عمار گوید که من
 بر رسیدم از آنحضرت که مرد مالدار که تحمل بسیار میکرد و او را جامه ها و
 پیراهنهای متعدد بود که بر باری لباسی برون آید آیا این سرافقت یا نه بود
لِيُفْنِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که
 مردی در خانه حضرت پیرایه بوده و انتظار میکشید که آنحضرت را
 ببیند و وی نظر میکرد در کوزه آب میکرد و موی محسن درست میساخت
 چون بجا معاودت فرمود عایشه گفت یا رسول الله صدام نوتسیدی
 و ولد آدمی در رسول پروردگار عالمی در کوزه ایستاده و روی و محسن را
 می آرایی فرمود که ای عایشه بر سر که خدای تعالی دست میدارد که چون
 نزد برادر خود رود و بجهل کند و خود را بیا راید حضرت علی بن ابی طالب
 فرمود که اگر پیش مرد دعوت زن می آفراید مروست که سعیدان شود گفت
 بر امام جعفر الصادق علیه السلام که تو روایت میفرمایی که ابی المونسین علیه السلام
 جامه های درشت پوشید و تو جامه های نازک پوشیدی فرمود که آنحضرت
 در زمان تنگ واقع بود و این زمان سیمت پس مقتضای زمان عمل
 کردن اولیت و امام رضا فرمود که پوش پیرایه پنهان علیه السلام جامه های

در راه

در مصری مطر بطلای پوشید و بر تخت حکومت نشست تا آنجا که
 امام بر ابی المونسین او و جامه می پوشید در تابستان که بر با صد دینار طلا
 و در زمستان جامه نفیس خرمی پوشید در تابستان پنجاه دینار می فروختند و تفت
 می نمود و ابی المونسین علیه السلام می فرمود که نماز نیست کنید برای برادری که بر نزد
 آید چنانکه زینت می کند از برای عروسی که دوست میدارید که بر پیشانی
 بصورت و هیات خوب ابو حداد مهری گوید که غلام امام رضا آمد
 به بصره که او را چند میگفتند گفت قومی از اهل خراسان بخدمت امام رضا
 آمدند و میگفتند که مردمان بکار تو می کنند از لباسهای زیبا که می پوشی
 و مرکبهای خوشنما که سوار میشوی فرمود در جواب ایشان که یوسف بن
 و بر پیر بود و بر پیر پیغمبر بود که خدای پوشید و از زینت می بست
 و بر تنهای آل و غوغا نشسته بود و این حال مرتبه او را پست نمی ساخت و نزد
 حضرت ذوالجلال بر امام و صحبت که مکمل بعد کند و بوحده وفا کند و راست
 سخن باشد و این حدیثی است حرام کرده که بسیار می باشد و این حدیثی است
 نیز که روایت می آید اسحق بن عمار گوید که گفتم مرا ابی عبد الله علیه السلام
 که می تواند بود که ثمن داده بر این باشد فرمود که با گفتم پست بگفت
 علی بن اصراف زینت اصراف آنست که پیر این که شدت تو پیر این بر این
 تو باشد امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود چون جامه پوشیدی اینها

بپوشد

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ تَوْبَةً يَمِينٍ وَبِرَّةٍ اللَّهُمَّ اَرْزُقْهُ فِي شَرِّ أَهْلِكَ
وَحَسَنِ عِبَادِكَ وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَرَفَنِي مَا
اَسْتَرَيْتَ بِهِ عَوْنِي وَتَجَمَّلَ بِهِ فِي النَّاسِ معاویه بن عمار گوید که پرسیدم
 از امام محمد باقر اگر چون کسی خواهد که جامه پوشیده عاقل خواند
فرمود که گوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ تَوْبَةً يَمِينٍ
وَتَقْوَى وَبِرَّةٍ اللَّهُمَّ اَرْزُقْهُ فِي حَسَنِ عِبَادِكَ وَعَمَلِهِ طَابَ
وَاَدَاوَتُكَ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْنِي
وَتَجَمَّلَ بِهِ فِي النَّاسِ ابو بصیر گوید که امام محمد باقر فرمود که از المؤمنین
پیران سبیل خرد بود بچار دردم و از پوشیده استیج دراز بود
برید و فرمود الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الرِّيَاسِ مَا اَسْتَرَيْتَ بِهِ عَوْنِي
وَتَجَمَّلَ بِهِ فِي النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ تَوْبَةً يَمِينٍ وَبِرَّةٍ وَتَقْوَى وَبِرَّةٍ
وَتَقْوَى وَبِرَّةٍ وَتَقْوَى وَبِرَّةٍ پرس فرمود که شنیدم
 از رسول الله صل الله علیه و آله که هر که جامه نوبوشد و این کلمات گوید اگر در
در وقت جامه پوشیدن این دعا بخواند اللَّهُمَّ اَسْتَرِ عَوْنِي وَامِنْ
رَوْحِي وَاعْقِمْ فَرْجِي لَا يَجْعَلُ الشَّيْطَانُ فِي ذَلِكَ نَصِيبًا
وَلَا اِنِّي ذَلِكَ وَصُولًا يَصْنَعُ لِي الْمَكِيدَ يَخَارِصُكَ اَعْمَقًا
 فرمود که حضرت ابو المؤمنین فرمود که طریق سخن را هم به سلامت نام

که جامه



که پیران پیش از زیر جامه پوشیدنی در روی بقیه ایستاده و روی بر آدم
و است از امام محمد باقر که شنیدم از ابو المؤمنین که عیال بود و میگفت
 که عید نام که در هستان در نشسته بودم یاد میان کوفته ان گذشته بودم
 از جامه ایستاده پوشیده ام یا دست و رو بر ابدان باکی کرده ام رو
 از محضرت که میفرمود کسی که راضی شد بنیاز آنچه او را کفایت قدیفات
 باسان برین جبهی آن میرسد و اگر راضی نشد هیچ وقت نمی باید القدر
 که او را کفایت باشد مرویت که چون جامه نوبوشید وضو بسیار نداده
 نماز بگذارد و سوره فاتحه الکتاب قیل هو الله احد و آیه الکسری و آن اثرنا
 بخواند بعد از آن چهار کلمه بخواند که ستر عورت او فرموده به آن جام
 و زینت داده او را به آن در میان آدمیان بسیار بگوید لا حول و لا
قوة الا بالله پس و در آن جام عصیان بخندد و او را باشد بعد از آن
 که در دست فرشته که از برای او استغفار کند و رحم برای او از
 حق سبحانه و تعالی طلبد ابو عبد الله فرمود که چون که از شما وضو سازد
 یا آب یا شام یا طعامی بخورد یا جامه نوبوشد یا کاری که خواهد که بکند
 باید که یا کند حق را و الا شیطان در آن کار با او شریک گردد و در
 روایت دیگر آمده که کسی قدحی را پر آب کند و آیه الکسری بر بخواند
 سی پنج نوبت اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ و آن را بر آن جامه نوباشد

که جامه

روزی بر وی بسیار کرده تا آن جامه بر او بپوشید که در آن روز که امام حسین علیه السلام
 چون جام نو پوشیدید قدحی آب میطلبید و ده نوبت سوره انشا الله و ده
 قل هو الله و ده نوبت قل یا ایها الکافرون بر میخواند و آن را بر آن جام
 می پوشید و میفرمود که هر که چنین کند او همیشه در عیش و خوشگوار باشد
 تا آن جامه باقیست **فصل دوم** در کوفته داشتن جامه پاک داشتن آن
در بیت که ای را می بینم فرمود که شش چیز در جامه غم داند و می برد آن
 پاکست از برای نماز که حی سجانده و فرموده و شتاب بکشت خطره یعنی کوتاهی کن
 از و چیزی **فصل سیم** در پوشیدن لباسها و اختلاف رنگها
 ابو جعفر علیه السلام روایت کرده از ائمه اطهار علیهم السلام فرموده که لباس تن
 پوشید که آن لباس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و لباس پیشینه نبود
 مگر بنا بر ضرورت چو تن سجد و سجده می کرد و دست میداد و جمال را داد و
 نیز دست میداد که بناید اثر نعمت خود را بر بندگان و فرمود که کن
 لباس خمرانت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هیچ لباس
 بهتر از سفید نیست پس آنرا پوشید و کفن هر دکان از آن کشیدند
 بن ششید گوید که مردم گفت که دیدم امام رضا علیه السلام را که در آن لباس
 و طبله ای بود پوشیده بود فراره گوید که روزی امام محمد باقر علیه السلام
 آمد که نماز بگذارد بر بعضی اطفال ایشان پوشیده بود جامه خرد و عمامه

خرد در بر بسته این بر تغلب گوید که روزی بخدمت ابو جعفر علیه السلام
 میرفتم آخر روزی در ماه رمضان فرمود مرا که ای ابان برستی که جویند نماز را
 بر رسول صلی الله علیه و آله در آخر روز رمضان بعد از عصر پس چون بزرگشت بسوی آن حضرت
 فاطمه را طلب نموده ادای اجابت فرمود آمد در جای که نمیدانم بر پیشانی بود
 و نیمه دیگر بر سر مبارکش پس آنحضرت فرمود که ای فاطمه بخوان شورت را علی
 چون آمد او را بر راست خود نشاند و دست خود را بر کنار خود نهاد و فاطمه
 بر چپ خود نشاند و دست او را نیز بر کنار خود نهاد و بعد از آن فرمود آیا خبر
 دهم شما را به آنچه مرا اجبریل علیه السلام فرموده گفتند بلی یا رسول الله فرمود که چه خبر
 خبر داد مرا که من بر دست غرض بوشم در روز قیامت و حی سجانده و عمامه
 دو جامه در من پوشانند یکی از آن سفید باشد و یکی از آن سبز و کل رنگ وانی علی
 تو بر دست غرض باشی و خدای تعالی ترا نیز دو جامه پوشانند بر یک جامه های من
 و توانی فاطمه بر دست غرض باشی و ترا نیز مثل این جامه ها پوشانند اما گفت
 من کفتم فدای تو کردم بدست که مردمان مکرده میدارند جامه وردی را فرمود
 که ای ابان برستی که چون خدای تعالی را بر او بر آسمان برد و او را بهشت در آورد
 که نغاه و غوغا و او بود و حی سجانده و جامه در وی پوشانند یکی سبز و
 از آن کل رنگ گفت فدای تو کردم بدست که مردمان مکرده میدارند جامه وردی را فرمود که
 فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ وَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

گوید که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود امام زین العابدین علیه السلام
 در خروج مبارک سینه باز و اثر کردی و آنحضرت درستان جامه خزان را بر اندام
 پانصد درهم خریدی پس چون رستان بر آمدی آن جامه را فروختی و قیمت آنرا
 تصدق نمودی قتیبه بن حکم گوید که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که من جامه خزان
 میپوشم و تار آن را بر شستم جایز باشد یا نه آنحضرت فرمود که باکی نیست که
 با ابریشم چربی بکشد و فرمود که روزی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند
 جبّه پوشیده بود که تار او را بر شستم بود و پود او موی خرم قتیبه گفت
 که با جامه های صوفی میپوشیم که موی آن از حیوانات مرده است این جایز
 یا نه آنحضرت فرمود که در ابریشم جان نیست غی بنی که گوشت زنده است
 پشم و برای بر بند میفرودشند **نقص** که امام زین العابدین علیه السلام درستان
 دو جامه می پوشید که قیمت آنها پانصد دینار اشرف بود و درستان جامه
 جرمی پوشید و درستان میفرودخت بر بنجاه اشرفی و آنرا تصدق
 می نمود محمد بن سعد روایت کرده از ابی عبد الله علیه السلام که گفت پدرم جامه خزان
 میپوشید که قیمت آن پانصد دینار بود چون سال به میکندشت این جامه را
 بصدقه میداد و گفتند امام اگر ابریشمی و قیمت آنرا تصدق نمایی مجزبه است
 فرمود که چه کوزه فروشم جامه را که دروغ ناز کند و دهام پس اولی آنست
 که بستی دهم که او نیز فروشی ناز کند **در ثبوت** که خطی از امام جواد علیه السلام

برای

پرسید که پوست خر می توان پوشید آنحضرت فرمود که آری آن شخص که ایام
 من خزان اویده ام مثل سگ است آیت فرمود که چون پروان آب غمی زید باکی نیست
 پس آنرا گفت فدای تو که دم آن از بلاد ما از آب پروان می آید و در خارج آب
 نمی زید گفت نه فرمود پس چه بکست معلای بن خلّیس گوید که ابی عبد الله علیه السلام
 فرمود که نزد امیر المؤمنین علیه السلام چند حلقه بیا آورند امام حسین علیه السلام که یک
 بود طلب نمود آنحضرت فرمود که دو حلقه عوض آن میدهم و تا پنج حلقه
 رسانند امام همان حلقه را طلب نمود حلقه را بوی داد و فرمود که تو این جامه را
 بپوشش مردمان ترا عوض میکنند و ابن امیر المؤمنین علیه السلام میخواست
 و بار دیگر که بپوشی چرکین شود و فاسد میگردد ابن امیر المؤمنین علیه السلام
 و پنج شش حلقه از بهای او میتوان خرید که چند سال بپوشد و امام حسین
 فرمود که اسامه بن زید بخدایت رسول الله علیه السلام آمد و جامه پوشیده فرمود
 که آن لباس کثیف است که او را نصیبی در آخرت نیست پس فرمود تا آنرا بپوشد
 که دزد و دیرباز ایشان بخش کرد **در ثبوت** از ابی عبد الله علیه السلام که پرسید که
 جایز نیست لیکن میتوان فروخت و در خشک میتوان پوشید اگر چه در انبوه
 و تمثال بافته باشند **در روایت** کند هم آنکه از امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که
 رسول الله علیه السلام را نهی فرموده که جوهر بپوشم و اکثری طلا و دستنم
 و زین پوشم سرخ را بسبب آنکه در رکوع قرآن بخوانم **نصل چهارم**

در پوشیدن جام و تواضع کردن عبد الله بن مهمل گوید که ابی عبد الله علیه السلام
 بمن امر فرمود که از آن بخت و بی خرم کفتم کشتا و باشد فرمود که با اما در زنا
 و الا مقدار بجاف از و قطع کن که پدر بزرگوارم میفرمود که هر که از کعبه حج
 کرد در آنست **در وقت** از حضرت رسول الله صلوات الله علیه که مر جام را تا
 نصف ساق میپوشتم و تا کعبین و بر شما که حذر کنید از جامه در از پوشیدن
 چون آن از شعار متکبر است و خداوند است نمیدارد متکبر از او دیگر بود
 که بوی بخت نهر اسان ای می آید و متکبر جام بزرگوارش آن بوی دانستند
نقد که به طایفه باشند که خلقی تا ایشان سخن گوید که ایشان را خوشش آمد
 در روز قیامت و پاک نکردند ایشان را از آلودگی که مرا ایشان را عذاب
 در دناکت باشد یکی آنکه در جامه خود را بر زمین کشد بخت کبر و بر سر
 و دیگری که پاکی و زرد و کران فروشد بدفع و دیگری که اطراف کشت و دیگری
 در روی او و دل و پر باشد از کبر و **یک** فرمود که هر که بر روی زمین زد و کبر
 زمین در زیر او بر او لغت کند **در وقت** از امام محمد باقر علیه السلام که شخصی را دید
 دو جامه پوشیده بود یکی را از آن کرده و دیگری ردا و اویدان جامه مباحات
 می نمود آنحضرت فرمود که این جامه بهت شخصی گفت یا امام این سالیست
 فرمود که از جبارانست و صیحت رسول الله صاعه یا ابو ذر عذاری نیست
 که ای ابو ذر بیشتر در خیان متکبرانند شخصی گفت یا رسول الله چه کسی است

از او

که از کبر خلاص باشد فرمود یکی شخصی که جامه پیشین پوشید و بر سر او انداختند
 و گوشتان دو شد و با میکشان نشیند ای ابو ذر از بار چری نخر
 و بخت طفلان خود بیک که از کبر خلاص شوی ای ابو ذر هر که دامن خود بزرگ
 کشد از کبر متکبر است جاد و نگاهت بحال او کنند در روز قیامت **در وقت**
 که امیر المؤمنین علیه السلام بر اخی میرفت شخصی جامه در از پوشیده بود بانکت برود
 که جامه خود را بردارد که زمین او را نخواهد ای ای زهر که بردارد جامه خود را
 از زمین از برای خضای مندا پس از کبر بر است و دیگر فرمود که هر که جامه است
 سایل از محروم سازند و متکبر راه روند و خدای جاد و نگاهت بیاورده که ایشان
 با یکدیگر گذارم **در وقت** از امام جعفر علیه السلام که روزی امام زین العابدین
 جامهای فاخر پوشیده از منزل بیرون آمد و بازگشت جاری طلب نمود
 و جامها را بوی داد که بجا نبرد من چنان خیال میکنم که من عاقلترینم
 و آنحضرت به گاه که راه میرفت گویا مرغ پر سرسبز آن نشان که در دست
 بر است و چپ خود نظر میکرد و فرمود که بنی باطن من کند حسن
 صیقل گوید که روزی امام جعفر علیه السلام جامه امیر المؤمنین علیه السلام را در آن کشید
 بودند بیرون آورد و ملاحظه نمود دامن او دوازده شبر بود و بزرگترین
 وی شبر امام محمد باقر علیه السلام دو بر این منجمد و غلام خود در محراب
 می ساخت که هر کدام میخواهی بردارد آن دیگر نزد من گذارد و چون

جامه را از جامه

استین آنقدر که دراز بود بریدی و شکر خدای را بسیار گفتی **روایت** از ابی عبد الله
که روزی امیر المؤمنین علیه السلام حاجه خدیجه بخت اشرفی پراچنی و لکنی و درای ابدالان
سرسوی آمان کرد و شکر ماری تعجبای آوردی تا آن زمان که بجای رفت فرمود
که لباس لایق نیست لیکن این زمان اگر آن حاجه را بپوشم مردمان را
دیوانه خوانند و یا گویند ریاض میکند و لیکن چون قایم ما ظاهر شود لباس لایق
این خواهد بود بشام بن مالک گوید که شنیدم از ابی عبد الله که هرگاه
مردی از شما جامه کهنه یا درشت پوشد بکبر بر آید و او نکند و حق سبحانه و تعالی
او را می آرد و عبد الله عفو گوید که من پرسیدم که حد کبر چیست فرمود
که مرد نظر کند بغض حق و چون لباس نو پوشید خوش دارد که جامه زیاده
فاخر پوشد و او را بران پسند مردمان و بعد از آن فرمود **بل الا انسان**
علی یقینه بصیر **روایت** که این حد انسان از ابی عبد الله علیه السلام
که پدرم دو جامه درشت چون نماز گذاردی آنرا بپوشیدی و چون نماز
بجای آید بپوشی بر آن جامه دیگر شدی **روایت** که ابو طلحه زید از ابی عبد الله
که روزی امیر المؤمنین علیه السلام در میان مردمان خطیبی خواند و جامه درشت
که لباس درشتی بود که بعضی آنرا از پارهای صوف پنبه کرده بود گفتند
یا امیر چرا این را پوشیده فرمود که درین لباس خضوع و خشوع زیاده شود
و مؤمنان بر آسانی پروی می توانند کرد عبد الله عس گوید که چون زبیر

ع

بگشتم و پست المال را بخدمت بردم دیدم که در باران کوفه ایستاده ام
بعوض می نمایند و منی از منکر می نمایند پیش رفتم و سلام کردم جواب فرمود از
احوال من پرسید و متادی کرد که شمر خود را میفروشم شخصی آمد و شمر را
خرید چهار درهم آنرا بر این خرید و دو درهم آنرا تصدق نمود و یک درهم
سه روز مرا مهمانی کرد حسین بن کثیر گوید که امام جعفر الصادق علیه السلام
جبهه پشیم در میانه دو پراچنی که لباس درشت بپوشید شخصی از بیاب
آن پرسید فرمود که پدرم را دیدم چنین میکرد و ما هرگاه نماز می کردیم
شترین جامه های پوشیدیم فضل این کثیر گوید که برای عبد الله علیه السلام
جامه کهنه بر پنبه دیدم پس نظر کردم بسوی او فرمود چه نظری کنی
درین جامه نظر کن درین کتاب نظر کن پس نظر انداختم در آن کتاب
پیش می بود در آنجا بود که لباس بپوشد کسی که کهنه پوشد این را بوی
روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پنج چیز را ترک فرمود و
تا حین وفات باینده کان بر زمین طعام خوردن و بر خراش نمودن
شدن و کوفتند و پوشیدن آن جامه صوفی پوشیدند
سلام کرد و کان کردن میفرمود تا سنت بود بعد از من **فصل هشتم**
در بیان کرامت بنی سس فکجه حیدر امام جعفر علیه السلام و فرمود
که کافیت رسولی مرد که جامه بر او پوشیدند و شمر را بپوشد

و سواری برای شهادت کند حق و شهادت لباس را عبادی که بصری
که بخدمت ابی عبد الله آمد در حالی که جامه شهادت پوشیده بود و خدمت
فرمود ای عباد ارج جامه است گفتیم یا ابی عبد الله عیبی میکنی مرا فرمود
که بفر صلی الله علیه و آله فرموده که هر که بپوشد لباس شهر ترا در دنیا حضرت
عزت براس خواری روی پوشانده در آخرت براست که نزد امام موسی
دشمنی از لباس شهادت نبوده چون جامه نو و وقتی آنرا بر آب
فرو بردی تا طهارت او بکشد شوی بعد از آن بپوشیدی براست
که ابی عبد الله مردی را دید که بر بالایی پراچین از او پوشیده بود فرمود
کین کین گریه است امام محمد باقر علیه السلام میفرمود که این فعل
جایزه است رسول الله صلی الله علیه و آله نمی فرموده از آن و از کشتن آن
است خود را این مهران گوید که ابی عبد الله مردی را دید که در جامه
برزین میکشید فرمود که مرا مگر و می آید که مردان خود را بصورت زن
میارزند و بفرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله زجر میفرمود مردی را
که مانند زن خود را میساخت در لباس و زن نیز هرگاه خود را بلباس
مرد آید و میفرمود که بهترین جوانان شما آنانند که شبانست بکلمان
و بشته باشند و بدترین کلمان آنانند که خود را مانند کندی بجهان
پوشند بنی فرمود که من عیادت ابی عبد الله را قسم بر قبیله کشیده زده بود

و بعد از آن

و بعد از آن پوشیده بود و لحافی از پشت رو به فرمود که پاکت لیکن
در نماز بپوشند که بر آن نماز جاریست بعد از آن بنامان گوید که از
ابی جعفر محمد صادق علیه السلام شنیدم که بوسیستی بجهت پدر بزرگوار من
از عراق آورده بودند بر سپیل پدر تا چون نماز گذاردی از اینداختی و از
امام رضا علیه السلام پرسیدند از نوست رو به و سجده سمور فرمود که کجا
باید بر بزرگوارم دیدم اما نمی بینم و از رو به و سمور فصل ششم
در سجده و طهارت سکونی گوید که حضرت امام محمد صادق علیه السلام روایت کند از حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله که عام تاج عیبت پس هر که بر سر است حق سجده طهارت
اورا بفراید دیگر فرمود که دستار بندید که حکم را بفراید ابواسحق گوید که
دیدم مرا بر المؤمنین علیه السلام را که خطبه میخواند برو از او رو و عام بود
و امام موسی علیه السلام فرمود من الملائکه مستویان که در قرآن در
یافته مراد عام دارند و رسول الله صلی الله علیه و آله عام می بست و فرو میکند
در پیش پس خود طرف آنرا معاویه بن عمار گوید که من از ابو عبد الله علیه السلام
شنیدم میفرمود روزی که رسول الله صلی الله علیه و آله مکه توبه نموده بود عام بسیار
بسته بود و وقتی که بچنین میفرمود باز عام بسیار بسته بود امام محمد باقر
فرمود که فرشتگان در روز بدر عام سفید بسته بودند و اطراف آن
گذاشته بودند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که در کعبه نماز بعام

و بعد از آن

گذاردن تهرست از چهار رکعت بی تمام عبدالله بن سیدان گوید که من دیدم
 در مسجد بودیم که حضرت امام زین العابدین ع آن شریف آورد و من او را ندیده
 و وی تمام سیاه بسته بود و دو طرف از او کشته بود بر و شش
 مردی که نزدیک من بود پرسیدم از او که این چه کسست گفت چونت
 از دیگری پرسیدی از مردی که درین مسجد انداخته زیرا که من ندیده ام
 بین خبیات و نیکویی و سیرت مثل این بزرگوار از آنجست پرسیدم از تو
 آن مرد گفت این علی بن الحسین است ع عبدالله علیه السلام روایت
 کند که حضرت پیغمبر ص ع دستار ابراهیم ع علیه السلام بر دست مبارک خود
 می بست از پیش کوشه او نجات و از عقب او نجات بعد چهار نجات بعد از آن
 گفت برو پس حضرت ای رفت و دیگر فرمود بیا آمد فرمود که اینچنین بود
 دستار و شکان روایت از امام موسی ع که بزرگتر که من می بینم آنکه را
 که بفر پرون می رود و تحت الحنک بسته بشد از پنج چیز که آنکه می کشد
 از سوزن و دیگر از غرق شدن و دیگر از دروان در حال دستار بستن
این دعا بخواند اللهم سق مني سوا والايمان وقوجي قبايح
الكرامة وقلدني جبل الاسلام واكثرت الايمان
من عني و باید که ایستاده دستار بند و یا تحت الحنک محمد بن علی
 گوید که دیدم علی بن الحسین ع را که طایفه خزر بر سر داشت و استر آن بزرگ بود

ابو عبدالله

عبدالله علیه السلام روایت کند که رسول صل الله علیه و آله طایفه مصری
 بر سر می گذاشت در حال حرب که دو کوشه داشت از امام ضیاعه السلام
 بر رسیدند از مردی که پوشیده بود طایفه دمازی که در پس سری اندازند و فرمود
 که عبدالله علیه السلام از او می داشت بگفت آنکه مانع آفتاب می شود اما در
 آن منع می نمود و فرمود که از پوششش بیود است حسن بخنجر گوید که امام
 موسی علیه السلام فرمود مرا که بفر ما برای من طایفه بزند که بناخن درو
 چینه ها نازند که مثل من سیدی را لایق نباشد که طایفه که در دنیا حق
 چینه ها افکنده باشند پوشش نقل ابو شیدان موزه و نقل
 روایت که حضرت پیغمبر ص ع و حضرت ابراهیم ع علیه السلام
 موزه پوشیدندی ابو صباح نقل می کند از ابی عبدالله ع که ابراهیم ع
 در سفر هنوز نشسته باقی بودی که سوار شدی شبی چون اختیار سفر افتاد
 یکموزه پوشیدند خواست که یکموزه دیگر پوشد ناگاه مرغی از آسمان
 می افتد و آن موزه را برداشت و بالا گرفت چون روز شد آن موزه را
 انداخت از اندرون او ماری پرون آمد روایت که موزه سیاه
 پوشیدند سنت است و موزه سرخ شاربانت و سفید طریق
 پادشاهان نقل از ابی عبدالله ع که در سفر موزه سرخ پوشیدند
 منع نیست اما در حضره و ابی عبدالله ع را در راه مکه پوشیده بود

انتم

روایت از امام علی علیه السلام که موزه پوشیدن بخت حفظ جگر است بگوید
 منقول است از ابی عبد الله السلام که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله برخواست شخصی گفت پیش
 پایی آنحضرت نهاد حضرت دعا فرمود اللهم اعبدك هذا إليك
 فقربه واذنه آورده اند که آنحضرت روزی صمغ فرمود آن برادر طرفین
 رخت شخصی برخواست و آن برادر حضرت دعا کرد اللهم اعبدك
 تحبب إليك فاحبه وایراند پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کفش بپوشیدن
 بر آن نگاه میدارد و مدد است در نماز پاک است است که اول کفش را
 پایی راست بپوشند و در وقت برون کردن اول را پای چپ بپوشند
 و دعایی که مرویت در وقت کفش موزه پوشیدن بخوانند اللهم صل
 على محمد و آل محمد و طهر قدي في الدنيا و الآخرة و ثبتهما على
 صراط مستقيم يوم تزل فيه الأقدام چون از پای برون کشید
 بخوانید بسم الله الرحمن الرحيم الذي تدعى ما أوفى به قدي من الأذى
 اللهم ثبتهما على صراطك ولا تترهما عن السوي ابو عبد الله
 فرمود که هر که رخت بر جامه دوزد و کفش را بپوشد از کبر برست یا بخورد
 بر دارد امام محمد باقر علیه السلام روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
 که هر که پاشا مد در حال است و آن بگوید بر قری از قری یا بر غم خواب کند
 یا بر کفش راه رود عارض کرد و او را شیطان و از وفات

نخود مکر نه خدای تعالی بدوایت کند امام جعفر الصادق علیه السلام که حضرت
 رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که برون کشید کفش را از پای خود که آن نیست
 و سینه نیکو دارد و برای قدمها رخت ابو عبد الله فرمود کسی که کفش
 زرد پوشد آن کفش نشود تا از مال بده و خوشحالی بیاید بعد از آن این آیه
 که بر بخواند صغرا فاقع کوفها كسر الظهیر و دیگر فرمود که
 هر که کفش زرد پوشد در شادی بخت ناکه نشود سفیان بن سید کوبید
 که من بخدمت ابی عبد الله السلام رفتم و کفش سیاه پوشیده بودم
 فرمود که چیست ترا که کفش سیاه پوشیده آید نه نشد که در و غصه شد
 گفتم که ام است فرمود که پناهی چشم را ضعیف میکند و آلت تناسل را
 سست میکند و غم می آورد و این از پوشش جبار است برست از
 پوشش کفش زرد که آن بر غایت اینت پناهی را بر آید و میگردد
 حکم میازد و غم را میبرد و این از پوشش پناه علیهم السلام فرمود که
 نیست که موزه سیاه باشد و کفش زرد و امام علی علیه السلام فرمود
 که اگر موزه و کفش پای کسی را جرات کند غاک را ببرد از دیواری از
 بر سنگی بر آب من نرم سازد و بر آنجا بنهد که در و اذن الله تعالی
فصل در بیکدیگر یاد و آنچه جایز است از آن و آنچه منعت بر آن
 امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که از سعادت و سعت نزل و دیگر

که موثر بر راحت و سحت منزل امام موسی فرمود که بهترین عیش دنیا کشت
 منزلت و بسیاری دوستان بقی مایل سکونی و بیت کنان عبد الله
 که رسول صوم فرمود که از سعادت دنیا مردانی زن صالح است و ممکن
 کشاده و مرکب خوب و فرزند ثایست ابو عبد الله علیه السلام از ائمه
 روایت کند که خانه شرفی می باشد و شرف آن پیشگاه کث و پسندید
 ساست و مرآه از ابرکتی می باشد و برکش خوبی موضع است و کث
 و نیکوی مسایگان **روایت** از حضرت رسول الله علیه السلام که گفت
 هر چه چار است و شقاوت از چهار چیز سعادت آن زن صالح و ممکن
 و عسایه نیک و سبب پسندیده اما شقاوت آن زن بد کرد است و ممکن
 بد نام و عسایه ناساست و مرکب بد و آنچه آنحضرت فرمود که این بندگان
 کاهی حاصل شود که این که در گذارشته عسایه بد **دیگر** فرمود که هر چه
 عسایگان مانند حرمت مادر و برانست محمد بن مسلم گوید که امام محمد باقر
 فرمود که ای محمد خانه را زیاده از راحت نزن بنا ممکن که هر چه زیاده ممکن
 جیانت چو ممکن ایشان نه در زمینست و نه در آسمان بلکه در هواست
 و در بعضی روایات است زرع و نه زرع نیز آمده است و آنچه زاده
 مکرایه الکدسی گوید که جن مسکن نسازد از امام جعفر الصادق علیه السلام
 منقولست که مردی از انصار شکایت نزد رسول الله ص فرمود از خانه ای که

و بیت

و بیت فرمود که بند بسیار از آنجا نمانی داری و از حق بخانه و خانه
 کشاده کرد اند ابو عبد الله ص روایت کند از رسول الله ص که کسی
 بنا کند باید که کوغذی بخت و بفرمان بخوراند و ایند عا بخواند **الحکم** او حسن
 عقی و عا **و** و لکدی حرده الجن و الشیاطین و نازل شد
 بنزوی بدستی که آنجا بر و مبارک کرد و حاجت او روا شود و آنست
و هم از ابو عبد الله ص روایتست که هر بنایی که از کفایت زیاده است پس آن
 و بات بر صاحبش و دیگر فرمود که هر که بپند و زد مالی را بی وجه مستط
 سازد آنکس که آن مال را به بنای آب کل صرف سازد **و روایت** که رسول الله ص
 که جارب و بکند خانه ای خود را مانند کردید بهیو و که جارب کردن خانه
 موجب زیادت و زوایت و همچنین شستن کاس و کوزه و دیگر آنحضرت
 فرمود که چون از خانه در بستان برون روید در روز پنجشنبه و چون بستان
 بخانه آید روز جمعه و عبد الله عباس روایت کند که حضرت پیغمبر ص
 در بستان شب جمعه برون آمدی و در شب جمعه نیز در بستان درون
 ساحلین بمان گوید که پرسیدم از امام جعفر ص از بستان چه کردی
 طرف و نشان چنان فرمود که به بندید در بار که شیطان تواند
 بردشت و بنشیند چنانکه که موش غیبتد خانه را سوراخ کند و
 و خانه بکوزد نگاه داشتن و کوفتد و کرب که ایشان ستون خانه اند

است

و در روایت دیگر خروست و مانند آن که شیطان از ایشان کز نیست
 و زیادتی برکت **مفحوت** که در خانه سپید باید که بشمار خروست و کفر
 و کبوتر و مردیت که اخروس سفید در خانه دفع شر و کلمات و کفر
 میکند و بعضی گوید که دیدم امام موسی ع چند کبوتر در خانه داشت
 زرش بود و ماده شش سیاه و ایشان اطعم میداد و میفرمود که شربت
 میکند و مونسند و پیدار میشوم بر پیداری ایشان امام محمد باقر ع
 فرمود که هر که دوست میدارد مارا که اهل بیت علیهم السلام باید که دوست
 کبوتر را ابو عبد الله ع فرمود که در خانه باید که کبوتر باشد زیرا که سفیدان
 جن بازی میکند با کوه و کان هرگاه که در خانه کبوتر باشد مشغول کبوتری که
فصل دهم در خواب و خواب و تامل عبد الله ع گوید که روزی بمنزل امام محمد باقر ع
 دیدم که فرشته و جام خواب و بالشها بر یکدیگر نموده اند پرسیدم که اینها
 چیست فرمود که اینها غلق بزبان دارد جا برین عبد الله روایت کند
 از امام محمد باقر ع السلام که جمعی بمنزل امام حسین ع السلام در آمدند فرشتهها
 و خیرهای زیاده دیدند تعجب کردند از آن پرسیدند آنحضرت فرمود ما کجا
 زمان را داده ایم و ایشان این خیر را خیریده اند از ما چیزی در اینجا نیست
 امام محمد باقر ع روایت کند که چون حضرت از اهل بیت علیهم السلام فاطمه ع
 نکاح نمود و خواست بساط خانه ایشان از پوست کوسفند بود و شش از آن

پکرده بودند از لایف خرما و چون نصب کرده بودند و مشک آویخته بودند
 جهت آب و برده بران پوشیده حسن بن نعم گوید که من از امام محمد باقر ع
 شنیدم که میفرمود که چون رسول الله ص فاطمه را برای علیهم السلام داد
 خانه ایشان از عای پشمین بود و فرشتگان ایشان از پوست کوسفند
 بر لایف خرما و در کتاب القضا دین آورده که محمد بن ابراهیم طالقانی نقل کرده
 که در آن دو ماه که رسول الله ص از زنان هجرت کرده در خانه تشریف داشت
 هجرت و باغت پوست در آن یک زناده آنحضرت خواب می نمود و جهری
 که اثر آن بر پهلوشن هم رسیدگی از اصحاب بدیخارفت بوی
 آن پوست شنید گفت یا رسول الله این چیست فرمود که قیاس این قیاس
 چون بر پهلوی مبارکش ملاحظه کرد گفت من گواهی میدهم که نور رسول
 فدایی تو نزد من شجاعت و شجاعتی که گفتم من گواهی میدهم که نور رسول
 که بر حصیر نیجا که اثر آن بر پهلوی مبارکت تو میداد و ایشان را از متاع دنیا
 بسیار است فرمود که چهار معنی بناسیم که ایشان را دنیا باشد
 و مرا آخرت فضل گوید که من پرسیدم از ابی عبد الله ع صحیحی که
 طلبا باشد جائز است که در خانه نگاه دارند یا نه فرمود که اگر حسین ع طلبا
 نباشد جایز نیست و اگر آب طلبا باشد باکی نیست جلی گوید که ابی عبد الله ع
 گوید که کاه است که نماز متوجه می شود در پیش روی من میباشد بالشی

که در آن صورت مرغان خوش است پرده بر آن می پوشم و دیگر فرمود که کف
از جانب شام برسم هدیه برای من آورده بودند امر کردم که صورتش را
تغییر کردند باقی بصورت درخت تخمین کم گوید که سوال کردم از ابی
از صورت شجر و شمشیر چه چهره است فرمود باکی نیست چون در آن صورت
چوانی نیست ابوالعباس گوید که من از آن حضرت پرسیدم از قول الهی که
یَعْلَمُونَ أَنَّهُ مَائِشَاتُ غُرْمٍ مَخْجَانٍ بَیْبٍ وَنَمَائِشٍ چه مراد است فرمود که
مراد صورت درختان است و مانند آن ابی بصیر گوید که گفته مرا آن حضرت
که در خانه های ما فرشته ها و صورتها نقش کرده اند آیا جایز است یا نه فرمود
که اگر بر زمین انداخته اند و پای بر آن می گذارند باکی نیست و اگر بر دیوار
و تحت آفرشته اند جایز نیست **باب هفتم** در ادب خود دان
و انبیا و ائمه و اهل بیت و اهل بیت بر آن دارد بر سیزده فصل شامل است **فصل**
در فضیلت طعام دادن و بیکوی کردن و در پختن داشتن
در کتاب مرقا فیض العقیقه آورده قول الهی را که وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ
يُخْلَفُ یعنی هر چه چیزی بشمار و تصدق میکند حق بجای آن معاوضه آنرا
بنامید هر چه بدهد می نماید کسی که اندک طعامی داشته باشد و با خود حاجت
نمود تصدق کند و یورثون علی انفسهم ولو کان بهم خصله ضئله
و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدا ندارد خود چهری می خورد

و یا نه

و برادر کس نبه بخوابد و ایمان بخدا ندارد که خود را پوشاند و برادر چهره باشد
و فرمود که کسی یقین نماند به انکه آنچه صدقه می کند عوض می یابد نفس او شوی
شاید ای المؤمنین اگر مردی میگفت که غدر کنایه بخیل گناه است از عالم فرمود
که دروغ میگوید ظالم گناه است که توبه میکند و مظالم معصاجان میدهد
و بخیل نکوهه نمند هر دو صدقه نمند هر دو خوشی و پیوند و مهمانی در راه
غذائی نماید و مراد است در بهشت را که بخیل را داخل خود سازد امام
جعفر الصادق علیه السلام فرمود که نجات آخرت در آنست که در دنیا طعام
بخشاند و مسکن و سلام کند بر کس از مؤمنان و در شب نماز کند و نهد
که مردمان در خواب کران باشند و دیگر فرمود که اگر کسی برادر یا برادر
کند و یک مؤمن از آن بخورد اسراف نیست و رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که هر کس بر ذریه قیامت ایمان دارد اگر ارم کند حق را و اگر سخن
زبان را نهد خبر گوید و آلا خا موشش شود و ای المؤمنین علیکم السلام
که اول چیزی که در روز قیامت بر آنکس میرسد صدقه است امام محمد
فرمود که حق سبحانه و تعالی دست میدارد که بگوید ای آب خنک کند
و هر که جان داری را آب دهد حق تعالی او را نگاه دارد در روز قیامت
عش خود امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که آب بد شخصی در جایی
که آب یافت شود ثواب ازادی بنده دارد و اگر آب بد در جایی که

و یا نه

آب نباشد ثواب نده کردن مرده دارد و هر که سبب زنده گی شود یا بمرگد
 زنده ساخته و دیگر فرمود که نیکوترین اعمال نزد خدای تعالی مؤمن کردن
 و شهادت از برادرش و قرض او را ادا نمودن **مفسر** از امام موسی علیه السلام
 که اگر کسی توانایی نه هشتاد هزار که با نیکویی کند و کسی که توانایی زیارت کردن مانند
 نیکویی و زیارت کند برادران مؤمن را از شیعیان و دیگر ائمه و اولاد علی علیه السلام
 فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که ثواب صدقه دهند آغوش است و نیکی
 بر برادران مؤمن است چندان ثواب به پیوندان و خویشان است چه خندان
 و منقول است از ابی عبد الله علیه السلام که حق سبحانه و تعالی فرموده که هر عبادتی که
 کند نه است تمام که فراموش کند الا صدقه که بدست خود میگیرم و اگر کسی خواص
 کند او را افزون میکنم و بزرگ میشود تا بمقدار کوه احد بلکه افزون تر و مبرور
 که خدای تعالی عبادت میدارد آنکس را که طعام میدهد در راه او و کثرت برکت
 در خانه او و ششمانی تراست و پشت را ز مویهای گویان شران و رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرمود که بستر که داخل میکرد در پشت معروف و اهلش و اول کسی که
 وارد کرد و با من در کنار حوض کوشتر از اهل احسان **مفسر** از امام موسی علیه السلام
 فرمود که هر که نیکی بر برادر مؤمن خود چنانست که نیکی بر رسول الله صلی الله علیه و آله
 کرده است و دیگر فرمود که من می بینم نیکی را مثل امش که مستحق
 که مستحق معروف و چیزی نیست که بهتر باشد از معروف که ثواب

و این مراد است از آن پنجان نیست که دوست دارد که نیکی کند بر دامن آن نیکی
 باشد و نیست کسی که رغبت در آن هشتاد هزار و قادر کرد و بر آن نیست
 قادر کرد و بر آن و اذن یافته باشد بر و هرگاه که رغبت و قدرت اذن جمع
 سعادت تمام کرد و برای طالب مطلوب آن و دیگر فرمود که دیدم معروف را
 که صلاحیت ندارد مگر خصلت را تا خاصیت تمام و هر یکی که چنانست
 و دیگر نهان داشتن آن بجهل نمودن در آن چه هرگاه توانا کو چنانست
 رایت بزرگ عظمت نزد من و امر را برافراشتی و چون نهان کردی تمام
 تخم سعادت از آگاهی و چون چهل کردی سازگاری یافتی و خلک خواری در دم
 باغبان خیر انباشتی و اگر غیر این کردی نام و نشان نیافتی و تنور نداشت
 برای خود یافتی و دیگر چون خواهی که سعادت و شقاوت بر در بدانی پس
 کن که چون خیر مستحق میدهند حق جل جلاله او نیکوکار است و اگر غیر نیکوکار
 نیست بغیر مستحق میرساند و دیگر گفت نیکویی با برادران و سعی در حاجت
 اینها از خواص ایمانند و دیگر فرمود که چون کای را رانجند دوست ترا
 نزد باری تعالی از پیر عابد در مانده و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود
 که هر که ادا کند آنچه خدای تعالی عباد واجب گردانیده او بخیرترین مردمان
 و دیگر فرمود هیچ چیز نمیکنند اسلام را مانند نخل باز فرمود که نخل که
 مثل گشتن مودع و شافیت از شاخهای شریک و دیگر فرمود که نیکو

صدقه کردن بهتر است از شش لاغری آن کردن امام محمد باقر علیه السلام که میگوید صدقه
 دفع دیو شر میکند و دشمنی از او دور کند و مفاد سال را از مردی بردارد ابو عبد الله
 فرمود که صدقه کردن دفع مردی میکند و مفاد نوح از آنکس دفع مینماید
 و شباطین از او دور میکند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
 اذ کند آنچه ضایع بر او واجب کرده او بخیرترین مردمانست و دیگر فرمود که
 هیچ چیز محروم نمیکند اسلام را مانند بخل الا صدقه نهانی که فرو می نشاند خشم
 یزدانی را ای المؤمنین علیکم السلام فرمود که هر کی کنید آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرموده که هر که بر خود در شوال یکشت یا بی آنکه او محتاج به شریعت سجاده و تعاقب
 او را در دنیا محتاج گرداند و در آخرت بآتش خراج دهد امام صادق علیه السلام فرمود
 که مردی بخد مت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت ای رسول الله در آموزم چیزی که
 چون او را بجای آورم حجت گردد پس چنانچه او بخواهی را که در آسمانند و آسمانها
 که در زمینند فرمود که حجت کن در آنچه نزد حق است از ثوابت ناحیه دارد ترا
 حقایق که ترک کنی از آنچه نزد مردمانست از منافع دنیا تا مردمان ترا گویند
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر مایل میدانیست آنچه در شوال کردن دوست از چنگل
 طلب مینماید و اگر میدانیست دهنده سوال آنچه در عیله است از منفعت
 هیچکس از سوال نمیکرد امام زین العابدین علیه السلام روزی که روزه نبود ایستاده بود
 یکشتی کوفته و از ایشان فرمود که بکش منم و در حال چنین

است

است شام بوی آن می نمود امام صادق علیه السلام فرمود که هر که روزه داری را
 روز یکشت یا بعد از ثواب او را ثواب باشد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرمود آن ایمان بخدا ندارد که شب سیر بخوابد و عباد او اگر سینه باشد و خواب
 کند دیگر فرمود که هر که در ماه رمضان روزه نمونی را یکشت یا از گناه آفریده
 ثواب آزادی بنده دارد بعضی گفته اند یا رسول الله ما نمیتوانیم بخوریم که روزه
 روزه دار را یکشت یا هم فرمود که حق سبحانه و تعالی که عبت مبد بدین ثواب را
 بکسی که آبی یا شیرینی یا خربازی بر روزه داری دهد امام رضا علیه السلام فرمود که روزه
 کشیدن تو برادر روزه داری را بهتر است از روزه دشتن تو حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرمود روزی صاحب خود را که آیا خبر کتبه نماز از خبری که اگر شما از اهل بیت
 دور گردید از شما شیطان مانند دور بودن مشرق و مغرب گفته علی بن ابی طالب
 فرمود که روزه سیاه میکند روی او را و صدقه پشت او را می کشد و دوستی
 با مؤمنان برای رضای الهی و بدشتن در عمل صالح و بد و نمودن در عمل صالح
 ناپسندید که او را و توبه و استغفار کردن رکن کردن او را می برد باز
 فرمود که هر چیزی از کواکبت و زکوات بدن روزه دشتن است و دیگر فرمود
 که مرد روزه دار دایما در عبادت اگر بر بستر خواب باشد مادام که غنچه
 مسلمانان بکشد که حق سبحانه و تعالی فرمود که روزه بکشت رضای خست بخرای
 آن میگوید میهم فرمود که روزه دار را دو فرح است یکی نزد روزه دار

بعد از طعام دست را بروی مبارک می مالید و فرمود الحمد لله الذي هدانا لهذا
و اطمعنا وسقينا و كفايا و صلياً و اولاً فافصل
در خوردن مرویت از ائمه علیهم السلام که چون طعام خورد باید خمی کشید
 و سخن نباید که میگوید چو طعام نعمت خدمت و واجبست بر شما نزد نعمت
 ستایش او و نیکو دارید محبت او را و غنیت شمارید بر هر که نعمت میرود
 بر نزد حضرت عزت و کواهی میدهد بر آنچه صاحب آن کرده از شک و کفر
و دیگر فرمود که چون یکبار شما طعام خورد به ادب بنشیند چو نشستن بنده
 بر زمین طعام خورد مرغ نمیشد که آن نشستنست که خدا را از خوش می آید
 و قهر می نماید امام الصادق علیه السلام فرمود که در از یک بشید بخوان طعام بدتر
 که آن باعیت که از عمر ثانی شمارند و در کتاب من لا یخفی العقیقه آورده بروایت
 امام جعفر علیه السلام از امام حسن علیه السلام که در خوان طعام دو از ده خصلتست
 که هر مسلمانی لازمست بفعل آوردن چهار از آن واجبست و چهار مستحبست
 ادب و الواجب از آن شناختن حق تعالیست و رضای او و نام او بردن
 و شکر او بجای آوردن و آن چهار که سنت است دست نشستن پیش از
 طعام و نشستن بجانب چپ و بر نشستن طعام خوردن و لبسیدن اللباس
 و ادب خوردن از طرف خود و قهر خوردن بر دشمن و نیک جاویدن
 و کم نگرستن بروی مردم عمر بن قیس گوید که در مدینه کوفت امام محمد باقر علیه السلام

خوان طعام حاضر بود پرسیدم که آداب خوان چیست فرمود چو خوان نشستی
 بگو بسم الله چون برداری کبوی و پنجه در حوالی بخیت باشد چنین
 بر لب نیست صد خان محمد بن لید گوید که در خدمت امام علی علیه السلام طعام
 میخوردم چون فلان شدیم و خوان برداشتند غلام خورده طعام را بر
 پیچید و حضرت فرمود که اگر در صحرا باشید ریزه طعام را بر اندازد اگر
 در آن کوه باشد و اگر در خانه باشید بردارید و بسم الله از امام جعفر علیه السلام
 که و میداشت که بیت چو طعام خوردند یا آب آشامید یا چیزی بردارند
 از ائمه علیهم السلام فرمود که چون طعام خورد ابتدا شکم کنید اگر مردم
 بر نشندی فایده آنرا اهرینه اختیار کردندی بر تر باک محبت امام علیه السلام
 فرمود که در طعام خوردن ابتدا میسکنم شکم و ختم بر سر که حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو آن خورشیت سرکه و فخر راه نیابد
 در خانه که سرکه باشد و رسول صلعم فرمود که چون غایبید چهار روزه
 ابدی داخل میشوند چون بنده از زندگان بگوید بسم الله فرشتگان
 گویند بشیطان که ای فاسق بر و ن رو که ترا انجازه نیست و علیه
 نیست چون فارغ شود بگوید الحمد لله فرشتگان گویند شیطان ترا
 که برو که این قوم دست نداری چو ایشان قومی اند که خدای تعالی بر ایشان
 کرامت فرموده و شکر از بجای می آورند و اگر بسم الله گوید فرشتگان گویند

بشطان که ای فاسق نزدیک شو و با ایشان طعام بخور چون بعد از این
 خدا نکو بر فرشتگان گویند حاجتی که حق سبحانه و تعالی بر ایشان کرامت
 میکند پروردگار خود را فراموش میکنند **روایت** که ای المؤمنین علیکم السلام
 فرمود که هر که در حال طعام خوردن بسم الله بگوید مرضی و میسر و خوش
 حال و بی غم و **بسم الله** این کلمات را پس از این بود که گفت یا ای المؤمنین
 که من و شش طعام خوردم و بسم الله گفتم بر آن و بمن السلام رسید
 فرمود که ای معون تو چند نوع چیزی خورده و بر بعضی بسم الله گفته و بعضی نه
 و اما الصادق علیه السلام فرموده که هر که فراموش کند بسم الله گفتن آن طعام
 پس باید که بگوید بسم الله اول و آخر و دیگر فرموده که هر که خسته نشد
 جهت آنکه چون ابتدا بطعام خوردن میکند بسم الله گفته ام و چون فارغ شده ام
 الحمد لله را بر زبان رانده ام و شکم چون شیر شد با فرمان حق جان و عدا
 میکند **فصل** که ای المؤمنین علیکم السلام فرمود بر هر خود اقامه **بسم الله**
 که ای هر که از طعام گرم و سرد که خوری و بر هر چه آب که آشامی می باید
 بر زبان بگویی اللهم انی انا لله و الهی و شربى و شربى و شربى
 من عذک و التوقیه علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما
 بقیتک فی بدن و ان تسجنی بقوتک علی عبادک و ان
 تلحقنی بحسن الخیر من معصیتک پس بدین که در این

خواندی از رحمت و اتم آن طعام ایمن شدی **روایت** که امام الغایین
 برگاه که طعام خوردی این دعا خواندی الحمد لله الذی اطعمنا و سقیانا
 و کفانا و ابدانا و انا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی اطعم
 و لا یطعم و اذا امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سلمان بن داود علیه السلام
 برگاه که دست از طعام باز میداشت میگفت اللهم اکثر و اطنبت
 فرزد و اشبع و ادرت فیت و چون امام جعفر علیه السلام از طعام
 خوردن فارغ میشد میفرمود الحمد لله الذی اطعمنا فی جایعت
 و سقانا فی ظمان و کفانا فی غمین و هدانا فی ضالین و کفانا
 فی الجحیم و اوانا فی صاحبین و کفانا فی غابین و فضلنا
 فی کثیر من العالمین حضرت مغیر بن عبد الله فرمود که چون بخوان بر دانه
 بگوید الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلنا نعمة شکورة
 و در کتاب حاجت آورده که دعای نزد طعام خوردن اینست الحمد لله الذی
 یطعم و لا یطعم و لا یجیر و لا یجیر علی و یتقی و یتقی
 علیه اللهم لك الحمد ما در قنات من طعام و ادام فی سیر
 حافیة من غیر کدنا و لا مشقة بسم الله خیر الاماء و رب
 الارض و السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء و هو
 السميع العليم اللهم اسعدنی من عظمی هذا بخیروا و اعدنی

مِنْ شَيْءٍ وَتَجْعَلَ مِنْهُ لِي ذُرِّيَةً ذَاتَ قُوَّةٍ
وَدَعَا زَيْدَ فَرَاحَ اِزْطَعَامَ اِجْتِ لِلْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي فَاشَبَعْنِي وَفَافَعَلَنِي
وَارَادَنِي وَصَافَنِي وَحَمَّنِي لِلْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي حَرَّفَنِي فِي الْبَرَكَةِ
وَالْيَمِينِ بِمَا اَجْتَنَّهُ وَتَرَكْتُهُ مِنْهُ اَللّهُمَّ اجْعَلْ هَيْبَتِي
مِرْيَا وَلَا دَيْبِيَاً وَاقْبَلْنِي بَعْدَ سَوِيًّا قَائِمًا يَتَكَبَّرُ
مُحَافِظًا عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَارْزُقْنِي زَيْدًا قَادِرًا وَغَشِي عَيْشِي
رِزْقًا قَارًا وَاجْعَلْ لِي نَاسِكًا بَارًّا وَاجْعَلْ مَا يَتْلُقَانِي فِي
الْمَعَادِ مِجَاسًا لِي رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ در کتاب طب الاثر
 علیه السلام فرمود که امام جعفر الصادق (ع) فرموده وقتی که برادر طعام بخورد
 مگر که مضطرب نشود بآن و در کتاب بصائر آورده که عاصم گفت که حج میرفتم
 چون بمیدانه فرود آمدم امام موسی (ع) اینجا تشریف داشت خواست که مرا
 بهمان کند فرمود تا طشتی آب آوردند و ایشان دست شستند و از ظرف
 رست ایشان طشت کرد ایندند بعد از آن نمک آوردند فرمود که بسم الله الرحمن الرحیم
 بگوید و بخورد بعد از آن هر که بگوشت شانه بریان کرده آورده فرمود
 که بخورد و بسم الله بگوید بدتر که این طعام است که پیغمبر صلی الله علیه و آله
 و بعد از آن ریت آوردند فرمود که این طعام را فاطمه زهرا (ع) خورد
 و بعد از آن آش آوردند سرکه کرده فرمود که حضرت ابیالموئین علیه السلام این

بعد از آن قلیه بخان آوردند فرمود که امام حسن (ع) این دوست میرداشت بعد از آن
 ترید و شش ترش آوردند فرمود که امام زین العابدین (ع) این طعام را دوست داشت
 و بعد از آن خاکینه آوردند گفت من این دوست میدارم بعد از آن خلل آوردند
 و فرمود که زبان عیس کبریا ایندند بخور زبان پروان آید فرود برید و آنچه بخورد
 پروان آید بد و در اندازید و بعد از آن طشت آوردند و از جانب حق آنحضرت
 بنیاد کردند با جمیع مردم دست شستند فرمود که ای عاصم شما در نیکو
 با یکدیگر در چه مرتبه اید عاصم گفت در نیکوترین و جمعی پس آنحضرت فرمود که
 هر کدام از شما هستی که چون حاجتی داشته باشی بخانه برادری روی
 و آنچه خواهد بردارید و او در خانه نباشد چون بداند مکند نشود عاصم
 گفت نه آنحضرت فرمود که نمایند بخور و جمعی نیکویی با یکدیگر و عمر
 بن شعبه گوید که من ندیدم که ابو عبد الله (ع) بیکه زده طعام تناول نموده باشد
 جو میفرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله بیکه زده طعام تناول نمیفرمود ابوالموئین
 فرمود که از طعام خوان میریزد در در را شفاست و پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرمود که بباد میداند بر طعام برکت ازان پروردگار دیگر آنحضرت فرمود
 که دیدم کسی که از خوان طعام رنجته بود بر مسجد و دعای برکت ازان
 کرد که بِوَرِثَ لَكَ وَبِوَرِثَ لَكَ و فرمود که هر که چنین کند
 حق سبحانه و تعالی او را نگاه دارد از جنون و جذام و برص و زرد در بدن

و طاقت امام موسیٰ فرمود که سبزی را که بر موی چنان نمیکند طعمی که بخورد
 و حاکم که میگوید و در آن صانع که یاری میکند و بر او درین دیرانگاه میدارد
 و این را میگویند **طعم** فرمود و طعم را بگذارد تا سر شود که پیغمبر صلوات بر او
 که حق سبحانه و تعالی آنرا بخوراند و دیگران که برکت در طعم سر است
 نزد طعم گرم **و دیگر** آنکه حضرت فرمود هر که بعد از طعام کاس را ببلیند
 فرشتگان بر او صلوات فرستند و دعا کنند که روزی بروی کشد و کرد و در
 حناش پیغمبر ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که چون پیغمبر نزد رسول الله
 آوردندی و را بوس دادی و چشمت نهادی و این دعا خواندی **اللهم**
ارتقا اقلها و اخرها و دیگر فرمود که سر او را شست که مرده بزرگ
 سال را که خواب که که طعام سیر خورده بهر چنان بخوابد نماید تر است
 از بوی بد دامن نگاه دارند **و دیگر** فرمود که مرا عجب می آید اگر کسی که خود را
 نگاه میدارد از طعام ناسازگار که الیتم شد و خود را از گناه نگاه میدارد
 تا آتش دوزخ برسد **و دیگر** فرمود چیزی خوردن در بازار دناست
و بیعت که شخصی پسندد از امام القصادی که اگر کسی در کشتزاری
 واقع شود میگوید که خوشتر از این پسند فرمود که چه اگر هر که بروی بگذرد
 و از آن خوشتر پسند فرمود که هر که بگذرد از آن خوشتر پسند پس برای
 هیچ مانند **و بیعت** که شخصی گفت یا رسول الله طعام میخوریم و سیر نمیشویم

از آن

فرمود که گویا بعد از یکدیگر طعام میخورید پس باید که جمع شوند در طعام نام
 خدای برید بزرگت باید **و بیعت** که پیغمبر صلوات بر او فرمود که چون طعام
 از پیش من بخورید از بالای کاس بخورید که برکت بر بالای کاس است
 و دست از طعام کشید اگر هم سیر باشد تا غنیش شود چربی خورد
 خجل نشود و ترک طعام خوردن کند شاید که میل داشته باشد **و بیعت**
 که حضرت رسول صلوات بر او فرمود که هر که پیشتر مردم
 که در دنیا از طعام سیرند در آخرت گرسنه اند **و دیگر** فرمود که نوز حکمت در
 کسب است و دوری از خدا سیری و نزدیکی حق و دوری از مسکنان و دوری
و دیگر فرمود که بسیار طعام آب لهارامی راند و دیگر فرمود که هر که طعام بخورد
 فرشته بر سر او می ایستد و استغفار برای او میکند تا از طعام خوردن
 فارغ شود و اگر لقمه حرام چسبند و میرسد تمام ملائکه آسمان زمین برو
 لعنت میکنند تا آن لقمه در شکم اوست و حق سبحانه و تعالی بر او لعنت کند
 میدارد و او را از چشم قدرت خودی اندازد پس اگر توبه کرد خدای تعالی
 او را می آمرزد و اگر سبب توبه مرد او را بدوزخ درمی آورند **فصل**
چهارم در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است بدان در کتب
 من الاخیضه الفقهیه آورده که حضرت رسول صلوات بر او فرمود که طرف طلا و نقره
 متاع آنانست که ایشان را یقین حاصل نیست امام محمد القصادی علیه السلام

فرمود که سزاوارست که آب پاشا مندر بطرف طلائع و قدح که از اینها
 چربی داشته باشد پس اگر محل ضرورت باشد ما را از محل آن بگذرانند
 و فرمود که مگر موت که روغن آن زعفران و طلائع باشد سوال کردند از آنحضرت
 که آب یک نفس میتوان آشامید فرمود که اگر کسی آب بتوده مملوک تست ببرد
 فاضله است از یک نفس چوبه است بر آشیامیدن **بشر مرد** که وقت
 آشامیدن آب این دعا بخواند **الحمد لله الذی المنزل المائ من السماء**
مصرفی الاخر کیف ایشاء بسم الله خیرکم الله و صلو
 از امام جعفر الصادق علیه السلام که جمعی نزد پدر بزرگوار من آمدند و گفتند نعم
 توانست که هر چربی را حدیث که ضعیفی میشود به آن چیز پدرم فرمود که
 اینجین است پس آنحضرت کوزه آبی طلید تا ایشان پاشا مندا ایشان گفتند
 یا ابا جعفر حدیث کوزه چیست فرمود که حدیث است که از میان لبان
 پاشا مندر بران خیار اید کند و ب نفس پاشا مندر در هر نفس حق را
 یاد کنند و از گوشه کوزه آب نیا شامند زیرا که آن جای آشامیدن است
 بعد از آن این دعا بخواند **الحمد لله الذی شقانی ماء عذبا و یجعله**
سلحا الجلابد نوبی و در روایت دیگر آمده **للحمد لله الذی**
شقانی قارا دین فاعطانی قارضا و عافانی و کفانی
اللهم اجعلنی من تشفی فی المعاد من خیر محمد و صلی الله

و تشفی بهر اشیاء **یا ارحم الراحمین** سوال کردند از
 رسول الله صلی الله علیه و آله که آب ایستاده پاشا مندر فرمود که نه **بیکر** برسیدند از
 ایستاده طعام خوردن فرمود که بر سر است و از امام جعفر الصادق علیه السلام پرسیدند
 که آب بر طعم دارد فرمود که طعم حیات فرمود که آب پاشا مندر ب نفس
 یک نفس که آب آشامیدن دیگری بخت را ندن شیطان و دیگری بخت شفا
 الله اندرون و بعد از آن گفت من دیدم رسول الله صلی الله علیه و آله بر نفس آب
 آشامید و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون مکس در طرف نماز افتد او را
 در طعام فرو برید بر سر که دیگری از برای او شفاست و دیگری زهر و چون
 افتد بر روی که زهر است فرو می برد باید که مکس را با تمام فرو برد و پروردن
فضل نجم در آداب غسل کردن در کتاب من لایحضر الفقیه آورده از حسیب
 بن عبد و یگفت دیدم که امام جعفر الصادق علیه السلام را که غلال میفرمود پس نظر کردم
 بسوی او و فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله میفرمود که آن پاکی دانست و در بزرگی
 و رود یافته که حق مهمان است که از برای او و همسایه سازند فضل بن یونس
 پرسید از امام موسی علیه السلام از حد غلال فرمود که بشکن بر او را تا بخورد
 خون آلود نکند امام رضا علیه السلام فرمود که بچوب بکمان انا غلال کنیم که آن
 عروق خدام را بکسکت می آرد و رسول صلی الله علیه و آله هر چوب غلال کشود الا بکعبه
 غلامانی و آنحضرت فرمود که رحمت خدا بی بر غلال کشد کان امت من که

در وضو و طعام خلل نکند **روایت** که از امام جعفر علیه السلام فرمود که سرمد بوی دما را
 خوش میکند و خلل برزق را می افزاید **منقولست** که بفرموده رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرمود که یک گردانید دانه های خود را بجمال که جای آن دو فرشته است
 که کعبه را نگاه دارند و ثبت عمل شما میکنند و آب مراد ایشان است و حرم
 ایشان شما و مکروه میدارند که طعام در آن شما بخورید **روایت** از امام
 که فرشته ندای کند از آسمان **اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِفُلَانٍ وَ لِفُلَانَةٍ**
 بار خدا یا برکت ده خلل نکند گاو سر که داران را چوسد که منزله مرد است
 و دعای او برکت کند بر اهل خانه و میفرمود که بر مثل **اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِفُلَانٍ** نازل شد بفرموده رسول الله
 در باب خلل از نزد دو الجلال و امام الصادق علیه السلام فرمود که خلل نکند
 بر اثر طعام که آن پاک می سازد دما را و دندان را و می کشد روزی بر زنده
روایت کند محمد بن حسن از آن حضرت که هر که بچوب خدا کند یا بهفت
 روز حاجت او روا نشود امام موسی علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرموده که خلل نکند که فرشته گاو شمشیر را ندانم که بپند و برین ندانم
 ایشان جزئی از طعام امام رضا علیه السلام فرمود که امام حسین علیه السلام فرموده که چون خلل
 میکردیم ایراد می نمود **اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِفُلَانٍ** میفرمود که آب پاشا مید کرد قتی که دما را بوی
 بشوید **فصل ششم در فضیلت نان بر باریک کولات** روایت آن حضرت
 ایراد می نمود **اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِفُلَانٍ** که او فرموده که نان اگر ارمی داری و خور و میکند و پای را بپزند

در ظاهر

ششم

و چون ظاهر شود انتظار و غیر او می کشد و چوبدتر که خدای تعالی او را از آسمان
 و از برکت زمین بیرون آورده و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله دعا فرمود که یا
 خدا یا برکت فرما در نان پس اگر نان نمی بود ما نماز نمی کردیم و روزه نمی دادیم
 و قرض الهی ادا نمی کردیم و ابو عبد الله علیه السلام فرموده که اگر ارمی داری نان
 که پنجمین عیش و زمینت در عمل کرده اند و بنای سید برانست و امام
 فرمود که قوت رسول الله صلی الله علیه و آله از جو بود و طوایش از خردمان خوشتر است
 و امام رضا علیه السلام سلام فرمود که فضیلت نان جو بر کدو چنانست که فضیلت
 نابر مردم تمام انبیا علیهم السلام از جو خورده اند و دعای برکت آن گردانده و
 شکم که رفت بیرون می آورد در دما را و جو قوت پیغمبر است و طعام
 و خدای تعالی روا نمیدارد قوت انبیا را بر اشقیاء **و دیگر** فرمود امام الصادق
 که اگر بدانی که خدای تعالی در چیزی شفا باشد از نان جو آنرا خدای تعالی بپزد
و دیگر فرمود که نان برنج دوا می رسد و هیچ چیز نیست فایده مند تر از او
 در باب سل و هیچ چیز نیست که باقی ماند از صبح تا شب مگر نان برنج و امام
 فرمود که سید طعام دنیا گوشت برنج است و امام الصادق علیه السلام فرمود
 که نان و برنج سبکست و چون شیر زمت و نافع است از برای معده
فصل هفتم در نافع آبها امام جعفر علیه السلام فرمود که سید شراب نیست
 و روایت از ابو طیفور طلب گفت که رفتم بخدمت امام رضا علیه السلام و او را

منع کردم از آشامیدن آب فرمود که سبب منع آب چیست حال آنکه او
 طعام را هضم میکند و در معدّه صفرا می برد و عصب را تسکین میدهد و
 عقل می افزاید و حرارت را می نشاند امام جعفر فرمود که آب زهر شفا
 هر در دیت برین واسطه آنرا می آشامند و در حدیث دیگر آمده که
 آب زهر شفا هر در دیت و امانت از هر خوف سارم گوید که از صحت
 یکی را و بعضی گفت بر تبه تبه من بخت آمد امام جعفر رفتم فرمود
 یا صدم فلان را چه حالت گفتیم نزدیکت برکت رسیده فرمود که اگر من
 میبودم آب ناودان کعبه را میخوردم صحیح میشد پس آگاه بارید و قد
 آب ناودان کعبه را آشامیدم صحیح شد چنانکه سبق جو خورد و بامر
 المؤمنین فرمود آب باران پاشامید که بدین پاکت می سازد و در نهان
 پرده چنانچه می سجده و دعا فرموده وَبَرَزَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْمَنَاءِ مَاءٌ
لِيَطْفَرَكُمْ بِهِ وَيَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْسُ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ
وَيَجْعَلَ بِيَدِ الْاِقْدَامِ خالین جری گوید که ابو عبد الله فرمود که اگر پیش
 شامی بودم هر روز در آب فرات غسل میکردم و یک انار از فریه سور میخوردم
 و بامر المؤمنین فرمود که رود نیل میزدل را می میراند و رودی را
 بر آن آب می شود که موجب تپری و بد قوتیت و دیگر فرمود کسی که تب کم
 داشته بر آب سرد بریزد که گرمی آنرا می نشاند و تسکین صفا میدهد و هضم

طعام میکند و معدّه را نافع است و تب را می برد و دیگر فرمود که آب گرم
 فایده دارد برای هر چیز و حضرت غی سانه هیچ چیز دیگر فرمود که چون را
 از شما بکام رود باید که سه گشت آب گرم پاشا که در آب روی می افزاید و در
 پسر و امام رضا فرمود که آبی که جوشن زده آتش و آنرا گردانیدند
 از طرسته بطرسته دیگر پس آن تب را را می میکردند و ساق و قدم را قوت
 میداد و ابو عبد الله فرمود که حذر کنید از آشامیدن آب بسیار که آن
 یار هر در و الممت و هرگاه که آب کمتر میخورد مستقیم می ماند مکان آب
 و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که چون کسی چوبه خورد باید که آب کمتر خورد
 گفتند یا رسول الله شما کمتر آب میل می فرمایید فرمود که آن برای کوارنده کس
 طعام بهتر است و امام الصادق فرمود که اگر کسی در روز آب بسیار پاشا
 طعام دی هضم شود و اگر آب شب آید بخورد مرض مستقیم آید
 و اگر در شب پاشا آید عا بنحو الشلغم من مکره حرم و علاء الله
 و رسول فرمود که چون آب پاشامید بکشد و بکشد میزد که بر جگر
 ضار است **فصل ششم در گوشتها و معلقات** ابو المؤمنین علیه السلام
 فرمود که گوشت سبب طعام هاست در دنیا و آخرت امام رضا علیه السلام
 فرمود که نزد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مکاتیت گوشت پیره میکردند
 آنحضرت فرمود هر مقدار که از آن در معدّه رود درد پیرون رود و شفا یابا

و تباهی برد و علی بن ابی طالب گوید که من با امام محمد باقر کشت قطعه فرمود که این مبارکت و حضرت را خوش می آمد و میفرمود که بر قاضی است و امام موسی طایب سلام فرمود که گوشت جباری خوب است از برای بوسه زدن و در راه می افزاید و پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمود که هرگاه شکایت از درد دل و غم و الم داشته باشید گوشت در ارج بخورید که نافع است و ششم فرمودی نشاندن علی بن ابی طالب سلام فرمود که ماهی بسیار خوردن سبب مرض است و دیگر فرمود که ماهی تازه بدن را تازه میکند از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه که ماهی خوردی یا این دعا خوانی اللهم بارک لنا فیهِ و کثیر لنا خیراتهِ جبری گوید که نوشتم به امام موسی که ضعف بدن دارم و خون صفر ابرو و غالب است اگر حجامت میکنم صفر غالب میشود اگر حجامت نمیکند خون غلبه میکند پس آنحضرت جواب نوشت که حجامت کن بعد از آن ماهی تازه بخور مگر راین حال اعلام کردم پس بن جواب فرمود پس حجامت کردم از آنحضرت از ماهی سفید که با پوست و چنگ دندان در همچون میکنند فرمود که باکی نیست و ایضا فرمود که ماهی و بلخ هر دو پاکند پس چرا از اینها در دیار مردوست امام موسی طایب سلام فرمود که چون بلخ غلبه شود متفرق شود و بکسر گوید چون چنین کنید طعامی روزی علی بن شام شکایت برد نزد امام رضا از غم نشد

از امام

و مدینه فرمود که زنده تخم مرغ بخور چنین کردم فایده یافتیم امام محمد باقر فرمود که اگر کسی را فرزند نشود باید که تخم مرغ سیاه بخورد که ایضا فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت برد و بسوی صدای کار قلند نسل در نسل چشید چنانکه حاجی فرستاد که ایشانرا امر کن بخوردن نان تخم مرغ روایت از امام محمد باقر که پیغمبر صلی الله علیه و آله شکوه کرد نزد خدای تعالی از درد پست بر خدای تعالی امر کرد بکنند و گوشت که حویله سازند و بخورند که پست را قوی میکند دانه و دیگر فرمود که اگر چیزی مرگت باز نداشت آن شسته بود و آن طعمایست از برنج و پنجه و باقی منزه کرده شده بشیر بنزد علی بن سلمان که یک درخت امام رضا علیه السلام او کله کوه سفید بخوردیم آنحضرت فرمود تا سبوت آورد که کفتم کاهست که امسلا میشود از سر که کوه سفید فرمود که اندک از سبوت بخورم آن میکند و دوای او اینست یونس بن بکر گوید که امام گفت مرا که از چیست که رنگت را زرد می بینم گفتم که تب کشیده ام فرمود که گوشت بخور پس خوردم بعد از آنکه هفت روز از آن رنگ دیدم فرمود که کفتم ترا که گوشت بخور گفتم من غیر آن چه بخوردم از آن روز که شما گفته اید فرمود که چه گونه کفتم بخورم و خوردم فرمود که کباب کن بخور اینچنان کردم بمحض دیگر دیدم مرا فرمود که کاه را رنگ بروی تا آنکه ز راه گوید بگریدم از امام محمد باقر که مرغان که ام حلالند فرمود که بچه در حال پرور از بلای میجنبا

دیگر فرمود هر چه است ده درم نبات یا قند بر آب شکر شربت کند و بخورد
 دیگر فرمود سه چیز ضرر ندارد انکور رازقی و شکر و سیب و دیگر فرمود
 که شکر سده را میکشاید و با او دردی و المی نیست و این را مؤمنین علیهم السلام
 فرمود که خرمای بخورید که شفا می دهد بجهنم و هر که خرمای نیشتا بخورد هیچ ضرر نیست
 بوی نرسد و دیگر فرمود که هر که صفت دانه خرمای عجمه پیش از طعام بخورد
 از زهر و محر و شیطان منفعت نیابد دیگر عبدالله فرمود که عجمه خرمای آید
 و آدم علیه السلام غل آنرا از بهشت آورده پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خانه
 که خرمای در آن باشد اصل آن خانه ختم گشته اند و دیگر فرمود که هر شل اند خرمای
 بر سر از بهشت آورد و فرمود زمان در آن ماه که زاینده این خرمای بخورند تا فرزند
 نیکو سیرت بنماید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و صف برقی میفرمود و می گفت
 که درونه حضرت اول آنکه شربت را قوی میگرداند و حایل میشود شیطان
 و طعام را سازگار میکند و بوی دما را بپوش میزند و در وقت جمع
 می افزاید و نزدیک میکند از جدای شکار و در میگرداند از شیطان حایل
 و میرد در دراز بدن حایل دیگر فرمود که خرمای حلوای خرمای پیش از غذا بخورد
 باز نگردد و دست بر جلوات نرزد آنحضرت حلوای خشک بپزد و با نام
 فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله چون خرمای بخورد دستش را بر پشت دست
 می نهاد و می انداخت نقل فرمود از پدر بزرگوار خود که رسول صلی الله علیه و آله

چون برنده بود ابتدای طعام بخرمای بخورد فصل دهم در ذکر میوه ها
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون آدم علیه السلام از بهشت پرور آمد
 میوه ها را از میوه ها بهشت بوی داد و تعلیم فرمود او را بطریق تربیت
 که این میوه ها بهشت است لیکن از آن حالا آن گذشته و امام الصادق علیه السلام
 فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هیچ اناری نباشد که یکدانه از بهشت در آن
 نباشد و آن دانه بمعهده هر سکنه که در جهنم صبح بخورد آنرا باشد در
 که آنحضرت انار را در شب جمع میخورد و این را مؤمنین علیهم السلام فرمود که انار را
 با پیس بخورید که معده را پاک میسازد و چون آنحضرت انار میخورد دستار می
 می افکند و میخورد و میفرمود از جهت آنکه دانه بهشت دارد و جمیع گفته
 یا از جهنم و آن ترسیان آنرا میخوردند فرمود حق فرشته میفرستد تا
 آن دانه را بر می دارد تا ایشان بخورند امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود
 که پنج نوع از میوه های بهشت در دنیا موجود است انار و ملس و سیب شام و انگور
 و بر و طب و دیگر فرمود که هر مومن که یکت انار را آنها بخورد خدای تعالی
 برایشانه از دل او ببرد صد روز و اگر دو انار بخورد حق سبحانه و تعالی و سوهشتاد
 از خاطر او ببرد و اگر سه انار بخورد هر که گناه کند در بهشت رود و این را
 فرمود که هر که در صبح جمیع پیش از طعام یک انار بخورد چهل صبح دل او
 نورانی بنماید و سوهشتاد شیطان از او دور باشد و محصیت نکند شیخ الوصف

که طفلان را نمارد بهر که موجب فصاحت ایشانست **بروشت** که رسول
 فرمود که هر کوزه که موجب قوت دولت و مورث جماعت و دیگر فرمود که بر
 بسپارند بفرستید که چشم دار و روشن میسازد و بزبان آستین میدهد که نیکو
 صورت و سیرت میشود با ولاد او و ایام المؤمنین علیه السلام فرمود که
 قوت حیات و بد دل را شیخ میسازد و امام القضاة فرمود که هر که
 به بخور و حق بخورد و با حق چو دل روز بر آن او را حکمت کشاید و بوی به بوی
بروشت که حق بخورد و با حق چو دل روز بر آن او را حکمت کشاید و بوی به بوی
 رضاعی است سلام فرمود که شخصی که بخت رسول الله صلی الله علیه و آله آورد آنحضرت او را
 بشکافت بعضی از آن تناول فرمود و باقی بخاندان محلیش نمود بعد از آن
 بر ناست بخوردن به که دل را روشن میکرد و وجع سینه را میبرد و در عقل
 می افزاید امام رضا ع فرمود که بر آنباشت بخورید که نیکو شود و آبروی
 امام محمد باقر ع فرمود که به علم را می برد امام رضا ع روزی بر خوروی
 دید فرمود که پیران بر خورده بود و تظلم او سرایت کرده و در روایت
 دیگر روید یافته که به بوی پنهان دارد و مورد بوی حوریان و کل بوی
نقلت که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سبب پیش از طعام بخورید که معده را
 قوت میدهد و امام موسی ع از جد بزرگوار خود روایت کرده که ماکه باقی تمام
 دو ایسکینم بر آشامیدن آب سرد و خوردن سبب و امام رضا ع علیه السلام

در روز

فرمود که سبب دفع میکند و زهر حسنه و از بچه عارض شود از لقمه و غیر آن
 و نیت چیزی بر فایده تر از سبب زیاد میدهد که بگوید که برادر م سبب
 بخورید و فیتهم مردم را خون بسیار از دماغ می آید برادر م نیز انجان شد
 آنحضرت امام جعفر ع رفته و حال عرض نمودم فرمود که در سبب جبه داد نمود
 بر شد ابوذر رحمت الله علیه گفت شخصی طبعی آنجه بدهد نزد رسول الله صلی الله علیه و آله
 آورد آنحضرت فرمود مرا صاحب خود را بخورید که خوردن او دفع بوی میکند
 و زهر خشک در جماع می افزاید امام رضا ع فرمود که آنجه بوی درین را میبرد
 و استخوان را قوی میسازد و در دمار او است **بروشت** که امام جعفر ع علیه السلام
 فرمود که نوح نبی شکوه که در انغم و اندوه و خون و حی آید بوی که آنکور بسیار
 بخور که غم را می برد دیگر فرمود که دو خیر است که بهر دو دست باید خورد آنکور
 و آنرا پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که آنکور را دانه دانه بخورید و دیگر فرمود که بهر
 امت من آنکور در خربزه است امام رضا ع فرمود که امام زین العابدین علیه السلام
 آنکور دوست میداشت که نیکو خوشه آنکور نزد آنحضرت برد و دروشی آمد
 و طلب نمود آنخوشه را بوی داد آن کینه رفت و آن خوشه را از آن کوش
 خرید و نزد آنحضرت آورد و یا علی که با آن همان خوشه را بوی داد همان طایفه
 بر رفت و باز آنکور را از آنباخت بخورد و نزد حضرت آورد دیگر سالی آن باز همان
 طریق داد و بزرگتر خنده و آنحضرت آنکور را تناول نمود ایام المؤمنین علیه السلام

فرمود که امروز دای را روشن کنید و در دمای اندرون استیلا کنید و زیاده را
 گوید که من بخدمت امام رضا ^ع رفتم طرفی پیش وی نهاده بود و در وی آگهی سیاه
 فرمود که این حرارت را می نشاند و استیلا می دهد پس فرمود که اگر می کنید بزد
 از رسول الله ^ص که هر که در هر روز پیش از طعام پیش یک عدد مویز سرخ
 در جبهه خود چربی از علت نهند و فرمود که بر شام که مویز بخورد بستر کف
 میرود و دفع بلغم میکند و بند ترا می دارد و خلق را نیکو می سازد **در وقت**
 که خفگی خفت چشتم سفید شده بود که هیچ نمیدیدم حضرت امیر المومنین ^ع را در خواب دیدم
 و حال او عرض کردم فرمود که غیب را بگو و چشمم بر غیب را با استخوان
 کو قسم در چشمم دیدم تیری در چشمم رفت و پناشدم و دیگر فرمود که گو
 سنجید گوشت را می رویانند و استخوانش استخوان را و پوستش پوست را و با
 خواص کرم می سازد و دماغ معده است و امانت از بوسه و قطره قوی می سازد
 ساقرا و قطع میکند رگ جدام را **در وقت** از پیغمبر صل الله علیه و آله فرمود در
 تب را بایر المومنین ^ع که سنجید بخور تا تب تو زایل شود **فصل در دهم**
در ذکر سبزه ها در حدیث وارد شده که بر جوان طعام سبزی حاضر کردی شیطان
 از آن میگریزد امام جعفر الصادق ^ع فرمود که هر چربی از سبزی است و زیتون
 سبزی است احمد بن یارون گوید که من بخدمت امام رضا ^ع رفتم آنحضرت
 طلبه و بران سبزی نمود فرمود که ای غلام نمیدانم که من بی سبزی طعام نمی خورم

سبزی آورد و با طعام تناول نمود امام صادق ^ع فرمود که گوشت و در دماغ و عقل
 می افزاید **نفت** که پیغمبر صل الله علیه و آله فرمود که گوشتی بسیار در آش کشید
 که قوت عقل و دماغ است و آنحضرت روزی در مجلس بود نزد او فلیه کدو آوردند
 آنحضرت کدو را بر پیچید و می خورد امام جعفر ^ع فرمود که هر که شب سبزه و دخت ورق
 کاشنی در شکم او باشد این شیوه از قول پیغمبر و دیگر فرمود که هر که خوابد که فرزند او
 بسیار شود و کاشنی بسیار بخورد که هر صبح برود قطره چند از جبهه بر روی بچکانند
 در وقت خوردن او را میفشایند و دیگر فرمود که هر که در روز جمعه هفت برکت
 کاشنی بخورد در بهشت رود و امام رضا علیه السلام فرمود که کاشنی شقایق بخورد
 کسی نزد آنحضرت آمد تب صداع داشت فرمود که کاشنی بکوبند و در میان کافه
 نهند و روغن فستق را روغن بوم بر بچکانند و بر سبزه صداع استیلا کند
 و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر که کاشنی بخورد و بران بچاند زهر و کدو بچاند
 و تب از او زایل شود ساری گوید که امام رضا ^ع فرمود که بر تب که کاشنی
 بخورد که در آب پشته می افزاید و فرزند ترا نیکو می سازد و آن کرم و تر است
 و در زیر می افزاید امام محمد باقر ^ع که ماسه و پیاز و کدو نامی خوریم مویز
 بن کبر گوید که غلام امام موسی ^ع علت سپردن داشت فرمود که سه روز
 کند نابوی دیدم بوی دادند تحت یافت امام الصادق ^ع فرمود که هر چربی را
 سبزی است و سبزه سبزیها کند است امام محمد باقر علیه السلام فرمود

که کند نافع باد میکند و بوی و ما را خوش می آید و بوی را قطع می نماید
 و امانت از جدام هرگاه که بسیار خورند موسی بن مکیه گوید که خدمت امام موسی علیه السلام
 فرمود که رنگ ترا زدی می بینم کن تا بخور خودم زردی روی من را بشود **روایت**
 از امام الصادق علیه السلام که ای ایلمؤمنین فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله با درخت بود را دوست میداد
 امام جعفر فرمود که او سبزی پخت و او را بهشت خاصیت است نهضم طعام
 میکند و سده را می کشاید و بوی و ما را خوش می آید و در سل را می برد و امانت از
 جدام و اگر در نذر روی آدمی جای کند دفع تمام در دایم میکند و اهل بهشت خوانند
 بر آن می آیند و امام جعفر الصادق علیه السلام که نزد یازمین بهتر از خرفه و آن سبزی فاطمه زهرا
 و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خرفه بخورید که عقل را می افزاید امام الصادق علیه السلام فرمود که شب
 که بخورید که رنگ جدام در بر من در دماغ حرکت می آورد امام حسین علیه السلام روایت کرده
 از ایلمؤمنین علی که رسول الله صلی الله علیه و آله وصیت کرد مرا در چند چیز از بخله فرمود که این
 سبزی ایاس و یوشع بن نونست مرویت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که
 سداب نیکوست از برای درود گوش امام ضیاء الله علیه و آله فرمود که سداب در عقل
 لیکن آب پشت را پرانده می سازد و دیگر آن حضرت فرمود که چند بخورید که در کنار
 رویده و سحر در بار شفاست و بی را محکم میکند و استخوان را قوی می سازد که
 دست که کار آن بران نمی رسد برکت او معتقدان برین میشد که شخصی می پوشد
 امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که حق سبحانه و تعالی از یهود و جدام برداشت بخت که چند بخورید

روایت اول

روایت از امام الصادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که اگر خورید از آن بخورید و بوی آن را بشوید
 در حالت بریدن بر آید و کند و شیخ ابو جعفر رحمت الله علیه آورده که ایلمؤمنین علی علیه السلام
 فرمود که اصل تربیع بلغم میکند و نهضم طعام می نماید امام الصادق علیه السلام
 فرمود که بر شامت بخور و آن بخت که خدایت و پنهان داری را دور از اهلش
 و چپکس نباشد که در عرق جدام نباشد پس بخور آن بخت که از آن را بیل سازد
روایت که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سیر بخورید و بر آن دعا و اکتید که غدا
 در درادوست و فرمود که با علی سیر بخور که کرم ناک حکایت نمیکردم
 و ایلمؤمنین علی علیه السلام فرمود که سیر نباید خورد مگر آنکه بخت باشد و چرخ زده
 بخورید که روزه و از امام الصادق علیه السلام مرویت امام محمد باقر فرمود که پیغمبر
 فرمود که چون شهر روید پای جهان شهر را بخورید که بار از شما دفع میکند امام الصادق
 فرمود که باکی نیست خوردن پب ز که در دیک باشد و فرمود که بوی پای بوی و من را
 خوش می سازد و در راه می افزاید **نقد** که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که طعام عسی علیه السلام
 با قلاب بوده تا او را بر آسمان بردند فرمود که با قلاب پوست بخورید که دماغ معده
 امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که با قلاب بخور و دفع میکند و در هیچ رخی
 نیست و مرویت که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بخورید با قلاب که در ضیق و درشت که
 کوهی داده بود خدایت حق تعالی و نبوت من و ولایت ایلمؤمنین و هر کس که عقد
 را بخورد او را داد و حاصل شود امام علی علیه السلام فرمود که کارکنان خود را

که بسیار بخورید یا بخار که در کما سرده است و در سرما کم و معتدل است در وقت
اعتدال و نیکوست بهر حال اما چه فرمود که نزد برزخ کوار میاید بخان بروی بان
کرده ایستاده بود و او در چشم داشت و او را میخورد شخصی گفت ای فرزند رسول خدا
این کرم است و مناسب نیست فرمود که خاموش باش که مقولات از بهر بزرگواری
که با بخان از سیر مینت و نیکوست و هر چیزی را فایده است و فرمود که بر شاست
بیاد بخان بهورانی که شفاست و ایمن میکرد اند از برحق تخصیص که بر حق زیت نمیشد
و او درین فرمود که من بخیر است با عبد الله فرمود که زردک نهاده بودی
از آنها مری که گفت مرا ندان نیست فرمود که بیک نیک بده یا بگوید و بخور که کرده را
کرم میکند و با هر اوقات میدهد و امانست از بواسیر و قولنج اما هم میگوید
روایت کند که رسول صلعم خورده تناول می نمود به شکر و خا روایت از ابوالموثر
که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خورده بخورید که بر ستر کباب او رخت شیرینی او زیت
هر که یکت بقیه از او بخورد نه از حسنه در دیوان او بنویسند و هفتاد هزار گناه از او بخورند
و ابی القاسم فرمود که در خورده دردی و شری نیست و درود و خصلت است
طعامت و آب است و میوه و ریحان که بوی خوش دارد و نان خوش و حلوا و شیرینی
و خطمی که اندرون را پاکت میسازد و تر میگرداند و نقل و دودست و امام ضابطه
فرمود که خورده بیاض است و خوردن موجب افلاح و قولنج میشود اما چه فرمود روایت کند
که پیغمبر صلی الله علیه و آله از زیت میخورد با نمک و میفرمود که باور نکند که میخورد از او

کند

بخورید که برکت آن شیر است روایت از رسول خدا فرمود که شونیز نه در دما را شفا
الامرک و حضرت او را دوست میداشت محمد بن درج گوید که من که در شنگ بود
کردم به امام الصادق از در شکم فرمود که شونیز بخور که شفاست از هر دردی
که با بخت تب و درده چشم و شکم و هر دردی که با میرسد از اینجور نیم و حق تعالی
شفا میدهد روایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله که نیست شامی و برکی و شکوفه از در شفاست
که خورشید بران موکل نیست و فایده آن بهر جا که باید رساند ماکذرا نکه فرمود
و در اصل فرغ آن نفع عظیمست و هر دانه او هفتاد و در دواست محمد بن حکیم گوید
که پیغمبری از پیغمبران شکوه کرد بختی از بدولی امت خود و حی آمد که امرک را شفاست
بخورده است و پرسیدند از امام جعفر از فایده است و کندر فرمود
خانه که یکدانه او باشد شیطان ملعون نمیتواند آمد و هفتاد و خانه که در حوالی او
و هفتاد در دواست که آسان تر آن خدام است پس باید که از شافوت نشود
اما کندر و نخل پیغمبران کرام علیهم السلام که پیش ازین بودند و هر یک نیست عمران
به آن بخور کرده چوبی نیست که زود تر از آن را آسان بود و آن گشتند
جنیافت و قطع در دمای پدر مان میکند پس باید که از شافوت نشود روایت از رسول
که رسول صلعم فرمود که زان آبستن را کندر بد مید تا بخانند که من جنیاف یا قی
عقل فرزندان ایشان میشود و در هر خانه که دود کند و عذارت و جن را بجا آورده
ایر القاسم فرمود که باور نکند که باور نکند که میخورد از او

می برد امام رضا علیه السلام فرمود که کند را بسیار بخاند که بگویم را از معده می آید و
 و عقل را قوت میدهد **فصل دوازدهم در جوابات** مرده است که می گویند
 امام رضا علیه السلام می گفت داشت آنحضرت فرمود که کفش باش بخور و ماش ترا ببارک
 از انجکوب آب ترا بگیر و بنامش بخور و بر طبق نیز مالی بخان کرد تحت فیت
مراتب که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که شبیل بخورید که اگر اعت می رسید که چقدر
 فایده دارد از انجکوب را بر آب میگرد و هم آنحضرت فرمود است خود را
 بنامخواه و ستر و شویند که سفیدی را می برند و کرانی طعام را بسک می اندازد و قوت
 میدهد معده را و بگویم را قطع میکند و مانند از لغوه و شخصی نزد امام محمد باقر
 آمد و پرسید از خود فرمود که نیکوست از برای دروشت امام جعفر علیه السلام
 از پدران بزرگوار خود روایت کرده که روزی پیغمبر خدا بر سجاده عبادت نشسته بود
 که عبد القدر بن بهمان آمد و گفت یا رسول الله من نزد تو بسیار می نشینم و سخن
 می شنوم و دل من قوت نمیکند و اشک از چشم من بران می شود آن حضرت فرمود
 که حدس کن که حدس دل را تنگ می اندازد و اشک را روان میکند و فرمود که
 پیغمبر از پیغمبران سکایت کرد از قوت خود نزد حق تعالی از تحت دلی ایشان و حق
 به او رسید که ایشان را امر کن بخوردن حدس که در دل قوت پیدا می نماید و عفت
 کبر را می برد و آن طعام نیکو خصال است و غذا و پیغمبر بر آن برکت یافته اند
 که از ایشان میسین بر میست و امام جعفر الصادق روایت کند از پیغمبر صلی الله علیه و آله

از ان

که بر شاست که مداوا کند بسا که اگر چربی مداوا و دفع حضرت می نماید است
 و فرمود که اگر بدانند خواص سنار را بر این مشغالی از و به شغال طلا می شود
 که آن با ناست از بهی و بر صم جذام و جنون و خال و لغوه و فرا گیرند و را بگویند
 سسج پیدانه و بیل که کایا زرد و سیاه و اجزا را بر آب بر یکدیگر استمال
 کنند و بنامش بخورند و سه درم در محل خواب که بهترین و و است امام جعفر
 فرمود که هر که بت کند پاشاید در آن شب دو درم یا سه درم از بزرگ قطعه نازد
 اینم شود از بر سام در آن علت **فصل نهم در ذکر خود و بنام فر** کمر
 امام جعفر علیه السلام فرمود که بیزه که در کان با یکدیگر خوردن موجب شفاست و می گویند
 خوردن موجب ملت درد و دیگر فرمود که بیزه خضم طعام میکند و شتهای آید
 و دیگر فرمود که اگر در کما خوردن در بدن پیدا می نماید و در سسج است
 گرم می سازد **فصل دهم** که رسول الله علیه و آله فرمود که اگر از طعام خود
 ابتدا بتمک کنی ختم نمک که آن شفاست از غشاد در کما از انجکوب جذام و بر
 و در و صلی و دند نیست و امام الصادق علیه السلام فرمود که هر که لقمه اول را
 بتمک زند و بخورد نقطه های سیاه سفید از روی او برود **فصل یازدهم** که امام جعفر
 پرسید از اصحاب خود که کدام با خورش بهتر است یکی اشارت بیکوت کرد و دیگری
 بروغن آنحضرت فرمود که بهترین ایشان نمک است **فصل بیستم** که رسول الله علیه و آله
 بخانه اتم سه فرمود که یکی از دلج آنحضرت بود و او نان بسیار پیش آورد حضرت فرمود

که نان خورش نزد شاه است امم گفت ای رسول الله سر که چو نیت فرمود که نیکو
مان خورشیت سر که در هر خانه که باشد اهل آن خانه فقیر نشوند و فرمود که خدا را بگو
فرمود سر که آن نان خورشیت سر است و از امام جمعه مرویت که سر که عقل را
تقویت میدهد و صفا را می کشند و دل را از اند غالی میکنند و دیگر فرمود که سر که
که شراب بود و خود نقل نمود که بخورید که آن چنبد و شکم شما نیکو بود که
تفضل را آورد و دیگر فرمود که بوی فخر علیکم در وقتی که بزرگان بودند
که در جوش جان و دعا از آن شکست خوردن مامور شد با او که نیکو نان خورشیت
این نکت **روایت** کند امام جمعه که بفرستد فرمود که بخورید زیت را و این
کیند بر آن آن خمر مبارک است و دیگر فرمود که زیت دهن را بر آید و طعم احبار
و هم او فرمود که چهار چیز است که جلای میدهد دیدار او فایده دارد و خور
از آن پرسیدند فرمود که سقر و نمک با یکدیگر گفتند خاصیت جمیع حبیب
فرمود که ناخواه و که در کمان بود اسیر را میسر از آنند و با در میسر از آنند و در کمان
نیکو میسر از آنند و سقر و نمک با در از دل می برند و سده را می کشانند و بلغم را
میسر از آن آب پشت را بسیار و صاف بیرون می آورند و دمان را خوش می کشانند
و معده را نرم میکنند و باه را قوت میدهند ابراهیم نظام گوید که مراد از آن
گرفتند و با لوده در دماغ ریخته اند و پنجه شده و بعد از آن بر فک آب در آن ریخته
پس در اندامی من تمام افتاد و بعد از آن امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم و حال

بر آن عرض کردم فرمود که سعادت حال کن که در دانت را می رویند بعد از آن جانب
خراسان فخر بخیرت انحضرت و شرح آن خواب را عرض نمودم فرمود که در پنداری
همان و امیکنم پس استحال بعد کردم دنیا نهایی من تمام روید **شده مرویت**
که حضرت ایزد مونس فرمود که بهترین طعامی که روزه دار در بخور و سویق است
که مردی گفت مرا بی عبد الله را که مرا فرزند هست که بغایت ضعیف و کمالات
فرمود که بسویق بد او کند که محکم میسر از آنست و میسر و مانند گوشت را تمام
فرمود که اگر سویق را با آب بشویند هفت نوبت از طرف بظرفی دیگر تب کرم را
و ساق و قدم را قوت میدهد سیف نماز گوید که حال بیمار را از دانی عبد الله علیه
عرض کردم فرمود که او را سویق جو جو را نیکو میشود انشا الله تعالی و آن است
در اندرون بیمار را وی گوید که کینوبت او را خورانیدند بهتر شد ای کثیر گوید
که شکم من درد گرفت بر ای عبد الله انحضرت فرمود که سویق جادوس را بر
زیره که مانی پاشام عجبین که دم صحت یافتیم احمد بن یزید گوید که خون از دماغ
من غمی ایستاد از انحضرت پرسیدم فرمود که سویق پاشام چون شامیدم
خون ایستاد و دیگر فرمود که سویق عسکری را می نشاند و معده را قوت میدهد
و حرارت را نیکو میکند بد اندرون را شکم میسر از آنست و بخورد و در او است
علی بن مهزیار گوید که اگر نمی بود که خون حیض از منقطع نمیشد تا از یک برکت
رسید پس امام محمد باقر فرمود که سویق او را بخوران و بچنان کردم خوان

روایت کند امام حسین علیه السلام چون شیر خور می شد عایشه فرمود اللهم بأكلك
لنا فیه وزدنا منته گفت که کسی گفت یا امام جعفر علیه السلام شیر خوردم و مرا
مضرت رسانید فرمود که چیزی دیگری با او خورده که مضرت رسانیده از او بپوشان
پرسید که شیر کجا و جرات فرمود بلی سوال کرد از بول او که اگر شیر خشک باشد
فرمود که اگر احتیاج به او ای او شود یا کی نیست جعفری گوید که شنیدم نزد حضرت
که بول شتر بهر است از شیر او که در شفاست روایت از امام جعفر علیه السلام
که بفرمود اللهم عذرا بعد از آنکه شب می آمدند طعام خوردند بر شتر که آن گوسفند
فرمان بدست و رسول الله ص که هر که ترک کند از شتر شبانه و شبانه شتر توان
و قوت تا چهل روز نیاید امام موسی علیه السلام که آن خوردن را ترک کنید که چه
بناشقی باشد که موجب قوت بدست و امام الصادق علیه السلام فرمود که اگر هر نفس
باشد که با نعلن باید خورد و آنکه ترک کرد هر شب یک رکعت از نعلن میبرد امام
موسی علیه السلام که هر که تخم مرغ و پیاز و روغن زیت بخورد قوت بسیار است
بغیر از این و هر که گوشت و تخم مرغ بخورد بسیار شود فرزندان او یکی از اصحاب
به امام جعفر علیه السلام گفت فدای تو کردم که بگویم که در تعلیم کن مرا چیزی که قوت بر من
فرمود که فیل و باز و تخم مرغ و روغن زیت بخور گفت چنین کردم و فیل بود و امام
فرمود که سبب خیر است که خوردنی نیست و موجب فحشیت گمان پوشید
و بوی خوش بکار بردن و پوره نهادن و بوی خوش بکار بردن و سبب خیر

و

موجب لاف می شود گوشت خشک خوردن و پوره شکم و خنما و و خیر است که نفع
دارد و مضرت ندارد و شکر و انار باب هشتم در آداب نکاح و نکاح
فصل اول در رخصت تزویج و مبارک بودن بعضی از زنان شوم بودن بعضی از
امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که ای پدر مانع نشود
مؤمن اگر فرزند اهل بی را شاید که حق سبحانه و تعالی روزی کند او را فرزندی که گران
سازد و زمین را بکشد لا اله الا الله و دیگر فرمود که هر که زنی را نکاح کرد
نصف زمین او حفظ دارد و پس باید که بر هر کاری کند و نصف دیگر
و هم او فرمود که بنای نهاده اند در شما که دوست را باشد از تزویج و دیگر فرمود
که هر که دوست دارد فطرت مرا باید که پروری کند سنت مرا که آن نکاح است
و دیگر فرمود که هر که توانایی داشته باشد نکاح و نکند از ماینت و دیگر فرمود
که طلب کنید روزی را نکاح که هر که ترک کند نکاح را بجهت خوف در پیشی بکشد
بر پروردگار خود برده باشد انکحوا فیکون فقرکم یغیبهم الله من
فضله و دیگر فرمود که نکاح بسیار کنید تا بسیار شوند امت و در روز قیامت
گویند مر فرزندان شمارا که بر وید بهر است گویند نرویم تا مادام که پدر پیش از ما
نروند امام جعفر علیه السلام روایت کرد که از امام موسی علیه السلام که نیکو ترین شفاعت
است که شفاعت کند به کس در نکاح احتیاج جمع کند میان ایشان سید محمد
و فرمود که نکاح کنید و از زنا حذر کنید که اگر زنا باین است و دیگر فرمود

که در رکعت نماز که گذرد اکر از فاصل تراست که شخص بے زن روزه دارد
و شب را زنده دهشته باشد و دیگر فرمود که بدترین مردگان شبانی زمانند
اما محمد بن علی السلام که دوستی زمان بهرست از اخلاق و دیگر فرمود که
طلاق بدید که عرش از آن میلزد اما امام زین العابدین فرمود که هر که از برای
رضای حق زن بخواند سوره نساء کرامت بر سر او نهد پیغمبر صلی الله علیه و آله
که نیک ترین است من آنست که روی تازه و خرم داشته بخ و نکاح اندک
و اما امام الصادق علیه السلام که برکت زن آنست که خرج او کمتر باشد و شوهر زن
آنست که خرج او بسیار باشد ابن عبد الله فرمود که هر که نکاح کند در وقت
قمر و عقرب نیکویی نپندد در روایت دیگر و در دینا فقه که مکرم است نکاح
کردن در تحت الشعاع **فصل دوم در اوصاف زنان اخلاق** امام محمد بن علی
که زنان چهار صنفند ربع مرتجع و آن نیست که فرزندی در کنار داشته باشد و فرزندی
دیگر در شکم و دیگر عاصع مجتمع و آن نیست که خیر او بسیار باشد و دایمده دیگر
کرب متجع آن نیست که با شوهر بد خلقی کند و دیگری عقل قیل و آن نیست
که نزد شوهر چنان نباشد که از دقایقه یافت مثل گنه که بر پوست سبیده باشد
و دیگر فرمود که عقل ایشان در جمال ایشان است بال مردان و عقل ایشان را در او
گرفته گوید که محمد بن علی ع امام را که زخم فوت شده و در بار و فقیه بود
و بخوانم که زنی بخواند که تا کجی فرامیگیری باید که او کسی باشد

که حفظ مال نکند و دین ترا نگاه دارد و خود را از غیر بمان کند و امانت ترا نگاه
پس اگر ناپا شود ترا باید که باین صفات باشد و امام زین العابدین ع امام فرمود
که پنج خصلت که هر کس یکی از آن ندارد او ناقص است و عقل او زایل و خاطر او
مشغول و دل او معلول آن تحت بدست و دوری از فراخ و انیس و موافق یعنی زن
و فرغان برادر و مصاحب لایق و موافق و امام زین العابدین ع امام فرمود که اگر خواست
نگاه کند از موی او سوال کنید چنانچه از روی او سوال میکنید زیرا که موی برکت
از دو جمال است دیگر فرمود که بهترین زنان شما آنانند که خوش خوی و خوش بوی
و پاکیزه طعام اگر نفاق کنند اتفاق ایشان بمعروف باشد یعنی چیزی که عرف
و شش پسندد آنرا و اگر امساک کند امساک کرده باشند بمعروف ایشان
عمل کنند مانند برضای آلهی عمل کنند و نموسید بسیار داینها حضرت عثمان
امام الصادق ع فرمود که بهترین زنان شما آنست که اگر نافرمانی از او سرزند غضب
بر دستوی گردد گوید دست من در دست تصرف است و اگر رضای او باشد
سر در چشم کشم حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو ترین زنان
آنست که شوهر دوست باشد و فرزند زاید و برهیز کار باشد عزیز بود میان
مردم و ذلیل باشد بر شوهرش و خود را بپایر اید و از غیر شوهرش خود را
نگاه دارد و سخن شوهر خود شنود و امر او بجای آورد چون شوهر غایب شود
برادر او سلوک نماید خود را از دست گذارد و دیگر فرمود که نیکو ترین نباید

بعد از اسلام زینت مسلمان که چون شوهر برهنه نکند قدم نشود و چون او را کافریا
 فرمان او بجای آورد و چون غایب شود حفظ خود و مال او نماید **ربوبیت** که مردی
 نزد رسول الله علیه و آله آمد و گفت مرا زنی است که چون بخانه میرود مرا استقبال
 میکند و چون بران میرود مشایعت می نماید و اگر می باید که غمی دارم میگوید که اگر
 کم روزی داری حق سبحانه و تعالی میفرماید و اگر از برای آخرت زیاده کردی
 ترا آنحضرت فرمود که اگر ابشارت دهی که ترا در هر روزی ثواب بشتابد
 و امام الصادق علیه السلام فرمود که زنی که کار و نیکی صورت بهتر است از حواله عین و دیگر بود
 که حیاده جز دست نه جزو آن از زانست و یکی از برای مرد چون شوهر که در کچو او
 میزد و چون شوهر باز داخل که در کچو دیگر او میرود و هیچ جزو او می ماند اگر اصلاح
 زینت باقی می ماند و اگر فحور کرد تمام حیا می او میرود و رسول صلعم فرمود که چون
 نماز بچکانه بگذارد و روزه ماه رمضان بدارد و خود را نگاه دارد و فرمان
 بر داری شوهر کند بهر در بهشت که خواهد در روز و فرمود که هر زنی که شوهر
 کند در حج و غزا و طلب علم حق سبحانه و تعالی مقدار زنی ابوب پیغمبر صل الله علیه و آله او را
 ثواب بدهد و فرمود که زنی که بیشترین امت من است که روی او تازه و خرم
 باشد و مهرش اندک امام الصادق علیه السلام فرمود که بدترین دشمنان من زنی
 بد خلق است و پیغمبر صلعم فرمود که زنی را دو چیز است در ماندگی و عورت
 پس باید که عورت خود را پنهان سازند و در ماندگی را بجا شوهر اختیار کند

بسیار از اینها در کتب آمده است

در این باب

و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که در آخر الزمان نزدیک بقیامت که بدترین است
 زنی چند باشند که کشت عورت کند و از ارکان دین بیرون رود و داخل فتنها شود
 و میل بهشت کند و بلند تهاست تا بند و حرام را حلال اندیشان در دوزخ باشند
 همیشه پیغمبر صل الله علیه و آله فرمود که زنی که صورت خوب نداشته باشد
 و فرزند را بد تربیت از زنی که صورت خوب داشته باشد و فرزند **ربوبیت**
 فرمود که اگر زنی تمام طلا و نقره روی زمین را بجا کند و شوهر را بد تربیت کند
 بران مال نیکی کاری او صیقل می شود اگر چه عابدترین مردمان باشد مگر که توبه نکند
 آن از شوهر بخوابد و دیگر فرمود که هر زنی که بجهت زینت از شوهر بغیر حق او را بجا
 در روز قیامت حشر کند و در درک الاسفل باشد مگر که توبه کند و از ان باز گردد
ربوبیت که رسول صلعم جمیع از زمان گذشت فرمود که ای که در زمان شافعیان و ائمه
 در عقل و دین و جهان می سپسم که بیشتر اهل دوزخ شما خواهند بود پس تا نماند غلبه سستی
 کنید و بخت نزدیک شوید در این میان من کوفه رسول الله نقصان عقل و دین با حق است
 فرمود نقصان دین اگر در وقت حیض نماز و روزه شما درست نیست و نقصان
 عقل اگر گواهی دو از شما برابر یکدیگر است و دیگر فرمود که بر هر زن از زنان
 جاهل که اعیال نباشند و امام الصادق علیه السلام فرمود که مرد بطبع مال و جان زن کند
 آن روزی او می شود و اگر برای حفظ دین باشد روزی او میشود و دیگر فرمود که کسی که نکاح
 زن کرد امیر المؤمنین علیه السلام خطبه منع او را کرد و دیگر فرمود که اطاعت زنی از مرد

در این

کینه مال در دست ایشان بگذارد چو اگر ایشان را بخود باز گذارد در هر کس
زیرا که نزد حاجت و ربح ندارند و نزد شہوت صبری نمایند رسول الله
میفرمود در دعا از فرزند کی بر من بار باشد و از مالی که بر من مال باشد و از
که پیش از پیری مرا برساند و از بدی منکی نبرداند و دیگر فرمود که اگر با ایشان
بنیامی میکنند و بغیر شوهری که آیند و بدی می افزایند و پیری شیطان بنمایند
و به ایشان سخن خرم نیکو گویند نگذار شوند **فصل سیم در نکاح مهران**
حسین بن سید گوید که نوشتم به امام محمد باقر در باره مردی که خواست کاری کرد
و دختر را تا به چشم آنحضرت چه میفرماید در جواب نوشت که ای حسین اگر دختر ترا
میخواهد اگر دین او مرضی است و امانت او پسندیده است مگر که باشد کوباسق
و اگر نه سید و محب او را بگذارد و بخرید و فساد عظیم شود در دنیا **منقول است**
که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود من آدمی مثل شما و ترویج می نمایم فاطمه علیها السلام
که حق سبحانها در آسمان ترویج او در آسمان نبوده و نظر فرمود آنحضرت به او و فرمود
این بے طالب است و برادرش جعفر پسر فرمود که دختران ما از پسران است و پسران از دختران
اما دختران را به نام فرمود که مؤمنان را نکاح همسگر بگرداند و دیگر فرمود که نکاح کنید
با مردی که زمانیکه بظاهر با زنی که زمانیکه بظاهر **روایت** که شخصی در نکاح دختر
خویش مشورت کرد به امام حسن عسکری فرمود که دختر را بعد از شتی بده که اگر دوست دارد
او را اگر ای میدارد و اگر دوست ندارد او را ظلم روا ندارد حضرت رسول

از امام

فرمود که هر که شراب خورده باشد صلاحیت آن ندارد که دختر بوی دهد **روایت**
که امام جعفر الصادق از پسرید از بنی بصیر که چون با او نکاح میکند چه میگوید
نمود آنحضرت فرمود که چون قصد نکاح کند چو رکعت نماز بگذارد و حمد حق تعالی
بجای آورد و این دعا بخواند اللهم انی ایدانا انی ایدانا و روح اللهم فقد مرر
من النساء احسنهن خلقا و خلقا واعفاهن فرجا و احفظهن
لی فی نعمتها و خالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة
و فیض لی منها و لا اطلب انجسک لخلق فی حیواتی بعد
اما من بنی العابدین سلام فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله را بر امر المؤمنین علیهم السلام
نکاح میفرمود و خطبه خوانده بود الحمد لله المحمود لنعمه المعبود و لقد ذکر
المطالع سلطان المؤمنین الی ما عنده التافدا من فی سماءه
و ارضه ثم اذ الله عز وجل امری اذ فوج فاطمه علیها السلام علی فقه
زوجته علی اربعه مائت مائت فاضله از منی بذلک علی بعد از آن
فرما طلب نمود و فرمود غارت کنید در آن شا حضرت امیر رسید رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که ای علی اگر حق سبحانها را بدهم پس من رزق بتو دادم و نکاح
کردم بچهار صد مثقال نقره اگر راضی داری حضرت امیر المؤمنین سلام فرمود که انی تم
ارضا و رسول او پس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله دعا کرد و بعد از آن
امام جعفر الصادق فرمود که هر که زنی را نکاح کند و در خاطرش آن باشد

که با علی چون و سنجان تو در آید که موزه بکند و قمر که نشیند و انگاه پای بشود
و آن آبر از در خانه بریزد تا آخر خانه چون شیر که دی سخت جاده و عا بر و آن
نقار هزار از فقر و فاقه و درمی آورد و نقار هزار که از برکت و میرسد و نقار
از رحمت که پرواز کند بر سر عروس برکت آن تمامی کنه های خانه تو برسد و این شود
عروس از جنون و جذام در برض تا درین خانه باشد و منع کن عروس را هفت روز
از خوردن سیسیر که کشیده و سپ ترش پس ایام المونسین علی علیه السلام گفت که
چرا منع شوم درین چند روز او را این چیزها فرمود بجهت آنکه رحم او بدو پیشود
صورت غمی نند و بدستی که صبری در گوشه خانه افتاده برهنه است از زاری
که فرزند نر آید دیگر فرمود که اگر زن در حالت جنین سیر که بخورد هرگز نکند
و اگر کشیده بخورد حیض او منقطع شود و ولادت بر سخت شود و اگر ترش
بخورد حیض او بند شود و این موجب درد شود دیگر فرمود که با علی باشد
مکن در اول و میان و آخر ماه که آن موجب جنون و جذام است و دیگر بعد از وقت
پیشین که فرزند احوال شود و شیطان احوال فرج میکند یا الحمد در وقت
باشه شربت سخن مگوی که اگر فرزند پیدا شود شاید که نکات باشد و باید که نظر
نکن چنانکه نظر کردن عورت زن موجب کوری فرزند میشود یا علی باشد
مکن از آن شهوت که برایش بخت باشد بزی که بیم آنست که فرزند محنت باشد
یا علی که جنین بی شر و جام خواب باید که با شش قرآن بخواند که بیم آنست که از آن

در آن روز

باشان آتش بار و یا الحمد در وقت مباشرت باید که با تو و با او هر کدام فرق باشد
که اگر هر دو سبکت فرق استمال کنید موجب عداوت شود و بطلاق یا بجماع
یا علی باید که ایستاد و مباشرت نکند که آن فعل چهارست و چون فرزند می آید
در جامه خواب بول کند یا علی مباشرت مکن در شب عید فطر که فرزند بد که در آن شب
یا علی مباشرت مکن در شب عید قربان که فرزند شش انگشت یا چهار انگشت باشد
یا علی مباشرت مکن در درخت میوه دار که فرزند قتال و جلا باشد یا علی
مباشرت مکن در مقابل آفتاب و نور او که فرزند در فقر و فاقه باشد مگر آنکه پوششی
که بسته باشی یا علی مباشرت مکن میان بانگ نماز و قامت که فرزند جویس باشد
در خون یقین یا علی چون زن آبستن باشد دخول مکن مگر با وضو که فرزند بیگانه
و کور دل یا علی مباشرت مکن چون دو روز شبان ماند بهر که فرزند شوم رو باشد
و طمغاجی و هلاک بعضی مردم در دست او و قوی یا علی مباشرت مکن
در نیمه شبان که فرزند شوم رو و ظالم باشد یا علی مباشرت مکن در پشت بام
که فرزند منافق بر آید یا علی چون خوابی که بفر روی در آن شب مباشرت
مکن که فرزند مال خود را با مشر و خرج کند و آنحضرت این آیه خواند اِنَّ الْمَلِکَ بِرَیْ
کَانُوا اِخْوَانَ الشَّیْطَانِ یا علی چون مغری روی که قدر آن شب بماند روز باشد
مباشرت مکن که فرزند بد کار ظالم گردد یا علی در شب دوستی مباشرت
کن که فرزند عاقل و کلام الله باشد و قسمت خدای تعالی باشد یا علی مباشرت

در شب نشیند که اگر فرزند شود شهادت روزی می شود بعد از آنکه گفته باشد
لا اله الا الله محمد رسول الله عليا ولي الله و صدق با او عذاب کند
 بشکران خوشبختی باشد و آن در جمیع دل بخشد و دست پاک و زبان خست
 و دروغ نکشد یا ایضا اگر شب نشیند مباشرت کنی فرزند عالم به عالم و اگر در
 وقت پیش رویش شب نشیند مباشرت کنی آن فرزند فهم باشد و سلامت باشد در دنیا
 و دین و شیطان بر ایمون او گردد و پیر شود و اگر در شب جمیع مباشرت کنی
 فرزند خطیب و فصیح و تیز زبان باشد و اگر همین شب بعد از فرو رفتن شفق
 باشد فرزند ابدال شود یا ایضا مباشرت کنی در ساعت اول شب که فرزند ساجد
 و اختیار کند دنیا را بر آخت یا ایضا این صایا را یا دیگر چنانکه من از جبرئیل یاد گرفتم
 اما جمیع القاصد السلام فرمود که باید مباشرت کند روی قبله و پشت بقبله
و دیگر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی پیشتر بخون در اول
 و وسط و آخر میشود و دیگر فرمود که هر گاه دست جنب شدن در وقت زود
 شدن آفتاب در وقت طلوع آن و دیگر فرمود که در گشتی مباشرت نماید
 و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که محاسن شده باشد که مباشرت کند
 با زن پیش از غسل احتلام و دیگر فرمود که هر که با زن در وقت حیض مباشرت
 کند شاید که فرزند یحزوم و بر من بزیاید پس طاعت کند مگر خود را **و دیگر**
 فرمود که هر که بقاء عمر در از خواهد طعام بکشد بخورد و قرض اندک کند

بنازت

و مباشرت اندک کند و اما القاصد فرموده که لذت زن از لذت مرد برتر است
 مرد زیاده تر است لیکن خدای تعالی خبر بدیشان داده پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که
 چون زن از محل مباشرت بریزد کسی جای آن نشیند یا شکامی که جای آن نشیند
روایت که مردی گفت به امام محمد باقر که هیچ قدر از اوقات هست که مباشرت
 کرد و به شرم با جلال خود فرمود که بجز از بر آختن هیچ تا بر آمدن آفتاب و از فرو رفتن
 تا غایب شدن شفق و روزی که آفتاب بکشد و در بیکر که با بکشد و در وقتی که
 بدست و سیاه دزد و در روزی که زلزله واقع شود **و دیگر** که رسول
 و مردم را به کسی دعوت فرمودند خدا و روغن حاضر کردند و مردم خوردند و هر سبت
 که چون آنحضرت در قریب زن میکرد هفت شبانه روز پیش او می بود اگر زنی که شوهر
 یافت بود شبانه روز نزد او می بود و ایضا المؤمنین علیهم السلام فرمود که منتهی
 نزدیکی کردن زن در شب اول ماه رمضان بقضای آن که بریده احل الکلیه
الصیام الرفق الی فیما بعد که پس حال است در شب ماه رمضان بنازت
فصل پنجم در حق زوجه و زوجه بر زن حسن بن محبوب روایت کند از مالک
 بن عقیله و از محمد بن مسلم و از امام محمد باقر که زنی بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله
 رسید که حق شوهر بر زن چیست فرمود که فرمان برداری او کند و مخالفت او
 نکند و از خانه او حد قریبی حقیقت او ندهد و روزی هشت بی از او اندازد
 و او را از خود منع کند اگر مرد در روی یا لایان شتر بشوید و از خانه بیرون نرود مگر

مسلم

بر خضت او و اگر از خانه بر خضت او برود و در فرشتگان کنان بنین بر خضت
 کند آو می که بخاند او باز آید پس آن زن سوال نمود که یا رسول الله از خلائق کرا
 حق بر مردان بیشتر است فرمود که مادر پدر دیگر پرسید که اگر بیشتر است
 حق بر زنان فرمود که شوهر گفت ما را اعتقاد حق نیست بر ایشان که از ایشان بر ما
 فرمود از صدیکی پس آن گفت سو کند با آنکه ترا بچ کلق و نیت ساه که هیچ مرد مالک
 من شود بجز یک نفر فرمود که هر زنی که این باشد هر رساله بسان حضرت
 قبول کند از نیت فرض و نیت و نه نیکویی عمل اگر چه روز روزه دارد و شب
 بپاکی ایستاد دارد و بنده کان آزاد کرده باشد بر ضای خدای تعالی اول کسی مریغ
 رود او است که اگر شوهر را راضی و خشن است حال شوهر هرگاه ظلم کند بر زن
 و دیگر فرمود که هر زنی که مهربانی نماید بشوهر و بار کند بر او آنچه قدرت و طاقت
 او داشته باشد قبول نیت از او هیچ عمل نیکو و بخوبی الهی رسد و دیگر
 که حق شوهر بر زن آنست که چنان روشن کند و طعام ببرد برای او و بر
 استقبال او آید و تواضع نماید و چون طعام خورد حاضر باشد که طشت
 در مال در آورد و او را راضی کند و نقص در از او باز ندارد مگر آنکه
 علقی داشته باشد روایت که قوی نزد آنحضرت آمدند و گفتند یا رسول الله
 ما می بینیم بعضی بجهت بعضی میکنند آنحضرت فرمود که اگر من میگردم کسی را
 بسجده میفرمودم که زنا نجس میکند بر مردان و دیگر فرمود که اگر زن کسی را

خود را بزد و بیکار ابریان کند ادا حق زوجه کرده باشد با وجود آنکه اگر نافرمانی شود
 کند بیک طرفه العین او برکت است و سحاح و نسیج باید رفت مگر آنکه تو بکند و از آن بگریز
 و دیگر فرمود که زن او انکرده حق خدای تعالی را انکرده حق که ادا کرده حق شوهر را اما
بعصا الصادق علیه السلام فرمود که زن شوهر را در جای زن نیست که بنده از او کند
 و در ساقین و بخشیدن و نذر کردن و مال خودش و صدقه و زینین مگر حج واجب
 یا زکوة و جسد یا نیکویی کردن یا بد پر و مادر یا نیکویی یا خویشان از برادر و خواهر
 اما محمد بن عبد الله بن قیس فرمود که حق سبحانه تعالی فرض کرده چهار بر مردان که صرف کنند
 مال خود را خود را نگشته شوند در راه و چهار زن آنست که صبر کند بر خضت شوهر
 شوهر و غیر او و در حدیث دیگر وارد است که چهار زن آنست که باشوهر
 نیک کند و دیگر فرمود که هر زنی که شب خواب رود و شوهر بد خوش میبیند
 نماز او مقبول درگاه عزت نشود مگر آنکه شوهر را راضی شود و رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرمود که هر زنی که بر خضت شوهر از خانه بیرون رود پس شوهر را واجب نیست
 لعنه او باز آید و دیگر فرمود زنی که بوی خوش بپاشد بر بدن و بوی غیر شوهر
 نماز او مقبول نیست تا آن بوی را باشد بلکه اگر آن بوی غسل کند بچ عمل خجسته
 دیگر فرمود که هر زنی که دخت خود را در غیر خانه شوهر کند از بی دن او میخسته
 خدا باشد تا باز آرد آنرا و دیگر فرمود که هر زنی که گوید شوهر خود را که ندیدم
 نیک از تو عمل او ضایع میشود روایت که مردی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله

و غیر سفر داشت و از زن خود جدا گرفت که از خانه بیرون نرود تا آنکه سفر باز آید
پس بر آن زن چهارشنبه کنجیست رسول فرستاد تا رخصت حاصل کند که بر پیش
پدر و دو آنحضرت رخصت نداد و او نیز زلفت پدرش فاق یافت باز رخصت
خلید رخصت نیافت چون پدرش را دفن کردند آنحضرت کس بر پیش او فرستاد
که حق ما پدر ترا افزاید بجهت آنکه تو فرمان برداری شوهر کردی **اما** حق زن مرد
آنست چنانچه روایت کرده امام محمد باقر علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس از شما
مرا وصیت فرمود بر رعایت زن بمهرت که مرا کفالت کند مرا و از نیت طلاق دادن
مگر فاحش ظاهر را امام جعفر فرمود که حق زن بر شوهر آنست که او را اطعام
و جامه بپوشاند و اگر نکند بجا بکشد بپوشاند بپوشاند بپوشاند بپوشاند بپوشاند
از خلق سار و زن خود پس خواست و حق فرستاد که زن استخوان پهلویست
اگر خواهی که رست کردانی میشکند و اگر بحال خود کند از تن او تمتع میشود گرفت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی از زن باشد که از اطعام و لباس نه
سن و است بر امام که جدایی نکند میان ایشان **اما جعفر** علیه السلام
فرمود که چون این آیه نازل شد **یا ایها الذین آمنوا اتقوا انفسکم**
واهلکم که نازل یعنی ای اهل ایمان نگاه دارید خود را و اهل خود را
از آتش و زنی نمودی از مسلمانان این را شنیده بودی میگفت پرسیدند
سبب که چیت گفت بدتر که من عاجزم بر نفس خود و مرا تکلیف کرده اند
بپاداش

بنگداشت اهل خیر این خبر بر رسول الله صلی الله علیه و آله بر نذر فرمود بیست ترا آنکه
امر کنی ایشان را بچیزی که امر میکنی نفس خود را و باز داری ایشان را از چیزی که بائید
نفس خود را **و اما** کند امام که زنی برای حاجتی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آنحضرت
فرمود که گویا تو از سوغات باشی یعنی امور را با تاجر اندازی زن گفت
ایشان تا خیر کند و بوقت دیگر اندازند تا شوهر بخوابد و دیوستانه
برایشان لغت میکند تا شوهر بیدار شود و دیگر فرمود که رحمت کند حق
بنده را میان او و زنی حسن خلق و نیکوی باشد زیرا که حق جل عزاز نام
اختیار زن را بدست اختیار مرد داده و بر او قیام کرده اند و حضرت رسول الله
فرمود که میانان مرد و سیران اویند و دو سترین بندگان نزد خدا تعالی
آنانند که نیکویی به سیران کنند و ایما لمؤمنین علی السلام فرمود که هر کس
که ای پر من چون وقت یافنی سپهرانی در طاعت الهی و در ضعف ضعیف
کردان و باز است از ضایعی و اگر توانایی داری چنان کن که مالک نکند و آن
زنا در امور چنانچه تجاوز کند از حد جو آن مناسب تر است و پاینده تر از
و وی خوش آید تر بمناظر فرخنده فال و نیکو تر بحال و مال او زیرا که
زن و عیال مرد است نه فرمان و کار کن وی پس در آن کن با وی در هر حال
و صحبت را با وی نیکو کردان بازند که بر تو تلخ نشود امام جعفر علیه السلام فرمود
که بر بریزید و بر رسید از حق تعالی در باره و در ضعیف یکایم و یکی نمان

فصل ششم در ذکر ولادت این بزرگوار آن سکنی که ولایت کند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرمود که فرزند صالح ریخت از ریختن و اما لم یصادق علیه السلام فرمود
 که میراث خدای تعالی از بنده مؤمن فرزند صالح است که برای او استغفار کند
 و دیگر فرمود که دختران سنند و پسران غمت در جنات ثواب میدهند و از
 غمتی پرسند **روایت** که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را بشارت
 به نزدی آنحضرت نظر بردی اصحاب کرامت یافت فرمود شما را چه شد
 این دختر ریخت که میبوسید و روزی او بر خدایت امام ضایع است **فرمود**
 که حق سبحانه و تعالی بخواند که یکسانند فی میراث تا بوی فرزندی که است کند
روایت که هر که بمیرد بی فرزند گوید میان مردمان نبوده است و هر که
 فرزندی از او ماند گوید با نمرده است امام جعفر الصادق علیه السلام میفرماید که حق جل و علا
 رحم میفرماید بر شخصی که دوست میدارد و فرزند را بسیار و عمر بن زید گفت
 به آنحضرت که مراد تو بسیار باشد گفت شاید که تو مرگت پیش از آن خواهی
 اگر ایشان بتناهی تو بمیرند در قیامت نزد نیایی و با جزای آنی عاصی ملا
 شوی **عنه** بن حمران گوید که مردی در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بود شخصی
 خبر داد او را بدختری رنگ و قیاس آنحضرت فرمود که ترا چه شد گفت
 رسول الله چون از خانه بیرون آمدم زن من بوجع زادن بود شنیدم
 دختری آورده آنحضرت فرمود که زمین ادرا بر میدارد و آسمان اورا سایه

در آن روز

می نذرند و خدا بی شکر او را روزی میدهد و ریخته است که او را بوسید نگاه روی
 با صاحب کرد و فرمود که هر که راست دختر است جهاد از وی اخذ و هر که را
 چهار دختر است پس ای بنده کان خدا بفرماید او بر سید و او را فرض بدهد
 و دیگر فرمود که هر که راست دختر عیال باشد یا سه خواهر واجب کرد و بکشت
 بر سیدند که یا رسول الله اگر دو دختر باشد کفتم بچنین باشد اگر یک نفر ترخ و دیگر
 فرمود که سعادت مردانت که دختر در خانه او مایض نشود و دیگر فرمود که دوست
 دارید طفلان را تو رحم کنی بر ایشان و چون عکسید بر ایشان بوفامقرون
 چو ایشان شمارای پسند و از دست شمار روزی بخوانند و بخورند **روایت** که شخصی در
 خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله بود و دو پسر داشت هر دو یکی را بوسید و دیگری را نه
 آنحضرت فرمود که چرا در میان ایشان تسویر عایت نکردی و قاعه گوید که من پسر
 از امام موسی علیه السلام از مردی که او را چند پسر باشد که از یک مادر نباشند
 بایز است که یکی از آنها را تفضیل دهد و دیگران فرمود بلی نه پدر بزرگوار آن تفضیل
 بر عبد الله **روایت** که وقتی آنحضرت رسول الله صلی الله علیه و آله امام حسن علیه السلام را
 می بوسید شخصی آنجا حاضر بود گفت من و پدر دارم چگونه را بوسید امام حسن
 فرمود بر من چه آید که در دل تو رحم نباشد و دیگر فرمود که فرزندان را امام
 و انبیا نام نهید و بهترین ماها عبد الله و آنچه در و عبودیت باشد **روایت**
فرمود بر پدر سپهر است یکی که نامش شمس باشد و خط و خیرش با خور

در آن روز

و چون بالغ شود زنی بکلیح او در آورد امام رضا علیه السلام روایت کند که
 رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده بایستی که هر قومی که مشورت کند در میان آن قوم را چون
 نامی باشد ایشان را در این مشورت خیر و خوبی پیش آید روایت که پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرمود که فرزندی که عاق باشد بر پدر و مادر بوی شست بشام او رسد ایضا روایت
 فرموده که بوی دادن بر فرزند رحمت و بر زمان شهوت و بر پدر و مادر
 عبادت و بر برادر و بر پدر و مادر امام طاعت باری تعالی امام الصادق فرمود که از
 نعمتهای لطیف که فرزند بر پدر و مادر دارند باشد و دیگر فرمود که چون عاق
 خواهد کسی را با فرزند جمع می نماید بر صورت که میان او و آدم بوی نامی افزاید
 بر صورت یکی از آنها پس باید که بگوید کی از شما که فرزند بمن می رسد مانند
 مردی پرسید از پیغمبر صلی الله علیه و آله که چسب مارا که می بایسم چری در اولاد
 که نمی بایند ایشان در ما فرمود بواسطه آنکه ایشان از شما نباشند و شما از ایشان نیستید
 از امام جعفر الصادق صواب رسید که چون بود که حق پیغمبر خود را بستم نمود فرمود
 بواسطه آنکه مخلوق چکند بر روی طاعتی نباشد این عباس روایت کند که پیغمبر
 فرمود که هر که بازارد و دهنه بخورد و بر دارد و بسوی حلال خود برده و بچکان
 که صدق بوی بچکان برده و باید که اول بدختران دهد بعد از آن بر پسران
 چون هر که شاو کند دختر یا کو یا که آزاد کرده یکی از فرزندان صالح علیهم السلام را
 و هر که روشن کند چشم پسر یا کو یا که رسته از خشت آبی و هر که از ترش خدای تعالی

بکری او را در پشت نعیم در آورد و عبد بن فضال گوید از امام محمد باقر از امام جعفر الصادق
 علیه السلام شنیدم که طفل را پس از آنکه از شیر مادر گرفته و آهفت نوبت که بگوید الله
 و بگوید یا هفت ماه است روز بگذرد انگاه بغیر یا بید یا هفت نوبت بگوید
 محمد رسول الله و بگذرد تا چهار سال تمام کند انگاه بغیر یا بید یا بگوید یا هفت نوبت
 صل الله علیه و آله چون پنج سال تمام کند بگوید که دست راست و چپ تو کدام است
 اگر دست روی او را بقبضه کند تا سجده کند و چون شش سال شود بگوید یا هفت
 بگذرد و در کعب و سجدهش بیا موزانید و چون هفت سال شد بگوید یا هفت و در سجده
 بشوید و نماز بگذرد و چون نه سال شد او را و حق تعالی بگوید و بجهت آن بزرگوار
 و نماز بر آید شش که چون نماز را داشت حق تعالی بر او مادر او را می آمرزد روایت
 امام جعفر الصادق فرمود بگذرد طفل را تا باری کند هفت سال بعد از آن بپوشد
 و در کعب خانه هفت سال بکیر تا او بخلق کسب کند اگر قبول کرد و فرمود بگذرد
 و الا بگذرد او را که در و چری نیست و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که در
 هفت سال آزاد است و هفت سال بنده و هفت سال بنده اگر در پنج سال
 راضی شد و از ادب اخلاق و خوب و الا بزن بر پهلوش کسی نزد حق جل علا
 قدر داری امام محمد باقر فرمود که بر چون بده سال رسید خوابگاه او را
 جدا کند از خوابگاه زنان امام جعفر فرمود که طفل را بده شود در سال چهارم
 برکنش آن خود و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نگاه دارید فرزند را اگر شیر زن

ت

دیوانه و بدکار که ششیرایت میکند و فرمود که هر چو چن باشد زن را بنویسد
 و در هر چو چن شش ساله او را بموسید و این المومنین علی است لام فرمود که شش
 زن را پرورد از شش سالگی بهشت از زنا احمد بن نعمان گوید که میان من و حریره
 که در تربیت قرابتی نیست و او شش سالگی رسیده فرمود که او را بر کنی
 نشان **طلب فرزند** که امام زین العابدین علیه السلام تعلیم فرمود یکی از اصحاب چون
 که ترا فرزند شود بخت و نوبت ایند عاجزان که بهتر که هر که خواهد که خود را بخواهد
 فرزند کرامت کند و از مال و خردنیا و آخرت نیز بچندین بار بسیار بخواند
رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و اجعل لى من لدنك
وَلِيًّا يَرْحَمْنِي و بگویند غفر لی بعد وفاتی و اجعل لی
مَخْلَقًا سَوِيًّا و لا تجعل للشیطان فیہ نصیبًا اللهم انی استغفر
 و اتوب الیک انما کنت الغفور الرحیم و گویند کثرت بخت و
 نوبت حاصل شود **دعوت** که شخصی را فرزند نیست احوال خود بخدمت حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود فرمود که هر صبح و شام هر روز هفتاد و نوبت
 سبحان الله بگوید و هفت نوبت استغفر الله بگوید استغفر الله و استغفر لی
اینها کافران و کفار و اهل النار علیکم من الله عذابا و میزدکم
 با محال و میبینی همان گوید که در مرقم خود را دهم و مرا فرزند نمید
 این کلمات را بران بگویم و او را نیز یاد و ادم را فرزند شد و زن گفت

بر کاره بچشم که عباد شوم آنرا میگویم آبتن بشدم و دیگری نیز میگویم و او را فرزند
 بسیار شد ابو بکر بن عمارت گوید که نعم مراد عبد الله را که مرا فرزند می شنود فرمود
 که چون در سجده باشی ایند عاجزان یا رب هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً
اِنَّكَ بِمِیْعِ الدُّعَاءِ رَیْبٌ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
 گفت من در سجده ایند عاجزانم مراد و پسر حق تعالی کرامت که د علی حسین
 و در روایت دیگر و روایت اند که حضرت که بخت طلب فرزند چون ایند مباشرت
 کنی **نوبت بخوان** وَذَا النُّوْنِ إِذْ هَبَّ مَخَضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ يَنْقُذَهُ
عَلَيْهِ فَدَاوَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنَّا كُنَّا
مِنَ الظَّالِمِينَ و دیگر حضرت امام جعفر فرمود که چون نماز شب استنش
 باید که هر دو جانب قبله رو آید و آیه الکرسی بخواند و دست خود را بر پهلو
 زن زند و بگوید یا خدا یا او را محبت نام که درم تحمیل او را بخص قدرت خود بگردان
 پس اگر بعد از تولد او را بآن نام که در مبارکت میگرداند بر تو او را محبت سجاده
 و اگر باز کردی از آن اسم اختیار با حق تعالی اگر خواهد نگاه دارد و اگر خوا
 بستاند **دعوت** که شخصی بخدمت امام جعفر آمد و گفت یا بن رسول الله
 و تراست و بر تربیت دعا کن با حق تعالی مرا پری کرامت فرماید فرمود که چون
 که مباشرت کنی پیش من زن نشین و دست را بران است زن نیز بگویند
 سوره انا انزلناه فی سید القدر بخوان بعد از آن مباشرت کن که آنچه خواهی میر شود

درگاه جل پاشود و پیر در شکم با چوب بند دست راست بر آن است زان
و بخت نوبت سوره آنا از آن جوان آن شخص گوید که اینجا که در دست حق است برادر
پی در پی دارد **روایت** که معاویه بن عقیله بن ابی جهل گفت ای محمد بن حسن اگر ستاده و جمعی
همراه او فرستاده بود چون پیام رسانیدند در وقت مراجعت یکی از ایشان گفت
یا بنی رسول الله ما را این بسیار است هیچ فرزند ندارم مرا چیزی تعلیم نهاده است
مرا فرزند کرامت کند فرمود که استغفار کن آن شخص مشغول شد و روزی بود که
او قصد نوبت استغفار کردی حق سبحانه و تعالی او را و پدر کرامت کرد
بعد از آن خبر معاویه بن ابی لهب رسید که گفت چرا پرسیدی از این و این و این و این
و از آن پرسید فرمود که مگر نشنیده قول الهی او قصه نمود بیزدکم
قوله الی قوتکم و قصه نوح که میزد دگر با موال و بنین
فصل هفتم در ذکر عقیقه عمر بن زید گوید که شنیدم از ابی عبد الله
که میفرمود که مرد در روز قیامت مرده است بعقیقه خود و این از قربانی اجابت
این زید گوید که هر کس که میگوید که من برای من عقیقه کرده یا نه این شخص
مرا امر کرد بعقیقه نمود که کردم و در آن حال پیر بودم و دیگر فرمود که عقیقه
لازم است بر هر کس که غنیت میکند و الا که فقیر است در وقتی که غنی شود بکند
و اگر بر آن قادر نشود لازم نیست و اگر کسی عقیقه نکرده باشد و قربانی کرده باشد
آن مجزئ است از عقیقه و فرمود که در عقیقه یک گوسفند بکشد و اگر یافت

نشود مجزئ است هر یک بکشد و از آن حضرت سوال کردم اگر عقیقه حقیقه فرمود
که گوسفندی یکاوی یا شتری بکشد و بعد از آن فرزند را نام نهد و سرا و را
تبراشند در روز هفتم و بمقدار موی سر او طلا یا نقره تصدق کند اگر فرزند پسر
باشد آنچه بکشد نر باشد و اگر دختر باشد آنچه بکشد ماه باشد و فرمود آنچه
بکشد بقبله دهند و اگر قابل نباشد او را بما در فرزند دهند و بکسر که خواهند
دهند و دیگر را طعام نمایند و کس از مسلمانان پیشتر کرد که در بخوراند
که پدر و عیال او از آن عقیقه بخورند و در وقت عقیقه شنیدند عابدان یا قوم
این بری بر شما قهر شکون **روایت** و حجت و حجتی لیدی فطر است و اولاد
جینفا و ما آنا من الشریکین **روایت** و حجت و حجتی و حجتی و حجتی
تمانی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا امرت
اللهم از حد امنک و الیک **روایت** بسم الله و الله اکبر بقیه
بفرمانی زام مولود ببرد **روایت** که ابو طالب عقیقه کرد و از برای غیر مولود
و خوشی آن جمع کرد که شتر چهر است فرمود که این عقیقه است از برای او کرده ام
و او را احسان نمودم نهادم گفتند و چه تسبیح را چه عقیقه گفت بجهت ستودن
اهل آسمان زمین و او را امام محمد باقر فرمود که چون فرزند بر آید آب فوات
در دهان او کند و در گوش راست او بآنک نماز و در گوش چپ او قامت بکند
و در روز هفتم او را عقیقه کنند و نام نهند و سرش تبراشند و بوزن موی

سرا و طایفه نقره تصدق کنند پس بر سر که خدای تعالی میفرستد نام او را
از آسمان چون فریج کرد و عقیقه را بگوید بسم الله و یا الله و الحمد لله و الله
اکبر یا نانا و یا فیه و ثناء علی رسول الله و شکر الرزق الله
و عصمه یا محمد الله و معرفه بفضل علینا اهل البیت و اکبر
بیر باشد بگوید اللهم انت و هبت کنا ذکرک و انت اعلم بما هی لنا
و نیک ما اعطیت فذلک ما صنعنا فنقبله منا علی سنتک
و سنت رسولک صلی الله علیه و آله و آخنا علی الشیطان الرجیم
لک یحکمک الدماء لایشریک لک الحمد لله رب العالمین
ابو عبد الله علیه السلام روایت کند که رسول الله صلی الله علیه و آله عقیقه کرد از جهت امام حسن
و امام حسین علیه السلام که سفید زرد و سفید و اعضای او را از یکدیگر جدا
کرد و استخوان او را شکست و فرمود تا بختند بر آب نمک و از آن خورند
و بهسایگان نیز خورایندند و فرمود که هفت خصلت سنت است در بود
اقل آنکه نام نهند و بگویم اگر او را بر ایشانند سیم آنکه بوزن موی سر او
طایفه نقره تصدق کنند اگر توانایی داشته باشند چهارم عقیقه بخیم آنکه سر او
بر عفران بمالند ششم آنکه نظیر کنند او را بخیط میفرستیم آنکه از طعام عقیقه
بهسایگان برسانند **روایت** که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که ای فاطمه
سورانی کن گوش امام حسن امام حسین علیه السلام بجهت محافظت یهود

و در روایت دیگر و روایتی که بجهت اشعاری بودیت پرسیدند از امام
میر سنی از تراشیدن موی سر مولود فرموده تا پاک شود و از موی رجم و چون
از سفیدت روز گذشت سنت نیست اما جعفر الصادق صلی الله علیه و آله فرمود که کار فرزند را
بر آب قرأت یائناک قبرا امام حسین صلی الله علیه و آله و اگر نباشد بر آب باران و اگر باران
فرمود که اول کام فرزند را با بخور ببرد و اگر بگوید که رسول صلی الله علیه و آله امام حسن امام حسین
چنین بگوید که فرمود **فصل ششم در ختم کردن نه عالیه و نه علقه بر او**
روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که ختم کردن مرد و زن نیکوست
و فرمود که ختم کردن در روز هفتم پاک میسازد و کودکان را بر سر که ششگانه
میکنند بخوابانند یا از بول شخصی ختم نموده باشد اما جعفر صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه ختم
کنند مولودی را از اندام بخوانند اللهم هذین سنتک و سنت نبیک
محمد صلی الله علیه و آله و آتینا علیک رسولک و کتبک علیک و ارادک
و قضایک لا یزیدنک و قضایک و قضایک و قضایک و قضایک و قضایک
حر الحدیدین خلتان و حجامین لا یزیدنک و قضایک و قضایک و قضایک و قضایک و قضایک
من الذنوب و زدنی عنی و اذ فی الامایه عن بدنه و الا و جانا
فرجیم و زده فی العنی و اذ فی العنی فانک تعلم
ولا تعلم و فرمود که هر مردی که اینها بخواند بر خستند فرزند خود پیش
که بگوید از پیش از اقسام و پس اگر خواند کفایت میکند که می این و غیر آن

از پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت کسی که فرزند خود را در روز نهفتم پس بر سر کران
پاک تراست و شش بنده تر بر ویانیدن گوشت امام موسی ۱۴ فرمود که برین
امام رضا را بیدار نیست که ده و پاک لیکن با تیغ بر ویالیدیم بحسب ایتامنت
فصل نهم در آنچه متعلق است بر زنان **باب اول** مرویت که چون رسول الله صلی الله علیه و آله
بغز ارفقی زنان را میطپسید و با ایشان مشورت می نمود اما بخلاف ایشان کار
میگرد و میفرمود که فرمان برداری زنان موجب پریشانیست و منع فرموده
که زنان بر زمین سوار شوند **روایت** که یکی از اصحاب ائمه **علیهم السلام** شکایت زن
کرد آنحضرت بمنبر فرمود و خطبه خواند و گفت ای گروه مردمان فرمان برداری
زنان کنید و هیچ حال و ایمین نماند و مکنارید که ایشان همه بر سر کمر در امر
بندگان و رای ایشان صواب نیست شاید که بهلاکت رسد بدینتر که باقیم
ما ایشان که و عی می دارند نزد حاجت و صبری نیست ایشان را نزد
رضایی و خود را ای لازم ایشان است اگر چه پریا باشند و عجب و خود غایبی
ایشان اگر چه عاجز و فقیر اند بسیار شکر گویند و به اندک صبر ندارند
و غیر را میکنند و شتر را نکاه میدارند و می افتند در بهتان و تمنا
می باشند و طغیان و عمل میکنند از برای شیطان پس شایسته اصلاح
ایشان بر حال و نیکویی نهادنید به ایشان در مقابل شاید که ایشان نیکو گردند
در افعال **روایت** کند امام جعفر ۱۴ که رسول ۱۴ فرمود که نصیحت کنید زنان را

نور

معمود و پیش از آنکه فرمایند شما را بمنکر و پناه جوید بخدا از بد ایشان و از نیکان
ایشان بر خیزد با شنید امام محمد باقر ۱۴ فرمود که مشورت کنید زنان را در پنهانی
و اطاعت کنید ایشان را در باب خویش و تبار بر سر که زن چون پریشد خیرش میزد
و شترش می ماند و جال و زایل میشود و جش را زانده و باطل میشود و
زبانش را ز میگرد و ناساز میشود و مرد چون پریشد شترش میزد و زبانش
بسیار و عقلش ثابت می ماند و رایش مستحکم و جهلش کم میشود **ایضا** **علیهم السلام**
که مردی که پدرش زن باشد پسر او ملعونست و فرمود که برکت در خلاف ایشانست
و مرویت از ابی عبدالله که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که فرمان برداری زن
کند او را بروی کشتن برود و بخندد فرمان برداری ایشان چه چیز است
فرمود که کند هشتن ایشان را بجهام و عروسی و تماشای عید و نوحه در عزاداری
کردن و جامهای از کت پوشند و امام محمد باقر ۱۴ فرمود که باید زنان
پرون نروند و بجازه و باز نور نکرند و امام الصادق ۱۴ روایت کند
که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که زنان انشایند در گوشه ها و اینها
کتاب میاموزید و ایشان را امر کنید بچرخ ریشتن و ایشان را سوره نوره با
و دیگر فرمود که زنان سر بر بند نزد خواهر سران نشیند و دیگر آنحضرت
فرمود که مصاحبت کند مرد با زن مگر در مرد و شان پوششی حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله گفت که ده و مختار فرمود که ایشان را از خانه برون

مورد

و دیگر فرمود که دوزن در یک جا خواب نماند مگر در حالت اضطراب
و دیگر فرمود که سخی در زمان بزم که لوطیت در مردان پس هر که از آنان
این فعل کند مرد و را بکشند و سخی زن آنست که خستگاه بر خود مالند
و دیگر فرمود که زمان در مصیبت نوحه نکنند و روی نخر نهند و با مردم در
مجال نشینند و وارد است که فاطمه از هر اهل اسلام فرمود که زن مرا
آن بهتر است که مردان را نه بینند و نه مردان را ایشانرا این حدیث بمعبر است
آنحضرت رسید فرمود که فاطمه ای پاره از منبت اسم سید روایت که که من
و میموز در خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که عبد الله بن مسعود
آمد بعد از آنکه حجاب او را پنهان بود آنحضرت فرمود که خود را از او پنهان
دار یک قسم یا رسول الله او را پنهان فرمود که نه شامی پسند او را پیش
اجتناب **فصل دهم در نوا و نکاح و آنچه معلق مانده** ابو عبد الله جعفر
علیه السلام فرمود که چون حضرت جعفر صلی الله علیه و آله از غزایی باز میگشت که در آن
مسلمانان را کشته میشدند زن بسیار به استقبال بیرون می آمدند و احوال
کشتگان می پرسیدند زنی نزد آنحضرت آمد و حال برادر پرسید فرمود که
حد خدا را بجا بگذاریم رسان بگوئی **اِنَّ اللَّهَ وَانَا الْاِلَهُ الرَّاجِعُونَ** که او شهید شد
بعد از آن احوال شوهر پرسید فرمود که همان حدیث استرجاع بخوان که او نیز
شهید شد آن زن فریاد برآورد که وای وای آنحضرت فرمود که مگر آن نداشتی

کوفته و زخمی

که زن آن بشوهران درین مرتبه باشند تا این فرمودیم دیگر امام رضا علیه السلام
فرمود که حق تعالی شما را مخصوص دانیده رسول خود را بکارم اخلاق و محاسن
پس ما را باین نیت های خود را پس اگر از آن اخلاق خبری باشد یا باشد شکر الهی تقدیم
رسانند و رغبت نمایند در آنکه پیشتر شود آن اخلاق بشما و آنان در **اول** یقین
و قناعت و صبر و شکر و علم و نیکویی خلق و سخاوت و غیرت و شجاعت و قوت
و مقبولت که در خدمت آنحضرت خبریای شوم را یاد میکردند فرمود که پس خبر
شوم است زن و چارپا و خانه و شومی زن آنست که محصل بسیار باشد و ناقص
شوهر و شومی چارپا خاموشی او و دشواری سواری و ناهمواری و شومی ناقص
تنگی فضای او و مسایکن بد پر شر **نقل است** که فرمودند بعضی که چنان
نخواستی فرمود که زن را بچه هست بخوانم گفتند برای فرزند فرمود که فرزند را
چگونگی اگر میزیند بخت می افتد و اگر می میرد دیگران را بچون دانده می اندازد
زید بن علی علیه السلام روایت کند که رسول الله صلی الله علیه و آله حکایت غزا و نوا
آن میگذاشت زنی فرمود یا رسول الله زن را هیچ از آن نصیبی هست فرمود
از زنی که آب تن شده تا زمان را میدن و شیر دادن ثواب عازین
دارند و اگر درین ازمنه مردند اجر و ثواب شهیدان یافتند امام محمد باقر
نقل می نماید که عادت پدر بزرگوار من این بود که چون زنی در خانه او می زاید
امر می فرمود که زن آن دیگر از آنجا بیرون روند تا بر صورت زاینده منگرند

علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام فرمود که پیشتر از این محبت زنا و شعیف اند
که حق سبحانه و تعالی بر او رحم میفرماید و محمد بن یحیی روایت کند که از امام رضا علیه السلام
پرسیدم که جایز است که خواهر برادر زن برود و آب وضو از برای ایشان
و موی ایشان بپند استحقاق بن عمار گوید که من پرسیدم از ابی عبد الله که آیا
جایز است که مملوک نظر بموی خاتون خود کند فرمود بلی باقیش نیز زیاده است
که ایضا لم یضرب علی السلام میگوید که زن از آن خوشتر است که از آن که سلام بر زن
بر آن کنند میفرمود که اندیشه دارم که او را ایشان مرا خوشتر آید و گناه او
پیشتر از ثواب ابوبصیر گوید که پرسیدم از ابی عبد الله که آیا جایز است
که مرد مصاحف کند با زن فرمود که مگر در میان استین **منقول است** که سایه
سوال کرد از امام جعفر الصادق علیه السلام که زن چون بر مردان در آید چون سلام
کند فرمود که گویند که علیکم السلام و مردان در جواب گویند السلام علیکم
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مهر زن چهار هزار درهم شد آن بود که آن
دختر ابوسفیان لعین بود و در حبش بود پیغمبر صلی الله علیه و آله او را خوشتر گفتم
کرد و بخاشی حاکم حبش بود چهار هزار درهم نرزد و بی فرستاد و در اصل
کاپین دوازده او فیه نسیم بود از نقره امام جعفر علیه السلام فرمود که کسی موی بسیار
بر اندام دارد شهنوت او اندکست و **منقول است** که ایضا لم یضرب علی السلام میگوید
که چای پایی نر بر باد و چنانکه احوال فرمود که سزاوارت آن شاه کی نسید

مردم

مکر در جای که مرد و زن بپسند امام الصادق علیه السلام فرمود که هر که نظرش بر زن
افتد و چشم از بگرداند بسوی همان یا بر هم گذارد و دیگر بر و تنگ و **منقول است**
در جوانی او حوری بدید و دیگر فرمود که نظر از آن جایز است و دیم گناه و دیم
هلاکت و ایضا لم یضرب علی السلام میگوید که مهر زن از آب بسیار کمیند که موی
عداوت میشود و دیگر کسی گفت به امام جعفر علیه السلام که من میخواهم زنی بخوامم بدید
و مادر من از آن قبول نمیکند و دیگری را که من میخواهم ایشان میگویند بخواه
فرمود که زنی که خود میخواهی بخواه و غیر آن را نخواه امام الصادق علیه السلام فرمود که
پیغمبر صلی الله علیه و آله نموده که هر زنی که مهر خود را بشوهرش بخشد پیش از آنکه
شوهر با او نزدیکی کند حق سبحانه و تعالی بر دنیا ری ثواب آزاد کردن بنده بوی
گفتند یا رسول الله اگر بعد از دخول بوی بخشد چه گونه است فرمود که آن موجب
الفقت ابوعبد الله علیه السلام فرمود که هر که کینک را سرب کند باید که هر چهل روز
به آن نزدیکی کند و آن نیز با وضو باشد و دیگر فرمود که هر که کینک را نزدیکی کرده
و خواهد که بار دیگر نزدیکی کند باید که وضو سازد نقل فرموده امام محمد باقر علیه السلام
از ایضا لم یضرب علی السلام که زن از آن حصه را بشود و آن طفل اختیار کند که آن صفت
به بطفل سربایت میکند امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حق تعالی حرام کرده
فرشهای زیاده و پایی بهشت بر مردی که بادی لواط کرده باشند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بر برابری قصد شهنوت حق سبحانه و تعالی انجام

بر سر او میکند در روز قیامت ایر الله تعالی علیه السلام فرمود که هر مردی که
 بر حق خود بگذارد که مردم با وی بازی کنند حق سبحانه و تعالی او را مبتلا کرد
 به شہوت زنا ابو عبد الله فرمود که حق جل علاه گردانیده شہوت موسی را
 در پشت او و شہوت کافر را در برابر او و دیگر فرمود که هر دختری را اگر
 خواند و در بر سر که بریده رحم خود را و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که بنده ریشخ
 نیکو کاریست مر زنا صالح را و دیگر فرمود ابراہیم که پدر بزرگوار مرا غیر
 بود و مرا از پیشست و هر مومنی که غیرت داشته باشد حق تعالی او را
 بر خاک ندالت اندازد و منقولست که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که غیرت حسد
 و حسد اصل کفر است و زنا چنان غیرت میکند بغضب میگرداند و غضب
 میکردند که مسلمات از زنا روایت میکنند از آنحضرت که پدر بزرگوار فرمود
 که حق سبحانه و تعالی گردانیده غیرت را در شان زنا و آنرا از برای مردان گردانیده
 جهان زن از کثیرات آنچه خواهد و پیدا کرده از برای زنان مگر کثیرو را اگر آن
 زن با وجود شوهر فحوری کرد نزد حق تعالی زانیه است و این از منکر است
 نه از غیرت اما مؤمنان را این شیوه نیست محمد بن ابی بکر گوید که پرسیدم از
 امام رضا علیه السلام که زنا مقنعه بر روی آنکند از مردان جواب فرمود که مرد
 بر دخترا نالی محسن آمدند ایشان مقنعه نمی بختند پرسیدم که ایشان مردم
 از آزار بودند فرمود پس از آن پرسیدم که از مردان مقنعه باید گرفت فرمود

ببینم

باب در ادب سفر و آنچه متعلق است بدان بحث فصل ششم است
فصل اول در فضیلت سفر و آنکه کدام است وقت سفر خوب است و کدام بد است
 کند عمر بر این مقدم که امام جعفر علیه السلام فرمود که در حکمت آن است که کس که عاقل و متفکر
 مکر برای چیزی زاد راه آخرت و ترتیب کرد معیشت و لذت فتنه
 از غیر خواهم آنچه باشد مرا و ارجح است رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مساوت کند سختی
 و تنی سستی باید و غرا کند تا مال و غنیت بگیرد و حج کند تا غنی شود و همچنین از
 از ابن عبد الله منقولست که هر که خواهد سفر کند باید که روز شنبه سفر کند که اگر آن
 ویرین روز از کوه چغندر حق تعالی او را باز بکشان خود آورد و هر که را اشکلی شده
 در حاجت های باید که شنبه سفر کند که آن روز است که حق تعالی آن را برای او
 نرم گردانید روایت کرد جعفر بن محمد مدنی که آنحضرت فرمود که در شب جمعه سوار
 کردن یکی نیست نقل از امام موسی علیه السلام که حضرت با پیش صلی الله علیه و آله در روز
 پنجشنبه سفر میفرمود حدیث که یکی از اصحاب گفت که دوستان روز پنجشنبه
 پیش حضرت رسول صلی الله علیه و آله روز جمعه بود و کاهی که بجای میفرمود از مردم نهان میداد
 و میفرمود که روز پنجشنبه روز است که خداوند فرشتگان او را دوست
 میدارند و بعضی از مردم بغداد بر امام رضا علیه السلام نوشتند که روز چهارشنبه
 آخو به توبه سفر کرد فرمود که هر که بخلاف مردی که قال میزنند روز چهارشنبه
 آخو ماه سفر کند حق تعالی او را از هر فتنه میدارد و جمیع عافیه ها او را در روزی

و حاجات او بر آورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در شب غریب که راه از پیش رو
 رفته است از امام جمعه بگوید که روز جمعه بیرون بروید از برای کاری و حاجتی و روز شنبه چون
 آفتاب طلوع کند بروید سوال کرد ابو ایوب خزاز از امام جمعه از معنی این آیه که
فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِهَا
 الله مراد اینست که هر چه میسر آید آنست که روز جمعه نماز بگذارد و روز
 شنبه بفرزند دیگر فرمود که در روز دوشنبه بفرزند دیگر بفرستد و در روز
 حاجت نخواهد ابو ایوب گوید که روزی بخدمت ابی عبد الله رسیدم و گفتم
 که بسفر میروم فرمود که گویا و حییه داری که در روز دوشنبه بیرون روی
 بی فرمود که کدام روز از شنبه بشوم تراست که درین روز حضرت رسول الله
 از دنیا رحلت نموده و وحی منقطع شد پس بیرون بروید درین روز و در روز شنبه
 بیرون بروید و دیگر فرمود که روز سیم و چهارم و پست یکم و پست پنجم
 بیرون بروید که آنها روزهای بخشنند امام رضا علیه السلام فرمود که روز شنبه بروید
 که مکر و فریب می آید و روز یکشنبه روز غزا است و بنا نهادن و در شنبه روز
 سقاست و طلب حاجات و در روز شنبه روز جنگست و روز چهارشنبه روز بخت
 که مردم در فال بد میگردند و در پنجشنبه روز دیدن ابر و ساختن کار است
 و روز جمعه روز خطبه و نکاح است **روایت** از امام جمعه علیه السلام که هر که سفر کند و در
 نیکوئی پسندد **روایت** که شخصی گفت من ببلای علم خودم گرفتارم هرگاه که میخواهم بیرون
 ارجح

در طالع نظر میکنم اگر خوب است این کار میکنم و الا نه فرمود که آن کار بری ای گفت بل
 فرمود که برای خود را بسوزان و ایام **مستحب** است سفر و نکاح را مکرر میداد
 که قدر محقق بود یعنی روز پست ششم و پست نهم و سیم امام موسی علیه السلام فرمود
 که پنج چیز در راه سفر شوم است کلاغی که از دست راست آواز کند و مرغی که
 که دم خود را بردارد و کرگانه که در برابر مرد نشسته آواز کند و سه نوبت خمر
 بنشیند و آهویی که از دست راست پاید و بجانب چپ رود و جغدی که آواز
 کند و پریه زنی که فرج خود را نمایان کند و ماده خرگوش بریده را بپزند و چون
 پزند و شکی بخاطر رساند اینها بخواند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا رَبِّ اغْنِنِي عَنْ شَيْءٍ
أَجِدُ فِي نَفْسِي وَأَعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكِ از شر آن خداوند عیبی گوید
 که شخصی پرسید از امام جمعه الصادق علیه السلام که ای مکرر بخت سفر کردن در یکی از روزها
 مکرر مثل روز چهارشنبه و غیر آن فرمود که پیش از سفر صدقه بده و آیه الکرم
 بخوان هرگاه سفر پیش آید ترا و دیگر فرمود که امام علی علیه السلام فرمود که هر چه کنید
 و عمره بگذراند تا قدر است شوید و رزق بر شما گشاده گردد و معاش خود و خانواده
 پاینده و تا منتهی شود مردگان شما از عذاب الهی و دیگر فرمود که هر که پیاده
 حج کند و سوره آنا از لیل بخواند پیاده رفیق او را نماید و دیگر فرمود که هر که
 سوره آنا از لیل در وقت سوار شدن بخواند حق تعالی او را سالم و آمرزیده بفرستد
 رساند و دیگر فرمود که شتر هفت نوبت کج می رود از جانبوران بیشتر

هَذَا النُّعْمِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَمِنْ شَرِّ نَصَبٍ وَلِيٍّ وَاللَّهُ
 تَعَالَى وَكَأَيُّ شَرِّ السَّبَّاحِ وَالْعَوَامِ وَمِنْ شَرِّ كُوفٍ
 الْحَارِمِ كُلِّ أَجِيرٍ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَجْعَلَ لِي سَبْعًا زَوْجًا أَوْ رَابِعًا زَوْجًا
 بَارَكَ وَمِنْ أَوَّلِ كَهَاتِ كُنْ نِكَاحًا وَارِدًا زَوْجًا وَأَقْبَى وَأَمَّا حُجْرَتُكَ
 بِرُكَّاهِ بَرُونَ بِرَفْتٍ بُوَسْمِ سَمْعَانِدِ عَائِنَا اللَّهُ لَنَحْفَظَنِي وَنَحْفَظَ مَا
 وَبَلَّغَنِي وَبَلَّغَ مَا سَعَى بَلَغْتَ الْحَسَنَ بِاللَّهِ اسْتَفْعِ بِاللَّهِ اسْتَفْعِ
 وَبِحَدِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْجِهُ اللَّهُ سَهْلًا لِي حَذْوَةً وَذَلَالَةً
 كُلِّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ كُلِّ كَثِيرٍ مَا أَرْجُو أَصْرًا
 عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا اسْتَدْرَجَ فِي طَائِفَتِهِ مَا أَرْتَمِ الرَّجِيمُ أَسْأَلُ
 الَّذِي يَبْدَأُ مَا دَقَّ وَحْدَ كَيْسِيهِ أَقْوَاتِ الْمَلَكِ يَكْفُرُ أَنْ يَكْبَلُ
 فِي سَهْرِي أَمْنًا وَمَا نَا وَسَلَامَةً وَسَلَامًا وَفِيهَا وَتَوْفِيقًا
 وَبِرُكَّةٍ وَهَدًى وَشُكْرًا وَعَافِيَةً وَمَعِيشَةً عَزْمًا لَا تَقَادِرُ
 ذَنْبًا وَبِجَوْنِ أَرْضِي بِرُونَ مِغْفُورٍ مِثْلُكَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ
 اللَّهُ أَكْبَرُ كَيْسِي اللَّهُ دَخَلَ كَيْسِي اللَّهُ خَرَجْتُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَلَا
 حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 أَجْمَعِينَ اللَّهُ افْتَحْ لِي فِي تَجْعَلِي هَذَا خَيْرَ اللَّهُ إِنْ أَعُوذُ بِكَ مِنْ
 نَفْسِي وَمِنْ بَرِّ عَمْرِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ آيَةٍ رَبِّهِ أَنْتَ الْغَنِيُّ بِمَا

إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ لَوْ أَنَّ
 إِنْ أَسْأَلُكَ خَيْرًا مِمَّا خَرَجْتُ لَكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَكَ
 اللَّهُ أَوْسَعُ عَلَى رِزْقِكَ وَأَقْبَى عَلَى غَنَتِكَ وَكَبَلُ رِغْبَتِي فِيمَا
 عِنْدَكَ وَتَوْفِيقِي فِي سَبِيلِكَ عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ بَعْدَكَ
 مَرَكَاتِ أَيْ الْكَرْبِ وَمَعُودَتِي وَأَعْلَامِي سَهْلَةً تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَارْتَفَعْتُ
 خَوْفِي سَهْلَةً تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَارْتَفَعْتُ خَوْفِي سَهْلَةً تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَارْتَفَعْتُ
 سَوَارِي رَوَيْتُ لَزَالِ عِبَادَتِهِ أَكْرَجُ عَنْ كَهْفَتِي بِإِي مَارَكِ بِرُكَّاهِ
 مِغْفُورٍ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي تَحْرِيكُنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّبِينَ
 وَبَعْدَ ذَلِكَ مَعْتَ نَوْبَتِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبَعْتَ نَوْبَتِ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَبَعْتَ بَارِئًا لِلَّهِ
 أَصْبَحَ بِنِ بَارِئًا كَوَيْدِ مَنْ رُكَّابِ الْمَوْسِمِ طَارِئًا رَاكِرَةً بُوَدَمِ وَقِي كَسَوَارِشِدِ
 سَهْرِي بَارِكْ بِجَانِبِ آسَمَانِ كَرْدِ تَبَسُّمِ نَمُو كَفْتَمِ بِإِي رَاتِي تَبَسُّمِ بِرُكَّاهِ
 بِحَاكِرِ تَوَكَّلْتُ بِرُكَّابِ مَنْ كَرْدَمِ رُكَّابِ حَضْرَتِ رَسُولِ كَرْدَمِ أَوْ سَرُورِي بِمَا
 كَرْدَمِ تَبَسُّمِ نَمُو مِنْ تَبَسُّمِ كَرْدَمِ فَرَمُو دِيَا عَلِي مَرَكِ سَوَارِشِدِ وَشُكْرِ بَرِّ خَلْقِي
 بُوِي بِخَامِ فَرَمُو كَرْمِ مَرَكَاتِ إِنْ آيَةٍ نَحْوَهُ سَرُونَتِ نَحْوَانِ إِنْ رَضِيكُمْ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
 يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ يَطْلُبُ حَيْثُ شَاءَ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ
 مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ اللَّهِ أَلَا لَهُ الْغَلْبُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُ

ادعوا ربكم خضوعاً وخفية ان لا يحب المعتدين ولا تقيدوا
 في الارض بعد ايمانها وادعوا خوفاً وطمئناً ان رحمت الله قريب
 من المحسنين بعد ان كان كذا استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
 اليه اللهم اغفر لي ذنوبي ان لا يغفر الذنوب الا انت ترجمه فرمايد
 كه اي خدا من اين بنده من مي دانم كه كناه او را غير از من چيست امر زكواه
 كه من آمرزيم او رويت كه امام ضياء كه رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود كه هر كه سوار
 شود و نام خدايي را بر دوش نهاده نصب شود محافظ او تا فرود آيد و اگر چون شود
 و نام خدايي را بر دوش نهاده او را روي باشد و او را وسوسه كند بچيزي يا بشارت
 تا فرود آيد و ديگر فرمود چون كسي بر كسي سوار شود و نام خدايي را بر دوش نهاده
 و لا اله الا الله و الحمد لله الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين
 خدايي را او را يار و ياور نگاه دارد تا فرود آيد و هر دو بيت ديگر وارد است
 كه در محل سوار شدن اين دعا بخواند الحمد لله الذي هدانا لهذا
و كنا لنالوا القرآن و نرسلنا محمد صلى الله عليه و آله سحرا الذي سخر لنا
هذا و ما كنا له مقرنين و انا انزلنا الي ربنا مغفلون و الحمد لله رب
العالمين اللهم انت الحامد على الظاهر و المستعان على الامر و انت
الصاحب في السر و الخفية في الامن و المال و الولد اللهم
عصدي و ناصري هر كه قافله رفت و توان ماندني ميگوي و ميرد

من

خرجت بحول الله و قوته بغير حول و تقوى اللهم اني اسالك
 بركته سري هذا او بركته اعلی اللهم اسالك من فضلك
 الواسع من رحمتك لا طيب الا فموقر الي و انا حاضري عافية
 بقونك و قدرتك اللهم اني امرت في سري هذا بركته
 مني خيرتك ولا رجاء و بركه فان رفعت في ذلك شكرك و عافيتك
 و وفقتني لطاعتك و عبادتك رويت كه حضرت رسالت صلى الله عليه و آله
 چون طيار را بجانب جبهه فرستاد و او را شايست كرد اين دعا را زار و او را
 اللهم الطف به في تيسير كل عسير فان تيسر العسير
 عليك ييسر اسالك اليسر و العافية و المغافات الدائمة
 في الدين و الدنيا و دواعي فرمود ديگر روزي رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود
 فرمود ان ذلك التقوى و عفة ذنبك و لقاء الخير حيث كنت
 كه حضرت ابي بنير طي و امام علي بن الحسين عليهم السلام و عبد الله و جعفر طيار
 و عثمان بن باير و معاوية بن ميثاق ابوزر فرمودند ان حضرت فرمود كه
 و داعي كنيد برادر خود را كه او با چار است از رفق و شمار از او بگذر
 چيزي تكلم نموده در باب وي از جمله امام حسين عليه السلام فرمود كه با ابوزر قوم ترا
 انراج كردن كه تو منع ميگوي ايا ترا از شايست و ترعب بدون خود نموده
 و ايشان قبول نميگردد ترا از دنيا پس چه حاجت ايشان را بچيزي تو منع كردي

و چنانکه در آنرا منع میکرد ترا ابو ذر گفت **لَا تَكُنْ مِثْلَ هَؤُلَاءِ** مراد بجزئی از آنان دنیا
 و اوست که نیست و شما اهل بیت پیغمبر من گاه یا دیگران حضرت را و شما نیز
 با وی یا دیگران هم و مرا از حق گفتن چاره نیست گفت **بَلَّغْ رِسَالَاتِی** که رسول
 مرا که مومنی را و دواعی پیغمبر و این کلمات بخواند **ذُرِّكَ اللَّهُ التَّقْوَى وَفِی**
الْکَلْبِ خَیْرٌ وَفِی لَحْمِیْ کُلِّ حَلِیْةٍ وَفِی لَحْمِیْ دِیْنِیْ و در خبر دیگر و اورد است از امام زمان
 که چون رسول الله صلی الله علیه و آله دواعی پیغمبر و مسافر یادت و در میگرد
 و میگفت **اَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَاطْلَلَكَ الْغُفُورَةَ وَبَدَّلَكَ**
الْمَحْرُورَةَ وَفَرَّبَكَ لَكَ الْعِیدَ وَكَفَاكَ الْوَعْدَ وَحَقَّقَكَ دِیْنَكَ
وَأَمَانَتَكَ وَخَوَّلَكَ عَمَلَكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَیْرٍ عَلَیكَ تَقْوَى اللَّهِ تَسْتَوْفِی
نَفْسَكَ مِنْ عَمَلِی بَرَكَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ **وَبَلَّغْ رِسَالَاتِی** دیگر آمده که هر که خواهد کسی را
 دواعی کند بگوید **اَسْتَوْفِی اللَّهُ دِیْنَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَّلَكَ عَمَلَكَ**
اَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَاطْلَلَكَ الْغُفُورَةَ وَفِی لَحْمِیْ کُلِّ حَلِیْةٍ
وَزَوَّدَكَ التَّقْوَى وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَیْرٍ حَتَّى تَمُوتَ وَرَدَّكَ سَالِمًا
غَیْثًا فَاضِلًا **چهارم در مقام احوالی سفر** ابو سعید شامی روایت کند
 که مادر حضرت امام جعفر بودیم و خانه آنحضرت پر بود از مردمان فرمود از من نیست
 هر که مرا گفت مرا وقت مصاحبت نماند و سفر و هم در موکلت و غیر آن و مخالفت
 که می نمود

که مخالفت کند او را و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم میفرمود که هر که در وسط خصلت باشد
 و سفر احتیادی برویست یکی خلقی که نیکویی کند با مصاحبان خود و دیگر علی و اشته باشد
 که بسبب آن مالک غضب تواند شد و زهدی که مانع شود او را از احرام **وَمِنْهُ** فرمود
 که از مرد و نیست مردی که پیغمبر حدت کند در چیزی که کمال اطلال آرد عابرین مردان
 گوید که آنحضرت میفرمود در وصیت مرا بر تقوی و ادای امانت و بار قضا و حققت
 و مصاحبت امام محمد باقر فرمود انکس را که با وی مصاحبت میکنی اگر توانایی
 داری که دست تو بالای دست آن باشد آنرا از دست بگذارد **وَبَلَّغْ رِسَالَاتِی** از رسول الله
 که اول فقیه بعد از آن طریق و آنحضرت بجهنم میفرمود که دو کس که با هم مصاحبت
 میکنند بزرگتر ایشان پیش خداوند است **وَمِنْهُ** ایشان را زوی اجر و ثواب است
 که در مصاحبت بهتر باشد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که مصاحبت کنید با
 و سفر که برابر تر از خود نماند همچنانکه توانا و برابر تر از خود ندیده ای مصاحبان شما
 که هر یک از آنها دیگری را بهتر از خود دانند **وَمِنْهُ** آنحضرت فرمود که چون سفر
 برون رو و نفع خود را همراه ببرد که آن محبوب خود خالی نیست و نیکویی خلق
 امام الصادق فرمود که مصاحبت کن با کسی که او عزیز شود تو شهاب صید بر
 گوید که گفتیم مرا بی عید الله را که تو داری حال مرا و خود بخوشش مرا برادر
 دنیا من مصاحبت کردم جماعتی را از ایشان و در راه رعایت بسیار کردم
 فرمود که چنین کن با شهاب چون اگر ایشان را رعایت کردی ایشان را تعالی آن توانایی

نهشته باشد از اسی یا بند بر نگاه داری خواری ایشان را و با شان خودت مصاحبت کن
در دارایی امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مصاحبت با پیش خود کن و با کسی که رعایت حال تو
کند و معیشت نراند مصاحبت کن که این سبب خواری نیست و فقر نیست
فرمود که بهترین مصاحبان این کس نزد خدای تعالی چهارگانه است و از صفت که در گذشته
پیشانیست امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که مسافر می باید که تا سه روز جهت مصاحبت
توقف کند وقتی که آن صاحب چار باشد و نیز فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرموده که چهار کس نزد خدای تعالی بهتر از ان نیست که میانند و او باشد و از صفت که در گذشته
نکند که خدای تعالی او را دوست ندارد و مکر در حج و عمره و دیگر فرمود که در خلق همراه
سفر کند و دیگر فرمود که بهترین مردم آنست در سفر که خدمت یاران کند
و دیگر امام جعفر علیه السلام فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که اگر کسی
بگشاید شخصی گفت من بگویند بگشاید دیگر می گفت من بگویند بگشاید و بگری
گفت من میبزم آنحضرت گفت من میبزم جمع میکنم یاران گفتند رسول الله صلی الله علیه و آله
شما رحمت بکشید با اینها را بجای می آوریم آنحضرت فرمود که من میدانم که
شما این خدمت میکنید اما خدای تعالی هم نکرده میدارد بنده را که در میان مصاحبان
پرکار باشد و کار خود را در گردن ایشان اندازد پس بر پای خواست و همه را
جمع نموده دیگر آنحضرت هرگاه که سفر میرفت سرمه و شانه و آن و مسواک
همراه می برد امام جعفر علیه السلام فرمود که اتفاق حکیم با پر خود گفت هرگاه با جمعی سفر کنی

باید که در کار با ایشان شورت کنی و در روی ایشان خندان و شادمان باشی و از شو
خود با ایشان که کم کنی و با ایشان در میان نمی و هرگاه که ترخوانند اجابت نما
و اگر از تو یاری طلبند ایشان را یاری نمایی و خاموشی را پیشه خود سازنی و نماز
بسیار گذاری و با همراهم خود سخاوت بجای آری و از بخل داری از الایع و آنچه
با ایشان مضایقه کنی و هرگاه از تو کوتهی خواهند بدی گاهی که پیاده رودند
با ایشان پیاده روی و چون سوار شوند تو نیز با ایشان سوار شوی و هرگاه صدقه
یا قرض دهند تو نیز با ایشان اتفاق کنی و سخن کسی که در حسب از من بزرگتر باشد
بشنوی و هرگاه که ترا امر کنند بخیرنی یا از تو چیزی خواهند قبول کنی و جواب
که جواب بخلیقت و هرگاه که در راه متخیر شوی فرود آید و شورت کند
و هرگاه کسی را پسند از راه سوال کنی باید که جاسوسان دزدان باشد
بیشطان با چون بخواهد شما را حرام و سرگردان کند و از او کسی که دیدید بر زمین
انکار از احوال ایشان در یابید که ارا ایشان غلیظت و دیگر فرموده بر خود که هرگاه
وقت نماز در آید او کن و در آخر وقت میند از بعد از آن استراحت کن از آن
زیرا که آن دینیت بر تو و نماز را بجا بگذارد هر جا که ممکن باشد و در پای
هر کس خواب کنی مجروح میگردانند آن از فضل حکایت مکرانکه در جعفر علیه السلام
که ممکن باشد ترا عدد بجهت استراحت و مفاسل و چون بمنزل نزدیک شوی
از مرکب فرود آئی و او را بعلف بگذار و غم و بخور پیش از خود چو او ترا بگذرد

و چون خواهی که فردزایی جایی نصیفا اختیار کنی خاکش نرم باشد و علفش بسیار
و چون فردزایی در رکعت نماز بگذارد پیش از آنکه بنشیند و قرارگیری و هرگاه که بقیه
حاجت روی از مردم دور شود و چون کوچ کنی دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن
آن زمین را و واج کن و بر اهل آن سلام کن چو در هر زمین مکانی از زمین
مستغنی و اگر توانی طعام خود را صدقه ندی و برتست تلاوت قرآن با دایم
سوار باشی و پیش کوی هر کار که مشغولی و دعا از دست مگذار و با دایم نشسته
باشی و در اول شب براه مرو و در شب بخواب و **رویت** که رسول الله
فرمود در بیدار زاده و مروت و سفر که از شرف مروت که چون سفر پروانی
توشه نیکو بردار امام زین العابدین چون سفر پروان میرفت توشه بر میداشت
که پاک ترین ایشان با دایم و شکر بود و سبوق و غیر آن نیز نیکوست **رویت**
که ابو ذر غفاری رحمه الله علیه نزد خانه کعبه برای خوست گفت منم خدین میکنم
او در آمدند فرمود که ای مردمان هرگاه یکی از مردمان خواهد که سفر پروان رود
او را توشه بپاچار است که بصلح آرد و کا خود را حال آنکه سفر قیامت دور تر
و از توشه که برداشته صلاح حالش شود مردی در آن میان گفت که راه غای
مارا گفت توشه بداری در که مای که بخت روز نشور و حج و عمره بگذارد
بخت سختی و خبر کی امور و دو رکعت نماز بگذارد و در سیاهی شب و حشت
قبور و از کفر خراب بگریزد و از شر فرزند بد و صدقه کن بر سگین شاید

و سید بخت تو شود در روز بخت و پسین و قدر هم گردان و درمی رانفاق
گردان بر بختی که داری و در هم دیگر را پیش فرست برای خودت بخت رضای
در هم سیم را اگر بخت آری ضروری و فایده ندارد باز گردان آنرا که بخت
بر تو و اگر از دست کنی داری و دیگر فرمود و بیار را و دیگر گردان در طلب ملال و کلام
بخت رضای ذالجلال و کلمه سیم اگر خواهی ضرر بانی و فایده نیایی باز و روی بانی
باز گفت که میکشد مرا غم روزی که در دنیا فتم آنرا اتفاق حکیم گفت در پی خود را
که دنیا دریای بی پایانت و بسیاری در غرق گشته اند پس نو دین در یا
خدا را کشتی خود گردان و باد بان آنرا توکل ساز بر خدا بی تو و بگردان خود را
در و تقوی اگر بخت یافتی پس آن حجت تعلیم و اگر هلاک شدی پس کنایان است
و نیای ای پسر کن همیشه و سوزده و تمام و خیمه و مشک آب و سوزن و ریسبان
و آنچه توانی از ادویه های فایده مند بخت خود و رفیقانت بردار بار خفا
کن مکر در مصیبت الهی امام جعفر فرمود که مردمان گمان میکنند که فوت بزار
ایستادنت از رفیق و بخورد حال آنکه اعظم فوت طعام است که بر پیش نهاد
پیاورند و آنچه دست رسن باشد بر پنهانان صرف کنند و اینرا بگردان
و دیگر فرمود که مروت چه چیز است گفتند نمیدانیم فرمود که بخدا که مروت
آن نیست که خوان طعام نهید بر در خانه خود مروت دوستی و حشر
و یکی در سفر غایا آنچه در حضرت آن تلاوت قرآنست و لزوم مساجد و رعایت

برادران در جوارح و احسان کردن با ملازم و خادم و دوست تراشاد گردانیدن
 و دشمنان او را در ستن آما آنچه در سفر است نوشته پاک بسیار برداشتن و با مقدار
 صرف کردن و اندر ایشان بر قوم پوشانیدن بعد از مفارقت ایشان بسیار بی مزاج
 و غیر خیری که مرضی خویش نباشد بعد از آن فرمود به آن خدای که بعد از آن کج خلق
 فرستاده که بنده روزی می یابد بر قدر قدرت و معونت خود می آید و دست
 که خبر نازل بشود بر قدر بلا و شدت **فصل پنجم در کاره شستن معانی اموال**
و تمیز کردن ملکات از غیر ملکات روایت از حضرت الصادق علیه السلام که هر کس از آیه الکسری بخواند در
 در بر شوی سلامت ماند خود و دیگر با دوست و بگوید بعد از آیه الکسری اللهم
 اجعل مسیری غیری غیری تفکر او بیک کلمه دیگر از دست
 که شخصی بجهت امام رضا علیه السلام بخدمت فرستاد و در میان آن قدری کل بود
 بر رسید که این چوکان باشد فرمود که کل قبر مطهر امام حسین علیه السلام و صاحب رخت
 بر چه بهر عامی فرستد این در میان آن میهند و میگویند که امان حضرت من است
روایت از امام جعفر الصادق علیه السلام که دو برادر بخدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
 آمدند و گفتند یا رسول الله میخواهیم که تجارت برویم تعلیم فرما ما را عیالی که
 در راه بخوانیم و حضرت فرمود که هرگاه خواهید که خواب کنید و نماز نخواند بگذرد
 باشید در وقتی که بیدار بماند خواب نبیند تسبیح فاطمه زهرا علیه السلام بگوید
 و بعد از آن آیه الکسری بخواند که در راه چنان دعا باشد پس ایشان را سفر

رفت اتفاقا حاجت در زمان و عقب ایشان روان شدند تا وقتی که فرود آمدند
 شخصی فرستاد که خبر کرد که ایشان در خوابفته اند یا نه آن شخص آمد دید
 که در ایشان یک تسبیح زهر اکسری و آیه الکسری خواندی و خوابیده که در جاسو
 در دامن دیده حصاری بر گرد ایشان هر چند بر کرد و آه صفا که دیده اند روان
 نیافت نزد یاران خود آمد و صورت حال را بگفت رختها او را در شستم
 و گفت دروغ میگوی بلکه ترسیده تمام بر جوشند و آمدند دیدند
 او دیده بود چاره نتوانستند که در صبح شد پیش آن جوان آمدند
 گفتند و شنیدند که با بودید گفتند هم آنجا بودیم و جای دیگر نرفتم گفتند
 آمدیم و شما را ندیدیم و چهار دیو امر مضبوط دیدیم درین چه سر بود گفتند
 ما بوقت پروان آمدن بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رفیقتم ما را تعلیم نمود
 به تسبیح فاطمه زهرا و آیه الکسری پس بچنان کردیم در زمان گفتند بروید بخدا
 که بکس را با شما کاری نیست **و در آخر چهاردهم** عبد الرحمن سنان گوید
 که سالی پروان رفتم بجانب کربلا و راه قاش همراه داشتم کسی بخیر بعضی هم را
 گفتند که بمصر یا بمرکز است و هر کس جزئی گفت آخر بخدمت ابی عبد الله علیه السلام
 رفتم فرمود که فرعه بنید از از میان مصر و بین توکل بر خدای عزوجل کن نام
 کی ازین دو شهر که آید با شما دوست گفتیم که فرعه بنید فرمود بولس بر کافه
 رفتم الله الرحمن الرحیم اللهم أنت لا اله الا انت عالم الغیبات

أَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا الْمَتَعَلِّمُ فَانْظُرْ لِي فِي أَيْ الْأَمْرَيْنِ خَيْرٌ لِي أَوْ كُلِّ
عَلَيْكَ فَبِعَدْلِكَ بَعْدَ أَنْ أَمَّ مَصْرُوفِي وَدِكْرَانِ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَبَارَكَ
وَكَمُ بَنُو سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَرْيَمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَرْيَمَ بْنِ
أَبْنَاءِ وَهُوَ مَقْبُولٌ تَعَالَى بَنُو سُلَيْمَانَ بْنِ مَرْيَمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَرْيَمَ بْنِ
جَمْعُ كُنْ تَجْعَلُ بِنْدَةَ أَرْصَحِي خَوْفُكَ وَدَرْجِي جَانِبِي نَهَانِ كُنْ وَبَعْدَ أَنْ
بَرُونَ أَرَدَ مَرَكْدَامُ أُولَ بَرُونَ مَدْبُورَانِ كُنْ تَوَكَّلْ بِرَحْمَتِي تَعَالَى وَدَرْجِي
كَمْ كَرَاهِي خَوَالِي كَمْ بِي رُوحِي وَفَقَابِ بَرَاءَةٍ بَارَكْتَ وَرَفَعِي أَوْفَقِي بَرُونَ كَرَمْتَ
فَارَكْبُكَ وَدَرْجِي كَرَمِي وَفَقَابِ بَرَاءَةٍ بَارَكْتَ وَرَفَعِي أَوْفَقِي بَرُونَ كَرَمْتَ
أَلْهَمْ لِي عَدْوَتَ الشَّمْسِ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَازِنِي مِنْ
فَضْلِكَ زَنْزَقًا حَسَنًا وَسَعَادَةً لَاطِبَةً وَأَعْطِنِي فِيمَا أَرَدْتَنِي
الْعَافِيَةَ عَدْوَتَ بَحُولِ اللَّهِ وَقُوَّةَ عَدْوَةِ بَغْيِ خَوْلِي مِنْ
وَلَا قُوَّةَ وَلَكِنْ بَحُولُكَ وَقُوَّتُكَ وَكَبْرُكَ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ
وَالْقُوَّةِ أَلْهَمْ لِي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَارِكْ لِي
فِي جَمِيعِ أُمُورِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدًا وَآلِهِ
وَجَنِّ بِيَا زَلْزَلًا رَامَدِي وَجَوَّ شَهْدُكَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدًا وَرَسُولَهُ أَلْهَمْ لِي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَهَا
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّهَا أَلْهَمْ لِي أَعُوذُ بِكَ
أَنْ أَبْقَى وَيَسْتَعِي عَلَى أَوْ ظَلَمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أَغْتَدَى أَوْ يُغْتَدَى
عَلَيَّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ابْلِيسَ وَحَسُونَهُ وَفَسَقَةِ الْعَرَبِ
وَالْعَجَمِ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ جَوْنُ خَوَا
كَمْ حَبْرِي بَحْرِي كَمْ يَلْحَقِي بِأَقْوَمِ يَأْذَنُ يَارُوفُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
بِعَزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِكَ مِنْ الْقِسْمِ لِي مِنَ الْجَنَانِ
الْيَوْمَ أَعْظَمُهَا رِزْقًا وَأَوْسَعُهَا فَضْلًا وَخَيْرَهَا عَافِيَةً لَكِنَّ
لَا خَيْرَ فِيهَا لِعَافِيَةٍ لَكِنَّ رَجَوْنِ جَارِي بَحْرِي كَوْنَهُ أَلْهَمْ لِي
أَطْوَلَهَا حَيَاتِي وَأَكْثَرَهَا مَنَفَعَةً وَخَيْرَهَا عَافِيَةً **فصل**
روايات من صحيح مسلم روايت از امام محمد بن اسحاق بن عمار
وقدم كمشيد كمن بر شما اسان راست از شفقت الاني **روايت** كجميعي ينادي
بمرفق حضرت رسول الله اينان رسيد كفتند يا رسول الله از پايه رفته
بر تنك آمده ايم فرمود كه قدم كمشيد كه بر شما اسان ميشود **روايت** از امام
كه رسول الله فرمود كه سواره سوار راست از پايه بجاده و پاي
حققت از كفش بپوشنده وزن را روايت كميان ايه رود بلكه روي
راه روايت و ديگر فرمود كه خبر دهم شما را بديدن مردمان كشيدي يا رسول

فهي

۱۰۸
فرمود کسی که آنها سفر کند و فایده بمردم رساند و خادم و غلام خود را بسیار
حضرت امام موسی ع فرمود که رسول صلوات الله علیه را بگویند که در راه توشه
توها خورد و کسی که در خانه تنها خواب کند و سواری که در میان آنها رود و عیال
بر جا بگوید که من در گنجینه است امام جعفر علیه السلام رسیدم ناگاه مردی از پیش
امام و را گفت که مصاحبت تو که بود گفت اگر من با تو میبودم آواره را
بنویسم و موخرم بعد از آن فرمود که چون بیک کس راه میرود شیطانت و دشمنی
و کس مصاحبت و چهار کس رفیقانند امام موسی ع فرمود کسی که تنها بیرون میرود
بگوید ما شاء الله و لا قوة الا بالله اللهم انی وحشی و اعنی
علی و حذنی و عذیبی و از امام جعفر الصادق ع روایت کرده که
راه که کنید بگوید یا صالح یا اقی صالح ارسد و انا الی الطریق
یرحمکم الله و دیگر فرمود که نهان صحرا صالح است و نهان دریا هم
برگاه که در صحرا غول پیدا شود بانگ نماز بگوید یا بر طرف شود و رسول
فرمود که چون بمنزل فرود آید بگوید یا ابراهیم اللهم انزلنی منین
مبارک و انت خیر المنزلین و در روایت دیگر و ادوات که
و اید فی نما ایدت به الصالحین و حبلی السلامة و العافیة
فی کل وقت و حین اعود بکلمات الله الثابت کلمات
شیر ما خلق و ذکره و بره و در کت ناز بگذارد و بگوید

اللهم انزلنا من غیر هذا البقعة و اعدنا من شرها اللهم طمئننا
من جنانا و اعدنا من و بائنا و جینا الی اهلنا و حبیبنا الی
اهلنا الینا و چون خواصید روان شوید و در کت ناز بگذارد و
بگوید اللهم احفظنا من افات الشیطان و الا لام الحضر و
آن موضع بکنید با اهلش زیاد هر موضع جمعی از مکان است بگوید
السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علی عباد الله الصالحین و
و بركاته و چون بجانب خانه باز گردید بگوید یا ابراهیم
ایمانه الله العابدون الی اکون ساجد و نلینا حامدون
اللهم لك علی حفظک آیاتی سفری و حضری اللهم اوسع
هینا مبارکة مینو و مقرونة بنو و نضوح و حجب حوالی
بهما للتعاداة یا ارحم الراحمین روایت کرد رسول الله علیه و آله
مرای المؤمنین یا ارحم الراحمین را که یا علی چون خوابی که بهری یا بدی در آیی وقتی که انجا
نمودار شود بگو اللهم انی اسألك خیرها و اعود ذلک من شرها
اللهم جیننا الی اهلنا و حبیبنا الی اهلنا و اهلنا و اهلنا و اهلنا
که چنانکه تلیل بگوید و بگوید بگوید و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید
و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید و بگوید
نشیند بگوید فیما الله ملک الرحمن و ما قدره الله بحی قدره و لا یق

بِحَبِيبٍ قَبْضَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتِ مَطْبُوعَاتٍ تَمِيزُهَا سَحَابٌ
وَكُلُّهَا يَرْتَوِي بِسُكُونٍ نَبِيٍّ لَمْ يَجْعَلْ لَهَا مِثْلًا فِي الْأَنْبِيَاءِ
الْحَكِيمِ وَجَوْنِ قَدَمِ نَبِيِّ بَرِيٍّ كَبُرَ بِهِ اللَّهُ إِذْ خَرَجَ الشَّيْطَانُ إِلَى
أَمَامِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرَجَتِ كَرَمُهُ كَرَمُ صَفَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَرَمُهُ كَرَمُ
أَزْكَرِ سَابِقِ بَاوِيءِ كَبِيرٍ مَيْدِ تَقَبُّلِ اللَّهِ مِنْكَ وَخُلْفَاءِ عَلَيْكَ نَفَقَتِكَ
وَعَقَرِ ذَنْبِكَ أَمَامِ عِلِّيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُوهُ كَرِيمٍ جَابِجِي أَرْزَاهُ بَرَسِدُ مَرَكَبِ أَوْرَادِ بَغْلٍ
كِرْدِ خِيَانِ شَدِيدِ كَهْمِ لَاسُودِ رَاوِغِلِ كَرَمُهُ بَارِيدِ زِيَارَةِ مَنُودِ وَجَوْنِ أَرْسَفِ
مَكْرَ بَزْكَشْتِ وَنَجَانَةِ أَمْدِ سَرَاوَرِ أَنْتِ كَرَمِ شُغْلِ بَحْرِي دِكْرِ كَرْدِ دَمَاسِلِ
وَدُورِ كَرَمِ نَازِ كَبَرِ دَرِ بَعْدِ أَرْزَانِ سَجْدَةِ شُكْرِ كَبَرِ آوَرِ وَدَرْ سَجْدَةِ صَدِّ بَارِ كَبِيرِ
شُكْرِ أَقْبَدِ **فصل عشم** در محافظت و خدمت چارپایان و حق آنها چنانچه
روایت از ابوذر رضی الله عنه که شنیدم از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
که میفرمود که هر کس سوار میگوید **اللهم ارنی فی مملکتی صدیق**
یشیعنی و یسقی و لا یخلفنی ما لا اطلب یعنی یا خدا یا مهربان و زنی
مالک رستی که سیر براب کرد و مرا و بر من بی نهد که طاقت برداشتن
آن مرا باشد و امام جعفر الصادق فرمود که می باید که خود کسی مرکبی مگر که گوید
اللهم اجعل بینه رجلاً و دیگر فرمود که الاغانی برست آید که موجب رست باشد
و از آنکه منتهای کفایت میشود و روزی ایشان را خلاصت **بیت** کند سکو

پرسند فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی دست میدارد رفق و نرمی بدین
نزد می نماید پس چون بر مرکب لغو سوار شود از منزل بگذرد و اگر زمین بر پشته
بگذرد و تپحل نماید و اگر بر علف باشد فروز آید **بیت** از رسول الله صلی الله علیه و آله
که الاغانی را بر صاحبان جهنمست اول آنکه علف نهد از جایی فروز آید پس از آنکه
خود چربی خورند و چون بآب برسند او نمایند اگر بخورند و هر دوی آنان نرسند که تسبیح
میکنند بجز پروردگار خود و نه ایستند در پشت ایشان مگر در روز غزا و یا بکنند
از آرزیده از قوت آنها و تکلیف کنند آنها را از رفتن مگر آنکه طاقت داشته باشند
شخصی از حضرت امام جعفر علیه السلام سوال کرد که کی برنم مرکب خود را که در زیر من باشد
فرمود در هرگاه نزد در زیر تو بچنانکه میرو و بجانب علف و نیز آنحضرت فرمود
که برنم مرکب را وقتی که بر در می آید و غریبانی را وقتی که کم می کنند
که او چربی می خند که شامی می بینید و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که در بالای
مرکب مربع بنشینید و بر آنحضرت مدارید و هر دو پای را بطرف میا و نیزید
رویت کرد امام زین العابدین علیه السلام که یکشنبه چهل نوبت حج کرده و بر کعبه
نزد **در احوال** از امام جعفر علیه السلام که شش سوز می نگاه میداد که کوتاه نموند و نیز
فرمود که شش آن سیاه موی بر شغل بخند که در از عمر نذر شش آن و دیگر
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که از میان قطره شش آن که شش بر پسیدند فرمود
که در میان هر دو شش شیطان است **بیت** در احوال آنحضرت فرمود

که خیر از چنان سپاس بآبانت تار و ز قیامت و کسی که سپاس را در راه خدا
رعایت کند حکم آنست که هرگز صدقه ترک نکرده باشد اما نه ضایع فرمود که در سب
هر آسبی بی طمانیت هرگاه خواهید که بجا کم کنید نام خدا برید و اما هم موی است
فرمود که اگر مرگ می رسد سخت و چه چشم در گوش او این اثر را در گوش او بگذارید
اَنْفَعُ دِيْنًا لِّلّٰهِ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ اِنَّكُمْ لَمِنْ عِنْدِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
طَوْعًا اَوْ كَرْهًا وَاَلَيْسَ لِرُّجْعُوْنَ **فصل ششم در گنهای فرمود که**
واقع است در خبر جابر بن عبد الله انصاری روایت کند که حضرت رسول الله ص فرمود
که سافر شب بخانه در آید پیش از آنکه خانه را بزرگ کند و دیگر فرمود که سفر بپوش
از عذاب باید که در سفر همساری نماید و زود باز گردد و با اهل خود آید
فرمود که قطع راه تو شده آخر میکند و خوی را بد میسازد و جامه را کهنه میکند
و حضرت رسول الله ص فرمود که چون راه کم کنید در سفر بخوابید و دیگر فرمود
که هر که یاری و مددکاری نماید مسافر فرمود من را حتی بجا تو دعا از او بخواه و سه غم
در دنیا و در قیامت راحت بی نهایت او را روزی نماید یعقوب بن مسلم گوید
که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که با من در چه چیز است که در دعا شایسته
نقش کرده اند و در حال احرام من آن در میان کرده ام و بر میان خود بسته
چه گوید است فرمود چون آن خوجی و نفع است بآی نیت و اطمینان است
روایت از امام موسی علیه السلام که سفره که در دعاهای زرد باشد بپوشید

و دعاهای آینه گای آن پارید که بخصایا نیکوست **باب دهم**
در آداب و غیره که متعلق است بر او پنج فصل ششم **فصل اول**
در فضیلت دعا که گفت آن حضرت رسول الله ص فرمود که هیچ چیز نزد
خداوند تعالی گرامی تر از دعائست و دیگر فرمود که دعا سلاح مؤمنست و ستون است
و نور آسمان مؤمنین و دیگر فرمود که شمار دلالت کنم بر سلامتی که بجات و بهنگام
و نگاه دارد و دشمنان را روزی شمار را زیاده کرد اند درین جهان حاضران گفتند
ای رسول الله ص فرمود که شب در روز دعا کنید که سلاح مؤمنست و دیگر فرمود که
عاجز ترین مردمان است که عاجز آید از دعا و خیل ترین مردمان است که در
جواب سلام مساک کند و دیگر فرمود که هیچ مسلمان نباشد که دعا کند که بخواند
از آن ضرری رسد و طلب محصی در آن نباشد مگر آنکه تو دعا او را یکی از
سبب خیر است فرماید یکی آنکه دعای او را قبول نماید یا در آخرت او را عفو
دهد یا بطایفه او دفع کند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که دوستان
علمای باوی خدای ۱۲ دعاست و افضل عبادت عفتست عبد الله بن عباس
که امام جعفر ص فرمود که دعا دفع بلا میکند پس بپوشید و دعا که آن
کل هر حجت بر آورنده هر حاجت و هر مطلوب مرغوب که ارجح است
طبع اندر حصول آن است کرد دعا و مردی که بسیار بگوید آخر آنرا
بروی گویند بکشایند ابو عبد الله ص فرمود که دعا موجب قبول است چنانکه

اگر سبب ارادت و دیگر فرمود که هیچ بنده دست بر ندارد بدو که هیچ کس را که
او ششم در دست او را خالی بزرگ دارند و از فضل و رحمت خود بکنند و آنچه را
و چون یک از شما دعا کند باید که باز نزد دست خود را بایستد که بر روی خود ببالد
ششم بن سلام گوید که ابی عبد الله گوید که هیچ میداند در از برای ملازمت که
آن گفته فرمود که هرگاه که میاید یا از شما بدعا نزد ملازمین میاید که آن از درگاه
اگر آید است و دیگر فرمود که هر که خواهد دعای او مستجاب شود در روز نوحی پس باید
که در روز آسانی بسیار دعا کند اما مضمون فرمود که یکدعا میانه بهتر است
از صد دعا بلکه ملا باشد اما مضمون فرمود که حضرت غوث حاجات شما را
میداند لیکن دست میدارد لیکن دست میدارد که آنرا طلب نمایند و اما
رضایه سلام فرمود که هر یک از اصحاب خود که برست که مساجد شیعیان
پیش از آن گفت سلام ایشان چه چیز است فرمود که آن دعا است اما مضمون فرمود
فرمود که دعا در اثر خود رفته تر است از نیر و تیر در اوقات که امید واری دعا
نزدین است و روایت کند از امام جعفر که در چهار محل دعا کنید یکی نزد زمین
با و دیگر در وقت زوال آفتاب و دیگر در وقت فرو آمدن بابران و دیگر
در وقتی که خون مونی بر خاک ریخته که در ای آسمان درین قهقارشده است
و دیگر فرمود که در وقت موضع دعا قبولست نزد نماز و بعد از نماز صبح
و بعد از پیش و بعد از شام و در وقت بانگ و وقت آمدن باران و در وقت

غذا که صفت راست شود و دیگر فرمود که هرگاه یکی از شما وقت حال حاصل شود بگوید
گوید زیرا که در وقت حاصل نمیکند یا خالص نمیشود معا و این چهار گوید که حضرت
ابا جعفر صادق فرمود که هر که حاجتی دارد باید که طلب کند آنرا نزد زوال از درگاه
نزد ملازمین و پیش از آن بصدق کند چیزی را و بوی خوش بپوشد و سجده دعا کند
چهارش رو میگرداند و انشاء الله تعالی و دیگر فرمود که تو حرکت پیدا کنی دیده تو
که این شده ملازم آن وقت باشد که آن وقت دعای حاجت روا ابو صبیح
گوید که امام محمد باقر فرمود که حق سبحانه و تعالی دست میدارد که بندگان ممکن
بدو برگاه او دعا کنند پس دعا کنید از حرم طلوع آفتاب که در آن وقت در ای آسمان
گشاده است و روزی در آن وقت قیمت میکنند و حاجتهای بر برگ در آن وقت
روا میشود عمرو بن ابی گوید که شنیدم از ابی عبد الله که در شباعتینه
که بنده مؤمن بابد و ملازم آن ساعت باشد که در آن ساعت نماز گذارد و دعا
کند نیست کسی که آن ساعت دعا کند که هر که سبب دعا و دعا ای او را در آن ساعت
روا کند گفته اصلی را الله آن کدام ساعت از هر شب که هرگاه نصف شب
که نشسته و باقی ماند شش ساعت اول از اول نصف دیگر فرمود که هرگاه
روزی میکند کفهای دست بجانب آسمان بردارد و بقبله و چون بخوابد
پناه جوی از شر نجس و اذیت کفهای دست را بجانب قبله بگرداند در حال
تفویض و از ای دست را از سر بگرداند و روزی از دنیا بگرداند و بجانب قبله

محتاج او رید و انکشتان استقامت در حرکت دهید از غیر گوید که بسیار شنیدیم
 از ابن عبد الله انچه پیش از دعا باید کرد فرمود که حمد و ثنای حق تعالی را بجای آرید
 صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستید بعد از آن جهت خود دعا کنید
 محمد بن مسلم روایت کند از ابن عبد الله که در کتاب ابرار المؤمنین طایفه است که دعا
 که پیش از دعا عظمت و بزرگی حضرت عزت باری تعالی یاد کنید گفتند که باید
 کنیم بزرگی او را فرمود که بگوئید یا مَنْ هُوَ أَفْرَسُ الْبَیِّنَاتِ مِنْ جَبَلٍ
الْوَرِيدِ یا مَنْ یَجُولُ بَیْنَ أَمْرِ قَلْبِهِ یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى
یا مَنْ لَیْسَ کَشَيْءٍ شَئٍ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ عثمان بن عفان روایت کرد
 که ابن عبد الله علیه السلام فرمود که هرگاه خواستید که دعا کنید حق تعالی را بزرگی
 یاد کنید و تسبیح و تهلیل او را بتقدیم رسانید و ستایش او را بگوئید و صلوات
 بر پیغمبر و آل او فرستید و حاجت طلب کنید روا میشود در ساعت و فرمود
 که ستایش او را برین وجه نماید یا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى الْخَمِيرَ مِنْ مَسْئِلٍ
یا أَزْهَمَ مَنْ أَسْتَرْجَمَ یا وَاحِدَ یَا حَمْدَ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ یا مَنْ لَمْ یَخْضَ صَلَاحَتَهُ
وَلَدًا یا مَنْ یَفْعَلُ مِنْ شِئَاءٍ وَ یُحْکَمُ مَا یُرِیدُ بعد از آن بگوید
اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ مَا أَكْتُفِ بِهِ وَ خُجِی
وَأَدِّیْ بِمَا مَآبَتِی وَ أَصْلِحْ لِی رَحْمَتِی وَ تَكُونْ عَوْنًا عَلَیَّ الْحُجَّ وَ الْعَمَلِ

و دیگر فرمود که مردی مسیحی بنحوی صلی الله علیه و آله در آمد و دو رکعت نماز کرد و انگاه
 طلب حاجت کرد آنحضرت فرمود که بنده تعجیل نموده برگاه الهی بعد از آن مردی دیگر
 آمد و دو رکعت نماز بگذارد و ستایش الهی تقدیم رسانید و صلوات بر پیغمبر و آل
 فرستاد آنحضرت فرمود که حاجت طلب کن که دوست ابو خالد گوید که آنحضرت
 فرمود هرگاه چهل مرتبه جمع شوند دعا کنند در اموری از امور البتة صحیح دعا باشد
 مستجاب میگردد پس اگر چهل کس باشد چهار کس دعا کنند هر یک ده نوبت آن دعا
 نیز مستجاب شود پس اگر چهار نباشد یکی دعا کند چهل نوبت خداوند تعالی آنرا قبول نماید
 هرگاه پدر بزرگوار مرا غنی بفرماید عورت اطفال اجمع سینه و دعا کنند
 و ایشان آمین بگویند و دیگر فرمود که دعا کنند و آمین بگویند هر دو رکعت
 در امری هشتم بن کلم گوید که آنحضرت فرمود که دعا بخوبست مادام که
 صلوات بر محمد و آل او فرستند حاجت نمیشود و دیگر فرمود که هر که دعا
 و صلوات فرستاد دعا بر سر او ایستد هرگاه صلوات فرستاد دعا
 بالا میرود و دیگر فرمود که هرگاه کسی حاجتی باشد برگاه الهی پس باید
 که ابتدا بصلوات کند بعد از آن حاجت بخواند و ختم آن نیز بصلوات نماید
 زیرا که حق تعالی دعا از آن کیم تر است که طرفین دعا را قبول فرماید و وسط
 هر دو که دعا بصلوات بخوبست نیت و دیگر فرمود که حضرت رسول صلی
 فرمود که در هر مجلسی که جماعتی جمع شوند و ترنمین آن مجلس بگذرد که حق تعالی درود حضرت

رسالت نبی و آل هدایت انبیا سازند آن مجلس را نشانی و بال که در حشر وقت
 پیغمبر و دیگر فرمود که دعای کسی که حاجت رود و دیگری که بغیر
 توجیه نماید و دیگری که بر فراش جاری نیابد و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم فرمود
 که دعای هیچ کس مردود نیست یکی امام عادل و دیگر مظلوم که حق را در جواب ایشان
 میفرماید که در او ترا از ظلم میمانم اگر چه بعد از من باشد و دیگر فرزند صالح
 که بجهت مادر و پدر خود دعا کند و دیگر دعای حضرت پدر صالح برای فرزند و دیگر دعا
 برادر دشمن که غایب از دعا کند برای او امام محمد باقر فرمود که مومی که برادر دشمن
 دعا کند آن به اجابت اقریب است عبد الله بن سنان گوید که دعای برادر دشمن را
 در روزی میفرماید و دفع مکروه می نماید دیگر فرمود که بر برهمنیدار دعای مظلوم
 که آن خود بر آسمان میرود و دیگر فرمود که هر که چهل مومن را در دعا مقدم دارد
 آن دعا مستجاب میشود **در جهت** که شخصی سؤال که از امام محمد باقر من و او ایتر
 در کلام الحی می یابم که آنچه از آن می طلبیم نمی یابیم آنحضرت فرمود که کلام است
 گفت اذعونی استجب لکم و سال کند ما دعا میکنیم مستجاب نمیشود آنحضرت
 فرمود که گمان توانست که حق است بخلاف وعده کرده گفت زیا امام
 گفت بخیر آن وصیت گفت من این سر را نمیدانم فرمود که ترا این سر
 آگاه کنم آنست که دعا مشروط است بچند شرط اول حمد و ستایش الهی بخاری
 و شکران بگویند صلوات بر خست و باد گمان خود کرده است خدا کند

و بعد از مشغول شوید در امری که صلاح بود البته مستجاب شود بعد از آن حضرت فرمود
 که این دیگر که است گفت و ما آنوقت میزنیم و **فصل در بیان دعای**
 صدقه میکند خداوند عفو آن میدارد و حال کند ما صدقه میکنیم و عفو نمی یابیم
 آنحضرت فرمود که گمان توانست که خدا بخلاف وعده کند گفت ز من نیز
 درین سر خبر ندارم فرمود که اگر از مال حلال صدقه بدهند حق عا از آن عفو میدهد
 سلمان فارسی عت الله علیه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که خدا
 شرم میدارد از بنده که هر دو دست او را بردارد و دست او را از او میگیرد
 که **دانه ضل و دیم در دعا** **شیخ باز روزی از او پرسید** **روایت از امام محمد باقر**
 که هر که ده نوبت پیش از طلوع و پیش از غروب آفتاب بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ**
لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخَلْقُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ قَدِيمٌ
يَبْدَأُ الْخَيْرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ گناهان پاک میشود
 و دیگر فرمود که نوح ۱۳ در هر صبح و شام این دعا بخواند **اللَّهُمَّ إِنِّي**
أَشْهَدُكَ أَنْتَ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَيْتُ مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي
دِينِي وَأَوْ ذُنُوبِيكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ
الْحَمْدُ لَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ تَرْضَى بِغَدْرِ الرُّضَاءِ ازین جهت او را
 عبادت کند نام کرد مسیح بن خیر الدین گفت که من با امام محمد باقر چهل صبح
 گذاردم چون از غار شست صبح فارغ میشد دست مبارک بجای آن میزد

ت

أَكُونُ فِي جَنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَتَقْسِمُهُ وَأَبْدِلُنِي الْخَيْرَ
فِي دُنْيَا وَمِنْ الْعَوَاقِبِ لَيْسَ رَاحَتِي إِلَّا بِصِدْقِي صَادَقَ الْمُرَادِ
وَلَا يَخْلُجُ طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْعِبَادِ أَيْتُكَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ قَدِيرٌ
وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ بِصَيْرٍ لَيْسَ لَكَ كَيْدٌ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
دُعَايِي كَمَا مَجَّاهُ الصَّادِقُ لَمْ يَخْلُجْ نَدَايَتِي بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ
إِلَّا اللَّهُ وَمِنْ اللَّهِ فِي اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَطَلَبْتُ رِزْقَ اللَّهِ فَسَلِّمْهُ
اللَّهُ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي
وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ
بَيْنَ يَدَيَّ وَخَلْفِي وَعِزِّي وَعِزِّي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ وَالْعَافِيَةَ
مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ
وَضِيئِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَغْطَةِ الْغَيْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَيِّئَاتِ
الْغَيْلِ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ
وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْحِجْلِ وَالْحَرَامِ وَرَبَّ الزَّكَاةِ وَالْقَا
بَلِّغْ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّلَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبْزِ
وَأَعُوذُ بِحِمَّتِكَ أَنْ تُغَيِّبَنِي عَنْ رَقَا أَوْ خَرَقًا أَوْ شَرَفًا أَوْ قُوَّةً
أَوْ هُظْمًا أَوْ تَرْدِيًا فِي الْبَرِّ أَوْ كَيْلَ سَبْعٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ فُجَاءٍ

الْبَرِّ

أَوْ تَبِيٍّ مِنْ سَبَبِ الشَّوْرِ لَكَ عَلَى فِرَاقِي فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ اللَّهِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ اللَّهُ مُصِيبًا لِي لِحَقٍّ غَيْرَ مَحْطَى أَوْ فِي الصِّفَةِ الَّذِي
تَعْتَ أَهْلَكَ فِي كِتَابِكَ كَانَتْ خِيَانًا مَرْصُوعًا مُصِيبًا لِي
غَيْرَ مَحْطَى أَعِيذْ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَا رَزَقَنِي
رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَعِيذْ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي
وَوَلَدِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي رَبِّ الْعَالَمِينَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ
شَرِّ فُلُوقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ الثَّغَانَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ
خَاسِدٍ إِذَا أَحْسَدَ أَعِيذْ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي
وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي رَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْغَيْثِ
وَالنَّاسِ مُحَمَّدٌ عِدَّةٌ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مَدَدُ كُلِّ مَنَاءَةٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ نَزْعُ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَيْضًا
نَفْسِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْعَظِيمُ
سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا
بَيْنَهُمَا وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذُرِّكَ
الْقَبَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ تَحَاشُرِ الْأَعْدَاءِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ

وَالْوَقْرَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ ^{در ادعیه مخصوصه به اعتساب فراموش آورده اند}
 بر سر که هر که تسبیح فاطمه از مراد پس هر فراموش بگوید پیش از آنکه بر خیزد و بجا
 آورد این امر ^{روایت} که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود مردی را از
 سعد که من ایام حکایتی بگویم تو از خود و از فاطمه علیها السلام گفت بفرما نمود
 که فاطمه تمام کارخانه بیت خود میکرد و اما آنکه آب میکشید و کندم آسیا
 می نمود و خانه میرد وقت طعام سخت و این سبب لم سخت میکشید
 آنحضرت فرمود که بوی کفتم این حال باید بزرگوار عرض کن و خدمتکاری
 از او طلب نمایند خدمت پدر بزرگوار خود آمد جمعی در خدمت آنحضرت
 نشست بودند بزرگشت پس آنحضرت را معلوم شد که برای حاجتی آمده بود
 روزی دیگر او را طلب نمود گفت دیروز بچه حاجت آمده بودی ^{روایت}
 دیگر و ارد است که بخانه او رفت و سؤال کرد او را شرم آمد حضرت امیرالمؤمنین
 گفت یا رسول الله او را شرم می آید من عرض کنم پس حواله و راجع کرد
 حضرت رسول فرمود که من چیزی شمارا تعلیم کنم که بهتر از خدمتکاری باشد
 در هر صبح سی و چهار نوبت بگو اللهم ابر و سستی نوبت آنحضرت علیه السلام
 سبحان الله پس فاطمه علیها السلام سرسوی آسمان کرد و گفت راضی
 از خدا و رسول و پس سب باران گفت ^{روایت} کرده سیدنا صاحب العین

او را نماند

ابو برکات که رسول الله علیه السلام فرموده که هر که خواهد از دنیا بیرون رود غافل
 و پاک از کثافتان همچو طفلان باید که دروغ نگوید و برود منظم کس نباشد
 در عقب نماز می بخیزد و از ده بار قل هو الله احد بخواند و بعد از آن تنها
 بسوی آسمان بگوید اللهم انی اسألك باسمک المکنون المحزون الطاهر
الطاهر المبارک و اسألك باسمک العظیم و سلطانک القدیم
یا واهب العطا یا و یا مطلق الاساری و یا ذکاء الرقاب
یا قاتل النار اسألك ان تصلي علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتي
 من النار و اخرجني من الدنیا سالک و ادخلنی الجنة امینا
 و ان تجعل دفن اولیة فلاحا و اوسطه نجاحا و اخیره صلاحا
 انک انت علام الغیوب و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که این نه نمازها
 حضرت جبرئیل که تعلیم رسول الله فرموده و او را فرموده که تعلیم اجماع من علیهم
 السلام ^{روایت} و دعای دیگر که رسول الله علیه السلام فرموده که در عقب هر نماز فریضه
 ایستاده بگویند که محفوظ مایند خود و مال و فرزندان را هر بدی و ماینت اللهم
 اغفر لی ما قدیمت و ما اخریت و ما اعلیت و ما اسررت
 و اسر فی غیبتی و ما انت اعلم به منی اللهم انت المقدم
 و انت المؤخر لا اله الا انت علیک الغیب و بقدرتک علی
 الخلق اجمعین ما علمت الحق خیر الی فاجیبنی و توفنی اذا

هر

قُلْتُ الْوَفَاءُ خَيْرٌ إِلَى اللَّهِ إِنْ سَأَلْتُ خَشِيَّتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِ
وَكَلِمَةُ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا وَالْقَصْدِ وَالْفَقْرِ وَالْفَنَى
وَأَسْأَلُكَ نِعِمَّا لَا يَنْفَدُ وَفَقْرًا لَا يَنْقُطُ وَالرِّضَا وَالْعَفَا
وَبِرِّدًا لِعَيْنٍ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَشَوْقًا إِلَى
لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ الْفَرِّ مُصْنَعَةٍ وَلَا فِتْنَةٍ مُطْلَقَةٍ اللَّهُمَّ
زَيِّنَا بِرَبِّيتِهِ الْإِيمَانَ وَجَعَلْنَا عُدَاةَ مُهْتَدِينَ اللَّهُمَّ
اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنَا فِيمَنْ عَلَقْتَ وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ
وَقِنَا سِرَّ مَا غَضِبْتَ أَنْتَ تَقْضِي عَلَيْنَا اللَّهُمَّ إِنْ سَأَلْتُكَ
عَزِيمَةَ الرِّشَادِ وَالْثَبَاتِ فِي الْأَمْرِ وَالرُّشْدِ وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ
نِعْمَتِكَ وَخُشْعَانِيَّتَكَ وَأَذْأَرْ حَقِّكَ وَأَسْأَلُكَ يَأْرَبُ
قَلْبًا سَلِيمًا وَلِسَانًا صَادِقًا وَاسْتَغْفِرُكَ أَنْتَ تَعْلَمُ وَأَسْأَلُكَ
خَيْرَ مَا تَعْلَمُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَلَا تَعْلَمُ وَكَأَنْتَ
عَلَامُ الْغُيُوبِ **عَلَى دَرَجَةٍ** أَمْ جَعَلْتَهُ فَرَسًا كَمَا كَرِهَ بَعْضُ بَرَنَازِيْدَا
يَكُونُ بَخْوَانًا رَجِيعًا فِيمَا مَحْفُوظًا كَمَا تَنْتَ إِجْبِرُ نَفْسِي وَمَالِي
وَوَلَدِي وَلَعَالِي وَذَارِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي يَا اللَّهُ الْوَاحِدُ
الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا يُولَدُ وَلَا يُولَدُ لَهُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا
أَحَدٌ إِجْبِرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي

بِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنْ شَيْءٍ مَا خَلَقَ نَاخِرَ وَبَرِّ النَّاسِ مِلَكَ النَّاسِ
وَيَا لَيْسَ الْفَعْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ
نَاخِرًا لَكَ كُلُّ شَيْءٍ وَكَرْسِيهِ يَتَكَلَّمُ رَوَايَاتُ كَرْدِ أَزَادِي لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا
كَتَبْتُ عَلَى بَخْوَانٍ رَجِيعًا بِرَنَازِيْدَا كَرْسِيٍّ كَمَا رَوَتْ مَحَافِظُتُ بَرَنَازِيْدَا
مَكْرَبِي وَصَدِيقِي مَا أَشَدَّ وَحُضْرَتُ مَا دَوَّجَ فَرَسًا كَرْدِ رَجِيعًا بِرَنَازِيْدَا
إِنِّتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
لِحَاطِطٍ عَلَيْكَ وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحَاطَ بِكَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ
إِنَّا نَسْتَسْأَلُكَ عَافِيَّتَكَ فِي أُمُورِنَا كُلِّهَا وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ خُرَابِهَا
وَعَذَابِهَا **لَا خَيْرَ** بِهَا كَفَتْ فَرَسًا كَرْدِ بَرَنَازِيْدَا
كَرْدِ بَرَنَازِيْدَا رَجِيعًا بِرَنَازِيْدَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ
اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَخُرَاجًا وَزَنْزَارَةً مِنْ خَيْرِ لِحَاطِطٍ وَمِنْ خَيْرِ
يَحْتَبِ وَأَمَّا مُحَمَّدٌ بَقَرَتُكَ لَمْ يَفِرْهُ مَوَدَّةُ رَجِيعًا بِرَنَازِيْدَا
اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَقْضِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ
عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ **رَوَايَاتُ** كَرْدِ بَرَنَازِيْدَا
الْقَارِ كَرْدِ أَزَادِي مَوْحِي عَلَيْكَ كَرْدِ أَوْدَاعِي جَامِعِ نَحْصَرِي تَعْلِيمِ
مَا يَدْفِرُ مَوَدَّةُ رَجِيعًا بِرَنَازِيْدَا فَتَابَ أَيْدِيَهُمْ وَآلِهِمْ سُبْحَانَ اللَّهِ
وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُكَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ هَقَامُ كَرْدِ بَرَنَازِيْدَا

نَا

بعد نماز نافله حضرت ابراهیم علیہ السلام که هر که نماز فریضه موجب فرموده بجای
 آورد او را دعا و عجب و بحصول میرسد اسحق بن عمار روایت کند که امام محمد باقر
 فرمود که موسی بن جعفر علیہ السلام هرگاه که نماز گذاردی روی از قبله کرد ایندی
 رست روی خود را و طرف چپ را بر زمین نهادی و امام محمد باقر فرمود که چون نماز
 و حی فرستاد و بوسی بن جعفر که ایامید اوسطه چه ترا از میان خلق برگزیده
 و با تو سخن گویم گفت نیا حق جل جلاله فرمود که من زیر و بالا کردم بندگانه را در عبادت
 خاتم و نیازمند ترا از تو نیافتم چه تو بهر آنکه نماز میکنی روی خود را بر
 مذلت مینهی امام جعفر علیہ السلام فرمود که چون بنده سجود کند و در سجده یار لب
 بگوید یا ایزد ان کی نفسش منقطع حضرت حق جل جلاله فرماید که لیسک ای بنده من
 حاجت تو بصیبت مرازم روایت کند از ابی عبد الله که هر مسلمان باید که بعد از
 نماز سجده شکر بجای آورد که موجب تمامی نماز و رضای حق و تعجب فرشته است
 و فرمود که چون بنده نماز گذارد و سجده شکر بجای آورد حق سبحانه و تعالی
 حجاب بردارد و بنده را در پیشگاه کشف کند بنده من که فرض او را نموده
 و عهد مرا تمام کرده بعد از آن سجده شکر را بجای آورده با پنج من بوی اعجاز کدام
 ای فرشته کسان من دعوی این را در چه باشد که نیندای پروردگار رحمت تو محازات
 دیگر حق سبحانه و تعالی را که دیگر چه بشمارد او را که نیند که بشت تو گوید دیگر چه باید
 گویند که نیت مهم او را فرماید که باید فرشته کسان گویند باقی نماز پرستار که کمال

ای پروردگار ما علم بر آن نداریم که چنانچه بخواهی شکر او بدیم چنانکه او شکر کند
 روا داریم بوی فضل و رحمت خود را و در مقام قرب بشانم امام محمد باقر
 این دعا میفرموده است اللهم انک کنت قد عصیتک فانی قد اطعک
فی حب لاشیا و انک و هو الايمان یات منامک علی
لا منامتی علیک و ترک کت معصیتک فی بعض الاشیا
الاعلی و سجد مکاب و لا علی معانید و لا است کبار عن عبادک
و لا یجود لربوبیتک و لکن استعوت هوا و استتر لکی الطی
بعبد الحق و البرهان فان تعذبتی بذنوبی غیر ظالم و ان
تعفرتی و رحمتی فاجعل لیا ارحم الراحمین در روایت عبد الحمید
 که حضرت امام جعفر الصادق فرموده مردی را که هرگاه میبوسد مسکن
 خود را بر موضع سجود و بکشد بر روی خود از جانب چپ بطرف پشانی بجا
 رست و سجدت بگوید بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
و الشهادة الرحمن الرحیم اذهب عني الغم والحزن یرو
 که هر که در سجده یا نیت یا سجد او چندان بگوید که نفس او بریده کرده و جواب
 داده شود که حاجت خود را بخواه و بعضی از ائمه امام علیهم السلام در سجده میفرمودند
سجدک طالب من توبتک سجدک یارب هارک
سجدک یارب هارک یارب خائف من خطک بعد از آن

یا اللہ یاربنا نابریه میشد نفس ایشان بعد از آن دعا می فرمودند
روایت که امام جعفر الصادق علیه السلام کردی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
گفت بر مردی که او در چمن می گفت یا رب ما اعلیک انت
کل من کان کمندی تبعه وانت اغفر لی ذنوبی وانی تدلی
لی الجنة برحمتک فانی ما عفوک عن الظالم وانا من الظالمین
فلست تغنی برحمتک یا ارحم الراحمین حضرت فرمود مزار سجده
بر دار که دعا می تو سبب شد چو تو دعا کردی بر عای خیری که در عهد غایب بود
و دیگر دعا می خند که متعلق است بحالت خواب بیداری و آنچه متعلق است بحالت
بروایت از امام جعفر که سخن ها و سخن بیدار و بسیاری خواب و بسیاری فرغ
و نیز فرموده که خواب بر نه دین دنیا است حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که خواب در اول روز موجب خوفت و رحمت و پیش از نیم روز
نعمت و بعد از عصر حاجت و میان شام خفت مانع رویت و دیگر
حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که وضو بخورد و در جامه خوب بپوشد
آن جامه خواب مثل مسجد دارد و همیشه در ذکر خدا بی نهایت دیگر فرمود که هر که
چون رویش کند بیدار بخوابد اللهم اجعل لنا نورا تشبه فی انوار
ولا یخیر منا نورک یوم نکفک اللهم اجعل لنا نورا لک
نور الا لا اله الا انت و هر که که بخواهد بخوابد بگوید

اللهم اخرنا من الظلمات الى النور محمد بن مسلم گوید که هر که بگوید
فرمود که هر که هر شب باین دست رست بخوابد و بگوید اللهم انی اسئلك
نفسی ورجعت ورجعت الیک و فوضت امری الیک تو کلت
علیک بعبه منک و رغبت الیک لا ملجاء ولا منجاء منک
الا الیک انت کما الیک الذی انزلت و رسولک الذی انزلت
بعد از آن سخن فاطمه زهرا بگوید امام جعفر فرمود که هر که ترا خواب
روی نماید معوذتین و آیه الکرسی بخواند و دیگر فرمود که در وقت خواب
قل هو الله احد بخواند که موجب قربت تمام حققت و قلی آیه الکرسی بخواند
دوری شرکت **نعمت** از ایزد یسین علیه السلام که شنیدم از رسول الله صلی الله علیه و آله
که می فرمود در بالای سر کز آیه الکرسی بخواند در عقب هر نماز فریضه که مانع نشود از
دخول امت مکر مکر و عداوت بران نماید مکر خلایق یا عابد و هر که بخواند
در حالت خواب کردن این که در اندوختن از آفات و بچنین مسایه او را
و مسایه بسیار او را و خاتمه ای که در حوالی اوست و دیگر حضرت فرمود که
هر که قل هو الله احد بخواند در وقتی که بخام خواب رود و حقش کند آن بچاه ساله
او را می آرد محمد بن مسلم روایت کند از امام محمد باقر که باید این عوذ
بخواند در وقت خواب کردن اعیذ بنفسی و ذریعتی و اهلی
بنی و صلی علی آل الله التامات من کل شیطان و هامة

وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ اللَّامِيَّةِ وَابْنِ جَبْرِ سَلَّمَ تَعْوِيذُ فَرْدِ اِمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 اِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرمود که هر که این دعا در وقت خواب بخواند بر وی
 از کائنات چون روزی که از مادر متولد شده باشد **عاشق** الحمد لله الذي
 علا فقهر والحمد لله الذي بطن فخر والحمد لله الذي ملك
 فقد والحمد لله الذي يحيى الموتى ويميت الاحياء وهو
 كل شيء قدير **نوبت** که رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در وقت خواب
 الهی که بخواند نگاه داشته شود از فرشته قبر دیگر فرمود که هر که ترسد از شب
 ده نوبت این دعا بخواند اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ
 عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَمَنْ أَنْ يُخْضِرُوا
 وَأَيُّهُمُ الْكَرْسِيُّ يَخْلُودُ وَادْنَيْكُمْ **النَّعَاسُ** أَمَنَةٌ مِنْهُ
 وَجَعَلْنَا أَوْفَكُمْ سُبَّانًا وَحُضْرَتِ اَلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که هر کاه کی از نما
 خواب که خواب کند باید که بر دست راست بخوابد و دست راست را از بر زمین
 و بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَضَعَبُ حَبِيبِي اللَّهِ عَلَى مَلِكِهِ وَرُؤُسِهِمْ وَدِينِهِمْ
 وَوَلَايَتِهِ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ طَاعَتُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ هُوَ مَا لَمْ
 يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ نگاه داشته
 از درود فرمود آمدن بنا و استغفار کند بجهت او فرشتگان و هر که در
 خواب قل هو الله بخواند حضرت جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته موکل او گرداند

تا روزی که سبانی کنند در آن شب **رویت** که هر که از درود ترسد باید که در
 محل خواب این ترانه بخواند قُلْ اَدْعُوا اللَّهَ اَوْ دَعُوا الرَّحْمَنَ اَيُّمَا مَا تَدْعُوا
 فَلَهُ الْاَكْمَامُ الْحَسَنَى وَلَا تَجْعَلْ بَصِلَاتِكَ وَتَخَافَتِهَا وَتَتَخَفُ
 بِرَدِّكَ سَبِيلًا وَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَيْفَ تَحْذَرُ وَلَدًا أَوْ كَيْفَ تَكُنْ
 شَرِيًّا فِي الْمَلِكِ وَلَيْسَ كُنْ لَدُنِّي مِنَ الدَّلِيلِ وَكَيْفَ تَكُنْ تَكْبِيرًا
نوبت اِمَامِ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که هر که از احلام ترسد بگوید و بخواند
 اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاِحْلَامِ وَمِنْ
 اَزْدِ اَعْبَادِ الشَّيْطَانِ فِي الْيَغْظَةِ الْمَنَامِ و هر که از خواب
 ترسد در وقت خوابیدن بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ الدَّامِ
 السُّلْطَانِ عَظِيمِ الرَّهْمَانِ كَلِّمْهُ هُوَ فِي شَأْنِ بِلَا مَسْتِطِيعِ
 الْبَطُونِ الْحَاجَةِ يَا كَاسِي الْحُبُوبِ الْعَارِيَةِ يَا سَكَنَ الْعُرُوقِ
 الصَّارِيَةِ يَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ الشَّاهِقَةِ سَكَنَ عُرُوقِ الضَّيَا
 وَادْنَيْ بَيْتِي نَوْمًا عَاجِلًا وَابْنِ الْكَرْسِيِّ يَخْلُودُ وَدِينِهِمْ
 يُفَسِّحُكُمْ النَّعَاسُ أَمَنَةٌ مِنْهُ وَدِينِهِمْ وَجَعَلْنَا أَوْفَكُمْ
سُبَّانًا اِمَامِ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که هر که از درود ترسد
 در وقت خواب این ترانه بخواند اِنَّ اللَّهَ عِشْرَتُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ
 اَنْ تَزُوهُ وَلَكِنْ اَلْنَا اِنْ اَمْسَكْنَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ عِبْدِهِ اِنَّهُ

نوبت

کاز جلیلا قدیرا امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر کس این کلمات بخواند
 بدرستی که من غما منم که او را عقرب هیچ نکند او را نکودنا صبح
کلمات اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَنْفَعُ الْإِنْسَانُ
 بِشَيْءٍ وَلَا فَلَاحُ مِنْ شَيْءٍ مَا ذَرَعَهُ مِنْ شَرِّ نَارٍ أَوْ مِنْ شَرِّ كَلْبٍ أَوْ مِنْ
 وَهُوَ أَخَذَ بِأَصْبَحِهِ بِأُذُنَيْهِ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و امام رضا
 هرگاه نظر میکرد بستان خورده که او را میها گفتندی که
 در میان تارهای نباتات نقش می باشد این دعا بخواند اللَّهُمَّ
 هُوَ ذِي السُّبْحَةِ وَبِقِي سُرِّكَو عَقْرَبٍ وَحَبِيبٍ فرمود که هرگاه این دعا
 بخواند در وقتی که نظر میکند بر آن کوب عقرب و مار او را زخم
 نرساند و در روایت دیگر وارد است که عمار گفت مراد عبدالله
 که من میترسم از عقربها و که نظر کن بر نباتات نقش نگردد بر بدوستان
 میان آنان سه ستاره دنباله و او جایست خورده است که عقرب را برها
 میگوید و مردمان نیز چشم را بر آن آرناهند در حال نظر کردن بر
 این دعا سه بار بخواند اللَّهُمَّ رَبِّ اسْمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ اِذَا بَرَأَ الْحَيُّ مِنْ عَمَلِهِ كَوَيْدِ
 که من بزرگ کردم این دعا را در حق خودم که بکار که مرا عقرب بگوید
 امام جعفر فرمود که هیچ کس نباشد که آیه انصر سور الکهف بخواند

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَا الْمُرْسَلُ وَالْخَدُّ مِنْ كَفِّ
 لِقَاءِ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلَهُ صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ لَعَلَّهُ
 در وقت خواب و هر وقت که خواهد بیدار شود **بسم** حضرت رسول
 فرموده که هر که خواهد که شب برخیزد بخوابد ایستاده بخواند اللَّهُمَّ
 لَا تُؤْمِنِي كَرَّكَ وَلَا تُنْصِي ذِكْرَكَ وَلَا تُجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ
 اقوم ساعة كذا وكذا پس بدستی که خواست دعا فرشته را مولا میگرداند
 بگوید که در آن ساعت او را بیدار کند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
 بگوید نمودی است در زیر روی آوردی از طرف راست فرمود که
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَكَتُ نَفْسِي فِي مَنَامِي فَأَعْرِضْهَا وَأِنْ أَسْلَمْتُهَا فَأَحْضَرْهَا
 بِمَا حَفِظْتَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ امام جعفر فرمود که هر که بخواستی
 در آن شب او را بیدار کردی تا آنکه اهل بیت را بشنوائی
 فرمودی اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى أَهْلِ الْمَطْلَعِ وَوَسِّعْ عَلَى الْمَصْبُوحِ
 وَأَرْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَأَرْزُقْنِي خَيْرَ مَا تَعْبُدُ الْمَوْتِ
مرویت که رسول الله صلی الله علیه و آله چون از خواب در آمدی سجده
 کردی خدا را و چون بخواب رفتی چشمش خواب بودی و فرمودی
 که دل من بظلمت و وحشت دارد و چون چیزی بخوف در خواب دیدی
 فرمودی که اَمْسُتُ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَحْيِي الْمَوْتَةَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اِذَا هَدَانَا لَعَبُودُ الْهَى مَا دَرَتِ الْهَى مَسَامِكُ وَقَامَتِ عِيُونُ
أَنَامِكَ وَهَدَانَتِ أَصْوَابُ عِيَادِكَ وَأَغَامِكَ وَغَلَقَتِ الْمُلُوكُ
عَلَيْهَا أَبْوَابَهَا وَطَاقَ عَلَيْهَا خُرُوسَهَا وَخَجَّوْا عَنْ نِيَاهِمُ
حَاجَتَهُ وَبَجَّجَ مِنْهُمْ قَائِدَهُ وَأَنْتَ الْهَى حَقِّ قِيَوْمٍ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ
وَلَا نَوْمٌ وَلَا يَفْعَلُكَ شَيْءٌ عَلَى شَيْءٍ أَبْوَابُ مَسَامِكُ لِيْنِ عَاكِ مَقْعَا
وَحَرَامِكَ غَيْرُ مَغْلَقَاتِ وَأَبْوَابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوبَاتِ فَوَائِدُ
لِيْنِ سَاكِنَا غَيْرُ مَحْطُوبَاتِ بَرَاهِي مَبْدُوءَاتِ وَأَنْتَ الْهَى الْكَرِيمُ
لَا تُرَدُّ سَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ سَائِلُكَ وَلَا تَجِبُ عَنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ أَرَادَكَ
لَا عَزَمَكَ وَجَلَّ لَكَ لَا تُخَذِّلُكَ حَوَائِجُهُمْ دُونِكَ وَلَا يَقْضِيهَا
أَحَدٌ غَيْرَكَ اللَّهُمَّ وَقَدْ تَرَانِي دُونَكَ وَذَلَّ مَقَامِي بِرَيْدِكَ
وَقَلْبِي بِرَيْدِكَ وَقَطَعُ مَا فِي قَلْبِي وَمَا نَصَحْتُ بِهِ أَمْرًا خَيْرًا وَدِينًا
اللَّهُمَّ إِنْ ذَكَرْتُ الْمَوْتَ وَهَوَّلَ لِي الطَّلَعُ وَالْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيْكَ
تَهَيَّئْ طَبِيعِي وَمُزَجَّجِي وَأَعْصِي بِي بِرَبِّي وَأَطِيعِي عَنْ وَسَادِي
وَمَنْعِي رِقَادِي وَكَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ بَيَاتَ مَلِكِ الْمَوْتِ
فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَطَوَارِقِ النَّهَارِ بِكَيْفِ يَنَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَلَا
بِالنَّهَارِ يَطْلُبُ قَبْضَ دُجَاهٍ بِالْبَيَاتِ وَفِي أَنَاءِ الشَّاعَاتِ
يَسْأَلُ أَنْ يَجِدَ مَكَرَدِي بِرَحْمَتِكَ مَسْأَلَةً وَمِنْ مَعْرِفَةِ أَنَّكَ

الرُّوحُ وَالرَّاحَةُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ حَتَّى حَبْرُ الْقَالِ
وَحَضَرَتْ رُسُلُ صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِيَّتْ فَرَمُودَ مَرَامِ الْمُؤْمِنِينَ عَالِمَاتُكُمْ رَاكِعَاتُكُمْ
بِكُذْرٍ وَرَيْبٍ كَرِيمٍ مَقْدَارُ دُشِينِ كَوْسُغِي بَشِيرٍ وَدُرُوحِ عَادَاتِ غَمَا
كُنْ كَرَمًا يَحْرِي رَدَّيْشُودَ بِنَايُحِي حَقِّ مَا فَرَمُودَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْإِحْسَانِ
مَرُودِ دَعَايَ وَتَرَاثَامُ مَحْمُودِ بَارِقِ دَامِ حُجْرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَرَمِ فَرَمُودِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بَسْمَلَا اللَّهُ رَبَّ
السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا
وَحْتَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَأَنْتَ اللَّهُ ذِيْنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ جَمَالُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَأَنْتَ اللَّهُ قَوَامُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ عِمَادُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَأَنْتَ اللَّهُ صَرِيحُ التَّصَرُّحِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَأَنْتَ
اللَّهُ الْمُخْرِجُ عَنِ الْمَكْرَدِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُرْجِعُ عَنِ الْمَغْضُوبِينَ وَأَنْتَ
اللَّهُ الْحَيُّ بِغَوْءِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الدَّالُّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ كَاشِفُ الشُّوْءِ وَأَنْتَ اللَّهُ بَيْتُكَ مُزَلَّ كُلِّ
خَلِيقَةٍ يَا اللَّهُ كَيْفَ تَرُدُّ غَضَبَكَ الْإِحْلَامُ وَلَا يَنْجِي مِنْ عِقَابِكَ
الْإِحْسَانُ وَلَا يَنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي مِنْ كُنْهِكَ
يَا الْهَى حَمْدُ تَغْنِيَنِي بِهَا عَنْ حَمْدٍ مِنْ سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا

اخيت جميع ما في البلاد وبها تشرى العباد ولا تملكني
 فما حق تغفر لي ورحمني وتغفر لي الاستجابة في دعائي وارزقني
 العافية الى منتهى اجلي واقلني مشقة ولا تشيت بي عذري
 ولا تكتنه من رقبتي اللهم ان رقتني فمن الذي يضعني
 وان وضعني فمن الذي يرقتني وان اهلكني فمن الذي يحول
 بينك وبينى وتغيرت لك في شيء من امري وقد علمت ان
 ليس لك في حركاتي ظلم ولا في نعمتك محلة وانما يجعل
 من مخاف الموت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت
 عن ذلك علوا كبيرا يا الهى فلا تجعلنى للبلاد عرضا ولا
 لنفمتك نصيبا ومهلكى ونفسى واقلني مشقة ولا تتبعني بلاد
 على اثر بلاد وقد ترى ضعفى وقلت جيلتى استعبدك
 اليك فاعذبني واستجيرك من النار فاجرب واسأل لك الجنة
 فلا تخزني بعد انى ما كيد به لا تخزوا به واستغفركم بعد انى
 وبس يا كوشيد واستغفر الله وايدع ما يؤيد الله الاستغفار لك
 واقرب اليك من مظالم كثيرة بعبادك صديقي فاقبل ما عند
 من عبيدك كان قلبى مظلمة ظلمتها اياه في بدنه او غيره
 او ما لا يستطيع اذ اول ذلك اليه ولا تحللها منه فارضه

حق ما شئت وكيف شئت وان شئت وميما لي وتصنع بعد
 يا رب وسعت رحمتك كل شيء وما عليك يا رب ان يكون مني حزن
 ولا يفتني بعد ذلك وما ينقصك ان تغفلني ما سالتك ولا
 واجد لي كل خير اللهم ان استغفاري اياك مع اخر ارب
 للوم ان ترك الاستغفار لك مع سعة رحمتك بحجرك اللهم
 لا تجعلني الى وانت غنى وكرا تفيض اليك وانا اليك
 فقير فجزا الله من اذ اوعد وفي اذ اوعد **يا رب**
يا رب كره على الحسين عليهم السلام بعد ان غار شب خوانده اند
 انا احبك يا موجود في كل مكان لعلك تسمع قداني
 فقد عظم حرمي وقل حياي مولاي مولاي اى احوال تدكروا
 انما النبي ولو ان كل الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
 اعظم واوحى مولاي مولاي حتى منى والى منى اقول لك العبي
 امر بعد اخرى لا تجد عندي سدا ولا وفاء فباغونا
 تر يا عونا بك يا الله من هو قد علمتني ومن عد وقد استطع
 على ومن دنيا وقد نزلت لي ومن نفس اماراة بالشهوة الا
 ما رحم ربى مولاي يا مولاي واذا كنت رحمت مثل قارحى وان
 كنت قلت مثل قارحى يا قارحى الحق اقلني يا قارحى الحق

اَقْبَلِي يَا مَنْ كَرِهَ اَنْ تَعْرِفَ مِنْهُ الْحُسْنَى يَا مَنْ يَعْذِبُنِي بِالنِّعَمِ
صَلِّا حَاوِسًا اَوْ حَمْنِي يَوْمَ اَتَيْكَ قَدْ اَسَاخِصًا اِلَيْكَ بَصْرِي
مُقِلِّدًا اَعْمَلِي قَدْتَبَرَا جَمِيعَ الْخَلْقِ مَنِي بَعِيْرًا اِلَى وَاَتَمِي وَمَا كَانَ
لَكَ كَذِبِي وَتَعْبِي اَنْ لَمْ تَحْمِنِي مَن رِيحِي وَمَنْ يُوَسِّرْ فِي
الْقَبْرِ رَحْمَتِي وَمَنْ يَطْلُو لِي اِنِّي اِذَا اَخْلَوْتُ بِعَمَلِي وَسَا لَتَنِي قَمَا
اَنْتَ اَعْلَمِي بِمَنِي فَاَزَلْتُ نَفْسِي فَاَنْ الْمَرْبُ مِنْ عَذْلِكَ
وَاَزَلْتُ لَمْ اَتَعْلَقْتُ لَكُمْ اَكُنْ الشَّاهِدَ عَلَيْكَ فَعَفُوْكَ
عَفُوْكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ اِيْتِ اِيْزَابِلَ الْقَطْرَانِ عَفُوْكَ عَفُوْكَ لَا
مَوْلَايَ قَبْلَ اَنْ تَعْلَمَ اَلَا يَدِي اِلَى اَلْعُنَاقِ يَا اَحْمَرَ الرَّاحِمِيْنَ
يَا خَيْرَ الْغَافِرِيْنَ جُودِي وَرَحْمَتِي صَبْرِي اَكْدَارِي بِحَسْبِ
يَمْلُوِي رَأْسِي وَكُنْ رَأْسِي خُودِي رَأْسِي رَأْسِي خُودِي بِنَدْوِي
اَسْتَمَاتُ بِعُرْقِي الْوُفْقِي الَّذِي كَانَتْ لَهَا وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ
اللَّهِ الْمَتِيْنِ وَاَعُوْذُ بِاللَّهِ مِنْ سَرَفِ سَقَةِ الْحَجْمِ وَالْعَرَبِ وَنَحْوِ
فَسَقَةِ الْحَجْمِ وَالْاَنْثَى رَبِّيَ اللَّهُ رَبِّيَ اللَّهُ اَمْتُ يَا اللَّهُ وَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ الْحَيِّتْ ظَهْرِي اِلَى اللَّهِ اَعْلَبُ حَسْرَتِي لَمْ اَحْمِلْ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللَّهَ بِالْعِزِّ
قَدِ جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ اَللّٰهُمَّ

مَنْ صَبَحَ وَلَمْ يَحَاجَّ اِلَى مَخْلُوْقٍ فَاِنْ حَاجَبَنِي وَرَغِبَنِي اِلَيْكَ وَ
لَا تُبْرِكَ لَكَ اَلْحَمْدُ رَبِّ الصَّبَاحِ اَلْحَمْدُ لِحُلُوْلِ الصَّبَاحِ اَلْحَمْدُ لَنَا
الْاَزْوَاجِ اَلْحَمْدُ لِقَائِمِ الْمَعَارِشِ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ جَاعِلِ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ
وَالْقَمَرِ حُبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ وَاجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوْرًا وَفِي بَصَرِي نُوْرًا وَعَلَى لِسَانِي نُوْرًا
وَبِيْنَ يَدَيَّ نُوْرًا وَوَسْطِي نُوْرًا وَعَنْ يَمِيْنِي نُوْرًا وَعَنْ شِمَالِي
نُوْرًا وَمِنْ فَوْقِي نُوْرًا وَمِنْ تَحْتِي نُوْرًا وَعَظِّمْ اِلَى النُّوْرِ وَاجْعَلْ
اَمْرِيْ فِي الْاٰخِرَةِ اَكْبَرَ مِنْ نُوْرِكَ يَوْمَ الْقَاكِ وَاَيُّهَا الْكَوْبِي
وَمَعُوْدِيْنَ وَبِحُجَّةِ اِيْمَانِ اَمْرَانِ اِنَّ فِيْ خَلْقِ الشُّعْرَانَا اَلْحَمْدُ
الْمُبِيْدُ وَبَعْدَ اِذَا رَأَيْتَ نَشِيْنَ وَتَسْبِيْحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَعْلَمُ
بِكُوْنِهِ وَصَدُوْبَتِ صَلَوَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبِفَرْحَتِ جُودِي وَرَأْسِي
كَمْ هَرَكَةٍ صَدَارَ صَلَوَاتِ بَهْرَتِ دِيَانَتِي صَبْرِي وَفَرِيضَتِ صَبْرِي
رُؤْيَا اَوْ اَزَالَتِي وَدُخْرِي كَرْدَانِي وَهَرَكَةُ صَدَارِ اِيْنِ تَسْبِيْحِي رَاكُوْبِي
سُجْدَانِي رَبِّيَ الْعَظِيْمِ وَبِحُجَّةِ اِيْمَانِي اَسْتَغْفِرُكَ يَا رَبِّيْ وَاقُوْبُ اِلَيْكَ
بِنَاكِدِ حَضْرَتِ تَحِيَّةِ اِيْمَانِي وَدَرْجَتِ هَرَكَةِ مِيْتِ كِبَارِ قَدْرِهِ اَللّٰهُمَّ
بِحَوْلَانِي دَهْمَتِ خَاةِ اِيْمَانِي وَبِحَوْلَانِي دَهْمَتِ خَاةِ اِيْمَانِي وَبِحَوْلَانِي
اَوْ رَايَا مَرْزُوقِي وَبِحَوْلَانِي دَهْمَتِ خَاةِ اِيْمَانِي وَبِحَوْلَانِي دَهْمَتِ خَاةِ اِيْمَانِي

الَّذِي فِيهِ إِلَهٌ وَالْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْ بَنِيَّ بِسَبِيلِهِ وَتَصَبَّرْ لِي مَخْرَجَهُ
فَإِنْ قَضَيْتَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى مَقْدُونٍ بِسُوِّ فَجَدِّهِ عَنِّي
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَغَنَيْتَهُ وَغَنَيْتَهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ
خَلْفِهِ وَكَفَيْتَهُ بِمَا نَسِيتُ وَهَفْتُ بِأَدْنَى كَوْنِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْ بَنِيَّ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **بعد اذان** بعد اذان محمد
يَا خَيْرَ الْمُسْئِلِينَ يَا أَجْوَدَ الْعُطْيَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْغِرْ لِي وَأَخْبِنِي وَارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ أَنْتَ ذُو
فَضْلٍ عَظِيمٍ وَسَنَسِيتُكَ بَرَاءً مِنْ دَعَاكَ وَدَعَاكَ بِكَ
اللَّهُمَّ رَبَّ الْغَمْرِ وَالْيَأْسِ وَالْعَشِيرَةِ وَالشَّفْعِ وَالْوَسِيلِ إِذَا
أَوْ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِطَانَتِكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَهْلِهِ وَبِقُلُوبِهِ مَا أَنْتَ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ
أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمُغْفَرَةِ **بعد اذان** متوجه مسجد شود زیرا
که نماز فریضه فصلت در مسجد و نماز نافله در خانه **اما بعد**
فرمود که هر که بپایه مسجد رود پای نهد چربچ تر و خوشی مکر که تسبیح گوید و او را
تا طبقه زمین بنغمم و در توبه مذکور است که بشا است روزی که آن مسجد را
بنور و شرف روز قیامت رسول الله صل الله علیه و آله که تسبیح نماید
که مراد از زمین خانه است که آن مسجد است که روشنی اهل آسمان است چنانچه روشن

اهل زمین است و گمانست خوشحال آنکه خانه او مسجد باشد و خوشحال آنکه در خانه
خود وضو سازد و بخانه من در آید یعنی مسجد که مراد از اینجا یاد کند و منبت
که او را کرامی دارم پس چون مسجد در بیابانی است پیش از بگوئیم **اللهم**
وَرِزْقَهُ إِلَى اللَّهِ وَخَيْرَ الْأَسْمَاءِ كُلَّهَا اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وافتح لی بَابَ
رَحْمَتِكَ وَتَوَكَّلْتُ وَعَلَّقْتُ عَلَى أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ وَاجْعَلْنِي
تَعَادِكَ وَعَمَارَ سَاجِدِكَ وَتَمَنَّ بِرَاحَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَمِنَ الَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ **وآخر عقی الشیطان**
الرجیم وَجْوَ دَابَّيْهِمْ أَجْمَعِينَ بعد اذان آیه الکرسی بعد از آن
رَبِّحْنَا اللَّهَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ هَرَبُكَ
هفت نوبت بخوان و بعد اذان **اللهم لك الحمد على ما هديتني**
ولك الحمد على ما فضلتني ولك الحمد على ما شرفتنني ولك
الحمد على كل اللاد حسن ألبيتني اللهم ضلواني ودعاني
وطهر قلبي واشترح صدري ورب على أنك أنت التواب
الرجيم و چون بمسجد در آیی ناد و رکعت نماز تحیت المسجد گذاردی
و اگر دو رکعت سنت صبح بگذاری بخیر است از تحیت و چون روی
آری بگو **اللهم اليك توجهت ورضاك طلبت وتوابعك اتبع**

وَبَارِكْ أَمْنًا وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْخْ
 مَسْجِدَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَبِرِّكَ وَبِرِّكَ وَلَا تَرْخِ
 قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي كَذَلِكَ رَحْمَةً أَنْتَ
 الْوَهَّابُ وَجَوْنِ مُؤَدَّنِ كَهْتِ اللَّهُ أَكْبَرُ هَمَّ جَامِلُهُ أَوْ كَوْنِ
 تَا إِذْ أَنْ تَامَ كَنْدَرُ دُرُوزِي أَوْ مِزْ فَرَادِي بَعْدَ إِذْ أَنْ كَوْنِ الْكُفْيِ
 بِهَافِئِ كُلِّ مَرْكَبٍ وَجَعَلَيْهِنَ بِهَافِئِ أَقْرَبُ شَيْءٍ وَدُرُوزِي بَرِ
 وَارِدَاتِ كَرْمُودَنِ مَرَكَاهُ كَهْتِ أَتَمُّدَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ بِكَوْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ الطَّاهِرِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَلِيًّا رَأْسَ مَوْدَةِ آلِ مُحَمَّدٍ فِي
 قَلْبِي مُسْتَقَرًّا وَادِرْ عَلَى الرِّزْقِ دَرًّا وَمَرَكَاهُ كَهْتِ حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ
 وَحَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ بِسُجُودِ الْأَحْوَالِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 وَجَوْنِ صَبْحِ رُوشَنِ شَدِّ وَتَوَازِدِي سِرِّ سَوِيَّ آسَمَانِ كُنْ وَبِكُو
 اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبُّنَا وَوَلِيُّنَا وَمَا صَلَاحُنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَانْقِذْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 اللَّهُمَّ بِبِعْمَتِكَ تُتِمِّمُ الْقَضَائِ حَاتِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَاتَّمِمْهَا عَلَيْهِمْ بِسُجُودِ عَابِدِ ابْنِ اللَّهِ مِنْ الشَّاهِدِ بِسُجُودِ
 يَا فَالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا أَرَى وَنَخْرَجُهُ مِنْ حَيْثُ أَرَى صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنَا هَذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ

فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا بِسُجُودِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 الْمَسَاءَ وَالصَّبَاحَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِرُكْنَةٍ وَفَافِيَةٍ وَبِرُّو
 وَقُوَّةٍ فَيَنْ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَهْلِي وَبِرِّكَ وَفَافِيَةٍ
 وَبِرُّو وَفَرَّةٍ عَيْنٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ شَرِكُ اللَّهِ فِي الْبَلَدِ
 وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَطْلُ أَهْلِي بِبِرِّكَ مِنَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ بِرُزْقٍ وَاسِعٍ أَتَمِّمُنِي بِرِّكَ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَجَوْنِ
 كَهْتِ إِذْ أَنْ كَوْنِي بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَقْبَالِ نَهَارِكَ وَأَذْيَالِ
 لَيْلِكَ وَحَضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصَوَاتِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُثَوِّبَ عَلَيَّ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ
 وَجَوْنِ أَرْبَابَاتِ غَارِغِ شَدِي جَوْنِ كُنْ بِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي
 جَعَدْتَ لَكَ خَائِعًا وَخَائِعًا ذَلِيلًا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَتُبَّ عَلَى أَنْتَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي دَارًا
 وَعَيْشِي غَارًا وَرِزْقِي دَارًا وَعَلْمِي صَارًا وَأَوْلَادِي بَرَارًا وَاجْعَلْ لِي
 عِنْدَ قَرِيبِيكَ دَرَسُوكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَلَا تَسْتَقِرَّ أَوْ قَرَارًا
 وَحَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُودَكَ دَوَسَاعَتِ كَهْتِ دَرَاهِ
 آسَمَانِ كَدَاهِ لَتِ وَكَمْ بَاشَدَكَ دَرَانِ وَفَرَمَادِ عَاسْتِجَابِ نُشُودِ نَزْدِكَ
 بِأَنْتَ نَارِ وَصَفِ قَالِدِ دَرَاهِ خَدَائِي وَجَوْنِ سَرِجِي بِرِدْثِي بِكَ

سُجَّانٌ مِنْ لَآئِبٍ دُعَايِكُمْ سَجَّانٌ مَنْ لَا يَنْتَبِهُ مِنْ ذُنُوبِهِ سَجَّانٌ
مَنْ لَا يَحْتَسِبُ سَائِلُهُ سَجَّانٌ مَنْ كَثُرَ عَلَيْهِ غُفْرَانِي وَكَانَ غَافِلًا
يُوشِي وَكَانَ تَرْجَانٌ يَبْأُجِي سَجَّانٌ مَنْ أَخَارَ لِنَفْسِهِ خَيْرَ الْأَعْمَالِ
سَجَّانٌ مَنْ فَلَقَ الْحَبْلَ لَوْ شِئِيَ سَجَّانٌ مَنْ لَا يَزِدُّهُ عَلَى كَثِيرِ الْخَطَا
إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا سَجَّانٌ مَنْ هُوَ مَكْدَا وَهَكَذَا عَمِّي **روایت**
کرده امام جعفر ۱۱ در فضیلت نماز که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ
نمازی نیست وقت آن مگر که نماز کند فرشته میان مردمان که او مردمان بخیرند
و بنویسد آتشیایی که افزوده آید بر پشته ها فرو نشاند از انجا زایندگان
و یاد آرید که از او بر سید از خطا نماز کنید که نماز دفع ایشان میکند
پنجانکه حق فرموده است **إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ** همچون
گوید که ابی عبد الله سلام فرمود که چون نماز کند از حقان گذار که گویا نماز
کسیست که در دایع میکند او بوجو عام میکند از نو نیز چنان بگذارد که ترس
نخواهی گذارد بعد از آن نظر خود را بگردان بجای سجده چنانکه بداند
که از رست و چپ تو گیت چون چنین باشد نماز تو او دفع بدیها کند
و دیگر بدان که تو پیش کسی واقع شده که او ترا می پند و تو او را نمی پند
و دیگر فرمود که نماز کند را س خصلت چون بر خیزد برای نماز خود بپزد
بر فرق او از آسمان رحمت و کرد او بر آید فرشتگان از زیر قدم او تا بالائی

و...

و نماز کند که نماز کند از رنده که اگر بدانی که بیکه راز میگوید هرگز غفلت نپذیری
و دیگر فرمود که هر که دو رکعت نماز کند از رنده و بداند که چه میگوید چنانکه گمان
پامزد **نعت** از ابی حمزه ثمالی سلام فرمود که دو رکعت نماز بتفکر سبک بهتر است
از قیام تمام شب و حضرت امام جعفر الصادق ۱۱ فرمود که هرگاه بنده از بندگی
مشروع کند در نماز حق سبحانه و تعالی اقبال کند بر وجه کریم و موکل گردد
بر دروخته تا بر دارد قرآن را از دمان او برداشتنی پس اگر اعراض کند
بنده از نماز خود اعراض کند حق سبحانه و تعالی و نظر لطف از او بردارد آن
بنده را تعویض فرماید بآن فرشته و بنده چون روی آورد بر او بوجه کریم او کامل
مرتفع شود پس اگر هو کند با غافل شود یا مشغول شود بغیر نماز او بر دروخته
ثواب نماز بعد از آنکه غافل شده از نماز داده نمیشود از اول غافل جزئی از جزئی
دیگر فرمود که فضل اول نماز بر آخرش بهتر است مومن از مال و فرزند و دیگر
که فضل اول وقت تا آخر وقت مثل آخرت بر دنیا **روایت** کند امام حسن
بن علی سلام از پدر بزرگوار خود که آنحضرت فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله
فرموده که هر مرد مسلمان که نشیند بر جای نماز مسج تا آفتاب بر آید مرا و را
مزد باشد مثل آن که حج کند و خداوند تعالی او را پامزد و اگر نشیند بر
مصلی تا صبحی بگذرد و طلال باشد نماز او دو رکعت نماز کند از رنده و طلال باشد
جابر گوید که امام جعفر الصادق ۱۱ روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که حق

میفرماید

وَجَاءَ بِالنَّارِ مُبَصِّرًا رَحْمَةً خَلَقًا جَدِيدًا وَخَرَجَ فِي عَاقِبَتِهِ
وَسَلَامَتِهِ وَسِينِ وَكَفَايَتِهِ وَجَمِيلِ صُنْعِهِ مَرْجَا بَخْلَقِ
اتَّجِدِدِ وَالْيَوْمِ الْعَتِيدِ وَالْمَلَكِ الشَّهِيدِ مَرْجَا بَخْلَقِ
مَلَكَيْنِ كَرِيمَيْنِ وَخَبَا كَأَلَّهِ مِنْ كَانَيْنِ وَخَافَتَيْنِ
أَشْهَدُكَ مَا أَشْهَدُكَ إِلَى وَأَكْتُبُ أَشْهَادِي هَذِهِ مَعَكَ حَتَّى الْقَا
يَهَارِي إِنْ أَشْهَدُكَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ
أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَالْإِسْلَامُ
كَمَا وَصَفَ وَالْقَوْلُ كَمَا حَدَّثَ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَرَسُولُهُ هُوَ الْقَرِيقُ
حَقٌّ وَالْمَوْتُ حَقٌّ وَمَسَائِلُهُ مُشْكِرٌ وَيَكْفُرُ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْدُ
حَقٌّ وَالصِّرَاطُ حَقٌّ وَالْمِيزَانُ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ
وَالشَّامَةُ أَمِينَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَتَّبِعُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْتُبُ اللَّهُ شَهَادَتِي عَنْهُ أَوْ لَوْ أَعْلَمُ
يَا رَبِّ وَمَنْ لِي أَنْ أَشْهَدُ لَكَ بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ وَدَعَمَ أَرْكَائِي
نِدَاؤُكَ وَلَكَ وَلَكَ وَلَكَ صَلَاحَتُهُ أَوْ لَكَ شَرِيكَ أَوْ مَعَكَ شَا
أَوْ لَكَ دَارِقَاوَانَا بِرُؤُوسِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَالَيْتَ مَا يَقُولُ
الظَّالِمُونَ عَلَوْا كَبِيرًا فَأَكْتُبُ اللَّهُ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِي

وَأَمِينٌ

وَأَمِينٌ عَلَى ذَلِكَ وَأَمْسَقِي عَلَيْهِ وَأَبْسُقِي عَلَيْهِ وَأَدْخِلِي بِرَحْمَتِكَ
فِعْبَادَكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَصْبِحِي شَيْخًا
مُلُوحًا بَارَكَا يَمُونَا الْأَخَارِيَا وَلَا فَاحَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَجْعَلِي أَوَّلِي هَذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطُهُ فَلَاحًا وَآخِرُهُ نَجَاحًا
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوْ لَمْ يَفْرَحْ وَأَوْسَطُهُ جَمْعٌ وَآخِرُهُ وَجَعٌ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْزِلِي فِي خَيْرِ يَوْمٍ هَذَا وَخَيْرِ مَا فِيهِ وَخَيْرِ
مَا قَبْلِهِ وَخَيْرِ مَا بَعْدَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَمِنْ شَرِّ مَا
قَبْلَهُ وَمِنْ شَرِّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْتَحِي لِي
بَابَ كُلِّ خَيْرٍ فَتَحْتَهُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ وَلَا تَعْلِقِي عَلَى أَبَدٍ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ
مَوْطِنٍ وَشَهِيدٍ وَمَقَامٍ وَمَحِلٍّ وَمَرْجِلٍ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَرَحَاءٍ
وَفِي كُلِّ عَاقِبَةٍ وَبَلَدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِي
عَمْرًا جَزْمًا لَا تَفَادِرُ لِي ذَنْبًا وَلَا حَاطِيَةً وَلَا آثِمًا اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تَبَّ
إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَعْطَيْتَكَ مِنْ نَفْسِي
وَلَمْ أَدِ لَكَ بِهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَرَدْتُ وَجَعَلْتُ مَخَالِطَةً
مَا لَيْسَ لَكَ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِي يَا رَبِّ لِي وَالِدِي وَمَا وَلَدَا

وَمَا وَلَدْتُ وَمَا قَوْلُ الدُّوَابِّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَلَقَدْ نَبَّأْتُ الْأَنْبِيَاءَ مِنْهُمْ
وَالْأَمْوَاتَ وَالْأَحْيَاءَ الَّذِينَ سَبَقُوا بِالْإِيمَانِ وَلَا يَجْعَلُ فِي
قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا نَأْتِيكَ بِرُفُوفٍ رَحِيمٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
قَضَىٰ عَنِّي صَلَواتَهُ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا وَلَا يَجْعَلُنِي
مِنَ الْغَافِلِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي
مِلَّةَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَبَلَدِ الرِّضَا وَزِيَةِ الْعَرْشِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
مِلَّةَ الْمِيزَانِ وَبَلَدِ الرِّضَا وَزِيَةِ الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَسْأَلُكَ مَلَكَةَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقْضِيَ لَنَا حَاجَتَنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
فِي سِرِّ مَنِّكَ وَعَافِيَةٍ وَجَنِّ فَارِغِ شَدَى أَنْ تَعْقِبَ بِخَيْرِ صَدَقَةٍ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ
سُجَّانِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ
سَائِلِ اللَّهِ كَانَ وَالْأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ الْعَافِيَةِ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ
أَسْجُدُ لِلَّهِ مِنَ الثَّانِ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ

وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ

وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ قَدْ رَضِيتَ
بِقَضَائِكَ وَكُنْتَ الْأَمْرُكَ اللَّهُ أَفْضَلُ مَا يَحْتَقِرُ وَأَكْفَى مَا يَهْتَبِي
وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ أَوْسَعُ عَلَى نَزَرَةٍ وَأَمْدُ دَلِي فِي عَمْرِي وَأَعِزُّ لِي فِي
وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقُصُ بِرَدِّكَ وَأَكْمَرُ نَوَافِرِي رَادَّةً نَوَافِرِي
بَعْدَ إِذْ بَارَزَهُ بَارِكُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَصَدِّقُ بَرَكَةِ اللَّهِ عِبَادَتُهُ وَرَقًا وَبَلَدِ مَكَّةَ تَرَاكُمُ
سُجَّانِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى رَسُوهُ أَصْلَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
فَوَسَّوهُ زَمَانِ مَهْجَرَاتِ رَاكِبِ رَهْمَاتِ كَمَا تَرَامُ نَامِيْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَهْلِيلُ وَتَعْلِيلُ
وَعَافِلُ شَوْيِدِ تَاكْرُ وَرَاوِشُ كُنْ رَحْمَتِ ثَمَارِ تَاكْرُ بَرَايِ تَاكْرُ يَا شَوْيِدُ وَكُلُوبُ
وَتَبِ ارْزَامُ جَعْفَرُ الْقَادِقِ هَا كَرُ كَسِي كَمَا نَارُ صُجِّ كَمَا رُوْدُ وَدَرْكُ كَذَا أَفَاتِ بَرَايِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَجَوْنُ عَمْرِي أَرْبَعِيْدُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى رَسُوهُ أَصْلَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى رَسُوهُ أَصْلَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
فِي أَرْضِيكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَلَسْتُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلُ بِطَائِفَتِكَ
وَالْجَنَابُ مَعْصِيَتِكَ وَالْكَهَافُ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ
خَوَالِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ
عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مرویت از ابراهیم بن علی علیه السلام که هر که خوابد بر پای بجا بیدار کند و بگوید یا رب
 که این نیت شریفه آخر قول و باشد پس برستی که مرا و از هر کسی بگوید و حسنه است
 و در وقت بیدار آمدن از مسجد پیش پای جبهه خود را بجهت و بگوید اللهم صل علی محمد
 محمد و آله و خاندان و فصلک و فصلک ما ارحم الراحمین و بعد که در آن
 سخن بگفتی پیش از بر آمدن آفتاب و آنکه مشغول باشی بر دعا و تلاوت قرآن برستی که
 مرویت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بشنید بر مصلی خود از نماز صبح
 تا طلوع آفتاب حتی سجاده رکعتی بگذارد و در آن نگاه دارد و از آن نش
 و در وقت و حضرت ابراهیم بن علی علیه السلام فرمود که در خدای عز و جل بعد از نماز صبح
 تا طلوع آفتاب شصت و نه مرتبه در طلبه و نوبی از دستان شریف در زمین **روایت**
 کرده جابر از امام محمد باقر علیه السلام که ابلیس که خود را پراکنده کند در شبانه
 وقت فرو رفتن آفتاب و فرو رفتن شفق و از طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب
 و فرمود که رسول صلی الله علیه و آله که بسیار بگویند درین دو وقت ذکر خدای عز و جل را که این
 غفلتند امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که خواب صبح شومست روزی را میگذرد
 و رنگ رازد و درشت میسازد و تغییر خلق میکند برستی که حتی سجاده و دعا
 روزی را تقسیم می نماید از طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب پس بر خاست که ازین
 خوابی محل بر بزمی امام رضا علیه السلام فرمود که قول الهیست که
 فَاَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَنْتُمْ كَذَلِكَ حَتَّى يَكُنْ رَوْحِي اَدْمِیَانِ

صبح تا بر آمدن آفتاب پس هر که درین وقت خواب کند روزی نیاید معجزی
 گفت که امام رضا علیه السلام در غرسانا نماز صبح ادا می نمود بر مصلی می نشست آفتاب
 بر می آمد پس فریاد طلب می نمود که در آن مواک بود و مواک میکرد و بعد از آن که بیدار میشد
 و تلاوت قرآن می نمود **فصل سیم در درود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله**
در آن روزی ابی عبد الله علیه السلام فرمود که هر روزی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود
 بسوی صاحب خود و فرمود که بنیامی میخواند که بدان حاجتی شوی که گفتند یا رسول الله
 این نیاید ایازد شغلت باین فرمود که آن نیامیست از آتش دوزخ و آن نیست
 بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و دیگر فرمود که بسیار
 بگوید این تسبیحات را که در روز قیامت اینها خوانند آید از چپ دست پیش و پس
 و اینها بلند باقیات القیامات **روایت** کرده ابو بصیر از ابی عبد الله که رسول الله
 فرموده مرا صاحب خود را که هیچ می بینی که اگر جمع کنی اینها نزد شماست از جامه و بنا
 بعد از آن بر بالای یکدیگر گذارید تواند بود که با آسمان بسید اصحاب گفتند که
 فرمود که ای دلالت کنم شما را بر چیزی که اصل آن در زمینست و فرع آن آسمان
 گفتند یا رسول الله فرمود که چون یکی از شما از نماز فریضه فارغ شد بر بگوید
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و این تسبیحات را اصل
 در زمینست و فرع اینها در آسمان و اینانند که دفع میکنند از آفتادین شیون
 و غرق شدن و در جامه افتادن و زخوردن جانورهای درنده و از بد مردن و از بخت

که نازل شود بر بنده از آسمان و در آن روز و اینانند بقیات **و دیگر** فرمود که رسول الله
 فرموده که چهار چیز است که هرگاه در یکی باشد انکس را از اهل بهشت نویسند یک
 شهادت که **أَنَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** دوم هرگاه حضرت عزت یعنی نبوی کرامت فرماید
 او و مقابل آن نعمت **الحمد لله** بگوید سیم آنکه چون کنایاتی از دوزخند قافی آن
 به استغفار کند چهارم آنکه چون مصیبتی بآورد سب بگوید **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ**
وَمَنْ أَوْفَلَ و هم او نقل از ابای بزرگوار خود نمود که جمیع فقر بخدمت رسول الله
 صلی الله علیه و آله اند و گفتند اغیار را بنده می باشد که آزاد کند و ما را نیست
 و ایشانرا استطاعت است که بر آن حج کنند و ما را نیست و ایشان مال
 که بر آن تصدق میکنند و ما را نیست فرمود که هر که صد بار بگوید **اللَّهُ أَكْبَرُ**
 برین افضل است از آزاد کردن بنده و هر که صد بار بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ** برین افضل
 از صد شتر قرمان کردن و هر که صد بار بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ** افضل از است از سب
 بایراق دادن شخصی که در راه خدا غزا کند و هر که صد بار بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ**
 برین افضل است از اهل بیت از روی عمل در آن روز مگر آنکه کسی نایده کند برین عمل
 گفت اغیار رسیدند به آن و بجای آوردند آنرا بعد از آن که رگشتند فقرا
 بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدند آنچه تو گفتی فرمود که برین افضل
 هر که بخوابد بر او صد بار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که گفتن **سُبْحَانَ اللَّهِ**
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و ستر است نزد من از آن چیزها که آفتاب

بر آن تابند است **روایت** در تحف از ابی عبد الله که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که
 خدا را در هر روز صد مرتبه شصت بار بعد از رکعهای صبح و میفرمود **سُبْحَانَ اللَّهِ**
کثیرا علی کمال حال و در حدیث دیگر آمده که چون شب میشد مثل این
و دیگر آنحضرت فرمود که اول کسی خوانده میشود بوی بهشت آمانند که صد خدا
 بگوید در دهان اشکار سوال کرده اند از او که روضهای بهشت کجاست فرمود
 که در این بخش مجلس ذکر است پس صبح و در و اج ذکر کنید **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
 فرمود که شکر بر نعمت که بزرگ باشد آنست که حمد کنی او را دیگر فرمود که
 که خداوند حق تعالی عظیم بنده مؤمن که خوشتر از حمد کند که آن **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
 از آن نعمت آورده اند که روزی استراعام محمد و آل محمد بکبریت در میان
 و مدینه آنحضرت فرمود که اگر خوشتر است مرا برین مانند او را شکر عظیم بگویم
 بعد از آن استرا را گرفت و بارگفت **الحمد لله رب العالمین** **روایت**
 از ابی حمزه که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خبر دهم از جمیع حمد فرمود علی رسول الله
 فرمود که **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَى سَبْعِ نَجْمَاتٍ**
كُلُّهَا حَقٌّ نَهْنِي الْحَمْدُ لِي مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى **روایت**
 از ابی عبد الله علیه السلام که هر که چهار نوبت در وقت صبح بگوید **الحمد لله رب العالمین**
 تحقیق که او اگر ده سال روز را و اگر کسی در اقل شب بگوید تحقیق که او
 او اگر ده سال شب را **روایت** از زید شحام را ابی عبد الله علیه السلام که هر که

فروردگان را با دوزخ و قیدهای او چون برکت که درخت برزخ و رود کند
سکونی از ابی عبد الله علیه السلام و او از بی بزرگواری خود که رسول الله علیه و آله فرمود
که بهترین عبادتها گفتن لا اله الا الله و در کتاب عیون انوار آورده
که حضرت رسول صم فرموده بدستی که حق قبل از استواریت از یاقوت سرخ
که سه او در زیر عرش است و تیر او در پشت ماهی چون بنده گفت لا اله الا الله
عرش بر نشین بر آید و ستون محو شود و ماهی بجنش حق تعالی فرماید که ساکن
کویدی برود که در کوزه ساکن شود و حال آنکه میامیزی گویند لا اله الا الله را
حق سبحانه و تعالی فرماید که کواه به ششیدای ساکنان كَلَامُ الْعَالِي که من آمرزم
گویند لا اله الا الله را جبار از ابی طفیل و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت
که هیچ بنده مسلمانی نباشد که بگوید لا اله الا الله مگر که با لارود و بدر و سقفا
و کندار و چرخی از سیات او مگر که محو کند از آمنتی شود بمثل آن از
حنات پس بایستد و دیگر فرمود که گفتن لا اله الا الله ثمر هشت
رود از رسول الله علیه السلام که تقیبن کنید مرده کار از بکلمه طیبه لا اله الا الله
که آن فاعل محو میسازد که از انکشتن رسول الله پس کسی که در حالت
صحت بگوید چه گونه است فرمود که بیشتر و پیشتر محو میسازد و این کلمه
میکرد از مومن با و در حالت حیات و زود حیات و هنگامی که از قبر برخیزد
اما جمیع الصادق و فرمود که هر که صد بار بگوید لا اله الا الله او بهترین مرد است

در آن روز از روی عمل هر کسی که بران زیاد کند رود کند زیر بن ارقم
از حضرت یحیی علیه السلام که هر که با خلاص کلمه لا اله الا الله بگوید آتیه بهشت رود
و خلاص و بیان کلمات است که گویند آن خود را از هارم نگاه دارد ابو سعید خدری
گوید که رسول الله علیه و آله فرمود که کسی که گفته پیش از من کلمه که او افضل شد
از کلمه طیبه لا اله الا الله ابو عمران عجمی گوید که نباشد هیچ مومنی که بگوید لا اله الا الله
مگر که محو کند سیات را از نام اعمال او و مثل آن حسنات را بجای آن بنده
ابو حمزه ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین که هر که در اول شب بگوید
بگوید لا اله الا الله که بخت است که صد بنده آزاد کرده باشد امام رضا علیه السلام فرمود
که پدر بزرگوار من میفرمود که هر که بگوید لا حول ولا قوة الا بالله حق تعالی
بگرداند از نو نود و نه نوع بلا ای دنیا که آسان ترایشان خالق باشد
و حضرت رسول الله علیه و آله فرمود که هر که صبح از خانه بیرون رود بگوید
بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله تو کفایت علی الله در آن
نکام دو فرشته نواز کند که ای بنده مهمات تو جمع ساخته شد و این سخن از
هر مردی در راه راست یافتی و درین حالت شیطان گوید که من چه توانم کرد
که کفایت شد مهمات او و از هر مردی این باشد و راه راست یافت
از ابی عبد الله علیه السلام که هر که ده بار بگوید یا الله حق سبحانه و تعالی محو میسازد
اینست ایکست مهم دعابت تو چیست و دیگر فرمود که هر که بگوید یا شاه الله

لا تَقْرَأُ الْكِتَابَ حَتَّى يُسَمِعَ مِنْكَ رُوحٌ مِنْ رَبِّكَ وَنُوحٌ مِمَّنْ يَنْتَظِرُ
 بِأَمْرِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتُكُمُ الْمَلَأُ الْأَكْبَرُ وَالَّذِينَ مِنْهُمُ فَتَنَ
 أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ إِلَىٰ عَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ الْمُجْتَهِينَ
 فَقَرَأَ وَبُرُودُ وَنُحْيِي رُوحًا وَأَوْرَدَ وَدَرِيشَتِ بَرُو كَشَادَهُ شُودَ
 سَوَالِ اللَّهِ مَعْلَمُ فَرَمُودَ كَهْ خَا كَهْ دَرُودَ ذَكَرْدَ اِهْتِمَامِ مِثْلَ تَخْصِصِ كَهْ زَمَرَه بَشَادَهُ
 دَفَاذَ كَهْ دَرُودَ ذَكَرْدَ اِهْتِمَامِ مَرْدَه بَهْت وَهَمِ كَهْ خُفَرْتِ فَرَمُودَ كَهْ سَبْحِ حَاجَتِ ذَكَرْدَ
 نَمِي كُنْدَ كَهْ فَرِشْتَكَا نَ كَرْدَا اِشَانِ فَرُو نِي كُنْدَ نَهْ وَخَدَا اِهْتِمَامِ پَرْدَه حَمَتِ اِشَانِ نَافِ
 وَسَكُونِ قَرَامِ دَمِيَانِ اِشَانِ نَمِي فَرِشْتَه وَدَرِ زَمَرَه مَلَا كَرَا اِشَانِ نَافِ نَمِي كُنْدَ
 تَخْصِصِ اِزْ اَنْخَضَرْتِ سَوَالِ كَهْ دَرَا رَسْتَه نَافِ اِمْرَ شُغُولِ شُومِ فَرَمُودَ كَهْ ذَكَرْدَ
وَصَلُّوا عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَ كَهْ بَرَكَا هَ نَامِ رَسُوْلَ اللَّهِ
 بَشَادَهُ كَهْ يَكُوْصِلُ اَللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَهْ هَر كَر كَلِمَا رَصْلُمَا تَ بَرَا اَنْخَضَرْتِ فَرِشْتَه حَوَالَا
 بَرَا وَحَمَتِ كُنْدَ هَ بَرَا وَصَفِ اَرْفَرِشْتَكَا نَ بَحِيْثَ اَوَا مَرِشِ طَلَبِ اَرْفَرِشْتَه
 وَجَمِيعِ مَخْلُوْقَاتِ بَرُو فَرِشْتَه بِرِ تَعْقِيْبِ كُنْدَ بَرِ صِلُوْا تَ بَرَا اَنْخَضَرْتِ وَآلِ اَوْ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكْرَهًا بَلِ مَعْرُوْرِي كَهْ تَخِصِصِ اَوْ رَسُوْلَ اَزْ دِيْنِ اَرِي حَوِيْنَدِ اَلْحَمْدُ
 فَرَمُودَ كَهْ خُفَرْتِ بَعْدِ صِلَمُ كَهْ مَنِ رُوْزِ قِيَامَتِ اَرْكَانِ رَمِيْزَانِ خَوَامِ بُوْدَ اَكْرَا
 اَوْ بَرِ تَكِيْمِ هَمَا اَوْ بَعْدِ جِصْلُوْا تَ كَهْ بَرِ مَنِ فَرِشْتَه بَرَا بَالَا اَوْ نَهْمُ نَافِ كَوْنِي بَرِ
 بَعْدِ اَزِ دِ حَارَتِ اَعُوْ كَهْ كَهْ اَبُو اَلْمَوْثِقِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَ كَهْ سَبْحِ دَعَا اِيْ
 بَرَا اَسْمَانِ نَمِي رَسَدَ اَمَّا جَمْعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَ كَهْ هَر كَر بَرِشْتَه رَسُوْلَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

صلوات فرستند حق سبحانه و تعالی حدیث نبوی بحجت او بنویسد و هم آنحضرت
 که نزدیک ترین مردم در روز قیامت با کسیت که بر من صلوات بسیار فرستاده باشد
 و دیگر فرمود که بخیل کسیت که نام من بشنود و او بر من و آل من صلوات فرستند
 و دیگر فرمود که هر که از امت من به اخصاص بر من صلوات فرستد حق سبحانه و تعالی
 بر او ده صلوات فرستد و در هر جا و را بلند کرد اند و ده سینه از دیوان عال او
 کند و ده حسنه بنویسد ایا جعفر الصادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
 که هر که صلوات فرستد بر من و آواز خود را بلند کند نفاق را ببرد و هم او فرمود
 که هر دوی را دو امیت و دو ای کسان استغفار است و ایا اَبُو اَلْمَوْثِقِ عَلَیْهِ السَّلَامُ
 فرمود که عجیب آن کسی می کند و یا او نجات باشد گفتند آن که امام است فرمود
 که استغفار بعد از کلام حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که حق سبحانه و تعالی او را
 دوست میدارد و آواز خود را در سجده و آواز قرآن خواند و او را استغفار
 کند گاه در وقت سجده و اَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فرمود که هر که در محل خواب بگوید
 اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ هَمَّ اَكْبَرُ بَرَكَتِ اَزْ دَرِشْتِ دَرِ وَقْتِ خَرَانِ مِرْزُ دَنِ اَمَانِ اَوْ
 بَرِ زَدِ وَا پَا كَتِ خَوَابِ كُنْدَ وَصَبِ پَا كَتِ بَرِ خِرُوْ اَسْمَاعِيْلَ بَنِ سَبِيْلِ كُوِيْدِ كَهْ شُومِ
 بَرَا اَمَّا مُحَمَّدٌ تَقِي عَلَیْهِ السَّلَامُ كَهْ عَلِيمُ كَمِ اَخْبَرِي كَهْ چُونِ بَرِ اَنِ قِيَامِ نَامِ دَرِ دُنْيَا
 دَرِ اَخْرَجْتِ اَمَّا بِشَمِ اَنْخَضَرْتِ بِخَطِ مَبَارَكِ خُودِ نُوْشْتِ كَهْ اَمَّا اَلْزَمَانِ اَمَّا
 وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ اَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فرمود که خوشحال کسی که در روز قیامت

در نماز احوال و نیت شد در باین هر گاه یکی استغفر و الله و دیگر فرمود که هر
استغفار بسیار کند نماز احوال او در روز قیامت در شان باشد و حضرت رسول
از هیچ مجلسی بر نخواست ایستادن پنج نوبت استغفار میکند و دیگر فرمود که
اگر بنده مؤمنی مرتکب گناهی شود اگر چه آن گناه بزرگ باشد از صبح تا شبگاه
پس اگر استغفار کرد آنرا بر وی نمی نویسند و دیگر فرمود که بنده مؤمن
کنا هر ماه یکبار بعد از خید سال از آن استغفار نماید آید زنده شود و دیگر
فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که استغفار و ذکر طریقه لا اله الا الله
بهترین عبادتند و حضرت علیه السلام در کتاب که زم التکریم خود فرموده فاعلم
ان لا اله الا الله و استغفر لذنوبک و ابراهیم علیه السلام فرمود
در جواب شخصی که در حضور حضرت گفت استغفر و الله ما در بمرکت تو بگیا
هیچ میدانی که استغفار چه جزایست بدستی که استغفار در چه مقرران
اعلی مرتبه است و آن سمیعت که واقع میشود بر شش معنی اول پشیمانی بر گناه
گذشته ۲ غم خرم کردن که بر آن گناه باز نگردد ۳ ادا کردن حقوق مردم
تا پاک بجزای الهی ملایق شوی و بر تو وبال نماند ۴ انجوفت کرده از عبادت
تلافی آن کنی ۵ کوششی که از حرام بر بدن تو رسیده بگذازی و غم و اندوه که
تا بماند استخوان پوست و گوشت حلال از تو ببرد ۶ بچشانی جرم خود را مشقت
فاحت چنانکه چنانیدی ملاوت معصیت پس بگوید این حال که استغفر و الله

امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هر روز نعت ابرار استغفار
میفرمود و گفتند که کیفیت بود که هر روز نعت ابرار نوبت میفرمود استغفر و الله ربی
و انوب الیک و هم از دست که هر که بعد از نماز فرض شستن پیش از آنکه روی از
قبله ببرد سه نوبت بگوید استغفر و الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم ذو الجلال و الاکرام و انوب الیک عن سخاوتی کان ان
او را پیام رز اگر چه برابر کف دریا باشد و در خبر دیگر وارد است که هر که بکشد
هر روز کعبه حجتی را و بعد از آن بگوید او را پیام رز و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که دل ترسان که چشمش بکشد زنا و حمت الهیت هر گاه نماز این دو
در خود یا فقیدها کند و دیگر فرمود که اگر میان جماعتی یک کس را دیده که گناهان
فدائی حاجت او بر همه حمت میفرماید و دیگر فرمود که اگر شمارا گریه نماید خود را
بصورت مردم گریان براری که اگر بمقدار سر کسی اشک از دیده ظاهر شود بگوید
محمد بن محمد گوید که شنیدم از امام محمد باقر علیه السلام که هیچ چیز نیست که بولان
وکیل در نیاید مگر آب چشم که خدای تعالی چشم گریان را از آتش دوزخ نگاه میدارد
و چون آب از دیده فرو ریزد دیگر گریه آبروی بر رخسار او نشیند در دنیا
و در آخرت که قطره آب چشم در آلی می آتش فرو می نشاند اگر مردی بگریزد میان
امتی بر محروم ماند **روایت** که ابراهیم علیه السلام فرمود که بار خدایا اگر کسی روی
خود را به آب دیده تر کند از ترس تو جزای او چه باشد فرمود که منعت در ضلالت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که طلب کنید اجابت را در وقت حرکت کردن بپوشیدن
 و در وقت روان شدن آب از چشم و نزد باریان باریان و چون آفتاب نمایان
 رسد و میل کند بجان مغرب که آن ساعت که در بای آسمان کشیده است و امیدوار
 بود کردن فرشته کان قبول شدن دعا از جانب حضرت عزت دیگر فرمود
 که تضرع و نیاز و نماز را از خود جدا نگذارید و تمام است چه هرگاه بنده بخرد
 خدا را اگر روان شد آب از چشمش فرومی آید جهت الهی رغبت داند آنست
 که ساعت مشقه است و طلب اجابت و برکات داند چیزی را که از حق طلب نماید
 چونچه نزد خدای تعالیست بزرگتر است از تمام قدرت بران دار و بخیل نمید
 که چنگ را از حاجتهای خود چوده سترین مومنان بسوی خدای تعالی گشته و
 ایشانست **روایت** از امام محمد باقر علیه السلام پیش پدر بزرگوارش امام علی بن حسین
 آمد آنحضرت را در عبادت بمرتبه یافت که چنانکه آن مرتبه رسیده پس دید که چهره
 مبارکش از دگشته از چوایی و از گریه کنای چشمش جروح گشته و پشانی او مانده
 سینه شتر پینه بسته و بخت بسیار است دن در نماز ساقها و قدم او ورم
 و امام علی علیه السلام میفرماید که چون پدر بزرگوار را باین حال دیدم خود را از گریه
 نتوانستم نگاه داشت و رحم آمد بر او و او در من مینگریست و غمگین بود
 در حال من و بعد از لحظه من متعنت شد و فرمود که ای فرزند بعضی از کتایبها که
 احوال عبادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در انجامت جهت من باین کتاب

جهت او آوردم و در اینجا اندکی نگاه کرد و دعای خواند و غمناک شد و فرمود که اگر استوار
 کوشش حضرت امیر عبادت کند دیگر امام زین العابدین علیه السلام هرگاه که فرمود
 از کفش متغیر میشد می رسیدند از غیر رنگت می فرمود که هیچ میداند که بخدمت که
 قیام خواهند نمود **روایت** که امام موسی علیه السلام از رتس خدای تعالی بجا بندگان میگفت
 که هر کسی که گشت تر میشد **فصل چهارم** در نماز الهی که جهت حصول مصلحت
 امام جعفر علیه السلام فرمود که چون قصد کاری داشته باشید یا بچشم مشورت
 کنید یا با خدای تعالی مشورت کنید شخصی گفت یا امام چون با خدا مشورت کنید
 فرمود که خدا را استبجهر الله بگوید بعد از آن با مردمان مشورت کنید که خدای تعالی
 خیر تر از زبان یکی از دوستان حاجبی میکند و اندک بجایی بر عیان جلای گوید که الله
 فرمود که مشورت واحد و دهست پس کسی که حد و آزار اند ضرر او پیشتر
 از نفعش اول آنست که مشورت با مردمانی کند و دوم اگر مردی آزاد مشورتی
 سیم اگر دوستی باشد که برادر از با کسی سلوک کند چهارم اگر مطلق کردانی او را
 بر سر خود تا دانش او مانند دانش تو باشد بعد از آن نظر فرمود این را بر فرمود
 که هرگاه هستی عاقل باشد فایده دارد و اگر خرد و متین نباشد سعی خواهد کرد
 در بیضی تو و کامل کرد مشورت جوانی دست برادر از باشد پنهان میدارد و تر
 ترا و هرگاه مطلق کردانی او را علم او همان علم تو کرده عثمان بن عیسی روایت
 کند که از امام جعفر علیه السلام پرسیدند که دو سترین خلق بسوی سبحانه و عاقل

چراست فرمود اگر فرمان بردار باشی خدا را گفتند و همچنین بر خلق نبوی خدا
یکست فرمود که اگر خدا را میخواستیم دارد گفتند آیا کسی باشد بخیرین فرمود که کسی که
استخاره کند حق تعالی او را بخیر هدایت نماید و اگر کسی که در آن قصد کند که
داشته روایت کند خدا بر ایشان از آنچه خداوند مقصود کند که
شش باره که خدا بر دارد و در بارهای که خدا بنویسد بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله العزیز الحکیم و نام خود را و مادر خود را در آنجا بنویسد بعد از آن
که فعل بنویسد و در سه باره دیگر همان بنویسد و بجای فعل لا تفعل بنویسد
در زیر جانها بنویسد و در رکعت نماز بگذارد چون از نماز فارغ شود سجده کند و در آن
سجده صد بار استحی الله برحمته خیر عافیة بگوید بعد از آن دست
و بگوید اللهم خیر لی فی جمیع اموری فی شریک و عافیة
بعد از آن آن کاغذ را بر هم بر آید و یکی از آنها پروان آید همچنین تا سه کاغذ را
پروان آید اگر در سه روزی هم فعل بر آن آمد آن کار کنید و اگر لا تفعل بر آن
آن کنید و اگر یکی فعل و یکی لا تفعل بر آن آمد آن کار کنید و ششم را احتیاج پروان
آورده است حضرت ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز میکند و در هر رکعت
آن صد بار میگوید استحی الله بعد از آن فرمود اللهم انی قد خیرت و اخی
قد خیرت فان كنت تعلم انی خیر فی دینی و دنیای و آخرتی
فیستری و ان كنت تعلم انی شر فی دینی و دنیای و آخرتی

فأخیر فی دینی کما خیرت نفسی انی لاجت فان انت تعلم و لا تعلم و انت تعلم
الغیوب بعد از آن در این ساخت بر آن چه که می آید روایت که مردی بجهت
ابو عبد الله علیه السلام آمد و گفت فدای تو گردم بسیاری باشد که مرتکب امری میباشم و بر آن
پشیمانی بخورم فرمود که چرا استخاره میکنی گفتیم چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز
صبح بخوانی سهار در برابر روی خود و بگو اللهم انک تعلم و لا اعلم
وانت علام الغیوب فصل علی محمد و آل محمد و تحیی فی جمیع
مناعمک بعد از آن اموری خیرار رکعة و عافیة بعد از آن سجده
کند و در سجده صد بار بگوید استحی الله برحمته استغفر الله فی عافیة
بعد از آن بعد از آن حاجت خود را بگوید که آن خیر است از برای تو هر حال قسم
مکردن پروردگار خود را در آنچه تصرف داری در آن روایت که حسن بن محمد
کرد از امام موسی علیه السلام از برای این اثبات که همه دار و چکویه استخاره کند فرمود
که وقت نماز فریضه مسجد روزه دو رکعت نماز بگذارد و صد بار استحی الله بکرمه
بعد از آن نظر کند که چه چیز در دل او واقع میشود پس آن عمل کند هر گاه که او
متردد بود که سفر دیا کند یا خشکی را بخاطر افتاد که خشکی بهتر است او نیز گفت
را بخاطر این رسید روایت که گفت فرام که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که
هرگاه یکی از شما حاجتی باشد پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و حمد و ثنای
صدای را بجای آورد و صلوات بر محمد و آل او بنهد و بگوید اللهم انک

هَذَا الْأَمْرَ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَقَدِّرْهُ وَأَنْ كَانَتْ
الْأُمُورُ عَسِيرَةً لِي ذَلِكَ فَأَصْرِ فِرْعَوْنِي بِسَبْعَةِ ذُرَاهِ وَكَهْ تَجُوزُ
بِرْجُوَانِهِ أَكْرَفَ لِي وَتَقَالِ أَيْهَا الْكَافِرُونَ تَجَاوَزُوا شَيْءًا **روا** كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
كَهْ تَقْتَمِرُوا بِي عَبْدًا لَقَدْ عَلِمْتُمْ لِي أَلَمٌ بَسِيسٌ كَمَا رَأَيْتُمْ بِرَأْسِي كَيْفَ يَكُونُ
بِكُنْ وَبِكُونِي يَكُونُ كَمَا كُنْتُ أَنْفَضْتُ فَرَمُودَ كَمَا خَشِيتُمْ بَارَكْتَ مَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
وَصَدَّ بَارِئُ سُبْحَانَ اللَّهِ كَبُورُ بَعْدَ أَنْ نَظَرَ كُنْ كَمَا أَنْزَلَ دَامَ اسْتَوَارَ تَرَاتُ
أَنْزَلَ كُنْ فِي دَرَجَاتِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِأَيْدِيهِ اسْتِخَارَةُ تَوَاضَعْتُ لِمَا بَدَأَ
بِشَيْءٍ كَمَا بَدَأَ بِدِينِ دَرَجَاتٍ وَبَدَأَ بِدِينِ دَرَجَاتٍ وَبَدَأَ بِدِينِ دَرَجَاتٍ
يَا تَبْلُغُ شَيْءًا مِنْ سُبْحَانَ اللَّهِ كَبُورُ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
فِي بَيْتِي كَمَا بَدَأَ بِدِينِ دَرَجَاتٍ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
وَدَرَكَا خَدِيدَ كُنْ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
وَرَزَقَ دَرَجَاتٍ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
خَيْرٌ مَشَارِقُ وَشَيْءٌ فَاشْرَعْ عَلَى بِنَايَةِ خَيْرٍ وَصَلَاحُ خَيْرٍ
عَافِيَةٍ بَعْدَ أَنْ كُنْ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
وَإِنْ دَرَجَاتٍ لَا بَدَأَ بِدِينِ دَرَجَاتٍ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ
كَرَّسَ اللَّهُ صُلُوحَ فِرْعَوْنِ كَمَا بَدَأَ بِدِينِ دَرَجَاتٍ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ كُنْتُ بِرَأْسِي أَلَمٌ كَمَا كُنْتُ

كَمَا كُنْتُ

كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ كَمَا كُنْتُ
أَسْجَرْتُ بِعَيْنِكَ وَاسْتَقْدَرْتُ بِقَدْرِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ هَذَا الْأَمْرَ الْعَلَا فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
وَعَافِيَةٍ أَمْرِي فَأَقْدِرْ لِي وَيَسِّرْهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ فَقَرِّبْ بَيْنِي
مِنْهُ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ لِي فِي دِينِي وَمَعَالِي وَعَافِيَةٍ أَمْرِي
فَأَصْرِ فِرْعَوْنِي وَأَصْرِ فِرْعَوْنِي وَأَقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ مَا كَانَتْ
وَرَضِي بِهِ **روا** كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
نَاكِزُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
أَيُّ جَوْنٍ خَوَّيْتُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
شَدِيدُ أَيْدِي عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلْقِكَ فِي خَلْقِكَ فِي عَامِنَا هَذَا أَوْ شَيْءٍ نَاهِضًا
فِي تَخْرُجُ لَنَا دَرَجَاتٍ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
بَعَثَ وَرَقَ شَامُورَ دَرَجَاتٍ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
جَاءَ بَعْدَ أَنْ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
شَامُورَ دَرَجَاتٍ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ
أَيُّ دَرَجَاتٍ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ كُنْتُ عَمْرِي حَارِثُ

و سوره انزل بخواند و بگوید اَسْتَبَلِّغُكَ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَاسْتَرْيَاكَ لَكَ اَمْنٌ
بِسِرِّ اِلٰهِ مُحَمَّدٍ وَعَلَّامٍ يَتِمُّ در آن روز بگوید بوی زرد سحر بر آن
گوید که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که چون کسی از شما چاشت طیب می طلبد
و چربی بوی عطای نماید پس اگر بر کاه لعلی حاجتی باشد طهارت کند
و تصدق نماید بصدقه خواه بسیار خواه اندک بعد از آن مسجد در آید و
رکعت نماز بگذارد و خدا را حمد و ثنا بگوید و صلوات بر محمد و آل او بفرستد
و بگوید اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخْفُ بِرِزْقِكَ ذَاوِکَذَا
مگر که حق بجانب دعا حاجت او را روا کند و این برین وجه است و حق جل و علا
کردانیده او را این در سر نماز و کبر و قنای که نیرشب در آید غسل کند و دو رکعت
بگذارد در رکعت اول فاتحه بکبار و قل هو الله احد یا نصیب بخواند و در رکعت دوم
نیز مثل آن چون قرأت رکعت دوم فارغ شود آخر سوره خیر یعنی هو الله الذي
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تَاْخِرُ سُوْرَهٗ و شرا یزید از اول سوره حدید بخواند بعد
بگوید در حالتی که ایستاده باشد اَيَاكَ نَعْبُدُ وَاَيَاكَ نَسْتَعِيْنُ
یلت هزار بار پس رکوع و سجود کند و تشهد بخواند و حمد لله بگوید
پس اگر حاجت تود و انشود در نوبت دوم خواهد شد آلاد نوبت
سیم نماز و کبر منقول از ابو عبد الله علیه السلام چون حاجتی و مهمتی بخوانی
داشتی باشی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه دهن بگیرد و روز جمعه کند

و جامه نو بپوشد و بر جای بلندی بالا رود و دو رکعت نماز بگذارد
و دستها بردارد بوی آسمان بگوید اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسَاحَتِكَ
لِعَفْرِ قَتْلِیْ بوحدا یتیک و آنرا لا فادرا علی حاجتی غیرت
فَقَدْ عَلِمْتُ بِاَرْبِ اَللّٰهِ کَلِمًا نَّظَاهِرَةً بِغَمِّکَ عَلٰی اَسَدَتْ
فَاَقْتَرِ اِلَیْکَ و قد طرقتنی هم کذا و انت کفیض عالم غیر
مَعْلُوْمٍ وَاَسْعَ غَیْرَ مَعْلُوْمٍ کَلَفَ فَاَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ
الَّذِیْ وَصَعْتَ عَلٰی الْجِبَالِ فَذُفِفَتْ و علی السماء فأنشئت
وَعَلٰی السَّحَابِ فَاَنْشَرْتَ و علی الارض فسطحت و اسألتک
بحق الذي جعلته عند محمد و عزیرته ان یصلی علی محمد و آل
محمد و ان یفقی حاجتی و ان یتبرک لی عسیرها و یفقی فیها
فَاَنْفَعْتَ فَلَکَ التَّحَدُّ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَکَ التَّحَدُّ عِزَّ جَائِرٍ
فِی حُجَّکَ وَاَلَا مِیْنَمٍ فِی قَضَائِکَ وَاَلَا خَافٍ فِی عَذَابِکَ
و روی خود را بر زمین نه و بگوید اللّٰهُمَّ اِنَّ یُوْنُسَ مَعْنِیْ عِنْدَکَ
وَعَاکَ فِی بَطْنِ الْحُوتِ فَاجِبْتَ لَهٗ وَاَنَا عِنْدَکَ
فَاَسْتَجِیْ ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هرگاه مرا حاجتی می بود
پس این دعا را بخوانم و رجوع میکردم حاجت روا میشد
نار و کبر منقول است از موسی بن جعفر علیه السلام گفت که مرا

امر عظیمی پیش می آید بر شصت میگردان صدق میکنم هر کس نیمی صلوات بخواند
 از هر ما کندم و چون شب در می آید غسل میکنم در دو دانگ آخر پیش
 جامه حال خود را پس دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله احد
 یا قل یا ایها الکافرون یکبار و چون سجده روی تهلیل و تعذیس و تعظیم
 و تحمید صداتی بجا بیاوریم رساند که آن خود را یاد آور پس آنچه کنایست
 که میداند آن اقرار نما و آنچه میداند بجا آید آن اقرار نماید پس سر بردارد و چون سجده
 دوم روی استخاره کند از خداوند تعالی و صد بار بگوید اللهم انی استخیرک
 بعلمک بین عاکی خدایا هر اسبی که حیوانی و بگو یا کاین قبل کلمه
 نبی یا کاین بعد کلمه نبی فعلی کذا و کذا و هرگاه استخاره
 روان شود بر آنو یا بوسی زمین و بر دار از آرا کشف شود زانو و از پس
 میان السین و باطن قین که روان شدن حاجت انشاء الله تعالی و بنیاد کن
 صلوات بر نبی و اهل بیت او صلوات الله علیهم اجمعین **نذر و نکر** منقولست
 از امام رضا علیه السلام که چون تراجمی تحت پیش آید دو رکعت نماز بگذارد و در هر
 اول فاتحه کتاب یکبار و آیه الکرسی بخواند و در رکعت دوم بعد از الحمد ثمانون
 پس مصحف بردارد بر بالای سر خود بر و بگوید اللهم یحیی منی و امیت
 انی خلقت و یحیی کل ایه فیهِ و یحیی کل من مدحت
 فیهِ علیک و یحیی کل هیک و لا تعرف احد الا عنی یحیی

شکت یا سیددی یا الله ده نوبت بگو و ده نوبت بخوان محمد صلوات الله علیه و اگر در
 نوبت بخوان علی و ده نوبت بخوان فاطمه پس هر امامی را ده نوبت بصالحین
 سی نوبت که امام زمان است هنوز از جای خود نخواست باشی که حاجت تو شود
نار و نکر معانی بن معانی گوید که گفتیم مر امام رضا علیه السلام که جانم فدای تو باد و بگویم
 دعائی که کز درون حاجتها فرمود که هرگاه که حاجتی باشد بخوان ده تا غرض کن
 و جامه پاکت در پوشش و چیزی خوشبوی بپوشی پس بجای رود که در زیر آسمان
 باشی نه در غار و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه کتاب یکبار و قل هو الله احد
 یا نزهه یا پس رکوع و یا نزهه یا قل هو الله احد و در ثانی فاتحه کتاب یکبار و قل هو الله احد
 و در رکعت دوم سجده کن و در سجده بگوید اللهم ان کل معبود
 من لدن عرشک الی قرار ارضک فصلک باطل سواک فانک
 انت الله الحق المبین و اقض الی حاجتی کذا و کذا الساقیه الشا
 و در رکعت دوم نیز انجمن الحاج کن در مراد خود چون حاجت تو بر آید نماز
 شکرانه بگذارد یا چون بن خارجه گوید که ای خداوند! فرمود نماز شکرانه بجای آید
 هرگاه خدای تعالی بتو نعمتی گرامت فرماید در رکعت نماز بگذارد در رکعت اول
 فاتحه قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
 و در رکوع و سجود رکعت اول بگوید الحمد لله شکرا شکرا یا محمد
 پس در رکوع و سجود رکعت دوم بگوید الحمد لله استجاب دعای

وَأَعْطَانِي مَسْئَلَتِي **نَازِعِ عَفْوِي** هرگاه در نفل احسان فطرت کنی در آن
نَازِعِ عَفْوِ بَارِئِ مَنَ تَرَكْ مَكُنْ و آن دو رکعت است در هر رکعتی الحمد و آنا انزلنا کبارا
قُلْتُ پانزده بار بگو رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پس رکوع کن و ده بار این را بگو **نَازِعِ عَفْوِ**
تمام کن مثل نماز امام جعفر علیه السلام **نَازِعِ عَفْوِ** گفتند از امام جعفر
فرمود که هیچ شومی نباشد که بر وجهی صحیح بگذرد الا آنکه با بغض خود سخن گوید
باید که دو رکعت نماز بگذارد و تعالی پناه برده که دارد است که آدم علیه السلام
شکایت کرد بخدا تعالی بخا از حدیث پس هر مثل آنرا نزل شد گفت بگو لا اِلهَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ **شَقِیْتُ** که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردی آمد پیش من
شکایت کرد از حدیث و وسوسه نفس و از دین و عیال پس آنحضرت فرمود
بگو که تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَسْتَحْدِ
وَلَا دَاوَلَ وَكَرَّيْكَ فِي الْمَلِكِ وَكَرَّيْكَ لَكَ وَكَرَّيْكَ
مِنْ الذَّلِّ وَكَرَّيْكَ تَكْبِيرًا پس آنرا چند بار تکرار کرد و در آن
پس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله حق است
و وسوسه از من بر برده و دین من را داند و غنی شدم **نَازِعِ عَفْوِ**
آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت که هر وقت که شکلی بی برگی دریا پیدا ترک
کنی نماز استغفار را و آن دو رکعت در هر رکعتی فاتحه و کتاب و آنا انزلنا
بکبار بخوانید و بعد از قرائت پانزده بار بگوید استغفر الله پس شروع

و ده بار استغفر الله در میان نماز امام جعفر علیه السلام که کار با بصل
می آید بقدرت الله **نَازِعِ عَفْوِ** امام جعفر علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز بگذارد
و سلام بده و سجده کن و حمد و شای حدیث بگو و صلوات بر محمد و آل او فرست
و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل **اَكْفِيَانِ مِنَّا اَنَّا قَدِ افْتَدَيْنَاكَ**
اِحْطَانِ یا ذِی الْقُدْرَةِ الْعَظِيمَةِ **رَوَيْتُ** که هر که برود
آبی سستی پنج نوبت آنا انزلنا بخواند در جام افشاند تا آنکه آن جام خالی شود
تر در دست شست **نَازِعِ عَفْوِ** امام جعفر علیه السلام فرمود که هر که دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی الحمد بکبار و آنا انزلنا سبزه بار چون فارغ شود سجده کند و در
سجده بگوید اَللّٰهُمَّ فَاْرِجْ لِيْهِمْ وَكَاشِفِ الضَّرِّ وَمُجِيبِ دُعَائِ الْمُضْطَرِّينَ
یا حَمْدُ الدُّنْيَا وَرَحِمَ الْآخِرَةِ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
رَحْمَةِ تَطْفِئُ بِهَا عَنِّيْ عَضْبِكَ وَتُعِیْنُنِيْ بِهَا عَن رَحْمَةِ مَوْلَاكَ
پس دست فکند راست خود را بر زمین نه و بگوید یا مُذِلَّ كِبَارِ الْخَبَارِ
وَمُغْنِیَّ كَلِّ قَلْبٍ اَفْزَحِ حَقِّكَ بَلِّغِ الْجَاهِدِیْنَ فِیْ اَمْرِكَ دَا
فَقَرَّحْ عَنِّيْ پَسْ كَوْنُ حَبِّ خُودِ رَا بَرِیْمِیْنِ وَشَلْ اَنْ بَكُوْیْ عُوْدِیْ كُنْ عُوْدِ
و شَلْ اَنْ بَكُوْیْ حَقِّ سَاجَدِیْ اَمْرُوْه تَرَامِیْ بَرْدِ وَحَاجَتِ تَرَامِیْ بَرْدِ
نَازِعِ عَفْوِ ایام مؤمنین علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز بگذارد و در هر
اول الحمد بکبار و قل هو الله احد هزار بار و در رکعت دوم الحمد بکبار و قل هو الله

بکار بخوان بر سرش بگوید و سلام بر او دعای فرج خوان که اللهم یا من لا یزال
و لا یخالفه الطنون یا من لا یصفه الواصفون یا من لا
یعرف الذمور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یدور الموت
یا من لا یخشی الفوات یا من لا یضیء الذنوب ببعضه الغفر
یا من لا یعلم من قبیل الجبال و کیل الجور و عدد الاقطار
و ورق الاشجار و دهب الذر و لا یأری منه سماء سماء
و لا ارض ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا فی جبل ما فی وعره
یعلم خائفة الاعمین و لا یخفی الصدور و لا اظلم علیه اللیل
اشرفه النهار یا من لا یخون المکون الذی فی
علم غیب عندک منه اسمک فاعلم انک انت الله لا الاله الا انت
وحدک و وحدک لا شریک لک الذی اوعیت به اجبت
اذا سالت به اعطیت و اسالت بحی الا نبیاء و المرسلین
و بحی ملائکة المقرین و بحی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و بحی محمد و عترته صلوا انک علیهم انصبت علی محمد
و علی محمد و ان تجعل خیر عمری اخی و خیر اعمالی خیرتها
و اسألك مغفرتك و رضوانک یا ارحم الراحمین **و بعد**
دو رکعت نماز بکند و مصحف را بالا بردار و بگوید اللهم انا توکل

الیک بما فیہ و فیہ اسمک الا کبر و اسمایک الحسنى و ما به
یخاف و یرجی اسألك ان تصلى علی محمد و آل محمد و تقضى
حاجتی و امان حاجت بر **نماز و دو رکعت** بتولعذر علیه السلام فرمود
که دو رکعت بکند در سجده کند و صد بار بگوید یا فاطمه و کند صد
بر زمین هند و مثل این بگوید و کند چپ را نیز پنجاه و سجده و صد
بگوید یا امنا من کل شیء و کل شیء خائف خذ اسمک
یا منک من کل شیء و خوف کل شیء منک ان تصلى علی محمد
و آل محمد و ان یغطی منی ما نال نفسی و اهلی و مالی و ولدی
حتى لا اخاف احدا و لا اخذ من شیء ابدا انک علی کل
شیء قدير **نماز استعاذه** در شب قی که قصد خواب کنی بنه بر این
ظرف پاک بر آرد پاک و سه بار از آخره پاک پوش چون پدید آید
بجست آخر شب از آن سجده پوش و باقی آن و صوبه ساز و توجه
بجانب قبله کن یا منک و قامت نماز بگوید دو رکعت نماز بکند و آنچه
بیشتر شود از قرآن بخوان و چون فارغ شوی از قنوت در رکوع است
بخوان یا غیاث المستغیثین و سه رکعت بردارد و مثل آن بگوید
و در سجده همین بگوید و در جلوس میان هر دو سجده و در سجده دوم و در
نشستن سجده دوم و نشستن بعد از سجده دوم همین دستور چنانکه

سید نوبت بفاصل شود و سلام بده و سر سوی آسمان کن و بگو من عبد
الذلیل الی المولی الجلیل و حاجت خود بخواه که بر سرعت تمام بر حاجت
مقرون گردد **نار دفع فقر** دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز سجده کن
و بگوید که یا واحد یا احد یا کریم اَتُوجَدُ إِلَيْكَ وَتَبْتَكَ
نَبِي الرَّحْمَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَتُوجَدُ إِلَيْكَ يَا اللَّهُ رَفِي وَرَبِّكَ
وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ اَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاسْأَلُكَ تَخَفُّمًا مِنْ نَفَايَاكَ فَخَا وَيُسْرًا وَرِزْقًا وَسَعًا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُنْقِلِبٌ اَزْ بَابِ عَبْدِ اللَّهِ ^{عليه السلام}
که هر که را غمی پیش آید باید بکشد و دو رکعت نماز بکند و بگوید که یا
کونه راست را بر دست راست نهد و بگوید یا معز که ذلیل
یا مذل که عزیز و حقیقت گفت شوق علی کذا که مقصود
خود را نام ببرد **دفع ظالم** منقولست از امام القادری که وضو نماید
بنازد هر وقت که خواهد و دو رکعت نماز بکند و در کعبه و سجده تمام کند
چون فارغ شود هر دو گونه خود را بر زمین نهد و چنان بگوید یا یا یا
که نفسش منقطع شود بعد از آن بگوید یا مَنْ أَهْلَكَ لِهَادِيَ الْأَوَّلِي
وَتَمُودَ قَبْلَ الْبَغْيِ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلِ الْبَغْيِ كَأَنَّا وَهْمُ
أَظْلَمَ وَأَطْفَى وَالتَّوْفِيقَ كَيْهَوَى فَعَسَى مَا مَاشَى

ان كان فلا نا ابن فلان ظالمًا فيما ارتكبتني به فاجعل عليكَ
وَعْدًا وَلَا تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ نَصِيبًا يَا أَقْرَبَ الْأَقْرَبِينَ **دفع ظلم**
باید که غسل کند و دو رکعت نماز بکند و دو سر سوی آسمان کند
و دستها بکشد و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآهْلِكَ عَدُوِّ
اَللّٰهُمَّ ان فلانا ابن فلان قد ظلمني و لا احد من اصولي به
غرتك فاستنوز مني ظلامتي الساعة الساعة حتى جعلت
لك عليكَ حقًا وحقك عليهم الا فعلت ذلك يا مخوف
الايحكام و لا اخذ يا مروهوب البطش يا مالك الفضل
نار حجت انتقام منقولست از ابی عبد الله سلام که هرگاه از کسی بی
ظلمی رسد و او را دعای بد کنی زیرا که چون مرد مظلوم که دعای بد میکند ظالم
میشود لیکن چون نظام کنی غسل کن دو رکعت نماز بکند و در موضعی که
آسمان آینه بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ ان فلان ابن فلان ظلمني و كَيْسِبِي
احد اصولي غيبتك فاستنوز لي ظلامتي الساعة الساعة
يا اويس الذي سألَكَ بِه المَظْطَر فَكشَفَ ما به مِنْ خَيْرٍ
وَمَكَتَ لَه فِي الْأَرْضِ فَاسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْتَسُوْنِي فِي ظِلَامِي السَّاعَةِ السَّاعَةِ بِرَحْمَةٍ
وَرَحْمَتِكَ كُنْ كَمَا مَقْصُودُكَ حَاصِلٌ شُود **دفع طم**

غایبانه بکشاید روزی او و دفع میکند از ویله **نیز** که قاطعه
 بخدمت پدر برآورد آمد و از کمر سکی شکایت کرد فرمود که
 یا مشیخ الجوهری ارفع الوضعة لا یجتمع فاحلة بنت محمد
 و او را فرمود که دعا کن بر این **ما حاجت** منقول است که
 فرمود که چون نلتی از شب بگذرد بر خیزد و در رکعت نماز بگذارد در
 اول فاتحه کتاب یکبار و سور ملک بخواند و در هر تریوم بعد از الحمد
 و این دعا بخواند یا رب قد املت لعیون و غللت لنجوم و انت
 القتیوم لاناخذک سنة و لا نؤم کن یواری غنک کثیر الذبح
 و لا تماء ذات ابراج و الارض ذات مهاد و لا بحر الحی و لا
 ظلمات بعضها فوق بعض یا صریح **لا یبارک باغیاث المستغیثین**
 بر حنک استغیث **صلی علی محمد و آل محمد** و افض الی حاجه کذا
 و کذا و لا تردنی غایبا و لا تحروما یا ارحم الراحمین بدست کسی که نماز
 در بر آمدن حاجات بخو کوفتن دست **نماز دفع شفت** امام موسی علیه السلام
 فرمود که در رکعت نماز بگذارد بهر وجه که خواهی و چون فارغ شوی در
 خود را بر زمین نه و سه بار بگوید یا قیوم کلا ضعیف یا مذلک
 کلا جبار قد و حقک بلغ خوفک مجهودی فسیح عنی
 پس نه کند است خود را بر زمین و سه بار بگوید یا مذلک کلا جبار

و یا مذلک کلا عزیز یا معزک کلا ذلیل قد و حقک اغی صبری
 ففرج عنی پس گوید بر زمین نه و سه بار صل ای بوی بعد از آن
 بجای آن سه و بگوید اشهد انک کلا معبود من دونک
 الی قرار ارضیک باطل الا و حجت کربتی ففرج عنی بعد
 بنشیند در حالی که مترس باشد بگوید اللهم انت الحی القیوم
 العلی العظیم الخالق الباری الحی المیت البدی البدیع
 لک الکریم و لک الحمد و لک المن و لک الجود و حدک لا
 شریک یا واحد یا احدا من کمیلد و کم یولد و کم یکن
 که کفو احد پس سه بار بگوید کذلک الله ربی صل علی
 محمد و آل محمد الصادقین و افضل الی کذا **نماز مظلوم**
 بگذارد و بخواند از قرآن آنچه میخواهی و صلوات بر محمد و آل او
 فرستی آنقدر که توانی بعد از آن بگوید اللهم ازلک یوما تنقسم
 فیهِ المظلوم من الظالم لکن مسلکی و جری لا یلغا فی الصبر
 علی انانیک و حلمک و قد علمت ان فلا ناظلمنی و لغتدی علی
 علی ضعیفی فاستلک یا رب العز و یا قاصم الجبارین و یا
 المظلومین ان ترید قدرتک افسمت علیک یا رب العز
 الساعه الساعه **نماز دیگر** محمد بن حسن صفا گوید که حکم امام جعفر

که فلا کن ظالم منت فرمود که وضوی نام باز و دو رکعت نماز
 بگذارد و سجده استائش کن و صلوات بر محمد و آله
 بهریت و بگو اللهم ان فلا ظالمی و بعی علی قایلہ یفقر
لا یخیر و یسوء لایستقر گفت چنان کردم او بیلای روت
 رسید و در خبر دیگر آمده که هیچ مؤمنی که مظلوم شده باشی وضو باز
 و دو رکعت نماز بگذارد و بگوید اللهم انی مظلوم فاشهر لی
حقی و او را بتجلیل نصرت دهد فازیری چون نام زبانت
 امری بنامدی یا کترین جام پوشیدی و اسباحت وضو کردی و بلند
 ترین پایه رفتی و چهار رکعت نماز بگذاری در رکعت اول الحمد
 و اذا زلزلت یخواندی و در رکعت دوم الحمد و اذا جاء نصر الله و
 الحمد و فلایها الکافرون و در چهارم الحمد و فلایها احد
 بعد از آن دستها بسوی آسمان برداشتی و گفتی اللهم اذا انزلت
باسمک الی اذا اوعیت بها علی مضایق الا ضیق للفرج
الفرج و اذا دعیتم بها علی القبور الشهور انتشرت صل
علی محمد و آل محمد و اقبلنی بقضاء حاجتی آنحضرت فرمود که
 هر که این نماز بگذارد و اینها بعمل آورد هنوز قدم بر نداشت
 باشد که حاجت او روا شود نماز دیگر و اینست از امام جعفر

عزاد

که دو رکعت نماز بگذاری بهر کیفیت که خواهی بعد از آن بگو اللهم
انت رب العالمین و انت ربی و انت رب کل شیء لا اله الا انت
و انت لا اله الا انت نماز دیگر از امام جعفر علیه السلام فرمود که چون فرزند خواهی وضو
 نماز باز و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن نماز بگذارد که در سجده
 بگو اللهم ان ترزقنی و کذا الا سیتد بانی نیک صلی الله
 تحقیق که دعای نماز فرزند میدهد پس فرمود که امر کردم بطهارت زیرا که دعای نماز
 فرموده یحبب المتطهرین یعنی خدای تعالی دوست میدارد و طهارت کند کار را
 و امر کردم نماز زیرا که شنیدم از رسول صلی الله علیه و آله که میفرمود اقرب
ما یسکون العبد من ربی اذا اناه ساجدا و ذاکها یعنی تزییر
نماز نماز و قیست که او را ساجد و راکع بپذیرد و امر کردم ترا بپشتن
 زیرا که حق جل و علا فرموده استغفر وارکع انک ان عفا
و یسئل علیکم مذارا و میدد ذکر یا سوال و یسئ یعنی تزییر
 خواهید از خدای تعالی که او بغایت آرزنده است و میفرستد بر شما اروا را
 بسیار و نیست دنیا از مال و فرزند و جای دیگر فرموده بغیر صل الله علیه
از استغفرهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم پس امر کردم ترا
 بر آنکه زیاده کنی بجهت بار نماز نماز منقول از امام موسی علیه السلام
 که غسل کن و دو رکعت نماز بگذارد و گفت زانوئی خود کن و صد بار بگو یا حی یا قیوم

يَا آلَ الدِّارِ لَا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَلَفْشِي الشَّامَةَ جَوْنِ ابْنِ فَادَةَ شَوِي بِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَلْطِفَ لِي وَأَنْ تَغْلِبَ لِي وَأَنْ تُنْكَرَ لِي
وَأَنْ تُخَدِّعَ لِي وَأَنْ تُكَيِّدَ لِي وَأَنْ تُكْفِيَنِي مَوْتَهُ فَلَانِ
بن فلا ند پس بر سر کمر این دعا حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بود در روز احد
فاخر بر آمدن **مهر** فتقوس از ابن عبد الله حسین بن محمد البرزوقی که بر کمر احاد
بگذر باشد در نصف شب همه غسل کند و دو رکعت نماز بر صلی خود بگذرد
در رکعت اول چون آیت ان بعد و یا ایکانت جبین بر صد بار تکرار کند و در
دویم صد فاتحه تکرار کند و قل هو الله احد بگوید بخواند پس رکوع سجده بجا آید
و در آنها نیت تسبیح کند و رکعت دویم بهین قانون و دعا کند البته روا
هر چه باشد مگر آنکه در قطع رحم دعا کند **ایست** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَالْحَمْدُ
وَأَعِصِيَّتُكَ فَالْحَمْدُ لَكَ مِنْكَ الدُّوْعُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ سُجَّادُ
مَا أَنْعَمَ وَتَكْرُجُحَانِ مَنْ قَدَّرَ وَعَقَّرَ الْهَيْزُ كُنْتُ
قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ
وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَخْذِلْكَ وَلَكِنِّي وَلَدًا وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرًّا بِكَ
مِنْ أَمْرِكَ بِعَلَى لَا مَنَافِي بِي عَلَيْكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ بِالْإِيمَانِ
عَلَى غَيْرِ الْوَجْهِ الْمَكِينِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا الْحُجُودِ

در برکت

لِرَبِّهِمْ نَبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَازَلَمَنِي الشَّيْطَانُ فَلَاكُمُ الْحُجُودُ
الْبَيَانُ فَارْتَقِدْ بِي فَيَدُنُو بِي غَيْرَ ظَالِمٍ وَأَنْتَ فَرِي وَرَحْمَتِي قَالَهُ
تَجَوَّادُ كَرِيمٍ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِكَ يَدُ مَا مَنَقَطَعُ شَوْدَنْسِ أَوْ بِي بِكَ يَدُ
يَا أَشْأَمِيَّتُكَ لَشَيْءٍ وَخَوْفُ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَّا تَالْعَبَسِي وَلَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ
مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَخَافُ أَحَدًا وَلَا أَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حَبِيبُ اللَّهِ وَنِعَمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِي الْبِلَاءِ
لَمْ يَرُدَّ يَا كَافِي مَوْتِي فَتَرْغَوْنِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ كَيْفِي شَرِّ فَلَانِ بْنِ فَلَانِ وَطَلَبَ كَيْفِي شَرِّ كُنْ
که از دست که کفایت شود ان شاء الله تعالی پس سجده کند و حاجت خود را
بگوید و تضرع و زاری ببرد گاه حق جل علایم چه مرویت که به هیچ
و مؤمنه نیست که این نماز بگذارد و در این دعا دعا کند با خلوص نیت
مگر آنکه در ای آسمان برای حاجت او گشاده شوند در همان وقت بگذرد
آن استجاب شود هر چه باشد و ذلک فضل الله علی الناس **فاقرت**
حافظ سدید روایت کند باید که بر عفران بنویسد الحمد و البسمه
و اتنا از لنا و یس و واقعه و سجده و شری و معوذتین در طرف پاک
بعد از آن به آب زعفران یا به آب باران پاک بشوید و در روز اندر دو

کند و در وقت حال شکر و در وقت حال غم شب جاری کند که اگر آسمان بر سر
 باشد و آهین پاره بر سر آن نهد پس اگر شب دور کند نماز کند و
 در هر رکعتی الحمد کبار و قل هو الله مجاهد بار چون فارغ شود از نماز آن آب
 موصوف را بخورد که بجزت از برای حافظه ما از حفظ قرآن شب جمعیه یا
 روز جمعیه چهار رکعت نماز کند در هر رکعت اول فاتحه و تسبیح بخواند و در رکعت
 دوم بعد از فاتحه حم دعان و در رکعت سیم بعد از فاتحه حم سجده و در چهارم
 بعد از فاتحه تبارک التذی پدید الملک و بعد از سلام حمد و ثنای الهی تقدیم
 رساند و صلوات بر محمد رسول الله مآل و صلوات الله علیه و علیه جمیع
 و صد بار برای مؤمنان استغفار کند و این دعا بخواند اللهم ارحم
 بترك معاصيک ابدًا ما اتقیتنی و ارحم منی من ان تکلف
 طلب ما لا یغنی و ارحم منی من انظر فیما یرضیک
عنی اللهم بدیع السموات و الارض و الجلال و الاکرام
و العز و التي لا یرام یا الله یا رحمن انا لک بجلالت
و بنور و جملتک ان یلزم قلبی حفظ کتابک القرب المیزان
على رسولک و ترزقنی ان اتلو علی التجوی الذی یرضیک
عنی اللهم بدیع السموات و الارض و الجلال و الاکرام
و العز الذی لا یرام یا الله یا رحمن انا لک بجلالتک و بنور

حمد

و جملتک ان تنور کتابک بصری و تطلق لی لسانی و تخرج
 من قلبی و تشرح به صدری و تستعمل به بدنی و تقوی عی علی ذلک
 و تغنی عی علی قاتل لا یعین علی الخیر غیرک و لا یوفق لک الاکرام
 و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ما از باران کیم شده و جو
 روایت کرده جابر بن عبد الله که پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت ابراهیم علیه السلام و فاطمه را
 علیهم السلام این دعا فرمود که اگر از شما چیزی کم شود یا مصیبتی نرسد یا پادشاه
 شما بر نماید یا در وضوی تمام بزیاد و در رکعت نماز کند اید و دستهای
 آسمان بردارد و این دعا بخواند یا علی الغیب و الشرائ یا مطلق یا علیکم
یا الله یا الله یا الله یا هارم الاخر یا بحمد یا کاید فرمود
یا علی یا علی عی من ایدی الظلمة یا مخلص نو حارس العرق
یا ارحم غیر یعقوب یا کاشف الضرر یؤوب یا منجی الطنون
من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادی یا اکر کل خیر یا اذی
کل خیر یا خالق الخیر یا اهل الخیرات الذی قد
رغبت الیک فیما قد علمت و انت علام العیوب کنا
ان نصلی علی محمد و آل محمد پس بخواند حاجت خود را اجابت
 شود و انشاء الله ما از باران کیم شده نو بنویس بدست چپ و اگر
 سب بدست راست محمد و علی و حسن و حسین تا آخر آن معصومین

نماز

وينوب في هذا الله حد آخر وبعد ان جرى اللهم الناس اذا
 نظر ونظر بعدكم اذا وجئ بعض ويتبرك بعضهم بعض
 وان قطرت الى اسمائك واسم نبيك واوليائك عليهم
 السلام والى ليلائك فاقطعي كل الذي يحب من الخير ولا حول
 ولا قوة الا العلى العظيم وينوب بقله تارة ودرميان سطوت
 يارفعه كشمس ما شئت ما شئت جانت كما سمع طري وان اذن
 خلق ما شئت محمد وعلي وابور ربنا الله الرحمن الرحيم الملك
 الخالق المهيمن ارحم الراحمين وقد الصابرين الخرج قوايكم من
 والرزق من حيث لا تحسبون ارحم الراحمين هو السميع العليم
 جعل الله واياكم من الذين لا خوف عليكم ولا هم
 يحزنون اللهم اني اسالك بحق محمد وعلي وفاطمة
 والحسين والحسين اخر الحجج القائمة المشقة صلوات الله
 عليه وسلم تسليم انصلي على محمد وآل محمد انبياء
 امري وتسهل وتقبله ويرزقني خيره وتصرف عن
 سائر ما يحزنك يا ارحم الراحمين **منقول** ان امير المؤمنين عليه السلام
 كلف امره كره حبيب من مولا الله صلى الله عليه وآله كرهه ختم قرآن
 ايندعاكم اللهم ان احباب المحبين ومواقفة الابرار

والنجاة حقايق الايمان والقيمة من كل خير والبلد من
 كل اثم وجوب رحمتك وعزائم مغفرتك والفوز بالجنة
 والنجاة من النار **فصل في دعاءي كبرياي برأيه طاب ثوابي**
 دعاء من مصحف بركه فتن روايت ابي عبد الله عليه السلام كبر
 قصه قرآن خواندن كبري شيرازي كه مصحف بردار داند عاين
 اللهم اني اشهد ان هذا كتابك المنزل من عندك
 على رسولك محمد صلى الله عليه وآله بن عبد الله كلامك التام
 على لسان نبيك جعلته هاديا منيك الى خلقك جلالها
 بينك وبين عبادك اللهم اني فترت عهدك وكفايك
 اللهم فاجعل نظري فيه عبادتي وقراءتي فيك اوف كبري
 اعتبارا واجعلني بيان مواظبتك واجتنب معاصيك
 ولا تقبل عني قراءتي على عبي ولا تجعل علي صبري
 غشاوة ولا تجعل قراءتي قراءه من لا تدبر فيها بل
 اجعلني تدبر آياته واجعل كلامي اذ يترجع دينك
 ولا تجعل نظري فيه غفلة ولا قراءتي هكرا انك انت
 التواب الرحيم **دعاء بعد از تلاوت قرآن** اللهم اني قد
 قراءت ما قضيت من كتابك الذي انزلت علي نبيك

الْقَادِرُ وَبِكَ اللَّهُ عَلَىٰ ظَهْرِكَ فَلَا تُحَدِّثْ بِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْ بَيْتِ
حَلَالَةٍ وَيَحْرِمَ حَرَامَهُ وَيُغْنِ بِحِكْمَةٍ وَمُنَاسِبَةٍ وَاجْعَلْهُ لَنَا
فِي قَبْرِهِ وَدَفْنِهِ خَيْرًا وَاجْعَلْهُ مِنْ زُفَّاهُ بِكُلِّ آيَةٍ
قُرْآنَةٍ وَجَعَلْهُ فِي أَهْلِ عِلِّيِّينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ **دعای سجد**
ثلاث قرآن در چهار سوون سجد واجب بگوید سجد ثلاث قرآن بگویم
ولحبب قرب مجدا و د سجد بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبْدًا وَرَقًا سَجَدَتْ
لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرَقًا لَا مُتَكَبِّرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا يَا
عَبْدُ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُتَجَبِّرٌ إِلَهِي اَعْفُ عَنِّي
 اما جمیع غایبم فرموده که هر گاه آیتی از قرآن بخواند بعد از آن گفت بگوید
يَا اللَّهُ اكْبِرْ از بر سنگهای بزرگ خواند از زمین برگردد **دعای سجد**
 منقول از معاد بن جبل که روزی رسول الله صلی الله علیه و آله امرای طلبت الله سلام
 فرستادند گفت حافظ شد جمعی از صحابه حاضر بودند فرمود ای عجب
 خبر ده مرا از ده کلمه که خدای تعالی برایم تعلیم فرمود و با آن فرزندم را
 در آتش می انداختند تو در توبه این را یافته عبد الله گفت فدای تو گردم
 ایام تو در باب این کلمات چیزی نازل شده که من در توبه ثواب
 یافته ام و آن کلمات را با خدام و دران سلم عطا بعد از آن آن حضرت فرمود

که این

که این کلمات را خدای تعالی برایم تعلیم فرموده است بعد از آن عبد الله گفت
 بغیر از این که برایم تعلیم فرموده که ای عبد الله چه یافتی ثواب
 این کلمات را در توبه عبد الله گفت یا رسول الله که ایام را و توانایی آن باشد
 که ثواب آن برسد لیکن در توبه نوشته یافتیم که هیچ بنده نیست که حق
 بر دست ننهد باشد و این کلمات را در دل او ننهد مگر آنکه نور را
 در دیده یقین همید او در دل او جای کرده باشد وسیله او را بطریق
 کشاده و از برای او نور از غش تا فرس تابان گردانیده و ممالک کند بر او
 فرشتگان در هر روزی ده بار و حکمت در زبان او جاری گردانیده ^{حفظ}
 کلام روزی او گردانیده اگر چه بران حویص نباشد و او را در علم و عالم
 گرداند و محبت او را در دل ندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از عذاب
 قبر و فتنه دجال و بزرگترین فرعی در روز قیامت و او را در زمره شهدا
 حشر کند و کرامت و عطا فرماید و عطا او آنچه کرامت نموده بر انبیاء
 علیهم السلام و ترسد گاهی که مردم بر سرند و محزون نشود گاهی که مردم
 محزون شوند و از صدیقان او را آویزند و چون شمر کنند دل او مطمئن
 شده باشد و از جمله کسانی شود که با ابراهیم خلیل علیه السلام حلقه پوشیدند
 و هر چه باین دعوات از خدای تعالی خواهد او را عطا فرماید و هر سو کند که بخدا
 خورده او را رست سازد و بمسایه خدای تعالی باشد در خانه طلال و او را

ابرهه میدان باشد که از روز آفرین دنیا شریف شده باشد آنحضرت فرمود
 که این سلام خاند جلالت کدام است گفت جنات عدن که ۵۰ موضع جمست
 گفت یا رسول الله را تعلیم کن بر ما منت نه چنانچه خدا می خواهد بر تو منت نه
 آنحضرت فرمود که خدا را سجده کنید پس همه سجده کردند چون از سجده برخاستند
 فرمود که بگوید یا الله یا الله یا الله انت الهم یوب منک جمیع
خلقک یا نور التور انت الذی اخرجت د و خلقتک فلا
یدیرک نورک نور یا الله یا الله یا الله انت الرفع الذی انتفعت
فوق عرشک من فوق سماءک فلا یصف عصمتک احد من
خلقک یا نور التور قد استشار بنورک اهل سماءک و ارضک
بصوتک اهل ارضک یا الله یا الله یا الله الذی لا اله الا انت
تعالیت عن ان یتوکلک شریک و تعظمت عن یتوکلک ولد
و تکرمت عن ان یتوکلک شیعه و تجبرت عن ان یتوکلک
صداقانت الله المحمود بکل لسان و انت المعبود
فکل مکان و انت المدکور فکل اوان و ارضه
یا نور التور کمال نور حامد لنورک یا مالک کل ملک
یعنی غیرک یا دائم کمال حیث یوش غیرک یا الله یا الله یا الله
الرحمن الرحیم از منی رحمت نطفی بها غصبتک و تکف بها

نور

عذابک و تکف بها عذابک و تزنی بها سعاده من عندک
 و یخلفی بها دارک الی تنکها خیر نلت من خلقک یا ارحم الراحمین
 روایت کرده عمر بن خطاب از پدر خود و او از حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
 که بر من نازل شد بر این عذر حالتی که مستر و شادان بود و گفت یا رسول الله
 حق ما هدیه تو فرستاده حضرت فرمود که آن هدیه که است که هر چند از کعبه
 عرش کرامی فراید ترا و کلمات نیست یا منظر اظهر الجمیل و ستر القبح
یا من لم یؤخذ یا بحیره و لم یهتک التری یا عظیم العفو
یا حسن التجاوز یا واسع الغفره یا باسط الیدین یا التمجید
یا صاحب کل بحری و مشتی کل شکوی یا کریم الصفح
یا عظیم المن یا مبتدأ النعم قبل استحقاقها یا ربنا و یا سید
و یا مولانا و یا غایت رغبتنا یا الله ان لا تشق خلقی بالتبار
و ان تغفر لی و لیوالدی برحمتک یا ارحم الراحمین و انت
تعطیننی حقیق الدنیا و الاخری فانک علی کل شیء قدیر بعد
 حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که ای جبرئیل ثواب این کلمات چیست
 فرمود هر همت منقطع شود عمل اگر اجتماع نمایند فرشتگان هفت آسمان
 و زمین بر او و وصف کنند ثواب این کلمات را تا روز قیامت از هزار
 جزو بجز و او وصف نتواند کرد و هر کاکفت بنده که یا منظر اظهر الجمیل

تا

وستر القیاس حق سبحان وکنا ان اورا ورجعت کند بر او
 دنیا و آخرت و هرگاه گفت یا من لم یؤخذ بالبحرین و کونیتک
 التتر حق حساب اورا کند در روز قیامت و پرده اورا نذر روز
 که بر داورید و هرگاه گفت یا عظیم العقی می آفرزد حق سبحان
 جمیع کائنات و اگر چه مثل کف دریا باشد یا حسن التجاوز حق سبحان
 تجاوز میکند از نشیتهای او از دزدی و غم خوردن و اله و بل و غیر آن کباب
 و هرگاه گفت یا واسع المعرف حق علم بر روی او بکشايد مقدار رحمت
 پس و عرف حق گرد تا از دنیا پرون رود و هرگاه گفت یا باسط
 الیدین حق تعالی که قدرت خود را بر رحمت و چون گفت
 یا صاحب الجوی و شمی کلی شکوی عطا میفرماید
 حق جل علاه او را اجر و ثواب مصیبت زده هر سالم و هر بیمار و هر
 یافته و هر مسکین و هر فقیر و هر صاحب مصیبت تا روز قیامت
 و هرگاه گفت یا کبریم الصنی حق تعالی او را بکرامت خود
 مخصوص کرد اند چنانکه انبیاء کرام را مخصوص میکرد اند
 و چون گفت یا مستد بالنعیم قبل استحقاقها عطا
 می نماید حضرت عزت او را از اجر بعد از آنکه شکر نعمتهای
 او بجای آورده و هرگاه گفت یا ربنا و سیدنا حق تعالی

حق تعالی فرماید ای فرشتگان گواه باشید که من او را امر میدم
 و دادم اجر بعد از آنکه فرموده ام از بهشت و دوزخ و غفلت آسمان
 و زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و قطره های باران و انواع خلقت
 و کوهها و سنگها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی و فلک و هرگاه
 یا مولینا بر کند حضرت نشان دل و را از ایمان و هرگاه
 یا خاتمه رغبتنا بدهد او را خدای تعالی رغبت مثل رغبت من خدای
 و هرگاه گفت اسألت یا الله ان لا تشق خلقی بالتار حضرت عزت
 که بند من خلاصی و نادی منماید از آتش دوزخ گواه باشید ای
 که من امر میدم او را و ازاد کردم از آتش دوزخ و پدر و مادر و مسلک
 او را و پدر و قوم شفاعت او را از هزار کسی که آتش دوزخ برایشان و آ
 کشته پس تعلیم ده ای محمد متقیان را و مؤمنان و همه امور منافقان
 که این دعا دعوی مستجابست مرد عاقلند که از انشاء الله تعالی این دعا
 اهل بیت که خوانند امانت بر گردانیشان کردند طلب حاجت بیت
 که چون برون آید از خانه بگوید نزد پرون آمدن بسم الله
 و یا الله و لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله و الحمد لله
 و معوذتین و قل هو الله احد و آیت الکرسی بخوانند از پیش و پس
 و از چپ و راست و از بالا و از زیر و دم چون بخانه باز آید بگوید

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 كَلَامُ اللَّهِ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ بِسْمِ اللَّهِ كَذِبَ أَهْلِ
 اگر کسی در خانه باشد یا نه و بعد از شهادتین گوید السلام علی
محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الأئمة الهادیین
المهتدیین السلام علی عباد الله الصالحین چون بار در آید گوید
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ أَشْهَدُ لِلَّهِ
الَّذِي نَحْنُ فِيهِ نَحْنُ الصَّالِحَاتِ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ هُوَ
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ طلب حاجت مرویت از عبد الله بن
 که پدر بزرگوار من فرمود که هرگاه کسی را حاجتی باشد سجده کند بی قیادت
 و بی رکوع و در سجده گفت بارکبک یا ارحم الراحمین و بگوید هیچ بر منی
 این کار را نکند تسبیح نماید که اینک ارحم الراحمین طلب حاجت و در
ایستاد از ابی عبد الله علیه السلام که هرگاه سخی یا علی یا دردی برسد باید که
 زانوای خود را و دستهای خود را برهنه کند و بچسباند بر زمین و بگوید
 خود بر زمین نهد بعد از آن دعا کند که مستجاب است حضرت ابی القاسم علیه السلام
 فرمود پس خود را که هرگاه فرو داید بخواهی در زمین یا در دنیا و
 باز و دستهای خود را بر دگر که دگر بر دگر و بخت بارکبک یا ارحم
 که دعای تو مستجاب شود و دیگر فرمود که چون کسی را حاجتی باشد صبح

در طلب آن باشد چون از خانه بیرون آید أخوال عمران و آیه الکسی و آنا انزلنا
 بخواند که حاج دنیا و آخرت او روا شود دفع عزم و کسب ابی حمزه علیه السلام
 یک چکریست که عقی و کسبی با و رسد پس رو بسوی آسمان کند و سه بار بگوید که
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مگر اگر عزم و کسب او روا شود ان شاء الله دعای قرض
 منقول از حسین بن خالد که مراد بغداد سیصد هزار درهم قرض بود و از مال
 خود چهار صد هزار درهم نزد مردم داشت و قرض خوانان امان نمیدادند که
 طلبی را گرفته باشند و او قادر نبودم که نزد ابی حمزه علیه السلام بروم
 خود را عرض غایب پس کتابی بنزد آنحضرت بوضعت حال خود نوشتم جوابی
 که در عقب هر نای این دعا خوان اللهم انی اسألك بلاء الدنیا و الباء
بجی لا الدنیا انت ان تدقرض عني بلاء الدنیا انت
اللهم انی اسألك یا لا اله الا انت بجی لا اله الا انت
ان تحضر فی بلاء الدنیا انت و سونیت دعا کن بعد هر نماز فریضه
 که حاجت تو روا شود ان شاء الله بگوید بین دعا است که دم بخورد چهار بار باشد
 که درین بر تمام او باشد و صد درم دیگر فاضل آمد دعای بر ظالم منقول
 از رسول الله که چون از کسی چیزی بخواهی که دفع شر او کنی طلب لال کن چون لال را
 ویری پس است برایت برقه های خود و بر وجه خطاب با لال کن ایود احدکم
 ان تكون له جنة من خیل و اغنیاب تجری من تحتها الا نهما که فیها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبِلَاءِ الدُّنْيَا وَبِلَاءِ الْآخِرَةِ
 أَنْ تَقْرَضَ عَنِّي بِلَاءَ الدُّنْيَا أَنْتَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِجِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 أَنْ تَحْضُرَ فِي بِلَاءِ الدُّنْيَا أَنْتَ وَسُونِيَّةَ دَعَاكَ بَعْدَ كُلِّ نَمَازٍ فَرِيضَةٍ
 أَنْ تَقْرَضَ عَنِّي بِلَاءَ الدُّنْيَا أَنْتَ وَبِلَاءَ الْآخِرَةِ أَنْتَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِجِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 أَنْ تَحْضُرَ فِي بِلَاءِ الدُّنْيَا أَنْتَ وَبِلَاءَ الْآخِرَةِ أَنْتَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِجِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 أَنْ تَحْضُرَ فِي بِلَاءِ الدُّنْيَا أَنْتَ وَبِلَاءَ الْآخِرَةِ أَنْتَ

ایضا در غصه منقول که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی هرگاه
 چیزی بر تو کار بر تو سخت شود سه نوبت الله اکبر بگو و بعد از آن بگو الله اکبر
 و اجل واعز واعظم مرگ را بگو و اعز من خلقهم و افضلهم و الله اعلم
 بالله من شئ ما اتخاف و اخذ شریکهایه منقول که رسول الله صلی الله علیه و آله
 دست داشتی و فانی در امر و نه در انکار و امر فرمودی کسی اگر چیزی بنده دشوم دارد بگوید
 اللهم لا یؤت الخیر الا انت و لا یدفع البیات الا انت و لا یجوز الا فی
 الاذنک **و رفع غضب** منقول که امام جعفر الصادق علیه السلام در وقتی که مشغول
 در انقیاف او را غضبناک دید این ها خواند غضب و فروخت یا عدی غنید
 شدی و یا غوثی غنید که بی اجر منی بعینک الی لا تنام و کفنی برکت
 الذی لا یرام بحق محمد و آله و اجمعین **و رفع غم از درد** و بنده بخواند
 قیل ادعوا الله و ادعوا الی الرحمن یا ما ندعوا قلله الاکمالی و العسی و لا
 یجهر بصدایک و لا تخاف بها و اتبع بینک سبیلا و قیل الحمد لله الذی
 لم یخذ و لدا و لم یکن کشریک فی الملک و لم یکن له ولی من الدار
 و کون نجیبا **ایضا در غصه** منقول که از امام جعفر علیه السلام کسی را غضب آید در
 و بر کسی غضب آید و بگوید اگر کسی را غضب سترلی شود دست بر روی روم او مالند
 لیکن باید و هم از آن سخت منقول که در وقت غضب این ها بخواند اللهم اذهب
 عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجر فی مضیلات الفتن ایاک رجا

و اعود ذنبک من سخطک ایاک جئتک و اعود ذنبک من یأمرک و ایاک
 الخیر کله و اعود ذنبک من یؤمرک الله المستجیب علی الهدی و الصواب
 و اختلف ایشیا مرصتا غیر ضال و مضل **صفت قرینت**
 یا ادم اذ کنتم جین غضب اذ کنتم جین غضب فلا ارم حقیقت
 فیمن الحق یعنی ای فرزند ادم باید کن مرا چون ترا غضب آید تا برایا کنم چون را
 آید پس محو کنم در میان کسانی که ایضا ترا غضب محو میکنم **و رفع غضب** ابو عبد الله
 فرمود که هر که غضب خود را از مردم باز دارد حق تم غضب خود را از او باز دارد و نیز در
 باید که صلوات بر محمد و آل او فرستد و بعد از صلوات بگوید و یدهب غیظ قلوبکم
 اللهم اغفر لی ذنبی و اذهب غیظ قلبی و اجر فی مضیلات الفتن ایاک رجا
 و لا فیه العلی العظم **و رفع حمت** روایت کرده اند که در وقت زنده حضرت
 رسالت مسکات کرد فرمود که بگو سبحان ربی الملیک القدوس رب الملائک
 و الروح خالق السموات و الارض ذی العزیز الجبار ربی چون در ایامی و
 زایل کردانه **و رفع غم** حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر گاه این ها بخواند از غم و اندوه
 کرد اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن عبدک و ابن عبدک تا حقیقت میدک ما فی
 فی حکمک عدل فی غضبک ایاک بکل اسم للک هو سمیت به فیضک
 و انزلت فی کتابک اوعلمت احد امیر خلقک و استأثرت
 فی علم النب عیدک ان یجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصیری و سناء

قلیلت

صَدْرِي وَجِلْدِي خُونِي وَفُجَاءَتِي أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ وَلَدْتُكَ مَكَانَ
 قَرْنِ **جَوْن** به چنید اهل بلا را باید که در خیمه بگوید الحمد لله عاقا
 بِمِثْلِ ابْتِلَاءِهِ بِهِ وَكُلُّ شَيْءٍ قَعْلٌ فَرَمُودَ كَرِهَ كَرِهَ كَرِهَ كَرِهَ كَرِهَ كَرِهَ
 بوی نزد حضرت رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود که چون اهل بلا را به چنید
 حمد و ثنای الهی بگویند و ایشانرا شنوند که همگی بگویند **در وقت**
 امام زین العابدین علیه السلام وقتی که خازنه را دیدی گفتی الحمد لله الذي
 بِالْقُدْرَةِ وَفَرَعِيَادِهِ الْمَوْتِ **جست بر کار مرگ** مرویت که هر که
 می شناید و خواهد که بداند که چنان آن چیست وقتی که بخوابد رفتی
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ و دعا گوید بفرموده
 فرموده **نیت** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَةً وَشُكْرًا عَافِيَةً وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ **در دین و دنیا** در روضه الواعظین
 که حضرت رسول ص فرمود که هر که هودی یا ترسیانی را به چنید بگوید
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ يَا إِسْلَامَ دِينًا وَالْقُرْآنَ كِتَابًا وَالْكَعْبَةَ
 قِبْلَةً وَبِحَسْبِ نَبِيٍّ أَمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا چون این دعا
 بخواند خوشبختان و عافیتان از آفتها بهم جمع کند عزیز و جسد
 بوالحد نمودن در سواد زیر که فرموده که باید که هیچ یک از شما در دعا
 نگوید که بار خدا یا ایا ما را در رحمتی بلکه بگوید بگوید در دعا کند

زیرا که هیچ یک از شما در دعا در استجاب دعا و قبی که دعا مستجاب شود
 باید که بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ و مگو هست که دعا کنند در اینجا
 دعا بچیل نماید باید که برد دعا مواظبت نماید و پشیمان نشود زیرا که حضرت
 نبی ص فرمود که دعا مستجاب میشود مادام که بچیل نمایند و نگویند
 دعا کردم و مستجاب شد **علاج** چون قصد حاجتی کنی این دعا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ
 أَنْ تَعْمَلَ لِي كَذَا وَكَذَا أَنَّهُ يُمْشِدُ **در رفع بلا** مرویت که رسول الله
 گفت مرا بر المؤمنین علیهم السلام رکعت هرگاه در و بره بلا یا فتنی از برای کسی که بلا
 میشود **نیت** بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِأَخْوَلٍ وَلا فِقَةٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ يَا أَلَكْ تَعْبُدُ وَيَا أَلَكْ تَسْتَعِينُ **اسم بر کار** روا شده
 امام زین العابدین علیه السلام فرمود که من در عقب هر نمازی دعا می کردم که حق تعالی
 مرا اسم اعظم تعلیم کند و روزی نماز صبح گذاردم نشسته خواب بر خیم من
 مردی در پیش خود ایستاده دیدم بمن گفت تو از خدای تعالی اسم اعظم میخواهی
 گفت بلی گفت بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فرمود خدای که هر عا که به این دعا کردم مستجاب
در رفع بلا چون آواز مرد بشنوی و صاعقه بپوشی بگو اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا
 بَغْضَتِكَ وَلَا تَهْلِكْنَا بِغَضَائِكَ وَعَافِنَا بِجَلِّ ذَلِكَ **جست بسیار**



منقول از حضرت امام که چون بسیار بوز بیا بگو الله اکبر بعد از آن
 اللَّهُ أَزْكَ الْأَشْخَرِ مَا هَاجَتِ الرِّيحُ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَكَوْدِيَّتْ
 مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّهَا وَمَا فِيهَا اللَّهُ جَعَلَنَا رَحْمَةً وَعَلَى الْكَافِرِينَ
 عَذَابًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ **وَعَلَى زُرْعَتِهِ** منقول از امام محمد باقر علیه السلام
 که چون خواهی که زراعت کن قرضه تخم بردار و بدست خود و روی بقبل کن و سه بار
 عَاشْتُمْ تَزْرَعُونَ تَزْرَعُونَ الزَّارِعُونَ بعد از آن بگو لا اله الا الله الزَّارِعُ
 و نام صاحب زراعت را بر و بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجَعَلْ
 حَرْثَ بَارِكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالشَّرَّودَ وَالْعِظَّةَ
 وَالْقِيَامَ وَاجْعَلْ حَبَامَنَا رَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْ مِنِّي خَيْرَ مَا اسْتَعْنَى وَلَا
 تَقْتِفِرْ مَا اسْتَعْنَى بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ و این تخم که در دست بدار
فَرَحٌ مَعْرُوفٌ وَغَيْرُهُ يَا اَرْضُ رَحْمَةً وَرَبِّكَ اللَّهُ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ
 شَرِّ مَا فِيكَ وَشَرِّ مَا خَلَقَ فِيكَ وَشَرِّ مَا يُخَافُكَ عَلَيْكَ اَعُوذُ بِاللَّهِ
 مِنْ شَرِّ كُلِّ اسَدٍ وَاسُودٍ وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ مِنْ سَائِرِ الْبَلَدُونَ
 ثُمَّ يُلْدُ وَمَا وَلَدَ اَفْعَرُ اللَّهُ يَبْعُونَ وَكَهْ اسْلَمَ مِنْ فِتْنَةِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ
 طَوْعًا وَكَرْهًا وَابْتَغِ الْجَنَّةَ لِمَنْ يَحِبُّهَا وَرَحْمَتَ اللَّهِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَافْضَلْ عَلَيْنَا فَإِنَّهُ لَأَخُوهُ وَافْعَلْهُ اللَّهُ يَسْمُوهُ
 الْحَكِيمَ الْكَافِرَ مَا آخِرُ بَخْلٍ دَنَدَنَ وَبَرْنِ وَعَقْرَبٍ وَمَا بَرْنِ كَذَبُ

اکبر به الا و خفته باشد **در عطر** منقول از ابن عبد الله علیه السلام که
 هر که عطر بشنود و حمد و ثنای خدای تعالی بخواند و صلوات بر محمد و آل او فرستد
 هرگز در چشمش درد ندانند و دیگر فرمود هرگاه بشنود اگر چه در میان ایشان
 باشد که ترک کند و منقول از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که عطر بخشد
 رَبِّ الْعَالَمِينَ **عَلَيْهِ السَّلَامُ** بگوید هرگز در وی نشود و هرگز در او کوش و درد ندانند
 منقول از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هر که عطر بخشد که در زیر چاکش
 عطر که ترک کن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله فرمود که
 چون برادرش عطر آید و شما ترک نمائید آن گردید روز قیامت بر شما دعوی
 کرد و برای او حکم خواهد شد و دیگر حضرت رسول الله فرمود که هر که عطر بخشد
 علی باشد که الله بگوید و سکوت کند فرشتگان از جانب الله بگویند و اگر او را خبر داد
 گفت فرشتگان گویند بفرشتگان که یعنی خدای تعالی ما را از منقول از ابن عباس
 امام حسن عسکری علیه السلام که گفت بعد از ولادت صاحب الزمان شیعیان پیش او رفتند و عطر
 فرمود هر که عطر بخشد و شامد باین کفن بعد از آن گفت بشاری دهم ترا کفتم به
 گفت عطره امانت از منک تا سه روز منقول از ابن عباس که شخصی نزد امام محمد باقر
 عطره کرد آنحضرت فرمود که خوب چرب عطر راحت بدست باید که در آن وقت خدایا
 یاد کنند و صلوات بر محمد و آل او فرستند کفتم محمد ثانی عراق روایت میکند که در
 صلوات نمی باید فرستاد در وقت عطره در وقت صبح و در وقت جماع آنحضرت فرمود

فرمود که بار خدایا اگر آن عابد دروغ گفته باشد شفاعت محمد را روزی شایان گردان
منقول از ابی عبد الله علیه السلام که هر که عطسه کند بگوید الحمد لله علی حال
ماکان آخر الدنیا والآخری و صلی الله علی محمد و آله در دله آن نمید
منقول از حضرت رسول ص که هر که عطسه کند هر که پیش از آن الحمد لله بگوید در دله
و در دلم کند **ایضا عطر** از امام جعفر کجی آن آدمی عطسه بداند الحمد لله بگوید آن دو
که بروم و کان گویند رب العالمین کثیر الاثر است و اگر آدمی این را بگوید آن
فرشته گویند صل الله علیه و آله و اگر از این آدمی گفت آن فرشته کان گویند رب العالمین
و ایضا از حضرت ابی القاسم علیه السلام در حدیث طویلی که چون یکی از شما
گویند بر حمت الله بگوید یغفر الله و رحمت الله زیرا که خدای تعالی در کلام محمد فرموده که
و اذ اجبیتم بحیة فحیوا بالاحیة و ما اودوها یعنی و فرشته را بخوابانید
شما بهتر از آن فرشته ها همان را عبد الله بن جعفر گوید که حاضر شدیم در مجلس ابی عبد
که شخصی عطسه داد از حضرت فرمود که رحمت الله اهل مجلس کنند این چهار نفر از آن حضرت
اهل مجلس نیز رو کردند پس از حضرت فرمود که بگوید علی الله ذکر است و در روایت دیگر
منقول از امام علیه السلام که چون کرا عطسه آید باید که انگشت سیاه را بر سر سپرد
نهد و بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین و علیهم السلام
و بدو که الله تعالی در حداد اخوان صاعر غیر مستحکم و لا مستحجر و چون یکی
عطسه کند بر حمت الله بگوید یا رب نوبت اگر باده داران شفاعت الله گوید

و اگر کدک در غایت الله و از غرض شفا ک الله و از غرضی هلاک الله و از
بج و اطام صل الله علیه و آله و چون مرد گوید یغفر الله لنا و لکم روایت کند ابو
از ابی عبد الله علیه السلام فرمود که بسیار عطسه را ند صاحب عطسه را پنج چیز از برام
و از درد سر و از باد پدید از زوال آب پدید چشم و از سده و نیشوم و از بوی
موی چشم امام علیه السلام فرمود که چون عطسه زاید شود و خواهی که کم اندکی از روغن
مرزنجوش در دماغ چکان که پنج و دو را بخنید که دم عطسه از من برفت و هم از حضرت
منقول که عطسه که در مرض امانت از حرکت در میدان مرض و دیگر فرمود که خیاره
شیطانت و عطسه از رحمان و هم از آن حضرت منقول که رسول الله فرمود که هر
که عطسه امریض دلیل غایت و راحت بدست **دفع فاعشر** سکونی روایت
از نو فلی و او از ابی عبد الله که هرگاه شیطان ترا فراموش کرد داند دست خود را
بر جانی خود نه و بگوید اللهم انی انا لک یا مذكر الخیر و فاعله و الا
به ان تصلی علی محمد و آله و تدکون ما انما انید الشطان
باب یازدهم در ادب تیاران و علاج کردن ایشان آنچه متعلق است
شتمل بر پنج فصل **فصل اول** در ادب بیمار و پرستش کردن و علاج
روایت از ابی عبد الله که رسول ص که می تب باشد خبر دهند است از حرکت نبرد
خداست در زمین که می او از جهنم است و او حظ مونس از آتش امام علیه السلام
فرمود که نیکو و حیث تب مید بر عضو فیاضیک از بلا و جزئی نیست بر آنکه

آمدن

بر و بتلا شود محمد بن احمد روایت کند از یوسف بن سحیل است که او گفت
 که بنده و من چون بیکسند گمان او میریز چون برکت از دست و چون بر فراش نماز
 نماز او پیش است و فریاد او تسلیل و گردیدن او بر فراش همچو کشته بیشتر در آن
 خدای زده و درین حال ضایع اعداوت کرده در میان اصحاب خود آمرزیده شود خوشا
 حال او که بر جان بخیرد و دای اگر از کرد و دعایت دوست تراست **روایت**
 از امام زین العابدین که تکیه کفار و کناه یکسال است زیرا که امام آن در کمال
 می ماند **منقولست** از ابی عبدالله که هیچ مرضی و صدای و عرقی نیت مکرر بکناه
 در کتاب کریم وارد شده است که **وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا أُكْسِبَتْ**
أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ یعنی هر مصیبتی که بشمارد آن کسبت ثواب است
 بسیاری عفو میکند و آن بیشتر از آنست که بر آن مواخذ می نمایند **روایت** از ابی
 که تکیه کفار و کناه پیش از آنست و دیگر فرمود که هر کس تکیه خسته شود قبول
 آن تلقی کند و سکر آنرا ادا نماید کفار و کناه شصت سال او گردد و راوی گوید
 پرسیدم که قبول و صیحت فرمود که میگردان بر دزدی که در آن تکیه است **روایت**
 که امام محمد باقر فرمود که پنداری کثرت در مرض فضل است از عبادت یکسال در آره
 نقل میکند که از ایشان که پنداری کثرت در مرض با وجع فاضل تراست و بزرگ تر از
 عروجل از روی ابر از عبادت ده سال و تکیه شب و روز برابر است با عبادت مغان
 گفت پرسیدم که بر هفتاد سالگی نرسد گفت پدر ما در او را باشد گفتیم که پدر ما

او بنهاد و سالگی نرسد فرمود که برای خوشی آن او گفتیم اگر خوشی آن او بنهاد و سالگی نرسد
 گفت حمید را و را باشد **منقولست** که امام رضا فرمود که مرضی و من بیک شدت از محبت
 و مرضی که فرعون است و مرضی با من همیشه می باشد تا برو کناه و دیگر فرمود که
 در سر کشیدن محو میکند کناه را که کبره ابو ابراهیم روایت میکند که رسول الله
 فرمود که مرضی را چهار خصلت است اول دفع قسم از روی دوم امر کردن خدای تعالی
 که بنویسد هر نفسی پاکه او کرده است سیم برون آوردن مرضی که از او بر عفتی کرد
 اوست چهارم که اگر بگوید آمرزیده برود و اگر بگوید آمرزیده زید **روایت** از غیر
 که چون در میان مرضی کرد خدای تعالی بنویسد بهتر علی که در حال تکیه میکرد و بزرگ
 گناه آن و چون برکت از دست ریزد **منقولست** از ابی عبدالله فرمود که چون خدای
 بنده را دوست میدارد و نظر میکند بوی او بیک تحفه از آن تحفه بخت دی میفرستد
 تب را یا در چشم یا در دهن **منقولست** از امام موسی کاظم که چون بنده موسی
 خدای با اصحابش مال و حی کند که بنویسد کناه بنده مرا که در بند و زندان است و با
 بدین حی کند که بنویسد حیات بنده می که در سخت اوی نوشته و صبر بر عقلت
روایت که امام محمد باقر که حتی بجای میفرماید که چون بنده خود را مبتلا کرد و نام او
 پیش کند تا روزی که جمعی که عبادت او می آیند شکایت کند چای عوض دهیم
 بهتر از کشت او و پوست و خون بهتر از پوست و خون او و اگر او را بمرانم او را بجهت
 خود شش سالمه اگر بمانم او را از کناه پاک سازم **منقولست** از حضرت رسول الله

که بنده را مصیبتی رسد آنکه بر زمین می رود بر چسب کلاه نماند به شهادت و الله اعلم
فرمود که عبادت که زیاده است خود را و از دعا طلب که دعای ایشان برابر دعای حق
و هر که کثرت بپا نشود و آن بیماری را قبول کند و حق جل علاه مریض او را بعبادت نصبت کند
برابر کند برسدیم که قبول و صیحت فرمود که هیچکس در خود را نکند ابو عبد الله
فرمود که شکایت آنست که مریض آنست که مریض گوید که مبتلا شدم ببلای که هیچکس
و مصیبتی بر من که هیچکس ندیده و شکایت که گوید که دوشینم پنداری کشیدم و امر و ترس
دارم و ایراد المؤمنین فرمود که در مرض هیچ اجری نیست لیکن هیچ کن نیست
مرض از آن محو کند و نیست اجری که بقول زبان و عیان دست و پای و خدای عز و جل
صدق نیست و خلوص ولایت بسیاری را از بندگان بر بهشت می برد و پیشتر
نمودن بیمار و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حق تعالی بر مسلمانان آنست که هرگاه
رسد سلام کند و چون خسته شوند بر پیشانی ایشان روید و چون بخیر نباشد بجا
ایشان شوند و فرمود که من هیچ بیمار خود را بر پیشانی نمیکنم و دیگر فرمود که تمام عبادت
که دست خود را بر سر بیمار نهد و گوید که چو فی و صلیح چون شد و شب چه گذشت
و حاجی تحت شما مصافحه است **روایت** از ابن عبد الله که باید برادرانی را
خود را بجز سازند از مرض خود تا عبادت او کند و ابو الحسن علیه السلام روایت میکند
از ابن المؤمنین علیه السلام که عبادت صمصم بن صموغان فرمود و گفت یا صمصم مضاف
مکن باریان خود که من ترا عبادت کردم و نظر کن که کار تو بهر رسید باید که ترا الله از راه

روایت که امام جعفر صادق فرمود که در چشم را بر پیشانی و بر پیشانی پیش
ارشد و در نیت و بعد از آن از پیشانی کند و بگوید و در پیشانی کند چون
در اثر کشید مریض با عیالش بگذارد حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود که هر
پیشانی بکشد در نشستن تخفیف نماید و از نزد خدای تعالی اجر عظمت مگر بپند
نشستن او را خواهد و دیگر فرمود که تمام عبادت مریض آنست که بکشد خود را بر
یا بر سر مریض نهد **روایت** از ابن عبد الله فرمود که چون روز قیامت شود حق سبحانه
خطاب فرماید بنده را از بندگان گوید یا مؤمن من این شد ترا که عبادت من کردی
بنده گوید یا خدا یا تو خدای منی من بنده توام و تو حق قیومی ترا درودالم
نیاید و تو از آن فریزی خویش عطا فرماید که هر که مؤمنی را بر رضای من عبادت کند پس
عبادت کرده است پس فرماید که می شناسی فلان بن فلان بنده گوید بی یارب فرماید که چه
مانع شد ترا که عبادت کنی کردی که اگر عبادت او می کردی عبادت من کرده بودی و مرا نزد
او می یافتی و آنچه از من سوال میکردی حاجت ترا روا میکردم و رد نمی نمودم ابو الحسن
فرمود که چون کسی از شما بیمار شود باید که اجازت دهد که مردم نزد او در آیند و بچسبند
که آلا دعای او مستجاب است **روایت** که رسول الله وقتی که عبادت سلمان کرد فرمود
که ای سلمان علت تو صحت است که نه که خدای تعالی تو را شغولی دعا می مستجاب است
و این مرض که کنایه تو کنی که زوال آنکه مکن و چون است بر خیزد فرمود که یا سلمان
کف الله عنک و عن مرضک و حفظک فی دینک و بدلتک الیه و ارجعک الیه

است که این عبد الله فرمود که هر که عبادت برادر مؤمن خود کند اگر صبح بگوید و بعد از نماز است
 او کند و چون نشیند پیش پا را دست غرق رحمت آبی شود و تا اینکه شستگان
 او را استغفار کند و اگر بشکاه بوشل این صبح و منقول است از امام محمد باقر علیه السلام
 که موسی بن جعفر با خدای تعالی حاجت کرد و گفت یا رب اجبر عیادت مریض یا چه حد است حق خدای
 فرمود که هر که عیادت مریض کند مگر بی روی مگو کل گردانم در قبر که تا روز قیامت عیادت او
 کند **روایت** از ابن عبد الله علیه السلام که رسول خدا فرمود که هر که عیادت مریض کند خدای
 از آسمان نام او ندا کند که ای فلان خوش باش و نیز فرمود که اگر بر زکات کسی را که در عیادت
 بیمار در نشستن تخفیف کند و نیز فرمود که چون عیادت مریض اوید دعا کنید که آن عیادت
 دعای فرشتگانست **دیگر** فرمود که هر که برای رضای خدای مریضی عیادت کند در وقت
 نیز هر دعا که مستجاب شود و حضرت ابراهیم علیه السلام که آنچه چاری میبود که میرسد
 کنه پدر و مادر است روایت میکند علای از علایان حضرت امام جعفر که دعا خواند
 از علایان آنحضرت و با جمعی از علایان عیادت او می رفتیم آنحضرت در راه بار خدای
 که اتفاق کرده ای یکجا میروید گفتیم بر سرش فلان فرمود ایما یا سببی یا سببی
 یا سببی یا سببی بوی خوش بیاورد و خود گفتیم یا ما از اینها هیچ نیست فرمود که ایما
 که پسر رحمت می باشد اگر چیزی برای او می برید و **معالجہ پاران** حضرت علی علیه السلام
 فرمود و او کند که خدای تعالی هیچ دردی را نبردند که بوی دوائی نبردند یا شد
 و دیگر فرمود که موت مردم بجا پیشتر است از مردن با اجل حیات مردمان نیکویی پیشتر

از حیات او و عمر او هم از عمر ویست که هیچ علی نیست که مکر و مکر از گناه و عفو خدا پیشتر است
 از گناه و هم هر ویست که دو کس معلومند تنی رستی که بد و او خورشید بهر خسته که در راه
 خلط کرده و دیگر فرمود که از دو بار بریز که آنقدر که بدن تو تحمل در دو بار چون تحمل توانی
روایت از ابن عبد الله علیه السلام که پیغمبری از پیغمبران او را مضر عارض شد گفت و او می گفتم تا آنکه
 مرا مریض کرد و اندید شفا بد پس حق جاعل احوالی بر او فرستاد که شفا از منست گفت که
 و او گفتی شفا ندادم **هم** **روایت** از ابن عبد الله علیه السلام که پیغمبر کردن از چیزی ترک آن نیست
 بلکه بر چیز کردن کم کردن است **روایت** از امام محمد باقر علیه السلام که بریز کردن
 حد و امانت و معده خانه در دست و بدن را با بخار معده دیگر دانی معده شود
 و هم از رسول الله منقول است که ناپ خواب شب مگر آنکه وصیت در زیر سر او باشد
 و نیز از منقول است که هر کس نیکو وصیت کند و از آن ترسد و مضرت بکسی نرساند بخشنا
 که بر آن وصیت تصدیق کرده **هم** **منقول است** از امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر
 مسلمان وصیت کردن حق است و دیگر فرمود که هر کس در وقت مردن برای خویشانی که
 میراث نمی برند وصیت کند بر ختم غایب وصیت کرده **فصل دوم در طلب**
شفا از قرآن حضرت رسول الله علیه و آله فرمود که هر که بسبب قرآن شفا طلبد
 خدای تعالی او را شفا دهد منقول است از امام جعفر الصادق علیه السلام که هر که صد آیه از قرآن بخواند
 از در ایات که خواهر پس بخت بر کوه بر الله اگر بر سنگ خارده دعا کند از جای که
منقول است از ابوالحسن علیه السلام که هرگاه از کسی صد آیه از قرآن بخواند از هر جا که خوا

و بعد از آن سبوت بگوئی اللهم اكشف عني البلاء **منقول** از امام موسی علیه السلام
 که در قرآن خدا را هر روزی است و **خونس** در **روی قرآن** **فانحة الكتاب**
 منقول است از امام محمد باقر علیه السلام که هر که را غلبه عارض شود منقول است با سوره الحمد را بخواند سزاوارتر است
 و اگر سزاوارتر کند و خدا را بخواند **رویت** از رسول صلی الله علیه و آله که خواندن فاتحه کتاب
 شغای هر دو است پس اگر صد نوبت بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد خدای تعالی
 باز دهد **رویت** از ابی عبد الله علیه السلام که اگر نماز بر سوره الحمد را بر بدن مرده بخواند روح
 بر آن او دایر نمی باشد **سوال الغمام** منقول است از امام محمد باقر علیه السلام که هرگاه نفس ترا
 غلبه باشد و از آن ترسی سوره انعام بخوان که ترا از آن حالت مرده بی نرسد **الغمام**
 از امام محمد باقر منقول است که هر که سوره بخواند در هر ماهی بخواند مغناطه دفع پاکه آسان
 جنون و جذام و برص است از او ببرد **سوال لقمان** در روایت دیگر است که
 از برای ابدی شدن کشتن و تابان او بخواند **سوال** منقول است که هر که
 سوره یس بخواند حق سبحانه و تعالی بگوید که او را محافظت نماید و از ابلیس
 تا شب دیگر بچیند **رویت** از ابی عبد الله علیه السلام که هر چه کسی را ولایت و دل آفرین است
 پس هر که سوره یس بخواند پیش از آنکه شب شود تا شب از جمله محفوظان مرده بماند
 و هر که در شب بخواند پیش از آنکه خواب کند حق تعالی بر او فرشته ای او مأمور گرداند
 که او را نگاه دارد از شیطان را نه درگاه و از هر آفتی تا صبحگاه و اگر بخواند
 خواب حق تعالی او را در پشت در آورد و در روایت دیگر وارد است که اگر بخواند بر لی

دعا و آخرت بجهت نهداشت از هر آفت و ولایت و نفس و اهل و مال و برای هر حاجت که
 که باشد روا کرد **رویت** از امام موسی علیه السلام که هر که مغلوب غفلت شده باشد سوره یس
 بخواند یا بنویسد و بخورد و بشود و اگر حاجت بفرمان تو رسد و در ظرف از شیشه و بخورد
 بهتر بود **سوال قات** از ابی عبد الله علیه السلام منقول است که هر که سوره الصافات
 بخواند در روز جمعه عیسی از جمیع آفات محفوظ باشد و روزی بر او گشاده شود و از شر
 شیطان از هیچ است که بگریزیم مال و بدن و ولاده آفتی نرسد و روایت دیگر
 آنست که از برای شرف و عزت جاه دنیا و آخرت بخواند **سوره مریم** و هم از
 مر ویت که هر که سوره زمر بخواند در شب یا در روز حق سبحانه و تعالی او را شرف دنیا
 و آخرت او را عطا فرماید و عزیز گرداند او را بی عثره مال **سوره طه** هر که
 سوره الطه بخواند حق سبحانه و تعالی جمیع فرمایند خیر دنیا و آخرت را برای او
سوال قات هر که در شب سوره واقعه بخواند حق تعالی او را دوست دارد و نیمه خلاق
 دوست او گرداند و آفت نه پند و فقر و فاقه نکشد **سوال** **الحمد لله** هر که
 در نماز فريضه سوره حمده و مجاهد بخواند در اهل و مال و بدن و هیچ چیزی نرسد
 و تنگی واقع نشود **سوال** **الحمد لله** امام زین العابدین علیه السلام فرمود که هر که در فريضه
 دنواقل نماز سوره ممتحه بخواند حق سبحانه و تعالی او را به ایمان فرزند گرداند
 و چشم او را روشن سازد و به اولاد او فقر و جنون نرسد و در میان مردمان محمود
 و ممدوح باشد **سوال** **الحمد لله** ابی عبد الله علیه السلام فرمود که هر که سوره قل او را بی نرسد

نخستم و یک و پنجاه و پنج و **سوره المزمل** هر که سوره المزمل در نماز حقین یا در آخر
 بخواند شب روز کواصال و بهشت ماسوره فریحا و راغاید و او را در زندگی و مردگی خوش
 و خوب و زنی که داند **سوره انعام** در سوره و التافات بخواند سیراب در بهشت راود
 و او را سختی و عذاب دنیا بدرد دنیا و آخرت **سوره البروج** هر که بگوید
 بخواند بر آب بجای هر که غرق باشد را که زنده شود و هیچ از آن کریند حضرت به او برسد
سوره انزالنا هر که سوره انزالنا بخواند در هر فریضی منادی ندا کند که ای بند حق
 کن مان کن شسته ترا از زیر پس عمل از هر که **سوره اذکر الله** هر که سوره اذکر الله
 در نماز یا قبل بخواند بر نزل و صاعقه و آفات دنیا گرفتار نشود **سوره الملک**
 هر که سوره الملک در فریضی بخواند فقر و فاقه او زایل گردد و در روزی بر وی گواهی
 و مردن باز و دفع شود **سوره قل یا ایها الکافرون** هر که سوره قل یا ایها الکافرون بخواند
 و قل هو الله احد در فریضی حق جل و علا بیامزد او را مادر و پدر او را و ولد او را
 و اگر شقی بود او را از سعد انیسند و در زندگی عید باشد و شهید گردد و در قیامت
 باشد محشور شود و منقول است از امام رضا که حضرت رسول ص فرموده که چون شمار آورد
 شد یغیر آن دستها بکشید و فاتحه الکتاب قل هو الله احد و مودتین بخوانید و دستها
 روی خود بجا کنید تا هر مرضی که چشم بر طرف شود **روایت** از ابی عبد الله که صدای دعا
 در عوض مانع فدنک تب را مطیع فاطمه کرد و ایند پس هر که فاطمه را یا فرزندان او
 دارد و مرض تب بر او طاری شود نماز بار قل هو الله احد بخواند تا فر و حق فاطمه دعا کند

مرض تب و زایل کرد و باز الله **سوره الجاثی** هر که اذکار الله در نماز حقین
 و نماز حقین و حق او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد و منقول است از ابی عبد الله علیه السلام
 که هر که را مرضی سختی رسد و در آن شب و مرض سوره قل هو الله احد بخواند باشد
 و در آن مرض ببرد پس او را اهل دوزخ و دیگر فرمود که هر که بر فراش خود یا زده یا زدن
 بخواند و بر جانبان خانه دعا خواند دیگر که در که در او است همه محفوظ ماند از آفت
لطیفه از ایت قرآن و این ابی است غنای بخش جمیع امراض را
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحُكْمُ إِلَهُ وَالْحُكْمُ إِلَهُ
 الْأَوَّلُ الْأَخِيرُ الْأَوَّلُ الْأَخِيرُ الْأَوَّلُ الْأَخِيرُ الْأَوَّلُ الْأَخِيرُ
 لَا تَأْخُذُكَ
 وَلَا تَمُوتُ لَنَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا الْأَرْضُ مِنْ عَالِي الدِّينِ عِنْدَهُ إِلَّا
 بِأَذْنِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِ الْإِنْمَا
 شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
 هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَخْلُدُ
 فِي الْعَذَابِ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُعَذِّبُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 الَّذِينَ أَوْفُوا بِوَعْدِهِمْ جَاءَهُمْ عِلْمٌ بِغَيْبِهِمْ مِنْ
 رَبِّهِمْ يُؤْتِي اللَّهُ فَايَ اللَّهُ سِرَّ الْعِلْمِ وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ
 فَجِبُوا بِالْحُسْنِ فَهَا أَمْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَكِيمٌ

179
الله لا اله الا هو ليجمعكم الي يوم القيمة لا رب فيه ولا عبد
من الله حديثا. ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل. اتبع ما اوحى من ربك لا اله الا هو واعرف
من المشركون. يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي
له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت وامسوا بالله رجونا
النبى الا محمدا الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوا لعلكم تهتدوا.
وما امروا الا لعباد اله واحد لا اله الا اله عليه سجدت
وهو رب العرش العظيم حتى اذا ذكركم الفرق قال امت انت
لا اله الا الذي امتت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فانكم
تسجدوا فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم
سائلون. قل هو رب لا اله الا هو رب لا اله الا هو عليه سجدت
واكيه كتاب ينزل الملائكة والروح من امرى على من يشاء من عباده
ان اسئلكم وانه لا اله الا انا فاقولون. وان تجهر بالقول فانه
يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى انك يا ابا
المقدس طوى وانا انشركت فاستمع لي اوحى اني لا اله الا هو
انا فاعبدني واقبل الصلوة لذكري ان الشاعة اشته اكا دابها
تجزى كل نفس بما تسعى انما الهكم الله الذي لا اله الا هو

وسمع كل شيء مليا. وما ارسلنا من قبلك من نبي الا وحي اليه ان
لا اله الا انا فاعبدون. والذين اذعيب معا ضبا فظن ان
نقد به فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انى
مرا الظالمين. فاعلم الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش العظيم
وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الآخرة وله الحكم واليه
ترجعون. يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم فكل من خالف
غير الله يزن فكم من السماء والارض لا اله الا هو فاقولون. انا
كذلك نفعل بالجحيم انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا هو فاقولون
توفون. انا كذلك نفعل بالجحيم انهم كانوا اذا قيل لهم
لا اله الا الله يستكبرون. ويقولون اننا لنا ركوا المتسائلا
مجنون بل جاء الحق وصدق المرسلين غافر الذنب وقابل التوب
شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم
ربكم خالوكم كل شيء لا اله الا هو فاقولون. هو الحق
لا اله الا هو فادعوا مخلصين اليه الذين الحمد لله رب العالمين
رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين. لا اله الا هو
يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فان لمسلم ادله انتم
ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك والمؤمنين والمؤمنات

وَاللَّهُ تَقَبَّلَكُمْ وَشَوَّاهُمْ لِمَا أُنْزِلَ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جِبِلِّ رَأَيْتُمْ خِيَامًا
 مُتَصِدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَظَرٍ لِّبَنِي النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَقْوَرُوا
 هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
 هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ لَا تَأْخُذُهُ أَلَمٌ لَّيْلٌ وَلَا نَوْمٌ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
 الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى قَدْ كُنِيَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّمَا عَلَى سُوْنِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَى اللَّهِ
 قَلْبُ الْمُؤْمِنِينَ رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ ذِكْرًا
وَقَدْ رَوَى مَقُولَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ كَمَا بَيَّنَّ أَبُو حَنِيفَةَ وَبَارِئُ
 بَيْتِ اللَّهِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ رَبِّ السَّمَانِ ذِي الْعَرْشِ الْمَاجِدِ وَاشْفِ بَيْنَنَا وَفَانِ
 لَلْإِسْقَاءِ الْأَسْفَاءِ لَكَ الْأَعَادُ رَسْمًا بِيَدِكَ الْخَيْرُ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 وَبَرِّئَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَجَمَّةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ بِحَمْدِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعَلَّ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ الْآخِرُ قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْغَلْظِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ السَّمَانِ الْآخِرِ قُلْ
 هُوَ اللَّهُ لَعَلَّ الْآخِرَ وَدَيْكَ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ
 كَذَلِكَ كُنَّا بِهَذَا بَرَجًا لِأَهْلِ الرَّحْمَنِ حَمْدُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَكَمْ مَّا مَنَعَكَ
 فِي الْمِيلِ وَالْمَهَادِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ إِنَّهُ يَهْدِي الصَّالِحِينَ وَالْأَلَمِ بَيْنَ
 السُّجُودِ اللَّهُ اسْكُنْ جَلَالُ اللَّهِ اسْكُنْ بِعِظَةِ اللَّهِ اسْكُنْ بِالْحَوْلِ

وَلَا تَقْرَأُ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 وَذَلِكَ لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ هُمْ غَافِلُونَ أَنْ كُنْتُمْ عَلَيْهِ قَادِرِينَ فَلَمَّا تَرَى أَنَّ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سَجَدَ لَكَ فِي كُنُوتٍ مِنَ الظَّالِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حَسْبُنَا اللَّهُ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تِلْكَ
الْبَصَائِقُ قُلْتُ كَيْفَ رَأَى ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَأَى طَارِيئًا تَخَضَّرَتْ فَرَمُودُ
 كُنِيَ كَيْفَ جَاءَهُ رَأَى سَمْعَةَ ابْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ وَرَبَّكَ تَعَالَى وَتَقَامَتُ كَبُورُ
 نَوْبَتِ الْحَبَشَةِ جَانِ كَدَمَ رَأَى مِنْ فَضْلِ مَنْ شَدَمَ **إِيضًا** رَوَيْتُ عَنْ أَبِي
 فَرَمُودٍ شَخْصِي كَيْفَ تَبَرُّعًا شَدَمَ بُوَدُ كَرُورِ سَمْعَةَ ابْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ وَتَقَامَتُ
 كَبُورُ فَتَحَ الْكَتَابَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْغَلْظِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ السَّمَانِ الْآخِرِ
 كَبُورُ أَعِيذُ نَفْسِي مِنَ اللَّهِ بِجَمِيعِ رَسُولِ اللَّهِ وَيَعِزُّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَبَوْلَايَةِ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 أَلَلَّهُمَّ اشْفِنِي بِفَيْتِكَ وَدَوِّ بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ مَلَأَتِكَ وَدَوِّ رَأَى
 دِكْرَاتُ كَرَمُودٍ وَخَلَّ كَيْفَ سَمْعَةَ ابْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ وَتَقَامَتُ كَبُورُ
 الْحَمْدُ قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْغَلْظِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ السَّمَانِ الْآخِرِ قُلْ
 سَمْعَةَ ابْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ كَبُورُ أَعِيذُ نَفْسِي مِنْ خِيَاكُمَا مَذْكَورُ شَدَمَ
 الرَّحْمَنُ بْنُ عُمَانَ كَبُورُ عَبْدِ اللَّهِ فَرَمُودُ كَرَمُودُ كَبُورُ دَوِّ مَنَ دَرَارُ

که بنویس آنکه کوی در خطر و بجز عذاب نبوی و بخورد که شفا **ففعلم** منقول
 که قدری از خاک تربت امام حسین را با آب جرد کن و در جام آبجی بقلام منوی
 و کنی که الحی حادث شد باشد بدینا بخورد **است** سلام قول من رستم
 رحیم حبیب الله و نعم الوکیل طه ما انزلنا عليك القرآن لتشفي
 ان الله يسبك السموات والارض ان تزولا ولترى الناس ان يسكبها
 من احد من بعد الله كما حيلما قديرا يريد الله ان يخفي عنكم قلنا يا ابراهيم
 برد او سلاما على ابراهيم اردد عن فلان بن فلان الحر و برد و الملية و مع
 الام و ايقام و الاعراض و الامراض و الصداق بحق طمس و اسما و الله
 جمسوك ذلك يوم اليك و الى الذين من قبلك الله العزيز
 الحليم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم الحمد لله رب العالمين
 و الصلوة و السلام على سيدنا محمد النبي و آله الطاهرين يا من
 تزول الجبال و لا يزول الله على محمد و آله فلان بن فلان من
 و نعم و الم انك على كل شيء قدير و حسبنا الله و نعم الوكيل
 على سيدنا محمد و آله اجمعين مثل اين بنویس بر کاخذ و بر منقوب
 و باحو انزلنا و بالحق نزل و ما ارسلناك الا نبيا و نذيرا و نزل
 من القرآن ما هو بغيره و رحمة للمؤمنين و ما محمد الا رسول قد خلت
 من قبله الرسل افاذا مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و من

على عبيده و امنوا بما انزلنا على محمد و هو الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم
 و اصبحنا لهم ما كان محمد ابا احد من رجالكم و لكن رسول الله
 و حامى اليقين و كان الله ب كل شيء عليما محمد رسول الله و الله
 معه اشدا على الكفار رجالا بينهم ترقيم زكاهما و لا
 يتبعون فضلا من الله و رضوانا ما هم في وجههم من امر
 السجود ذلك مثلهم في التورية و منهم في الانجيل و مبشرا
 ياتي من بعد اسماء احد فلما جاءهم بالنبات قالوا هذا خير
 من قالوا هذا خير من و لو ان قوا ناسرت به لجال
 او قطعت به الارض و كلم به المولى بل الله الامم جميعا
 الملك لله الواحد القهار من كويد فيم الله المكنون على
 خلق العرش **رفع رب نفس** مرج البحر بليقنيان بينهما بريح
 لا يعيان و خيرا و خيرا يا فلان كوني بردا و سلاما على ابراهيم
 الا ان حرب الله هم العالمون **رفع رب** مرويت از امام حسن عسکري
 که بنویس بر کاخذ بر که یا نار کوف بردا و سلاما على ابراهيم و باو
 بر کسی که کتب مرج دارد و اگر این را بدید که او را بت کوفت این را بر بنویس
 قل الله اذن لكم ام على الله تعرون بطلط بطلط و بنویس کهستم
 برام شدی عجب فلان را و برسا و چپا و بدد و بر مثل آن که

این

الْمَرْءُ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ لِحَجَلِهِ سَاكِتًا ثُمَّ جَعَلْنَا النَّشْءَ عَلَيْهِ
 دَلِيلًا نَفَعُ **دفع دروغ** منقول از ابی عبد الله که از برای دفع دروغ
 سر و شقیق این آیات قرآن را بخواند که نافع است و گویند قرآن را سه مرتبه
 بر الجبال و قطعت بر الارض و كل كلمة الموقر بالله الامر
 جميعا ذلك ان السموات تنفطر من ميثه وتشتق الارض وتخرج
 الجبال هدا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فان غشيهم
 فمهم لا يبصرون يا ارض ابعي ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضوا
 واستوت على الجودي وقيل بعد للظالمين ثم كان منكم
 مريض او بهاد امن راسه فذئبه من صياحه او صدقه او نك
 يد الله فوق ايديهم فمن نكث فاما نيك على نفسه ومن اوفى
 بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجر عظيم انك سكتك يا وحي
 الراس بالذي سكتك ما في الليل والنهار وهو التميع العليم
ايضا دفع دروغ مرويت كه مردی شكايه كرد نزد امام جعفر
 از دروغ فرمود كه بنده دست خود را بر موضعي كه در ميكد و آيه
 الكرمي سورة النحل بخوان و بعد از آن بگو الله اكبر الله اكبر لا اله
 الا الله و الله اكبر مما اخاف و كذا عوذ بالله من عرق بغار
 و اعوذ بالله من حر و النار **ايضا** روايت كه در عمر بن خطاب كه

سكتك

كردم نزد امام محمد باقر از دروغ سري كه مرا بود فرمود كه دست خود را
 بنده برميان سر خود و بگو كه لو كان اله كما يقولون اذا الاستغوا
 الى ذي العرش سجد و اذا قيل لهم تعالوا اليما انزل الله و الي
 الرسول رايت لنا فقين و يصد و عنك صدود **دفع دروغ**
 دست خود را بر آن موضع نهاده و بگويد انك سكتك بالذي
 ما في الليل و النهار وهو التميع العليم **دفع كا هلي** و **دفع دروغ** منقول از
 امام جعفر كه وقتي كه درسي كا هلي ياد رسيد يا چي پيدا شود سوره فاتحه الكتاب
 بخواند پس دست خود را بر روي خود بگشاید كه در زابل شود عمر بن ابراهيم گفت كه
 شكايه كردم بشما امام جعفر از دروغ بر سر ليا فتود از آن سبزي كه بر كاه و چيده
 و او را بابا بگويند و بر سر خود بنده و بفرماي كه بر سر كوكان نهاده كه نافع است و الله
 راوي كوي چنان كردم و حج ساكن كه ديد و هم از آن منقول كه در دسر را بخواند
 كند **دفع دروغ** ياد خود بخوان و دومين كن و بگو بخانه نرم شود و بر آن
 قل هو الله بخوان بر بيش ده تا بخورد كه در و شفاست **دفع دروغ** سر كشي
 شكايه كه نزد ابی عبد الله از دروغ فرمود كه نزد يك ثوب من الشنش
 انحضرت رفت پس دست خود را بر سر او نهاد و اين آيه خواند كه ان الله عليم
 السموات و الارض ان تزلوا و لا ينزالت اننا اننا اننا اننا اننا اننا
 من بعده انه كما احببت اعفوا بر ما دكفت شكايه كردم نزد

إِنَّ اللَّهَ يُكَلِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرَوْهُ وَلَكِنْ ظَنَّ أَنَّ أَمْسَكُهَا
مِنْ لَحْدٍ مِنْ بَعْدِهِ أَنْ تَكَلِّمَ عَفْوًا وَإِنْ آتَا بِشَيْءٍ وَدُرُودٍ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ
لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ
بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا حُسْنُ مَأْوٍ وَلَكِنْ الْيَحْيَى مِنْ هَؤُلَاءِ لَكَ كَرِيمٌ
دفع و تشنگ هفت روز هر روز صبح بگویند و شام بگویند سوره الم
بخواند **دفع درد دل** منقولست که شخصی نزد ابی عبد الله علیه السلام شفا
کرد از درد دل آنحضرت فرمود که قرآن بخوان و شفا طلب کن از آنکه خوا
فرمود که فيه شفاء و رحمتی فی الصدور و یجین و إذا قلتم
نَسْنَا فَأَعْلَمُ شَقُونَ **دفع در شکم** سوره قل هو الله احد بگویند بسم الله
الرحمن الرحیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بیک الخلق
علیم و آیه و لو ان قرأنا سیرتیم الحلالنا اخر بنویسد و بروی
و برو این بخواند که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا أَصَابَ مِنْ ضَرَّةٍ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَخَدَّ الْأَعْيُنِ
كَالْمَلَأْ وَاكْتُمُ الْخَبْرَ وَبِئْسَ وَهْجًا لَمْ يَمُوتْ بِئْسَ الْخَبَرُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِئْسَ وَهْجًا لَمْ يَمُوتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الذی انزلنا من السماء ماء فأنزلنا به الحنظل و انزلنا من السماء
الذی انزلنا من السماء ماء فأنزلنا به الحنظل و انزلنا من السماء
خواند و دفع است و همچنین نیز اینجا امر هفت روز که از کافران
از الله ببار کرد و بسم الله و نیز از کافران ما هو شفاء و رحمتی فی الصدور
دفع در ورم شهادت الله لا اله الا هو تالی مع الحجاب **افسون در ورم اعضا**
بای خود را بنویسد و حبل بول و بر ساق خود بنویسد و شفا از آب
النهار و بیا و منهر و فخرنا الأرض عیوننا فالقلم الما و علی امر قد قد
و حبلنا علی ذرات الواح و در بر تجری یا عیننا الخرا و من کان کثیر
نافع است **ایضا حبل السوال** نقلت از عمران که نوشتم بام علی الشفاء که جان
توباد زرد ما شخصی هست و از دستاران شفا و نام او نفیس خادم است
و حبل البول دارد و التماس علی منیاید از شما که هر یک آن شفا باید بخواند
در حق او دعا کرد که خدای تعالی دفع منصرف است و ککاد و از تو مکروهها
بر دارد و میا لغه بیا رفود بانهر باید که قرآن بخواند که هر یک آن
شفا باید **اعوذ بالله الکرم** بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ الَّذِي بِيَدِهِ قَائِمَتُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَالَ مريم بنت عمران کيضرها و جبرئيل
و من و جمع عرق الارحام اسم بسم الله الحی القیوم بِسْمِ
الاستغاث بالله علی ما هو کابر و علی ما قد کان أشد ان الله

طَلَعَتْ شُعْرَتُهُ قَدِيرًا وَآتَاهُ اللَّهُ قُدْرًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَاعْلَمَ
 بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ **فَلَمَّا بَلَغَ أَمْرُهُ أَكْثَرَ نِصْفِ الْإِنْسَانِ وَقَالَ اللَّهُ**
وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَّ عَلَى الْكَافِرِينَ وَأَمَّا الَّذِينَ مَعَهُ
فَجَدَّ أَمَّا آخِرُ سَوْرَةٍ أَنَا فَخُذْ وَذِكْرُ أَجِبُوا دَاعِيَ اللَّهِ عَلَى أَوْعِيهِ
 الْكَلَامَ وَيَعْلَمُ اللَّهُ أَشَدَّ أَدَاتِي رَيْقُ الْأَرْوَاحِ وَالْأَجْسَادِ وَلَا
 يَبْغِي رُوحٌ وَلَا فُؤَادٌ إِلَّا جَنَابَ سَمِ اللَّهِ الَّذِي قَامَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ أَخِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا فَالْكَاتِبُ أَخِيَا طَائِعِينَ **مُخَوَّنُ**
 ابْنِ آيَاتٍ فَمَا مِثْلُهَا أَنْ تَكُونَ دُشْنِي مَا فَايِدُهُ **دَهْدُ حَسَنَتِ فَيُؤَلِّقُ**
رُوحَ نِزْوَانٍ دَوَائِجُ لَأَمْنُهُ أَنَا مَعَكُمْ كَيْتَانِ قَدِيرِي سَعْدُ
 وَقَدِيرِي زَعْفَرَانٍ وَهَرَمِي رُحْدَا أَبُكَوبِ وَسَعْدُ رُوحِ الْإِلَهِ صِفَتِ
 دَوَائِجُ زَعْفَرَانٍ بِيَاغِزِ وَبَاعِلِ صَاخِرِي وَارِزَانِ جِهَابِ زَوْرَجَا
 أَهْنِي زَعْفَرَانِ بَنُو كِي سَمِ اللَّهِ الْخَيْرِ الرَّحِيمِ يُمَلِّكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَرَوْهُ وَلَا تَرَى السَّمَاءَ إِلَيْكَ كَهَا مِنْ لُحْدِ
 مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ عَظِيمًا **مُخَوَّنُ** تَمَازِجُ رَيْنِ آيَةِ بَنُو سَمِ
 وَسَمِ نَوْبِ بَابِ رَدِّ بَنُو دِشْنِي وَدِشْنِي بَابِ كَدِ وَدِشْنِي
 بَنَانِ وَبَنُو سَمِ عَدَا بَرَانِ ابْنِ آيَةِ رَاوَا فَخَرِ الْكَتَابِ وَقُلْ هُوَ
 أَحَدٌ سَمِ بَارِ وَقُلْ أَعُوذُ بِمَا عَلَى الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْإِنْسَانِ وَآيَةِ الْكُوفِيِّ

وآخره من حركه لو انزلنا هذا القرآن على جبل لكانت خاشعاً متصدراً
من خشية الله و تلك الامثال انضبت بها للناس لعلهم يتفكرون هو الله
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم و آخر
سورة بنى اسرائيل و ذكر نبينا كرم الله وجهه و آخر الاحزاب ان الله يمسك
السموات و الارض ان تزولا و لكننا ان اقمناهما من اجل قبيح
الله كما يحب اعفوا و نبينا كرم الله وجهه هو كما اغفر لسيدك
فلان ما يجد من غلبة القول و اكرن ان باشد ان تعويدا برزناوى
بند و اكرن باشد برزها و و در وقت خواب از ان جهنم ها كه از
حد و عرفان ساخته حل كند و قدرى از آب آيتهارا با ن شست
و بگويد مذهب الملة فاذا ذهب ما يجد من غلبة القول الشاه
رحمته رسول الله بنو شد و بر ما و بچ از حامله بندد
و الله الرحمن الرحيم محمد رسول الله كه هم يوم يرونها
لم يلبسوا الايتين و ضحيها اذ السماء انشقت و اذنت
لربها و خفت و اذ اجاء نصر الله و الفتح و رايت الناس يخلون
في دين الله فاجاف فتح محمد ربك و انتقم الله كان قريبا
و اوليت الاخوان اجلهن ان يصنعن عملهن اخرج يا ذر الله
من البطن الطيب منها خلقناكم و فيها نعبدكم و فيها نخرجكم

ثَانِي أُخْرَى **أَيْضًا** بَنُو يَدْرِ وَرَقَاهُ وَبِرَّانُ زَيْنَ حَامِلَةٍ بَنُو يَدْرِ هَفْت
نُوبَةَ آيَةٍ قَانَ مَعَ الْعَصْرِ كَيْلًا وَيَكُونُ بِلَا أَيْمَانِ الثَّانِي تَقْوَاهُ
أَنَّ ذُلَّ لَيْلَةِ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ يَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْءٍ
عَمَّا رَضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرْتَفِلُ كُلُّ أُنْثَى
وَقَدْ زَالَمِينَ ذَنِّ أَوْ أَزْوَاجًا نَذْرًا وَتَضَعُ حَمْلًا وَتَضَعُ **دَفْعُ سَبْعٍ**
بِخَوَانَةٍ بَرَكْتَ دَسْتِ صَاحِبِ رُزْمُونِ أَخَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ تَأَخَّرَ
سَهْ نُوبَةٍ وَدِيكَ بَيْنَ آيَةٍ أَرَادَ الَّذِينَ قَالُوا لِمَ نَافَعُ مَا أَشْرَكَ
عَلَيْهِمُ الْمَلِكُ كَذَلِكَ الْإِنْفَاقُ وَأَوَّلُ شَرِّ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ الْكَافِرُونَ
سَهْ نُوبَةٍ بَعْدَ ذَلِكَ هَرَمٌ وَدَسْتِ بَرَبْرُشٍ مَالِدَا فَعَلَتْ **أَيْضًا** بَنُو
أَيُّهَا اللَّهُ عَمَلُكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا آخِرِيَّةً وَأَوَّلِيَّةً مِنْ لَيْلِيَّاتٍ وَأَنَّهُ
يَعْلَمُ اللَّهُ الْخَيْرَ الْحَسِيمَ وَبِحَسْبِ سَبْعٍ نَمْدَا فَعَلَتْ **دَفْعُ قَوْلِ بَعْضٍ**
رَوَايَةِ كُنْدِ إِبْرَاهِيمَ بِحَسْبِ أَزْمَعَةٍ أَمَّا عَلَيْهِمُ كَذِبُوا ذِي بَرٍّ وَنَصْرٍ
سُورَةُ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ إِبْرَاهِيمَ الْفَلَقُ وَقُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ
وَمِنْ بَيْنِ أَنْ يَبْذُرَ كَذِبًا أَوْ يَزِيدَ الْجَحِيمَ وَيَعْرِضَ اللَّهُ الَّذِي لَا تَرَامُ
وَيَقْدِرُ اللَّهُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ مِنْهَا شَيْءٌ يَرْجُو الْوَجْهَ وَمِنْ بَيْنِ مَا فِيهِ
وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ يَدْنُ مِنْهُ وَإِنَّهَا رَابِعُ لَوْحٍ يَابِرُ شَأْنُ بَنُو يَدْرِ وَبِهِ آبُ
بَارَانَ بَنُو يَدْرِ وَإِنْ كُنْ بَنَاشَانُ دَرُوقَتِ شَامُ بَيَا شَامُ دَنَافِعُ وَمَبَارُ

أَنَا اللَّهُ **أَيْضًا** أَوْرَدَ أَنْدَكَ أَكْثَرُ قَوْلِي كَقَوْلِهِ بَنَاشَانُ إِبْرَاهِيمَ وَبَنَاشَانُ
خَوَانَةٍ بَنُو يَدْرِ وَبَنُو يَدْرِ وَبَنُو يَدْرِ وَبَنُو يَدْرِ وَبَنُو يَدْرِ وَبَنُو يَدْرِ
وَلَهُ مَا كَانَ فِي الْبِلَادِ وَالْمَنَارِ وَهُوَ السَّبْعُ الْعَلِيمُ **أَيْضًا** شَرِّ لَيْلِيَّاتٍ
بِأَقْوَمَ يَأْذُ وَتَجَارِدُ وَالْأَكْرَامُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا
الرَّاحِمِينَ **دَفْعُ قَبْضِ شَكْمٍ** إِنْ بَابَاتِ رَاغِبًا بَنُو يَدْرِ وَغَنِّ بَرِّ شَكْمٍ
مَرِيضٌ مَالِدَا فَاتَحَتْ لَيْلِيَّةً لَيْلِيَّةً فَفَتَحَتْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ
بِأَقْوَمَ شَرِّ لَيْلِيَّاتٍ وَالْأَرْضِ عِيُونًا فَالْقَى الْمَاءُ عَلَى أَرْضٍ قَدِيرَةٍ وَجَعَلَ
عَلَى ذَاتِ لَوَاجٍ وَوَدَّ بَرِّ فَفَتَحَتْ لَيْلِيَّةً أَبْوَابَ لَيْلِيَّاتٍ بِأَقْوَمَ فَلَانَ فَلَانَ
بِالَّذِينَ كَفَرُوا مَا آخِرِيَّةً مَجِيئًا بَنُو يَدْرِ وَغَنِّ **دَفْعُ شَكْمٍ** مَرَدُ
أَزَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كَذِبُوا بَنُو يَدْرِ وَغَنِّ شَكْمٍ كَذِبُوا اللَّهُ الْمَعْلُومَاتِ
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ قَاعِدُونَ فَرَقَ بَيْنَهُمْ كَلُونَ نَوَاطِرَ يَأْكُلُونَ صَاحِبَهُمْ
مَنْ نَوَاطِرَ الْعُلُوقِ كَذَلِكَ يَفِي فَلَانَ فَلَانَ هَفْتِ نُوبَةٍ أَهْلُونَ كَذِبُ
وَبَعْدَ ذَلِكَ دَوْنُ بَرِّ يَزِيدُ وَبِحَسْبِ رُزْمُونِ بَرِّ يَزِيدُ بَرِّ يَزِيدُ
كَبَرِيَّةً نَافِعُ بَنَاشَانُ اللَّهُ **أَيْضًا** وَبِحَسْبِ رُزْمُونِ بَرِّ يَزِيدُ
كَبَرِيَّةً بَرِّ يَزِيدُ بَنَاشَانُ اللَّهُ أَفْتَتْ وَأَذْنَتْ لَيْلِيَّاتٍ وَجَعَلَ وَأَذْنَتْ
مَدَّتْ وَأَفْتَتْ مَلِكُهَا وَنَحَلَتْ بِكُوبَةٍ وَأَفْتَتْ أَمْرَةً فَجَعَلَ
وَبِحَسْبِ رُزْمُونِ بَرِّ يَزِيدُ وَبِحَسْبِ رُزْمُونِ بَرِّ يَزِيدُ وَبِحَسْبِ رُزْمُونِ بَرِّ يَزِيدُ

اذا نعمة انما علمكم كما فسون مذکور که اگر اذ التما انفتحت و باقی آنرا
 بر آب خواند و بر وزن و بصا خجعت دهد بعد ازان دست بر شکم او بیا
 و سه نوبت بخوبی بگوید **بسم الله الرحمن الرحيم ولا يرديكم العسر ثم السيل**
يسر اذ السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما فاجاءهما
 الخاض الى جذع النخلة والله يخرجكم من بطون امهاتكم كذلك
 اخرج امها الذي ياذر الله عز وجل **دفع بوسه** مرویت
 امام رضا که شخصی از بوسه سگیات نمود فرمود که بوسه در آب غسل شود
 که نافع است **منقول** که شخصی نزد امام محمد باقر آمد و گفت مرا خربت و کام
 در بازوی راستی پیدا میشود بجای که قریب است که بفرستد آنحضرت فرمود
 که در وقتی که حایض بشویش بخیزد بوی ده تا بخورد که نافع است **دفع فوج و ناله**
و بادای که از زهر فاشه الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس بر این موضع
 بخواند بعد ازان **اعوذ بوجه الله العظيم و عذره التي لا ترام و قدرته**
التي لا تمتنع منها شيء من تر هذا الوجع و من تر ما احدمه
 یا برسانه یا بر لوحی نویسد و به آب بشوید و بناشنا بخورد یا در محل
 خولج بخورد نافع باشد ان شاء الله تعالی **دفع و ناله سوزان** بخوانند
 و منند که **بسم الله الرحمن الرحيم و مثل كل خبيث لحيث**
ما اخرته و منها خلقناكم و فيها نعیدكم و من اجله نجعلكم نارا آخری

در سورة ابراهيم

الله اكبر و لا يتكبر الله شيء و انت لا تمنى و الله على كل شيء قدير
 هر که را پدید شود در روی او رهاق شقی یا جمعی بنویسد
 و لقد خلقنا السموات والارض وما بينهما في ستة ايام و ما
 مسبق من اعوب **دفع هق** بنویسد باین و ان من شئ الا عندنا
 خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یسعونکم اذ تدعون
 أو یفوقونکم أو یضرون منقول از امام رضا علیه السلام که خود
 خبرین بنات فالحی ورد **دفع خیم و برمس** بنویسد بران و بخواند
 بران **لیند عار** که **بسم الله الرحمن الرحيم** بخواند الله ما شاء و وثبت
 و عنده ام الكتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جبار الملک
 زسله اولی الخیر مشقی ثلاث و مر باج باسم فلان بن فلان **دفع**
 مرویت که شخصی نزد ابی عبدالله آمد و از برص سگیات که در فرمود که کل قرآن
 بر آب باران یا بر زنجیر که پسین که دافع بود **دفع** مرویت که شخصی از سگیات
 که در بدن من اثر سفیدی برص پیدا شده بود ابو عبدالله فرمود مرا که سوره
 یس حسن بر جای نویس بنویس و بیاشام چنین که دم اثر آن تمام برطرف
 و امام موسی کاظم فرمود که شویای گوشت کاؤ است خشک دفع بر من سکند
 یوحی بر سگیات که در نزد آنحضرت از سفیدی که در بدن او پیدا شده
 فرمود که مویز را در آب حل کن و آن آب را بیاشام گفت چنین که دم نافع بود

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ نَافِعٌ بِأَمْرِ **حَسْبِ**
روایت کرده که هر که من حضرت امام رضا علیه السلام بودم در چنان
پس بر آن کرد که غایب است و بیا ز من پس چون غایب ساختم نظر کرد در آن
کرد و فرمود یا معمر عین حقیقت بنویس در رقعۀ سورۀ کحل و قل هو الله احد قل
اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الفلق و آية الكرسي و در شیشه بگذار
ایضا همچنین روایت از ابی عبد الله که عین حقیقت و این سیر از چشم زخم تو
و چشم زخم تو بر غیر تو و هرگاه بر سر چیزی سه نوبت بگو ما شاء الله
لا قوة الا بالله العلی العظیم **بیکر** فرمود که هر گاه یکی از شما را مهمت
رتب می باشد شود و بنوعی که تعجب کند باید که ذکر که از خانه بیرون آید
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند که هیچ ضررت بر او نرسد
بر اذن الله **بیکر** فرمود که هر که از برادر مؤمن چیزی بپندد که او را نتواند
باید که باریک الله بگوید که عین حقیقت و دیگر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که چشم زخم هر در بقیه و زخم و بچین فرمود که افون نیست مگر در
کردم چشم زخم **دفع خوا** این آیت بخواند بر آب و بر روی و سه
و دستهای خود ببالد **بیکر** و لا حاء مؤمنی لم یقاتنا و کلمه
دیده قال رب ادرنی انظر الیک قال لئن ادرنی و لکن انظر

الجليل فاد استقر مكانه فسوف ترون فلما تجلجلى ربه للجليل
و كما وخر مؤمنو صعبا فلما افاقا قال سبحانك تبت اليك
و انا اول المؤمنين **حجت کم شه در خمر** مرویت از امام رضا علیه السلام
که اگر از تو چیزی کم شود این را بخوان که باذن الله تعالی پیدا شود **بیکر**
و عینده مفاتیح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البیر
و الجور و ما تنفط من ورقیه الا یعلمها و لا حیه فی ظلمات
الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین بعد اذن
القم انک تمیدی من الضلالت و تنجی من العمی و ترد الضلالت
صلی الله علی محمد و آل محمد و اعظم و ترد ضالکتی و صلی الله علی
محمد و آل محمد **دفع خوا** روایت از رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که
هر کس بمن وای تعلیم کرده که بدو ای دیگر نسیم گفتند یا رسول الله آن دو
که نام است فرمود که آب باران را پیش از آنکه بر زمین برسد بگیرند و در ظرف
پاک کنند و سورۀ محمد را بخواند بار بار آن بخوانند و قل هو الله احد و قل اعوذ
بربک فمأذی بعد از آن هجی از آن در صبح و قدحی از آن رشب بیاشاید
بجی آن که در برابر استی بخلق فرستاده که حق سبحانه تعالی حجت از بند
و استخوان و رگهای او بر برد **بیکر** بیار و هفت دانۀ سیاه تخم و
من دانۀ عدس و کن و امام حسن علیه السلام و هفت قطره عسل بر آن در آب

و ما تترك الكتاب قل هو الله احد قل اعوذ برب الفلق
 واول سورة حميد يا اى الله ترجع الامور و آخر سورة خشر ان تخوان
 نافع **مرويت** از امام محمد باقر عليه السلام كه و تبرك من القرآن
 ما هو شفاء ورجعة للمؤمنين يخرج من بطوننا شفاء مختلف
 ألوانه فيه شفاء همه درد ما راشفاست و حضرت رسول الله
 فرمود كه سياه تخمه هر چمتي راشفاست مگر از فرك و ما ميگويم نظهر
 كوفه قريست كه چمتي خمر نباشد كه بدان پناه برد مگر كه حتى سجا و بجا
 او راشفا دهد و آن قراطير حضرت ابراهيم عليه السلام **فصل**
 و طلب كردن چاران و صدقه دادن و دعا كردن و نماز كردن براي چمتي
مرويت از امام جعفر الصادق ع كه اخذت از پدر بزرگوار خود روايت كرده
 كه رسول الله فرمود كه صدقه مانع مردن بد است و بچنين فرمود كه صدقه و
 رحم آبادان ميكنند و بار را در نيا ده ميآورد عمر را **و كبر** فرمود كه هر كه در روز
 ياد شب صدقه دهد بركت آن صدقه در ريز خانه كه فرود آيد و از درند
 ايمر كه دو و بنميرد و چنين بركت آن صدقه در آن شب از بلا ايمن
نقول از امام محمد باقر ع كه نيكويي و صدقه دروشي باري برد و عمر را
 زياده ميآورد و امتداد عله را دفع ميكنند **مرويت** از معاوية بن مسلم كه
 نزد ابى عبدالله بودم كه جمعي نزد اخذت ميكنند كه مردم را در دوا پيدا شد

دايه

اخذت فرمود كه چنان خود را علاج كنيد بصدقه و نيت بر شما كه جمع قوت را در
 خود را كه مالك جان باشيد بصدقه دهيد و پدر بزرگوار كه برات قبض و وح تحريك
 الموت او ميتو و چمتي شخص صدقه ميدهد آن برات باز ميگردد و احوال خود را كفا
 بركوة دادن كه هر كه زكواه مال خود را داده باشد و بفرود و من ضامنم آن مال را
 از كف **مرويت** از امام موسي كه صدقه ملاي مبري كه از آن متوجه زمين باشد
 مانع ميشود **مرويت** از داور بن زرني كه گفت مراد ما اينست بتي سدي
 پيدا شد خبر با امام جعفر ع رسيد كه متولي من نيت بضمون اينكه من رسيد كه
 تراحي پيدا شده بايد كه يك صاع كنم بخري و بعد از آن بر شت افت و آن كنم
 بسينه خود بپاشان بخر كيفت كه بگو الله ان اسالك يا سميع
 الدعاء اذ اسالك يا المضطر كفت ملاي من خير و مكنت
 ملاي الارض و جعلت خليفتك ان تصلي على محمد و آل محمد
 تعاقبي من علقه بعد از آن نشين كنم را بر طرف خود كه در كن و بچنين دعا
 بخوان و از آن كنم بخر ميكني يك صدقه كن و مدين عاخوان او نمود كه بچنين
 كردم كويابا از بند خلاص شدم و بسيار از مردان اين عمل كردند نافع بود
و كبر حضرت رسول الله ص فرمود كه هر چه جز در قضا ميكنند مگر قضا الهام
 جعفر عليه السلام فرمود كه دعا بلا را رد ميكند اگر چه ملاي مبرم باشد **مرويت**
 از ابى الحسن ع اين سر الرضا كه فرمود بر شما باد كه دعا كنيد بديگر كه دعا و طلب

حضرت حق جل علاه را بدیاری کند و بلا بر شخصی مترشده و هیچ با نماند الا آنکه
جاری شود آن شخص دعا کرد و در بلا اوست میشود **در روایت** که سمانی بر سر حضرت علیه
نقار کرده از حضرت رسول اکرم که آنحضرت فرمود که هیچ چیز عمر را دراز نمیکرد اندک
نیکویی و هیچ چیز زود قضا نمیکند مگر دعا و حضرت امام محمد باقر فرمودند
امام جعفر که هر کس که بپوشاند از خلق بلایی را که از مردم بدو رسیده باشد
و بخی جل علاه شکایت کند از آن بر حضرت حق سبحانه لازم است که او را اذن
خلع کند **در روایت** از ابی عبد الله علیه السلام که هر کس پیش از نزول بلا دعا کند چون
بلا نازل شود دعای او مستجاب شود و ملنگ گویند که این دعایت که شیخ سنان
و دعای او از آسمان محبوب گردد و هر کس قبل از نزول بلا دعا نکرده باشد
دعای او مستجاب نشود **در روایت** از حضرت امام موسی که فرموده که هر کس
دو است و نه زحمتی را و دعای و فاضلترین دعا با صلوات بر حضرت
بعد از آن دعا از برای برادران مؤمن خود در آنچه دوستداری و نزدیکی
و فقر که بنده بجز از نزدیک نه وقت که در سجده نه و فرمود که دعا فاضل
تر است از خواندن قرآن بجهت آنکه حضرت حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید
که قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ مِنْ شَيْءٍ لَوْ لَا دُعَاءُكُمْ وَ فرمود که حق سبحانه و تعالی
در روایت که دعای مؤمن را در مستجاب میکند بجهت شوقی که بدعای او دارد
و میفرماید که آوایت که دوست میدارم شنیدن آنرا و دعای منافق را

از دوستی میکند و میفرماید که آوایت که بدی می آید مرا شنیدن آن آواز
منقول از ابی عبد الله فرمود که هر که از بلایی ترسد پیش از آمدن آن دعا کند حضرت
حق جل علاه را در و نماید **دعای نعم بجاری** سنت است که باری بگوید لا اله الا الله
و حده لا شریک له لا اله الا الله و الحمد لله و بحی و بحی و هو حی لا یموت
سبحان الله رب العباد و البلاد و الحمد لله حمد اکبر طیباً
مبارکاً فیه علی کمال الله اکبر اکبر اکبر یا اوتینا و جلاله
و قدره بیک مکان اللهم انک مرضی و محی فی مرضی
فاجعل روحی فی ارواح من سبقک منک الحسنی و ما بعد فی
من الشکر كما بعدت اولیاءک الذین سبقک منک الحسنی
وضع در بعضا منقول از ابی عبد الله علیه السلام که نه صفت خود را بر حق
که در میکند و باری بگوید که الله منی بحق الا اشرک به شیئاً اللهم
انت لها ولیک العظیمه ففرجها عنی و فرمود که دست بر موی
که در میکند بگوید اللهم انی اسألك بحق قرآن العظیم الذی نزل
به روح الامین و هو عندک فی ارم الکتاب علی حکم
انفسی ثقیانک و تدادینی و ایت و تعافینی من یلذک
وصلی الله علی خیر خلقه محمد و اهله و جمیعهم **در روایت** منقول
از آنحضرت که بگوید بسم الله و بالله که من بسم الله عز وجل

کی از بار سر بیماری و دفت برگوید **اُجیدُکَ یا الله العظیم** و رَبِّ
 العرش العظیم من کَلْعَرَقِ نَعَارٍ وَمِنْ حَرِّ النَّارِ بیکر نقل میکند
 حسن بن ابی نعیم از ابی عبدالله که بعضی از اولاد آنحضرت را بیماری پیدا شد
 که بجای بر من **اللهم اشفی شیعیک** و دوائی بدوایک و عالجته
 من بادرک وانی عبدک و ابن عبدک **رویت** که حضرت رسول الله
 بجای از اصحاب خود را تعلیم فرمود که دست راست خود را بر موضع که درد
 میکند بکنند و بگوید **بسم الله اعوذ بغيره الله** و قدری بر من شربت را اند
 و همچنین فرمود که هر که بیماری را عیادت کند پس باید که بگوید **اللهم اشفی**
عبدک بیدکی **عَدُوَّ اَمْرٍ مِّنْ لِّکَ الصَّلَوةِ** و همچنین منقولست که آنحضرت
 بر که بر سر بیماری میفرمود **کیف اُمح الباس رب الناس** بیدک الشفاء
 لا کاشف البلاء الا انت و همچنین **اذهب الباس رب الناس** و اشفی
 انت الناس من الالشفاء الالشفاء کشف الالشفاء در سماع الله
 اصلح القلب و الجسم و اکثرت السقم و الجبال الدعوى و همچنین فرمود
 که هر که نزد بیماری رود و بگوید **اَسْأَلُ الله العظیم رب العرش**
العظیم که شفیق است که اهلش رسید باشد شفا یابد و همچنین فرمود
 که بعضی از اصحاب پیغمبر میام شده بودند آنحضرت را گفت
 که چیزی را تعلیم فرموده بود تعلیم ایشان میفرمود **افون رب** **بسم الله**

اُفیک بسم الله اشفیک من کل ارب یؤذیک من غیر النفا ثانی فی العقید
 و من غیر حارید اذ لحید **و بیکر** فرمود که دست خود بر دهن بند و سه
 بگوید **بسم الله بحل لا الله و عظمته الله الثامات** یا غیاثی
 بعد از آن دست بر جایی بند که درد میکند و سه نوبت بگوید **بسم الله**
 بعد از آن هفت بار بگوید **اللهم اُصح ما بی** شفا یابد و چون شفا
 بگوید الحمد لله الذي خلقنی و هدانی لطمعنی و صحح جسمى و شفا
لله الحمد و له الشکر **رفع در چشم** رویت که محمد بن جعفر از پدرش گفته
 را در چشم بسیار پیدا شد شکیات بر ابی عبدالله کردم فرمود که چیزی بتو
 تعلیم کنم که در دنیا و آخرت ترا دفع شر و در چشم تو بر آن بر شود **بسم الله** می فرمود
 که در وقت نماز صبح و شام بگو **اللهم بحی محمد و آل محمد ان تصلى علی محمد**
و آل محمد ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین
 فی قلبی و الاخلاص فی علی و السلامة فی نفسی و النعمة فی دینی
 و الشکر لک ابد اما اشفی فی در دوائی دیگر هفت بار این دعا بخوان
 بعد از نماز صبح قبل از آنکه بر خیزد از جای نماز **رفع حمله** منقولست
 از امام رضا که کثیر از کثرت خنای برادر کرد و بیرون آمد شخصی نزد
 آمد و گفت یا علی بگو به او که بسیار بگوید **یا دؤف یا رحیم یا سیدی**
 آن کثیر این اسمها را ورد ساخت خدای تم بهر یک آن اسمها او را شفا داد

و سه کف از آن آب بردارید و بر روی و بر بدن مالید بعد از آن نماز کند اید و از خدا تعالی
 طلب کنید سه روز بین طریق عمل نماید جان کف تجربه کردیم غرض بوده **اینست**
 اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ وَأَمَّا آيَةُ اللُّغْنِ كُلُّهَا حَامِدٌ
 مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ عَيْنِ اللَّاحِمَةِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ
 إِذَا أَحْسَدَ بِهِمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ تَاخِرُ وَقِيلَ
 هُوَ اللَّهُ لَعَنَ قَوْلَ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَرَبِّ النَّاسِ هَرَبُكَ تَاخِرُ وَرَبُّ
 اَرْسُوتِ الْبَقَرَةِ الْهَكْمُ كَلَامُ اللَّهِ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَآيَةُ الرَّسُولِ
 تَاخِرُ سُوْرَةٌ وَدَهْ آيَةُ اَزْأَوَّلِ سُوْرَةِ اَلْاِمْرَانِ اَرَا فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ
 وَالْاَرْضِ وَآيَةَ اَزْأَوَّلِ سُوْرَةِ زَالِقِمْ وَآيَةُ اَوَّلِ سُوْرَةِ مَائِدَةٍ
 وَآيَةُ اَوَّلِ سُوْرَةِ اِنْعَامٍ وَآيَةُ اَوَّلِ سُوْرَةِ اَعْرَافٍ اِنْ رَزَقْتُمْ اَللَّهُ الَّذِي
 خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ تَارَةً اَلْعَالَمِينَ قَالَ مُؤْمِنِي مَا جِئْتُمْ بِهِ
 الْحَيَاةُ اَللَّهُ سَيَبْطِلُهُ تَاخِرُ آيَةُ وَالْوَسْطَى يَمِينُكَ تَلَقُّقُ مَا
 تَاخِرُ اَنْ وَدَهْ آيَةُ اَزْأَوَّلِ سُوْرَةِ وَالصَّافَا **نماز چهار** نقلت از
 اسماعیل بن محمد از عبد الله بن علی بن الحسین علیه السلام گفت که چهار شرم برتر که از من
 نا امید شد حضرت ابی عبد الله ام آید خرج و فرغ ما در را دید فرمود بما در من
 که وضو باز و دو رکعت نماز کند و در سجود بگوید اللهم انت و هبت دلی
 و کرمی کن قهت دلی هبت ما درم چنین که و چون صبح شد جاری

نماده بود برتر که طعانی برای من بخت بود نه من این خود دم **نماز پنج** محمد
 جی صغیر گوید نزد ابی عبد الله علیه السلام رفتم مراتب کرده بود از من پرسید که آیا
 ترا که موی کفتم جان من فدای تو باد تب دارم فرمود که هر که از ثواب دارد و
 تنها بخانه رده و دو رکعت نماز کند از دود و طرف خود را بر زمین نهد و بگوید
 یا بارک یا فاطمه بنت محمد مثل الله علیه آله و ده بار بگوید اشفع بک الی الله
 یا نازل یا برتر که شفای ما بدانشاء الله تع و بحین دو رکعت نماز کند از دود
 در هر رکعتی سوره فاتحه الکتاب سه بار و آیه الاله الخلق و الا امر تبارک الله
 رَبُّ الْعَالَمِينَ بِمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ نَبِیُّکَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
 یَا مُحَمَّدُ اسْتَغْفِرْ بِکَ عَلَی رَجَبِ قَضَاءِ حَاجَتِی وَهُوَ شَفَاعَةُ الْمَرْغِبِ
 اَللَّهُمَّ اَنْتَ اَللَّهُ اَلْاَزِیْزُ اَلْجَبَّارُ اَلْجَبَّارُ اَلْجَبَّارُ اَلْجَبَّارُ اَلْجَبَّارُ اَلْجَبَّارُ
 بِرَحْمَتِکَ اسْتَغْفِرُ اَلَا خَفِیَ اللَّهُ عَنْکُمْ یُرِیدُ اللَّهُ اَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ
 ذَلِکَ یُخَفِّفُ مِنْ رَجَبِکُمْ وَرَحْمَةُ نَبِیِّکَ دُشُودِ وَصَاحِبِ بَخُورِ
 نفع ششم **نماز دفع دود** دو رکعت در هر رکعتی یکبار فاتحه الکتاب سه بار قل الله
 اعوذ و این آیه که در بیانی و هو العظیم منی و اشعل الدارینیا و لم
 اشد علیک شرب شقیاء **نماز دفع دود** دو رکعت در هر رکعتی فاتحه الکتاب
 یکبار و سه نوبت قل ایها الکافرون و آیه و عِنْدَ مَفْجَاحِ الْغَبِ لَا یَعْلَمُهَا
 الْاُمُو و یَعْلَمُ مَلِیُّ الْبَرِّ و الْبَرِّ و مَا تَقَطُّ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا یَعْلَمُهَا وَا

سَبِّحْ فِي ظُلُمَاتِ لَيْلٍ وَلَا تَغْلِبْ وَلَا يَكُنْ مِنَ الْكَافِرِينَ تَابِ عَلَيْهِ
 رَفَعُ يَدَيْهِ ابوجعفر علیه السلام که در حضرت ابی جعفر که گفته که گوری
 یکدست حضرت رسول الله ص فرمود که میخواهی که فدای من بیا جی چشم ترا باز
 گفت ای آنحضرت فرمود که وضوی تمام بگیر و دو رکعت نماز بگذارد و بگوید اللهم
 اِنِّیْ اَسْأَلُکَ وَارْغَبُ اِلَیْکَ وَاقْبَلْ مِنْکَ بِمَنْبِیْ اَحْمَدُ یَا مُحَمَّدُ
 اِنِّیْ اَتُوْبُ اِلَیْکَ رَبِّیْ وَرَبِّکَ تُوَدُّ عَلَیْ بَصَرِیْ مِنْهُرِ حضرت رسول
 نشسته بود که حق تعالی چشم او باز داد رسول ص فرمود که یا سلمان
 دارد بر خیز و نماز بگذارد که **رفع رکعت** دو رکعت نماز بگذارد
 رکعتی سوره احمده بخواند و از آنرا سه بار بخواند که نافع است **رفع رکعت**
 چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی الحمد بار و در رکعت اول بعد از الحمد سوره احمده
 بخواند و در رکعت دوم بعد از الحمد سه نوبت قل هو الله احد و در رکعت سوم
 و الضحی و در رکعت چهارم بعد از الحمد این آیه بخواند یَقْلَمُ خَاسِئَةَ الْاَعْيُنِ
 وَمَا تُخْفِی الصُّدُورَ **رفع رکعت** دو رکعت در رکعتی الحمد بخواند
 بجا آید **فتح ابواب** آیه یا مومنین **رفع رکعت** دو رکعت
 در هر رکعتی بعد از الحمد جهاد آیه انا و اولیون شدید و از آخر سوره حشر
 تُوْرْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ بخواند و بگوید یا مومنین
 الْاَمْرُ کَذَٰلِکَ اَعْمَرَ اَجْعَلِ الدِّیْنَ اَعْلٰی فَلَا اَضِیْقُ مِنْ خَلْقِکُمْ

حَتّٰی یُؤْتِیَکُمُ الْوَسْلَیَّ **رفع رکعت** دو رکعت در هر رکعتی الحمد بخواند
 آخر سوره البقره بخواند که نافع است **رفع رکعت** دو رکعت نماز بگذارد
 خود را بر روی خود نهد و حضرت محمد ص را شفیع سازد بخیر و شفا
 و بعد از بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اَخْرُجْ عَلَیْکَ وَاجْعِ مِنْ عِزِّیْ اِنِّیْ وَجَّهٌ
 اَخْرُجْ عَلَیْکَ بِالَّذِیْ اَبْرَاهِیْمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَکَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰی کَلِمًا وَاجْعَلْ
 مِنْ رُوحِ الْقُدْرَةِ لِهَدِیَّتِیْ وَطَفِیَّتِیْ کَمَا طَفِیْتُ نَارَ اَبْرَاهِیْمَ بِاَدْنِیْ
رفع رکعت از حضرت امیر المؤمنین امیر مومنان دو رکعت نماز بگذارد
 هر رکعتی بعد از الحمد سوره یس بخواند چون **رفع رکعت** دو رکعت نماز بگذارد
 و بگوید اللهم اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِالْمَدَادِ مِنَ الصَّلَاةِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَیْکَ
 مُحَمَّدٍ وَحَفِظْ عَلَیْ صَلَاتِیْ وَادْرُهَا اِنِّیْ سَأَلْتُکَ بِاَرْحَمِ الرَّاحِمِیْنَ
 فَاِنَّمَا مِنْ فَضْلِکَ وَعَطَاؤُکَ یَا عِبَادَ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِ دَدُّ وَاَعْلٰی
 فَاِنَّمَا مِنْ فَضْلِکَ وَعَطَاِیْهِ وَحِجِّیْنَ مِنْکَ اَنْخَضَتْ اَللّٰهُ
 لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَکَ السَّمَوَاتُ وَلَکَ الْاَرْضُ عَلَیْکَ اِضِیْقُ
 جَلَدٌ حَتّٰی تَمُوتَ مِنْ اَللّٰهِ عَلَیْکَ اِضِیْقُ وَدَرَدٌ
 منقول که امام جعفر الصادق ع فرمود که هر که را بنده بگوید آیه
 الْکَرِیْمُ مَدُّ وَرِیْکَ غَضُّ فَوَسِّدُ و در میان آن این دعا بخواند
 اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا اَمْلَکَ الْاَرْضَ لَکَ وَما یَمْلِکُ لَکَ فَاجْعَلْ بَیْنَهُمَا لَکَ

لَقِ

يَا سَكَنَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا كُنْ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَجَاءٌ حَيْثُ لَصَابُ وَالشَّيْطَانُ إِلَى اللَّهِ
 تَقْصِيرُ الْأُمُورِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ بِحَسْبِكَ يَا أَحْمَدُ الْإِلَهِ
رفع درود بنویسد این عباد برود و آمو یا خدا اگر مرد باشد بر سر نهد
 و اگر زن باشد بر میان کمر موی پش بر نهد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ مِنَ الْأَخْرِ فِي النَّهَارِ **رفع درود** قدری پیچیده بردارد
 و چشم بندد و این دعا بخواند صَبِّحَ الشُّعْرُ فِي لَحْيَةِ الْخَيْرِ مَا نَارُ كُنْ بِرَحْمَةِ
 وَسَلَامِ عَلَى إِبْرَاهِيمَ **ایضا** سلمان عیسی و اینه کند که موادر در چشم انداخته
 روز دیگر که من بخندم او رفتم اثری از درد چشم آنحضرت نیافتم پرسیدم
 که تعویذ کردم و نوشتان تعویذ را و این را **ایت** اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ
 وَاعُوذُ بِقُوَّةِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِعِظَمَةِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَاعُوذُ
 بِجَلَالِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِسَمَاءِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِجَمْعِ اسْمِ اللَّهِ وَاعُوذُ بِسُورَةِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى مَا أَجِدُ وَأَخَافُ عَلَى عَيْنِي وَاجِدُ مِنْ وَجَعِ
 عَيْنِي اللَّهُمَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَكَفَيْتَنِي عِظَامَكَ بِصَلَاتِكَ يَوْمَ
 حَيْدٍ فَظَرَنْتُ فِي الْجُودِ فَقَالَ إِنَّ بَقِيَّتِي وَصَوْرَتِي فَاحْضَرِ
 صُورَتِي وَرَفَعْتَنِي مِنَ الطُّبَاةِ قَبِيلَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا عَلِيَّ
 يَا عَظِيمَ يَا كَبِيرَ جَلِيلَ يَا فَرْدَ يَا وَثِقَ يَا رَبَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَيْرُ

الْوَارِثِينَ يَا حَمْدُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا حَلِيمُ يَا عَلِيَّ يَا عَظِيمَ يَا جَلِيلَ
 يَا جَمِيلَ يَا فَرْدَ يَا وَثِقَ يَا رَبَّ يَا سَائِكَ لَا تَدْعُنِي فِي قَبْرِ قَوْمٍ وَأَنْتَ خَيْرُ
 الْوَارِثِينَ وَارْتَكِبْ إِلَّا وَاحِدًا الصَّلَاةَ فِي قَبْرِ قَوْمٍ مَرْتَكِبًا
 يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ **رفع درود** **ایضا**
 بخواند و بنویسد و در دماغ آنکس بگذارد **ایضا** کس خون از دماغ
 آید یا مَنْ جَلَّ الْقَبِيلُ مِنْ بَيْتِكَ الْحَرَامِ اسْكُنْ قَوْمَ قُلَانِ بِنِزَانِ
 وَابْجَحْ رَابِعِيًّا وَسِرًا وَبِرْزَادٍ بَارِئًا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى **رفع درود** **ایضا**
 چوبی آهنی بردن آن نه بد و هفت نوبت بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْعَبَّ كُلَّ الْعَبْدِ وَدَعَا كُنْ فِي الْقَبْرِ تَأْكُلُ الطَّعَامَ وَتَرْكُ
 الدِّمَ أَفَا الْوَأَفَى وَالسَّلَاةُ فِي الْكَافِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِذَا قُلْتُمْ نَفْسًا فَالْذَرَّةُ مِنْهَا وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا
 كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوا بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُخَوِّجُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ
 وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ **ایضا** حضرت فاطمه ترخسرت
 آمد و مکتوبه نمود از درد دندان حضرت رسول الله اکبر مبارک بر سر
 خود بردن آن و نهاد و گفت بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ سَائِلُكَ بِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ
 وَقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ إِنْ مَرِمْتُ لَمْ تَلِدْ عَنِّي دُوحًا وَكَفَيْتَنِي أَنْ
 تَخْشَفَ مَا تَلْقَى فَلَانِ بِنِزَانِ الْفَرَكَةِ تَكُنْ مَا بِهَا كَأَنَّكَ مَا

الميسر لبي آدم كاذبي سجدة لآدم والمثلثة كاذبة لآدم كذبة فلان
 شدت يورع سور سور صفه صفه تحت الحاتم ملهين
 داود والله رب العالمين **وتم** بنوييد بر دو ايج سوال
 آب ندیده باشد وزن هر يك را در زیر کجای نهی **اللهم يا فارح**
وكاشف الغم ورحم الدنيا والاخرى ورحمهما ارحم فلان بنت فلان
تحمه يغنيها بها من محبة جميع خلقك تفرج بها كربها وتكفي
بها عنها وتسير ولايتها وفضيبتهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين
 وروای دیگر بنویسد این شکل را بران راست زن بندد و بنویسد
 این شکل را بران چپا و بندد و منها خلقك و منها تعبدك و منها
 يخرجك مائة اخرى يا خالق النفس من النفس وخالق النفس من النفس
 فارجع عنها الخلة سوية يا ذا الله عز وجل **تخل**
 از برای رشته که پای من باشد بتابد و بماند از چشم انکه که در این
 جدا کند و هفت کی بران زند و بر هر کس به بار فائده الکتاب بخواند
 و بعد از آن سه بار بران ایمان سه بار دعا بخواند **بسم الله الايد الخصي العبد**
المرتب بعد الظاهر عن الولد العالي عن ان يولد الجربا و عذري
بلا محمد القوي بلا محمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
يا خالق الخلق يا من التو بقدره در جبهه يا من لا ربي عز وجل

احمد	ابن	ابن	ابن
ابن	ابن	ابن	ابن

يا من لا ربي عز وجل يا من لا ربي عز وجل يا من لا ربي عز وجل
 و صلى الله على خير خلقك محمد و آله و سلم اللهم فلان بن فلان بفناءك ودا
 يد و لك و غاد من لا اله الا انت قادر على ما تشاء وانت ارحم الراحمين
 و صلى الله على محمد و آله الطاهرين **رفع در** منقول گفته اند که در
 بر داود و بر محلی که در می کند از هر جهت و غیر آن بمالد و بگوید **اوقیت**
الحمد والثناء و من لا اله الا انت العود من البحر للبلود و من العرق العذير
الودم الاخر و من اعظم و من الشراب و ربه و عليم الله تعاليم الله تعاليم
 بعد از آن که در بر زمین زند **ایضا** منقول از امام ضاعی است که بنویسد
 کند که از شب برون می آید و قبضه خاک بردارد و بران محل بمالد که
 میکند و بگوید **بسم الله و بالله و مراستی و کم ازلک سوء عود بصیر**
بجفای ازلک ما دفع ما لیلی معک دفع ابوکم در بر من بر اینو خطی مدو
 بران بکشد و بعد از آن در میان آن بنویسد که یوما یوما ما او غنی صوا
 و هو غنی عن الخصال منع الله الذي انقضى كل شيء انه خير
 و ما تعقلون و همچنین صباح باشد بنویسد که هر بقیه هر بقیه
 حتی تحت الطریق و همچنین صباح بنویسد قهر بد قهر اکهن
 که و من مالا و خشك بلا بحق القدوس **نوی** بنویسد این شکل را
 بازوی او بندد که بر روی نیاید و اگر بر روی آمد باشد شست بر روی نیاید

بسم الله

در لایحه از ماری نوع دیگر بنویسد این شکل چهار در چهار را از برای

۱۳	۲	۳	۴
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۷	۱۸	۹	۶
۱	۱۵	۱۶	۱۴

آبله و بر بازی بکشد

نوع عقرب و مار امام جعفر

و فرمود که بخوانید در شبگاه این دعا را بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ
مُحَمَّدٌ وَ آدَمُ خَدِيتَ الْعَقَارَ وَ الْحَيَاتِ كُلَّهَا بِأَذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قُلُوبُهُمَا
وَ أَذْقَاهُمَا وَ السَّمْعَ مَا وَ السَّمْعَ مَا وَ قَوْلَاهُمَا عَنِّي وَ عَنِّي مِنْ أَجِبَتِ إِلَى الصُّفَى
الْتِمَارِ أَنْشَاءَ اللَّهُ قَبْلَهُ دِكْرُ فَرُودِ كَخَوَانِدِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اللَّهُ يَالِغِ أَمْرُ الْقَلَمِ
فِي كُفْرِكَ وَ فِي جَوَارِكَ وَ أَجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَ أَجْعَلْنِي فِي
أَمْنِكَ نوع دیگر آنحضرت فرمود که جماعتی نزد رسول الله آمدند
و از عقر به اشتکایه آنحضرت کردند و فرمود که در صبح و شب این دعا بخوانید
أَعُوذُ بِكَ يَا اللَّهُ الشَّامِتِ الْغِيَابِ وَ ذُقْنِي بَرًّا وَ لَا فِرَارَ
الَّذِي يَخْفَرُ جَانَهُ مِنْ شَرِّ مَا دَرَاءَ مِنْ شَرِّ بَرَاءٍ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ
وَ شَرِّ كِبَرٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ لَخَدِّ بِنَاصِيَتِهِمَا أَرْزَقَنِي
عَلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که در شب این دعا
بخواند من ضامن او بم صبح از عقرب و کونند این دعا بخواند
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَاتَمُ السُّلَمَانِ بْنِ دَاوُدَ أَخِ وَمَا سَكَ مَلَاكِهِ

سوا سو مار و مار دانا او قوی مرادی من لرحم یا جم الله خاتم و یا
للتام چون مار را به بند سه بار بخواند با حیت و بر نازا برون کند و مار را بکشد
نوع مار در خانه اگر خواهد که مار در خانه نیاید بنویسد بر چهار قطعه و در چهار
طرف خانه دفن کند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَسْبُهُ وَ مَحْبُهُ وَ مَهْوَبُهَا
وَ طُودُ وَ مَكِيبُ بگوید ایها الاسود الوهاب الذی لا یبالی اعلی و لا یبالی
عرفت علیکم یایم العوالب ان لا یؤذونی و لا اصحابی الی ان یتقیض
الیل و یجئ الصبح یا لای یؤذنی یعرف الی ان یؤب الصبح یا ب
نوع دیگر بردارد قطعه ششم که آب بدو زرسید باشد و بتابد و
هفت بار فرزند و بگوید خرج عینی این مریم علی حار او فرزند بخیر و
بر بعضی آنا ارقیک و الله عز و جل شفی و به بند در محل رخصه
ایضا محمد بن عیسی گفته که آنحضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم از آنحضرت
حق باذن الله تمام میسر میسازد هرگاه بخیر شود دستهای خود
بردار روی خود و بخوان برو که بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
لَا دَهَبَ وَ لَمْ تَنْفَسْ نوع هشتم آنحضرت امام رضا علیه السلام از
چشم زخم پرسیدند فرمود که چشم زخم شست پس هرگاه چشم خونی شود
هر دو دست را برابر روی خود بردار و الحمد لله رب العالمین و قل هو الله
و قل اعوذ بها بخوان و دستهای خود بر طرف پشانی خود بمال که دفع

كَلَّمَ جِبَارِي فِي عَظَمَةِ اللَّهِ دَلَّ كَلَّمَ جِبَارِي بِطَرِيقِ اللَّهِ أَنْ تَهْتَمَّ بِتَعَدُّ
 وَدَرَاهُ تَفِي بِحَرْفِ كَلَّمَ عَاوَضَتْ بِأَذْنِ بَيْنِ بَيْنِ كَلَّمَ مَرْفُ
 طَوَّ وَجِبَارِي نَحْوِ وَتَسَلَّطَ ذِي قَدْرَةٍ عَاوَضَ دِي مَهْلَةٍ وَوَالِدِي
 امْرَأَةٍ وَجِبَارِي دِي صَبَغَةٍ وَمَا كَدَّ دِي بَكِيَّةٍ وَكَلَّمَ مَعَانِ أَوْ مَعِينِ
 قَتَالَةٍ مَعِينَةٍ أَوْ حِلَّةٍ مَوْذِيَّةٍ أَوْ سَعَايَةِ مَلِيَّةٍ أَوْ حِلَّةٍ مَرْذِيَّةٍ وَكَلَّمَ
 طَائِفَ دِي كَرَامَةِ أَوْ مَحَبَّةٍ دِي حِلَّةٍ وَكَلَّمَ لَقْنِي فِي كُلِّ مَذْهَبٍ
 وَأَمَدَدْتُ لَقْنِي وَدَرِي فِي سِتِّمْ جِبَارِي مَا أُنْزِلَتْ فِي كِبَالِكَ وَأَحْكَمْتُ
 مِنْ جِبَارِي الَّذِي لَا تَوْفِي بِمَوْنٍ مِنْ مَوْنِهِ وَهُوَ كَلَّمَ بِأَلْعَدَلِ
 لِلْجِبَارِي الَّذِي لَا يَأْتِي بِأَلْبَابٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَهْنِئَةً
 حَمِيدَةً خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ عَنَانٌ وَهُمْ
 عَذَابٌ عَظِيمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ **وفى** ابو جعفر
 كه فاطمه بلمان عليه السلام تعليم فرموده بود و سلمان گفت كه خبر از
 كه از اهل مدینه و مكه كه ايتا از آب بودي بهر يك اين جز شفا يافتد
فمن رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ اللَّهُ
 نُورٌ عَلَى نُورٍ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مَدِيرُ الْأُمُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي
 خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مُطَهَّرٍ وَهُوَ الْقُدْسُ
 مَقْدُورٌ عَلَى نَحْيٍ مُحَمَّدٌ بَوَّالٌ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ الْعَزِيزُ الْمَذْكُورُ وَالْبَاقِي مَشْهُودٌ

عَلَى السَّيِّئَةِ وَالْفَضَائِلِ كَمَا وَصَلَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
باب دوازدهم در نهانی لوا و این کتاب كه واقع است در هر باب
فصل اول در ذكر خصوفی كه بر آدمی لازم است **روایت** از کلام امام
 العابدین امیرالمؤمنین روایت كند از ائمه بن ذی الرثالی و او از حضرت امیرالمؤمنین
 فرموده كه حق خدايي بر تو است كه تو او را بيايكي بپرست و هیچ چیزی را با او عبادت
 او شركت نكردی هرگاه كه چنین دینی بخواهی بجا آید امور دنیا و آخرت ترا بر می آورد
 و آخرتت خلاص می گردی و حق نفس بر تو است كه او را بكار خدايی بفرماید و حق
 زبان است كه او را عادت بخیر گفتن كند و ترك زیاده ها كه فایده در آن باشد بپارد
 نيكویی كردن و با ایشان سخن بگویند و حق گوش بر تو است كه او را از شنیدن
 باز داری و از آنچه شنیدن آن حلال نیست نگاه داری و حق چشم است كه از آنچه
 دیدن آن حلال نیست بپوشانی و به آن نظر نكنی و وضع الهی و اخیری بجهت كیری و حق
 دست است كه از آنچه چیزی كه بر تو حلال باشد در آن كنی و حق پای است كه از روی حجاب
 كه رفتن آنجا بر تو حلال نباشد كه به آن پای بر صراط باید رفت تا مغرور و در آتش غرق
 و حق كم است كه از اطراف حرام كردن و زیاده بر بسیاری بخوری و حق فرج است
 كه او را از نگاه داری و محافظت آن كنی تا يكمی او را نه چند و حق نماز است
 بدانی كه ترا بجا بخت ميكشد و در وقت نماز نزد حق جل و علا ایستاده پس هرگاه كه
 ایستی در مقام دلالت خواری و حقارت بی اعتباری و راغب تر سنده امیدوار و تضرع

دبرگاه که کما تعظیم کند کسی را که نزد او ایستاده بسکون و قار و روی دلجی
بجایب غار و حدود و جوی که هست بجای می آوری بفرمود حضرت کار ساز و حق
آنت که بدانی که آن سید ایت که یکیش ترا بجانب پروردگار و در حق نبوی او
از کائنات در دست قبول تو و دادای فرض که بر تو واجب گردانیده حضرت حق
روزه آنت که بدانی که آن عبادت که خدای تعالی بر زبان پیشم گوش و فرج ناپوش
به آن ترا از آتش و نفع و اگر روزی نگیری برده حق را دریده بگرد خود را بر او
و حق صدق آنت که بدانی که ذخیره آخرت تست نزد حق و امانیت که حاجت
بگو امان دارد و آنچه تو بهمانا نه و بی قمار بر آن شیت است که بنظر مدعی ما
که دفع بلا می کند از تو در دنیا و در آخرت دفع آتش و نفع و حق وانی آنت که بگفته
رضای خدا کنی به جهت خلق و خواهی از آن آبر سیدن رحمت حق و نجات و ملاک
از آتش سقر در روزی که باشد ترا هیچ مقرر و حق سلطان آنت که بدانی که ترا گفته
گردانیده اند و انکه و انکه بر شما باید که بیدی و بعضی سخن که بدست خود خورده
اند نه به شرم و علم سرک بر او راخته بشود و آنچه بتو از جانب دوست از بدی حق
آنت که تعلیم مجلس او کنز و کوشش سخن او و نیکو باری و متوجه او بشود و او از بر تو
کنی و نو میداند کسی را که از او سؤال کند از چیزی الا آنکه خود جواب دهد و
مجلس او با دیگری سخن بگوئی و نزد او عینت بچکس کنوی و هر کس که نزد تو بدو گوید
دفع آن دو نفر و اگر چه در شسته بشود و ثانی و اظهار نیکو بهای او نمایی و با شسته

بیشتر

او نشینی و باد وستان او شوم کنی هرگاه که چنین کنی دی فرستگان که اهر سید بهند
که تو علم بجست خدا امیر تر نه برای مردم و الا حسرت اند و خست در آن جهان و حق
بر تو آنت که مطیع او بشود و از فرمان او در گذری الا پذیریزی که رضای حق در آن
نباشد که اطاعت مخلوق در عصیت عاقلی و رعیت و حق سلطان رعیت
آنت که بدانی که ایشان بجست متغف خود و قوت او رعیت شده اند پس واجب
باشد بر تو که میانه ایشان عدالت کنی که رعایت او همچون پدر شفق باشد
و ادانی ایشان را بجهت و زود بر ایشان عفو کند و بگو خدای را بجای آورد که او را بر ایشان
عالم گردانیده و حق را بخود غالب داند و حق رعیت متعلم تو علم آنت که بدانی
که حق جل و علا ترا بر ایشان حکم ساخته است بسبب علم که بتو داده و خدای علم
کشا و پس اگر نیک تعلیم کردی از ایشان در نفع به شتر خدای تعالی زیاد میکند و
و احسان خود را در بارگاه تو و اگر با ایشان تعلیم علم بخیر و از ایشان در نفع داری علم را
بر خدای تعالی لازم شود که آن علم را از تو بستاند و ترا از دلبها پندارد و حق زین
بر شوهر آنت که شوهر بداند که خدای تعالی زنا این مجلس سکون او گردانیده و
که این عینت انجلیت حق جل و علا بر او پس باید که گرامی دارد او را و با او برقی و مدار
سکون کند اگر چه حق شوهر بر او واجب تر باشد فاما بر شوهر آنت که بر او رحم کند
بسیب آنکه زن سیار است و مان و جابر او به رسد که با او ای که او را عفو کند
و از کلاه او در گذرد و حق مقام بر تو آنت که بدانی که او آفریده پروردگار است و بر شوهر

که آدم است و مادر او که خواهر از خون کشت ملکیت زیر که او را تو میافریده بلکه
حق او را آورده است هیچ چیز از دست پایی او مخلوق تو نیست و تو رزق او را نمی
بلکه خدای تو جل و ازی او میدهد و او را مستحق گردانیده و به امانت بتو داده که
تا نگاه دارد از برای تو آنچه بتو می آید از خیرش و احسان کنی او بچنانکه خدای تعالی
بتو احسان کرده و عوض کننده خدای الافوة الا بالله استحقاق ما در بر تو
که او ترا برده است از جای که بچشم من نباشته و او میوه دل خود را بتو داده
اینچه دیگری را نداده و تمام حق دست و پای چشم و زبان خود را حفظ نموده و در
کرتب که ترا طعام داده و در وقت برهنه ترا پوشیده و در وقت آفتاب
بپای برده و در وقت خواب بچوای کشیده از برای تو و از که ما و همه را ترا نگاه
و تحمیل ترا در دکان داشته که از برای او باشی بهتر که آنچه بشکرا و پیران نمی
مگر باری تو فیت الهی و حق بر تو است که او اصل است که او نمی بود تو نمی بودی
پس هرگاه که در نفس خود چیزی بینی که سبب عجب دیگر تو شود و بداند که پدر تو است
تست پس سر و شانی او بجای آید و قدم از دایره ادب و بیرون مننه و حق
فرزند بر تو است که بدانی که او از تست و بتو منسوبست و در دنیا و آخرت
بخیر و شر و آنکه از تو پرستش خواهد شد و از حسن او به راه های بطریق حق
چو اگر چنین کنی بر سر مددکاری کرده بشیر بر طاعت حضرت عتبت پس عمل کن که در اند
و شل عمل کنس که میداند که ثواب می باید بر نیکی و ای و عقاب می باید بر بدی و

و حق بر تو است که بدانی که دست تست و سبب عتبت و قوه تست پس او را
صلاح نگاهداری و مدد مکن و بدو ظلم مکن خدا مکر دان و در خود را بآن مبارزه ترک
کنی باری که آن او را بر دشمنانی بصیحت کنی و اگر طاعت و فرمان برداری حق تعالی
و الا خدای تعالی بر تو که هرگز است و هیچ قوتی نیست مگر بسوی حق جل علاه و حق
منعم بر سویی آنکه ترا آزاد کرده است که بدانی که او مال خود را در راه تو
کرده و ترا خریده و از مذلت بندگی و حشت آن بیرون آورده و به عزت آزاد کنی
و نفس ترا مطلق العنان ساخته و بند بندگی ترا کشوده و ترا از برای عبادت برپا
فایز گردانیده و بدانی که نزدیک ترین مردم بتو در حال حیات و بعد از ممات است
و آنکه باری بر تو واجبست و هیچ قوتی نیست الا بحاجت خدای تعالی و حق غلام
از او کرده بر تو است که خدای تعالی آزاد کردن تو را سبب نجات تو و نزدیک
گردانیده و از اجابت تو ساخته از آتش و دوزخ و درین میراث عوض آزادی و مالی که
در بهای او داده و اگر او را میراث خواری مکن نباشد و آخرت بهشت بتو از آن
و حق آنکه با تو نیکی می کند آنست که شکرا و کوی احسانی که با تو کرده فراموش
و میانه تو و خدا به اخلاص و حاجای آوری هرگاه که چنین کنی هم بسیر و علایق
او کرده و اگر روزی قادر شوی که عوض نیکی او کنی باید که آن نیکی بجا آوری
و حق مؤذنی است که او خدا را بپا د تو میدهد و ترا بسوی فایده تو باری میکند
بر ادای آنچه حق بر تو فرض کرده اند پس شکرا آن قدیم سالن شرک که با تو

احسان کرده باشد و حق پیش نماز در نماز است که بدان که او میبایستی و بیگانه است
میان تو و خدای عزوجل و از قبل تو بخدای تم سخن میگوید و تو را جانب او سخن میگوید و از
برای او دعا میکند و کفایت کرده مولایان تو نزد حق جل و علا برین گفته باشد
نماز تو و اگر تمام بشود تا او شریک بشود و نباشد و او را بر تو زیادتی برین گفته باشد
تر از حق خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر او را بدین وجه باید گذارد و حق تعالی
نعمی که بر جانب او در جو است فضل و انصاف دهی او را و از مجلس اذن او بر بخیزی
و اکس که نشیند نزد او او را درست باشد که بی اذن او بر نخیزد و باید که گمان
او را فراموش کنی و نیکو بر و خیرات او را یاد کنی و از او بغیر خبری نشنوی
و حق عیار بر توانست که اگر غایب بشود جانب او را نگاه داری و اگر حاضر باشد
او را گرامی داری و اگر مظلوم باشد او را یاری دهی و اگر بی از بدانی بهوشانی
و اگر نصیحت ترا قبول میکند او را نصیحت کنی در آنچه میانه تو و او است و او را
نگذاری و اگر لغزینی از او واقع شود بهوشان و گناه او را بخش و با او محبت کنی
و مجلس را قوت نیست الا بوی خدا و حق مصاحبت است که با او محبت داری
و انصاف و نیکویی و او را گرامی داری چنانکه او ترا گرامی دارد و نگذاری که او بر تو
بر نیکویی سبقت گیرد و اگر بر نیکویی بر تو سابق شود باید که عوض آن نیکویی که بخدا
آورده و اگر مصیبتی از او ظاهر شود او را از آن منع کنی و در رحمت بشود و بر وعدت
و مجلس را قوت نیست الا بوی خدای تم و حق شریک بر توانست که اگر غایب شود کفایت

او کمتر و حکم او حکم کنی و به مشورت او برای خود عمل کنی و مال او را نگاه داری و بیعت
در آن کمتر کنی و برکت خدای عزوجل با شریکات با دام که حیانت کند و هیچ قولی
الا بوی خدای تم و حق مال بر توانست که بستاند از او وجه حلال و صرف بخیر از
در محل حرام و عمل کنی در آن بطاعت الهی در آن سخن که موجب حرمت و هیچ چیز
قولی نیست که بخدا و حق خصم دار بر توانست که اگر مال داری قرض او را ادا کنی و الا
بعضی خوش او را نشود ساز و ملطف ملایمت او را از خود دور کنی تا قدرت پیدا کنی
و حق کسی که مال او با مال تو آمیخته است آنست که آنرا بر زبان نیندازی و چیزی را بر تو
و او را فریب نه هر دو را را و از حق تو بری و حق خصم که بر تو دعوی دارد آنست
که اگر آنچه او بر تو دعوی دارد حقت تو که گناه حال خود بشمر بغیر اقرار کنی بر آن و بر تو
کنی و حق او را ادا کنی و اگر آنچه او بر تو دعوی میکند باطل باشد بر وفق و مدار او
سخن گویند و غضب نروی با حق جل و علا را و هیچ قولی نیست هیچ چیز الا بخدا
و حق کسی که با تو مشورت کند آنست که اگر رای صواب دانی او را بدان دلالت کنی
و خبر دهی و اگر غلطی بکشی که دانند راه غلطی خود که تو با او مشورت میکنی آنست
اگر رای تو باری او موافق نباشد او را تنهم کردانی و بعضی عمل کنی و اگر رای او موافق
دای تو باشد شکر ایزدی بکشی از وی و حق کسی که از تو نصیحت طلبد آنست که نصیحت
کنی و او را لیکر بطریق رفتی و در محبت و مدارا و شفقت و حق نصیحت کند بر تو
که مطیع او شوی و گوش بکنی و کمتر اگر نصیحت بر تو بخوبی کند شکر الهی تقدیم کنی

و اگر موافق نکوید و دانی که خطا کرده و او را بدان مواضع دنازی مگر آنکه متهم باشد
 و محل اعتماد را نشاید بدو ملحق مکن و اعتماد بر آن بنمای هیچ چیز از امور دقوتی نیست
 بجانب حق تعالی و حق مرد پیر است که او را بجهت بزرگ سال تعظیم کن و او را بر سر
 دانی جهت آنکه پیش از تو به اسلام در آمده و با او مقابل خصمی کنی و پیش
 او زوی و او را نادانی شری و اگر نادانی بر تو کند بخل کن و او را کرامی داری
 بجهت حق سلام و حرمت آن و حق کوچک بر تو است که هم کنیز تعلیم آن
 و کنای که از او صادر شود و غفور و پوینا و با او بر می ملوک کنی و یاری
 او را و حق مایل بر تو است که بعد حاجت او با و چیزی دهی و حق مسئول آنکه چون
 چیزی بدو بدهد و سپاس حق بجای آورد و مایل از قبول کند آن احسان و شکر
 آن نکوید اگر منع کنی مایل را خدا آن بپندرد و حق آنکه ترا خوشحال میکرد اند
 که شکر الهی بجای آید اول و بعد از آن شکر او بجای آید و حق آنکه بر تو بی
 کرده است که غفور کن از او و اگر دانی که غفور کردن نصرت برساند انتقام از کوش
 بجا کن که حق جل علاه فرموده وَلَمَّا أَنْتَصَرْتُمْ بَعْدَ ظِلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَتَاعُكَ
مِنْ بَعْدِهِ و حق اصل ملت بر تو است که سلا و رحمت خواهی از حضرت
 برای ایشان و سگافات بری نیکی بجای آید و با ایشان الفت و درزی و اصلاح
 حال ایشان نمایی و شکر نیکان ایشان را بقدیم رسان و از برای ایشان بخوان آنچه
 از برای خود میخواهی و پسندی بر ایشان آنچه بر خود پسندی و باید که پدر ایشان را

بنماید و خود دانی و جوانان ایشان را بشمار بر او راست و دنان ایشان بجای مادر و کودکان
 مانند فرزندان و حق اصل دانه است که قبول کن از ایشان آنچه حق تعالی فرموده است
 بر ایشان مگر آنکه بعد از حق نماید و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم
فصل دوم بعد از این که در باب مضایق است
 و روایت از حضرت الصادق علیه السلام که هر چه در حق خود خورد از طعام خوردن با خجاست که خوب است
 و از آن چیز ندان چیدن و مسواک در حمام کردن و در سجده آب و در سجده آب و در خور و خوردن
 طعامی که نیم خوروش باشد و از آنکه نشستن بر مسجد الا آنکه حرکت نماز نکند و نهی
 از بول کردن در زیر دست میوه دارد و میان کوه را بگذرد و بر سر طعام خوردن
 طعام خوردن و از آنکه در کربلا و کربلا و نماز و درستان که در بول و درستان
 و بول کردن در آب که سبب سبب است و از آنکه در کربلا و کربلا و نماز و درستان
 در مصیبت و کوش بر آن کردن و سیاه کردن قرآن به آب دهن و کوشش و خواب
 گفتن بعد از اجرای آن در در قیامت عذابش کند که بردانه جو کره بزند و از صورت
 ساختن که در قیامت عذابش کند که روح در آن دم و از جانور بر آتش سوختن
 و سخن گفتن بیدار و وقت جماع و از سخن گفتن با غیر محرم بیشتر از پنج کلمه که فرمودی
 و از حکایت کردن زن با زن دیگر از آنچه در میان او گذشته باشد هر خود در خلوت
 و نهی کرده از بازی کردن نزد شوهر و از تمامی آلات منافی از آن و از آنکه
 و عود و طنبور و از غیبت کردن و شنیدن و دعوت فاسقان قبول کردن طعام

اینان سوگند بدین می‌کند که چون در آن ملک و از حاضر شدن بر خوان
و بر خوان طعام که در آنجا شراب باشد و رفیق بجام با بن خود و بی لنگت بجام رفیق
و از گفتن سخن که در میان خدا نباشد و نهی کرده از خوردن میوه که بخت و نیکبخت نباشد
و آنحضرت فرموده که لعنت خدا بر شراب و بر آنکس که درخت انجور به آن قصد نشاید
و فاش رنده و ساقی و خورنده و فروشنده و خریدنده و بارکننده آن و آنکه از بهای آن
میخورد و فرمود که هر کس که شراب خورد نماز و قبول نیست تا چهل روز و اگر بخورد
و در شکم او شراب باشد هدایش کند او را تا بیا ساند از قوم و دوزخ را و آنچه
فرج زنان مردان را کار آید در دوزخ و نهی فرموده از شعر خواندن در مسجد و شیه
کشدن در مسجد بر کسی و از زدن بر روی چهار پایان و بکریستن بر صورت مردم
بکریستن زن بر صورت و نهی فرموده از نماز گذاردن در رودخانه و بر جایی که
شتر می‌بندند و بر بام کعبه و از دلخ کردن بر روی چهار پایان و از سوگند یاد
کردن بغیر خدا و فرموده که هر که سوگند یاد کند بغیر خدا او را از خدا نصیبی
و از سوگند یاد کردن بکلیه سوره قرآن و اگر چنین کند بهر یک آیه کفاره لازم آید
و نهی فرموده از نشستن جنب در مسجد و بر صحت بودن در روز و شب از حج تمتع
کردن در روز چهارشنبه و شنبه و جمعه و از سخن گفتن در روز که خطبه میخوانند
روز جمعه و اگر سخن گویند بخیانت که نماز جمعه نگذارده اند و نهی فرموده از نقس
کردن جانوران بر یکدیگر و از خوردن آب چون چهار پایان یا بکره و هر که آب بکشد

یکدست بیا ساند و نهی کرده از آب دهن در چاه انداختن و از آنکه کسی را در کار دارند
و مزد کار به او نگویند و از دوری از دوستان که ضرورت باشد تا سه روز
دوری توان کرد و از فروختن طلا و بطلا که پیش باشد و فرموده که هر که سلطان را بر جوی
برادر یا پادشاه بر دوزخ رود و فرمود که کسی که خانه بسیار زیاده از قدر حاجت بر یاد
قیامت در کردن و کند تا هفت طبقه زمین دید که فرمود که کسی که ظلم کند و مزخرفی
که بجهت او کار کرده باشد بوی نداید بوی بهشت نشود یا آنکه بوی بهشت یا نکند
میرود و هر کس که قرآن خوانده باشد و فراموش کند بهر یک آیه او را یکبار در دوزخ
اندازند مگر کسی که حق سبحان و تعالی را با هر روز و هر که قرآن خوانده باشد و هر که بخورد و بقیاب
گرفتار شود مگر که توبه کند و هر کس که زنا کند و بی تو بگوید حق سبحان و تعالی سیصد
در قبر او کند که مار و عقرب و کژدم بقر او در آیند و او را کنند تا روز قیامت و چون
از قبر برخیزد مردم از بوی بد او در عذاب باشند و رسول الله فرموده که هر که بر زنی
راضی نباشد که خدای تعالی بدو داده و شکوه کند و صبر کند عمل حسن او قبول نشود
مگر آنکه توبه کند و فرموده که کسی که ظلم کند بر مهر زن خود و بخیانت کند زنا کرده و روز
قیامت ثواب علمای آن باز ندهد مقدار حق او و اگر ثواب داشته باشد
بدوزخ میفرستندش و نهی فرموده از پنهان داشتن کوفی که نزد اوست که
روز قیامت در میان خلایق عذابش کند که گوشت بدن خود خورد و هر کس که
بی بهتیا برساند بوی بهشت نشود و بدوزخ رود و هر کس که حق همای را بجایی

از مائیت و رسول صل الله علیه و آله فرمود که دایم جرئت وصیت نمیکرد و در دعا
حق میسایر بر وجهی که مرا کمان شد که مرا شای بر دو کجانی وصیت میکرد بر دعایت
حق علام و کینه بنوعی که مرا کمان شد که تعیین و قهر نمیکند که چون ایشان بدان وقت
رسند آزاد میشوند و همچنین وصیت میکرد بمسواک کردن بطریق که کمان میشد
که فرض خواهد شد و همچنین وصیت نمود به پیدایش شب نماز و همچنین که کمان میشد
که ائمان مرغی نخواهند کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس بفقیر مستمدا طاعتی
چنانست که در حق خدا خاری که در حق و در روز قیامت خدای تم به و خوار کند و دیگر
فرموده که چون کسی بالمهری شوقی بخواند و او اجتناب کند از ترس خدای تعالی
آتش دوزخ را و سختی روز قیامت بر وی حرام گرداند و در ضمنای بهشت که بوی
فرموده بوی ازانی فرماید و هر کس که بهو چری از امور دنیا و آخرت برو عزم کند
داو دنیا را اختیار کند او را نیکی نباشد و اگر اختیار آخرت کرده در قیامت
بسبب آن رستگار گردد و حضرت حق تعالی از او راضی شود و کلمات او را بسیار
و هر کس بهای او پیش از حرام در روز قیامت پر شود از آتش دوزخ مگر که
توبه کند و دیگر فرموده که هر که دست بردن نهد که بر و محرم نباشد
مسخر عذاب رب الارباب شود و هر که در بیکر دینی را بجز از او را باشد شیطان
در کینت بر غیره دوزخ اندازند و کسی که با مسلمانان در خیر و فرحت نارسد
کند از مائیت و در روز قیامت با یهودانش حشر کند و دیگر نمی فرموده در آنکه

کسی که از مسایکان باز دارد و چری چند را که مسایکان بیکدیگر میدهند مانند نمک
و آتش و مانند اینها و هر که باز کرد اینها را از مسایکان خود خدای تعالی رحمت از او باز کرد
و هر که با آنچه بر روی سینه زند در قیامت استخوانهای اعضای او خورد کرد و دخل
در کون جود و دوزخ که توبه کند و هر زنی که شوهر خود را آزاد رساند بر زبان حق تعالی
فرض نیست و نیکویی که کرده باشد قبول نکند تا خشو دنا در شوهر را اگر چه زور برد
باشد و شب در نماز و چنین بنده آزاد کرده باشد و در راه خدای جهاد بجای آورد
باشد اول کسی که بد و دوزخ رود او باشد و دیگر همچنین حال مردی که برن ستم کند و دیگر
نمی فرمود از غیبت که هر که غیبت کرد ستم کند و زنه او باطل شود و وضوی
او بشکند و در قیامت چون بجایگاه آید بوی در میان او از سیم بویها بدتر باشد چنانکه
عصا از آن بوی در آزار باشند پس اگر پیش از توبه بمیرد چنان باشد که حال
خود را حرام داشته باشد و هر که خشم از کناه کسی فرو برد یا آنکه تواند که حق
فرای او را بد و حق تعالی ثواب دهد او را اگر امانت فرماید و دیگر آنحضرت فرموده که
هر که در مجلس غیبت بر ادبی بشنود و او را از آن زد و در غیبت که کسی را از پت
حق تعالی از بهشت از به باب و اگر باز نداد و حال آنکه قادر بر باز داشتن باشد
کنا او شل کنا کسیت که نهاد با غیبت کسی که در بهشت و در خیانت که امانت را
بصاحب نرساند و غیره غیبت نبوی مرده باشد و حق تعالی با او خشم بود و هر که
کواهی بر دوزخ به هر بر زانش سپا و زند با منافقان در درک الاسفل و کفر بخود

آنچه خیار کرده اند و دانند که خیانت است کنایه او مثل کنایه خیانت کننده است
 و هر که باز کرد از برادر مسلمان حق او را حق تمام برکت رزق با بر و عوام کرد اندک که
 بازگشت نماید و کسی که بشنود سخن فحش را و شهرت دهد کنایه او بقدر کنایه فحش
 که فحش گفته و دیگر فرموده که شخصی که محتاج شود به او بقرض و او قرض او تواند
 و نه بد بوی شبت نشود و دیگر کسی که بی غلظتی زن صبر کند بجهت ثواب الهی تمام
 او را ثوابی که آن کرامت فرماید و کسی که کرامی دارد برادر مسلمان را حق او را اگر می
 دارد و دیگر نمی فرموده از شخصی که بی خست جمعی نماز جماعت کند و اگر امامت کند
 بر خست ایشان و وفات در کعبه و دیگر نماید ایشان را خبر باشد او را مقدار ثواب
 ایشان باشد بی آنکه چیزی از ثواب ایشان کم شود و دیگر فرموده که هر که حاجت نیاید
 کسی را بر آورد یا سعی نماید پیوسته رحمت حق بر او رسد از اتفاق و آتش و زنج
 بر هر و دیگر هر که چهار شود و کشت بانه روز نکایت کند در روز قیامت با ابراهیم
 علیه السلام تا از صراط چون برق بگذرد و کسی که سعی کند در حاجت خسته از تمام
 کنایه آن پاک شود اگر چه آن خسته از مردم خودش بشود و دیگر فرموده که هر که بر دارد
 از بنده مؤمن رحمتی از رحمت های بنوی خدای تعالی رحمت از او بر دارد و کسی که بطل
 کند حق صاحب حق تا آنکه او را تواند کرد او را هر روزی کنایه متعاقب باشد
 و فرموده که حق تمام میفرماید که من جرم کرده ام بهشت را بخیل و بر سخن چین
 و منت نموده و فرموده که هر که صدقه کند بهر یک در تمام مقدار که او احد از نعمت

بشت بوی دهند و کسی که سعی کند در رسیدن صدقه و محتاج ثواب ماند ثواب صدقه دهند
 و کسی که ناکند و بر مریض نماند از بر و صفا و ملک و از آن کنایه آن که از بر و شود و اگر بشت
 تا او را در خاک کند بهر یک کام قراطی ثواب بوی دهند و قراطی مقدار که او احد است
 و کسی که چنان شل انگیزد از ترس خدا او را باشد بهر یک قطره قرضی رضع و زیبا
 که هیچ چیزی او را ندیده باشد و فرموده که هر که مسجد رود و بطلب نماز جماعت نماز او را
 بهر کامی افتاد هزار درجه بلند کند و اگر در آن مجید و حق تمام افتاد هزار درجه بلند
 کند که هر پرستش او کند و کسی که بانگ نماز بگوید برای رضای خدای طبعی از بندگان
 او را ثواب چهل هزار رسید باشد و در شفاعت او داخل باشد و مؤذن چون بگوید
 اللهم ان لا اله الا الله افتاد هزار ملک از پیش از برای او خواهند و در روز
 قیامت در سایه عرش باشد حق تمام از حساب خلق فارغ شود و افتاد هزار ملک ثواب
 اللهم ان محمد رسول الله منوبیند و کسی که در حضور صف اول در یمن
 بیکر اول از نماز جماعت رعایت کند او را ثواب مؤذن باشد در دنیا و آخرت
 و کسی که ثوابی که جماعتی را از تقسیم اخراجات و تعیین اجوات ایشان در روز
 دستهای او بخل پیوسته باشد بر کردن او پس اگر استر و سویت میان ایشان
 بخی کرده باشد حق تمام او را خلاص کند و اگر ظلم نموده باشد به آتش و زنج گرفتار شود
 و آنحضرت فرمود که کنایه را حقیق مداریا که اندک در نظر نماید و بسیار
 مداند خبر و یکی را اگر چه بزرگ باشد در نظر شما پس بهتر که کنایه بران مشغول

کوکبیت و اگر از این تو بپسند بزک میت و معصیت از ما چون نصیحت
که این حدیث فرمودست بخط حضرت ابوالمؤمنین علیه السلام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فصل سیم در بیان حدیث حضرت ابوالمؤمنین علیه السلام حضرت ابوالمؤمنین علیه السلام فرمود
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله مرا گفت یا علی میتی میکنم ترا یاد گیر و فراموش مکن یا علی
انکس که فرمود خوشم را و قادریم که ختم بروکنیم حق او را در قیامت او را منی و امانی
کرامت فرماید که لذت و از سحر لذت همتانیکو تر باشد **یا علی** انکس که حقیقت قدر او
ناقص باشد در موت و محروم بود از شفاعت از افضل آنست که صلح چون در آید قصد کند
یا علی هر کس مردم از زبان دیگر حق او را از اوست از اهل انشاست **یا علی** هر
مردی میت که بفرستد آخت خود را برای دنیا بی دیگران **یا علی** انکس که قبول
کنند قدر کس را که قدر گوید و بجز اظهار کند خواه صادق باشد و خواه نه محروم ماند از بعضی
یا علی بمرکز که خدای تعالی دوست دارد دروغی را که بکس متعلق است که گشت شود
و دشمن دارد و بهتر را که فدا حال مؤمنان کند **یا علی** انکس که ترک کند شراب از جهت
خدای تعالی آب دهد او از شراب خالص پاک مهر کرده و حضرت امیر فرمود که با وجود این که باقی
غیر خدا ترک کرده بشیر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود علی اگر از جهت آن ترک کرده بشیر که نفس از جهت
ترسد حقتم او را این فرامید **یا علی** شارب خمر عیبت پرست یا علی
قبول میکند حق نماز شراب خمر را با چهل روز پس اگر درین چهل روز بمیرد کافر
مرد به **یا علی** بدست کننده حرام است و آنچه بدست میکند اگر اندک را بپایند

یا علی هر کس که از این سخن داند و کلام آنجا شراب خودت یا علی شارب خمر را ساقی و لایق کنی
در این حالت خدای خود را یا علی بشیر که خواب کردن که همه آسانی تر است از خوابیدن و پشیمانی
شخصی که سبب منقضی شدیم یا علی انکس که نفع کرد بدین سخن و دنیا را در دست چیریت از
برای خود نشستن ما و انکس که مرجا گوید و ترا امام نداند و دوست ندارد تو از آن جدا
گو و دوست دارد و او را کرامت نیت یا علی سزاوار است که در مرد مؤمنان خصلت باشد
اول وفاداری و یکنزد اضطراب **۲** صبر کردن نزد بلا و عذاب **۳** شکر کردن نزد امان
و نیت **۴** قانع شدن به آنچه خدای تعالی روزی داده **۵** ظلم کند بر دشمنان **۶** شفقت
نموده با برکننده بدوستان **۷** بر او امانت دادن به غیر بدست **۸** مردم از خود
آسانیش باشند و راحت یا علی چنانچه گفته اند که دعای ایشان رویش شود **اول** نام
پدری که برای فرزند دعا کند **۲** مؤمنی که دعا کند برای برادر مؤمن غایب **۳** مظلومی
که بدوستم فرستد یا علی شکر کند که اگر امانت کند از این علامت میکند
نفس خود **اول** کسی که بخواند بماده طعام در آید **۲** کسی که خدای تعالی نماز کردی گفته او
کسی که از دشمن خیر طلب **۳** کسی که عطر خواهد از ایشان **۴** کسی که داخل شود در
درا کر که او را داخل گرداند در آن راز **۵** کسی که بیک کند با پسرانی و بخواند
بجمل گویند که لایق حال ایشان باشد **۶** کسی که خشنود در جای که لایق او نباشد **۷**
کسی که گوش سخن ده کس کرد سخن گویند و او سخن گوید و گوش سخن او نکند یا علی
حرام شده است بدست بر هر بکاری که شمار خود ساخته باشد خویش را باک نباشد

بشیر

از آنچه میگویند و آنچه برای او گویند یا علی قضا حال کسی که عمر او دراز باشد و نیکو باشد
عمل او یا علی مزاج بر جنت ترا و دروغ گوئی که می برد آبروی ترا و بر تو باد که خوار
کنی از و خصلت از تحصیل اضطراب و کاهلی برستی که اگر تحصیل کنی نصیبی کنی در ادب
کسی و اگر کاهلی کنی از ادب یکنی حتی کسی را یا علی بر سر هر که جمله کنان را تو بدست مگر خدای
که بر دارد هر چند برون میرود از گناه و اخل گناه دیگر میشود یا علی چهار خیر است که
عقوبت او زودی آید یکی مردی که نیکی کرده بشر او بی نیکی تو بعدی کند دوم
کسی که عهد ستم برآورده بشر او جوهر ستم بر تو کند سیم مردی که تو عهد او وفا کرده باشی
و او عذر آورد تو چهارم کسی که قطع صلح رحم کند یا علی اکس که اضطراب و مستولی
میرود از و رحمت یا علی عذر داده خصلت در طعام خوردن مرد سلما غرا ستم و
دوستی آن چهار فرض است و چهار ادب اما آن چهار فرض است بداند
که آنچه که میجو در حلال است یا حرام و سیم الله گفتن و شکر کردن و زهر بودن بدن
اصاست آنست که بنشیند بر پای چپ خود و خوردن آنست و از پیش خود
خوردن پاک کردن گشتان زبان اما آنست که لقمه را کوچک بردارد و خورد
و که نگاه کند در روی مردمان بشوید دستهای خود را پیش از طعام و بعد از طعام
خلق کرده است خدای تعالی بهشت را از ده بخش خشتی از طلا و شتر از نقره و سبزه
و دیارهای او را از یاقوت و مسقف او را از زبرجد و سنگ بر او از لؤلؤ و عقیق
او از زعفران و مشک او را بر سر فرموده الله تعالی بر جنت را که حق بگو جنت گفت

لا اله الا الله المحي بالقيوم بر سر که سعادت یافت آنکس که داخل شد در این پیشانی
باز دارد فرمود که رحمت و جلال من که در داخل میشود در جنت شراب نوار و سخن چنین دیوت
و شریعتی که بآنان را انصاف که با حق چیزها نویسنده و محنت و کوشش بکاف و متعجب
و کسی که قطع صلح رحم کند و قوی میگویند جمیع نیک بدست بر خدایت بسته را در آن
نیست یا علی مگویند بخدا که گاه فرشته از امت که کشتار کنند مسلمانان غیر حق و ستم
و دیوت و طاع کنند زن در برین زنی که جانش بر و حرام است و جاع کنند
و آنکس که طاع کند محمد خود را کسی که سعی کند در فتنه کسی که بفروشد اساس حرب را
مثل نرینه و شیر دیر و مانند آن بکافران حرام و کسی که مانع زکوة شود کسی
چچ بر و واجب بود و تقصیر کند و ببرد و حج در کردن او بماند یا علی عوسی نیست نکرد چیز
اول در کفاح دوم در تولد سیم در خسته چهارم خانه خیدن پنجم کسی که از کفر
یا علی سیم خیر است که از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت اول عفو کردن از
کسی که ظلم بر تو کرده ششم دوم صلح رحم جستن کسی بپشتن که بریده باشد از خویش
و دوستان سیم حکم کردن کسی که از جهل ترا بجا نینده باشد یا علی غیبت دان
چهارم خیر زایش از چهار چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری
پیش از دیرین و زندگی پیش از موت یا علی کرده میدارد الله تعالی از امت من
بازی کردن در نماز و صفت نهادن در صدقه و جنب رفتن در مسجد و خنده
کردن در میان کسستانها و مطلع شدن در خانهها بر عورات مردمان و نظر کردن

بش

بر فرج زنی از برای آنکه موجب کسوت و خواب کردن میان نام خفتن از برای آنکه حرام
میکند از خرا و کم میگرداند و غسل کردن در جایی که ساتری باشد و نیز مکروه است
چو بر باغ و غله و در آن مکان که بر آنجا ملائکه ساکنند و مکروه است داخل شدن در حمام
بلقظه و مکروه است سخن گفتن میان بایک و قیامت نماز و مکروه است خواب کردن
بر بالای بامی که از سنگ باشد و مکروه است در کشتی نشستن در وقت اضطراب و فرود
پس فصل اولی در آنکه مکروه است خواب کردن بر بام که ساتری نباشد و نیز مکروه است بری
شده از وقت و مکروه است خواب کردن در خانه تنها و حرام جمیع که در آن باشد
در حالت حیض زیرا که فرزندی که حاصل شود جذام دشت به بزم پس ملامت نکند
مگر نفس خود را زیرا که فعل اوست و مکروه است که با کسی که جذام دشت به بزم سخن
گفتن مگر معایه ایشان قدر زرع باشد آنحضرت فرمود که بگریز از کسی که جذام دشت
انچنان که بگریز از کسی که شیر و مکروه است جمیع کردن در جابت زیرا که فرزندی
که پیدا شود دیوانه باشد و ملامت نکند که نفس خود را زیرا که این کار خود کرده است
و مکروه است بول کردن در کنار آب روان و مکروه است حدث کردن در زیر درخت
میوه دار و مکروه است در رفتن بجا ناریک پهلوی یا علف آفت حرام است
و سه افغانی که در لنت که چمن چنینیم یا علف آنکه ترسد از خدا ترسند
همچیز و هر که از خدا ترسد خدا ترسانند او را از همه چیز یا علف است که کند
که نماز ایشان قبول نیست **اما** علم که بگریزد از خواب خود تا بار آید و خواب

دویم زنی که با شوهر سازگاری کند و شوهر افضل او در غضب باشد **سیم** که اگر زن
چهارم ترک کند و ضو بخم گیزی که ناکند از وی قصه نزد مادر و مان بجم امام قوی که
او را مکروه دانند **ششم** کسی که دست بخت بخت کسی بول و غلت ببول کرده باشد
یا علی چهار گسند که بنا کرده است حق تعالی برای ایشان خانه در بهشت کسی که جای پدر تنی را
و کسی که رحم کند ضعیفی را و کسی که شفقت کند بر مادر پدر و کسی که مدارا کند با علف خود
یا علی سب خیر است که هر که آنها را بجای آورد افضل مردمانی را و کسی که بجای آورد ضعیف
خدا را یا علی عابد ترین مردمان است و کسی که بر میزند از حرام پس او بر میزند کار ترین مردمان است
و آنکه فانی شود با آنچه خدا میسر به او داده است پس غنی ترین مردمان است یا علی
سب خیر است که طاقت نبرد و این است مویا و مدارا و یاری کردن برادران
نومین در مال انصاف دادن مردمان از نفس خود و ذکر خدای تعالی در همه حال و ذکر خدا
است که بگوید **سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر**
و ذکر خدا آنست که چون وارد شود بر و جوی از خدا ترسد و از واجبات نماید یا
کسی که اگر انصاف کنی با ایشان ظلم کند بر تو یکی مردم دنی دار ازل و دویم
توسیم و خادم تو یا علی انصاف نگیرد کسی را که سب از او از بنده عالم
از جاهل و قوی از ضعیف یا علی هفت خیر است که هر کس را باشد تحقیق که تمام کرده است
حقیقت یا علی از او در باری جنت کشنده است از برای او اول تمام ساختن و ضو
دویم نیکو کردن نماز سیم دادن نگو مال چهارم غمخوار و غضب در امر مردمان پنجم از

خود را نگاه داشت از بکشتن ششم استغفار از برای گناه خود کرد و گفت من نصیحت کردی
 یا علی حق گفت کرد پس او را که گوشه خود نهادند و دویم کسی که در میان آنها بود
 رفیق نباشد سیم کسی که در خانه تنها خواب کند یا علی گفت که میرسیم از نوای ایشان اول کسی
 بخات کند در میان قبرستان و دویم که همراه رود و یک پای او بخش باشد و دیگری نه سیم که خواب
 کند و خانه تنها یا علی پس خیر است که نکوت دروغ گفتن در وی اول کسی که در بن در جیب
 دویم و عده دوان از زمان از جهت صلح ایشان سیم میان دو کس که عداوت هم در جهت صلح ایشان
 دروغ گفتن یا علی گفت که مصاحبت ایشان دل را سیاه و تیره کند اول ششم با مردم
 از ازل دویم ششم با مردم سیم تو را نمی بیند که گفتن از زمان علی پس خیر است که از
 حقایق ایمانست اول انعام کردن درویشان و دویم انصاف دادن مردمانی از نفس خود و سیم
 مردم تعلیم نمودن یا علی پس خیر است که در امر کسی نباشد تمام نیست علی او یکی بر چیز کار می منع
 کند انکس از غصیان و دویم خلق نکو که با مردمان در امر را که سبب آن سیم حکم که بخاند
 بر آن از جابلان یا علی پس خیر است که سبب اجماع نمونست در دنیا یکی ملاقات کردن
 مؤمن و دویم روزه کشیدن روزه داران سیم غارت نکردن در آن در آخر شب یا علی گفت که
 ترا از خصلت اول از حسد و دویم از حرص سیم از بکر یا علی پس خیر است که در رعایت
 بر کسیست و بر خیر است که سبب مملکت این است و بر خیر است که سبب خیر است این است
 آنکه سبب رعایت است اول تمام کردن نفوس و دویم انتظار صلوات سیم رفیق شب
 و روز و رعایت و اما آن چیز که گفتار است که انت کی انشای سلامت بر خاص و عام

دویم طعام طعام سیم غارت نکردن در وقت که مردمان در خواب باشند به آرام تمام اما آن
 چیز که هر که در وقت کی بخت دویم هوای نفس سیم غلبه آنا سیم خیر که سبب خیر است
 اول رسیدن از کار کار در نهانی آشکارا و دویم میان بودن در تو انگری و در هر دو جمع امور
 سیم سخن گفتن در حال رضا و غضب یا علی پس خیر است که خوار کی نیست بعد از شیر گرفتن و سیم
 کسی که بالغ شده بعد از طعام یا علی پس برو دو ساله راه رفتن جهت نیکویی کردن برادر و پدر
 و بر دوست یک سال راه رفتن جهت پیوستن خویشان و بر دوست یک فرسخ راه رفتن جهت پیش
 پیازان و بر دوست دو فرسخ راه رفتن جهت شایع شدن خبر و بر دوست سه میل جهت اجابت کردن
 کسی که طلبد و بر دوست چهار میل جهت زیارت برادر مؤمن و بر دوست پنج میل جهت کارزاری
 متحر و در سینه و بر دوست شش میل او به طاعتی کردن مظلومی و بر تو انگریش و بر او
 از حضرت که کار یا علی مؤمن را خصلت اول از نگذاشتن در دویم زکوة دادن سیم روزه
 داشتن و ساقی را خصلت کاهی که حاضر است تملق میکند و کاهی که غایب است عین
 مینماید و کاهی که مؤمن بر معصیتی می رسد شاد میشود و ظالم را عیلاست اول آنکه قهری
 با زیرستان و دویم آنکه گناه میکند با زیرکان سیم آنکه ظالم را ملامت میکند و اهل برابری
 اول آنکه نشاط میکند در طاعت نزد مردمان و دویم کاهی میکند و از طاعت قهی که
 تنها باشد سیم دوست میدارد که ایشان را مع کند در امور یا علی پس خصلت
 یکی آنکه که با سخن گوید در حق گوید و دویم آنکه وعده که در خلاف کند سیم آنکه امانی که با او
 خیانت کند پس خیر است که از شومری آوردی خودی سبب ترش

او دهفت و هشتاد و هشت و ستون او درخت و هر چری را ساسیت بنیاد است
 بنیاد اسلام تحولات اهل بیت مصطفی الله علیه و آله یاعلی بر طبق شوم است و اطاعت کردن زن
 پیشانی و نه امت است یاعلی اگر شوی هست در زبان یاعلی است یاعلی بجات یافته اند و سبک آن
 خدا و ملاک شده اند بر کسان که از یاعلی می که دروغ بند و بر سرش میسازند و جانی
 در دوزخ یاعلی سپهر است که زاده میکند و بطن او پر و بلغم را خاییدن کند و رسد
 کردن و آن خواندن یاعلی مساوی که در سنت است و آن پاک کننده و دانست و روشن
 سازنده و یک کانت و هر که کند و رعایت بخند سازنده و دانست و می برد و زردی
 و محکم میازد و بن دندان او شسته می آورد و می برد بلغم را و در حفظی افراد و کانت
 و چندان میازد و در شکر از شاد و میگرداند یاعلی جواب بر چهار نوع است اول خواب
 اینها علیهم السلام که ایشان را بر قضا خواب بوده است دوم خواب شومناکی ایشان بر پهلوی
 راست خواب کنند سیم خواب شادمان که ایشان بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم خواب
 ششایدین که ایشان بر روی افتد و خواب کنند یاعلی نه ستاده است خدا یاعلی پنج معنی را
 که اگر که گردانند فرزند و قدرت او را از پشت او و گردانند فرزند بر از پشت او
 اگر نه در هیچ فرزند نبودی یاعلی چهار چیز است که شکسته دینت اول مشاوی که هر
 شده بهر خدا و او در دم معطل و باشند دوم زنی که شوهر او را محافظت کند
 باشوهر خود خیانت کند سیم در پیشی که کسی را ولای او کند چهارم عسایه بد یاعلی
 که بعد از طلب آیم هفت چهار پنج چیز است که در دنیا و دوزخ و عالم آید از آن بر طبق

در ستاد و آن ثابت نده اول که چهار نموده که زن برادر اجداد خود بکلیج در آورد و آن
 طبق آن زن کند و و لا یخولها کل ابنا و کثیر النساء دوم که کنی یافت بر بدن که باند
 خمس و این که بر طبق آن که و انما یختم من شیء فانی الله حمله ثالثه سیم غم
 ز غم را کند نام او نهاد سقایه الحاج و بر طبق آن این آیه که و اجعلتم سقایه الحاج
 چهارم که هر که با حق شخصی را کشد دیت آنرا صد شتر غز که ده جو و چهار دینار و اجاری که دینار
 دینار کرد و در سلام سیم از برای طواف عددی ستر فرمود نزد قریش که گفت با طواف کند خدا
 او را تیر کرد و جاری داشت در سلام یاعلی بهتر که بعد از طلب قمار باخت و بت نه پستید
 و گوشت میوه آن بخورد که بنام تان کشته باشند و یک کف که من بر دین بر خود ابراهیم است سلام
 یاعلی عجب ترین مردم اند و ای اهل عظیم ترین ایشان از وی تعین قوی اند که می آیند و از آن
 و چهار اندیده اند و حجت از ایشان پوشیده پس ایمان آورند به آنچه بر خیزد و یاعلی عجب است
 که حق میکند فلان را یکی کدام یافید باشند و دوم طلب صید که دین سیم بر خیزد سلطان
 یاعلی عاقل کند از در پوست چرم که شکر او را بخورند و بخور گوشت آنرا و عاقل کند از در پوست
 شکر در نماز جنگ که ده باشند و دینار که قوم مردم و قوم عادی ملک شده اند یاعلی بخور تخم
 مرغی که در ظرف مختلف شمر و بخور از گوشت ای که پوست او را طلوس شمر و بخور از مرغی
 که در بدن بال خود را چنانچه و بخور از مرغی که در بدن بال خود را که چنانچه و بخور از گوشت
 مرغی که در استخوان حلقه آن شمر یاعلی هر چه صاحب شمر و صاحب چکان باشد از
 بر نه بخورد و آن و هر اتم یاعلی کشته پیری را که بر خود را کشته شمر یاعلی قبول نمی کند

حدیثی است که در آن فرموده است که راست یا علی و باطل عالم فاسد است راست از عبادت علی که علم است
یا علی دو رکعت نماز عالم بهرست از هر دو رکعت نماز عابد یا علی درست نیست روزه زنی که روزه
واجب و فرض باشد و از روی تبرع بخشش بود مگر بر او نشو و نشی و نیز درست نیست روزه
غلام که بر او زن مالک است و درست نیست روزه میخانه که بر او جنب باشد و درست نیست روزه
نمایگر بر او زن که او را بیست می کند یا علی عید رمضان عید قربان روزه داشتن حرام است و در
روزه داشتن و افطار نکردن حرام است و روزه داشتن برای قوی معصیت و کاری که
در او کثرت حرام است و روزه تمامی سال ماه و سال حرام است یا علی در نماز که در آن شخصیت
سه ازان در دنیا واقع شود و سه در آخرت پس آن شخصیت که در دنیا یکی آنست که
حسرتش می رود و دینم خالی از او می آید سیم قطع روزی او میشود و آن که در دنیا
یکی آنست که حسرت او را می برد و دینم آنکه مقهور خدای تعالی می گردد سیم دایم در روزی بود
یا علی سودا مشروب کفر و خفا و جزو دارد که کمترین کوچک ترین بر آن مانده که خضر اکبر
با مادر خود نما کرده یا علی کند و بنود کنایه این عظیم تر است نزد حق جل و علا از خفا
با مادر و خواهر خود نما کرده باشد در مکه یا علی هر که زکات مال خود بپسندد بدلی آنست
و سمانیت و او مغرور و مکرر نباشد نزد خالق و خالق یا علی کسی که زکوة مال
نخواهد بپذیرد و آخرت که مراجعت کند بدینا او کند و بر این منظر اطلاق است قول الکی
حق اذ احبهم الموت قال رب ابعثهم فلعل الله یصلحهم
یا علی ترک کننده حج که استطاعت آن داشته باشد کافرات بجا که حق سبحانه و تعالی فرموده که

و لعل الله یرحمهم یا علی البتة یرسل علی الید سیدک و من کفر فإِنَّ اللَّهَ یُعَذِّبُ عَذَابًا
یا علی هر که استطاعت حج رفتن داشته باشد و زود حج او را در روز قیامت برانیزد یا نه
و نصرانی یا علی صدقه دادن و میکند قضای را که حکم باشد یا علی بخشش کردن بخویشان خود
و خاطر خوبی ایشان که در سبب زنی عراست یا علی کسی که ابتدا او طعام خوردن بمکند و حق
آن نمک کند از غذا و دو مرض بخاید یا علی چون مرغی در جنت بمقام اعلا برسم عشت
کم چه بر دادر و تم خود را که با مرغی از زبان نبوت یا علی بر سر دو کسم که قربان شد
یکی عید الله و یکی معین و من دعا کد بر خودم برایم که در مکه دعا کرد که از آنل من کی نبی
یا علی آن چهرت که سبب آن حاصل میشود جنت رضای آن یا علی اول چهری که حق آفرید
او را که یا آید و فرمود که بروفت و بعد از آن یا علی از دعا فرمود که بعزت و جلال من کنان
چهری را که غیر تر باشد در پیش من از تو و من سبب تو میگیرم و سبب تو نبی ششم و سبب تو
من از من و سبب تو عقیبت میکنم یا علی صدقه دادن غیر خویشان درست نیست بر کایان
محتاج باشند خضاب کردن یا علی یکدم صرف کردن خضاب فاضل تر است از برآوردن
نیل و صدقه کردن در راه حق جل و علا و خضاب کردن بر بزرگ کردن موی خدا و سبب
آنکه با کوشش را می برد و دینم شش چشم می فراید اول و ماغ را می کند ۲ بوی دانه
خوشش میکند پنجم ۳ دانه را که می سازد ۴ بوی بقل را را می کند ۵ و شش
از او کم بشود ۶ و ششکان از خوشش دل و حرم میشوند ۷ مؤمنان سبب آن
طلب شارت ۸ کافران از ترسناک میشوند ۹ و نیت در دست ۱۰ پاکایت ۱۱

مکر و کید را زان جای کند **۱۱** او در برابر من است و باشد با علی خیری نیست در گفتن مکر
او را بفعل آرد و خیری نیست و بجز در دین مکر از او الی او صاحب قوف مکر و خیری نیست
مال مکر که عطیه و بخشش نماید و خیری نیست در دین مکر که وفاداری مکر و خیری نیست
عفت مکر او بر هر کار مکر و خیری نیست در صدقه مکر که نیت کند و خیری نیست در دین
مکر که او در راحت و خوشی باشد **۱۲** **یا علی اگر کوفته هست** یا علی اگر کوفته هست جزایم است
اولیون و دومین فخرش **۳** آمدن او **۴** مغزی که در پایش است **۵** آن ماده
که در میان کوفت می باشد **۶** سپهر **۷** زهره او یا علی در خردن چهار چیز باطل مکن
در خردن جوان از جنت قربانی دویم در خردن کفر بر ده سیم در خردن غلام و کز چهارم
راه مکر یا علی خبر کرده ایم ترا از آن کسی که شبانه تراست بمرا بزم گفت علی ای رسول الله بگو
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که او کسیست که خلق او بیشتر باشد از خلق مردم
و علم او بیشتر باشد و احسان او زیاد تر از مردم و انصاف او بیشتر باشد از انصاف
مردم **۸** **و فی غرق کشته شد** یا علی هرگاه امت مکر نکرده باشد و خواهند که غرق
نشوند این دعا بخواند **۹** **یا الله العزیز الجبار** و ما قدر و الله حق قدره
و الارض جمیعاً فیضه یوم القیمه و السموات مطویات بحیث
شجانه و معاویه کون **۱۰** **بسم الله محمداً و مرثیه** او را **۱۱** **یا علی** و عفو
و حجیم **۱۲** **و فی دزدان** یا علی انت من اکل خولعت که از دزدانین باشد این آیه
بخواند **۱۳** **قل ادعوا الله و ادعوا الرحمن** یا ما ندعو اقله الامناء الحسنی

و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۲۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۳۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۴۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۵۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۶۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۷۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۸۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۱** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۲** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۳** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۴** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۵** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۶** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۷** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۸** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۹۹** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی **۱۰۰** **یا علی** و ما ندعو اقله الامناء الحسنی

کذا هو شیطان تدان ایچوند اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضَ فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ عِشْرَیْنِ لَیْلًا التمار بطلمه
 جنتا و الشمس و القمر و النجوم مستحیات یا مریه الا که الخالق و الامر تبارک
 الله رب العالمین رس او بر طوفش و یا علی حق بر بر آنت که او بنام نیک نهاده
 کند و او را بر موضع خوب بنشاند و حق بر بر آنت که پیشش نام نبرد و او را بهر موی
 نشاند و پیشش بنشیند و با او تمام زد و یا علی سب جزاست که دوسه می آید کی خورن
 کل و خاک و دیم بریدن سخن بر بدان سیم بر بدان بریدن موی رس یا علی لغت خدا بر
 و عاریت که مایل مسامحه کرده باشند با فرزند که او را ایشان عاق و مافران بردارند
 یا علی بجز که انصاف و دبی لازم آن فرزند میشود سبب عاق شدن بر پدر و مادر و طلاق
 پدر و مادر است سبب عدم تعلیم و آداب و ایگان او یا علی حجت خدای بر پدر و مادر است که فرزند
 ایشان او را نیکو باشد اگر ایشان مسامحه نموده باشند و تعلیم و ادب او یا علی کسی که ملول
 کرد اندر پدر و مادر خود را تحقیق که عاق شده بر ایشان یا علی کسی که غیبت کند مسلمان را
 پیش مسلمان او است طاعت منع کردن و شتم و منع کند او را و در حقیم خدا
 در دنیا و آخرت یا علی کسی که کفایت کند در تقیه تیم مال او تا آنکه او را لعنت شود از اهل
 جنت آتیه یا علی کسی که دست بر سر پستی ماله از روی رحم الله تم او را عطا کند
 بقدر مر موی تیم نوری از روز قیامت یا علی فقری تحت تراجم نیست و مالی برتر
 از عقل نیست و و حدیث بر تراجم بکبر نیست و در مثل رد کردن نفس خود از حیرت

بنیت حسنی بر تراجم خلقت و عبادتی ز فکرش است و بنیت یا علی است سخن گفتن
 در وقت و آفت عبادت و آفت جمال عجب کبر و آفت علم حدیث یا علی چهارم
 فطیلت طعام خوردن کا جا بر سر باجم و دیم جراح در مرتاب سیم زلفت کردن
 زمین شور چهارم کاری که پیش کرد او اهل ان کا باشد یا علی که فراموش کند صلوات
 بر من تحقیق که کم کرده است راه پشت را یا علی دست در میان آرد که در دست مرا از
 لیکن که منم شده باشد یا علی کشتی در دست راست کن که فصلت از الله تم مر قیام
 بر حضرت آبرو الی الله از حضرت که چه کشتی در دست کم حضرت رسول الله از الله
 فرمود عقیق سرخ بدتر که عقیق کوهیت که اول او قرار کرده بود حارینه خدای تم و بنویس
 و امانت تو و فرزند ان بهشت رفتن شیعه تو و بدو رخ رفتن اهل تو یا علی حق تم
 شد بر دنیا پس از ان بر کردید مرا بر عالم بی نیوت و دیگر بر کردید ائمه را از فرزند ان تو بهر
 عالم بی نیوت و دیگر بر کردید فاطمه بر زنان عالم یا علی ایتم من در توبه یکتا نمودم خود در چهار
 و یافتم و نظر کردن که مرا آسمان می رود چون بسجیت الله رس رسیدیم دیدم که خورشید
 نوشته است که لا اله الا الله محمد رسول الله و نصیر یونین سوال کردم
 وزیر که گیت گفت علی ابن ابی طالب و چون بیده الله رس رسیدیم که نوشته است
 اننا لله لا اله الا الله محمد و اصفوب من خلقی ایدینه یونین
 و نصیر یونین باز پرسش سوال کردم که وزیر که گیت گفت علی ابن ابی طالب
 و چون بعرض رسیدیم دیدم که نوشته است بر ستونها و لا اله الا الله محمد

آنند بود و نصرت بود و فی الجمله حق تعالی جزت کرد و با هفت خصلت که در آنست
 بهتر که تو سر او کسی که باشد در زمینهای بهشت و تویی که با منی را به طور خود در دنیا
 سبب هر از شک بعد از آن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت که چون بر این
 ترا خصلت است اگر خدا را تو میکند و دعای ترا قبول نمایند و مرضی که ترا می برد
 عاقبت تو از آن می نماید و وقت اجل بعد از آن فرمود بانی فی الجمله که با عجب کن
 از چندی خواستی از مردم که در دنیا سبب خواریت و قیامت موجب حجابی برای
 این خواهی بستن و خواهی مردن آنها بهشت خواهی افت و قوی از عراق است و بعد
 خواهند یافت که ترا غفل و کفر کنند و دفن نمایند ای بانی را از کسی جز می نخواه و اگر چیزی
 دهند قبول کن بعد از آن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که مردمان در میان شما یکسانند
 گفتند بلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که آنکه که سخن چینی نمایند و در میان دوستان جدا می کنند
 و یکسندگانی را که عیب داشته باشد **فصل چهارم در موعظه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم**
 مردیت که عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت که من پنج شخص دیگر که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
 رفیق نبایست که سبک بر نماند که در دنیا و آخرت جدا را به غیر از آنست که هر یک در کسبت
 بودیم که پیغمبر رسول را تا کی این کسب خواهد بود و آنحضرت فرمود که در این کسب خواهد بود
 بود که باطنی مشغول شود بر سر کتب الهی بر من نمانده و بر اینبای چنین تمام خواهد شد
 نماند که هر یک بهشت رود که صابران و احوالشان بسیار است پس سوال کردم که باید که
 صابران کیانند فرمود که آنکه که صبر کند طاعت الهی و اجتناب کند از معصیت و مناهی

و کس که پاکیزه کند و در محاسن مایه حال باشند و صدقه کنند آنچه ایشانرا دست رس باشد
 پس ایشانرا ستمکاران باشند ای این صبر و صابران آنست که خشوع و وقار و آرامش دل
 و نگر نمایند و بسوی و نرمی و بریز کاری کنند و نیکی می بامردمان آیند و دوست خوشامان
 برای رضای الهی و ادای امانت شعار خود سازند و معاونت اسحق و ثار ایشان عفو
 کنند از کسی که بر ایشان ستم کرده باشد ای بر صبر و صابران چون مبتلا شوند میسرند
 نعمتی ایشانرا رسد مگر آنکاهی می آید و حکم میکنند بر هر دست میگویند بر هر دو
 بعد می نمایند و از بدی تو میگویند و بر نیکی شادی باشند و چون اسلای ایشان تعرض نماید
 بنمایند میگرداند و اعراض نمی نمایند و شب بر عا و نماز مشغولند و نصیحت مردمان میکنند
 و سخن نیک میگویند بخدای که مرا حق بخلاق فرستاده که صابران اینجاست اند ای بر صبر
 خاتم فرموده **افمن شرح صدره للاحیاح** و علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود که هر که در دنیا
 اند مشغول نشد و کشاید میگردد بر رسیدند که آنرا نود و نماند دارد فرمود بلی که نشن از دنیا
 و از کسب به اجتناب و میباشند بخت مرگ پیش از آنکه فوت شود و فرصت مرگ ترک دنیا
 کرد که آید میشود و دنیا را به اهل دنیا میگذارد ای بر صبر و صابران و کتب و کتب انکم انکم
 احسن علامت که شمار از این یکم که ترک دنیا کدام بیشتر میکنند که آن عالم غرور است
 و خانه کسیت که جام ندارد و کسی که عقل ندارد و جمع آن میکند و احمق مردمانی است که دنیا
 میکند و حق جل و علا فرمود که در میان منی که اختیار **الحکم صبیحا** یعنی او که در دنیا و او هم
 زهر و ترک دنیا و فرمود در موی که بهترین دنیا در نظر منی است چنانچه در این ترک کند

مرح که چون تو انگر شوی ترس ای پسر معه هر که محتاج است بهشت باید که بشاید بخیرات و هر که
ترسد از آتش باید که احتساب کند از بهشت و هر که مرک را انتظار برد باید که بگذرد از لذت
و هر که در دنیا زاهد شد بر و آسان شد صیبات ای پسر معه و حق سبحانه و تعالی بر کرم و بر اهل کلام
و ضایعات که در او فکر که رنگ نبری از شکم او می نمود از لاغری ای پسر معه اگر خواهی بپای کرم
حالی فرج نبی را که هزار سال کم بجا آورد و در دنیا نیست چون جیاج میکرد بر آن بود که شب
خواهد بود و چون شب میکرد بر آن بود که روز خواهد و طعام جو بود و لباس او و طعام
و او در بهر حال بود و سید عالم ملک عالم را داشت از جو بخورد و لباس از نو می پوشید و طعام
و لباس خوب می خورد و میداد و چون میشد تا روز بخاری ایستاد و او را بهر حال لباس او از پیش بود
و طعام او از جو و اگر خواهی که بپای کرم حال صبی را که آن جیاجیت میفرمود که آن جو خوشتر است
که سنگینت و شاد من است و لباس من سپید است و مرکب من بپای من است و چون من در دنیا
و آتش من در بهشتان و بهشتی آفتاب و میوه در بهشتان من سبزه برای زمین است که جانوران
روز را بشنیدیم و هیچ ندارم و شب را بر و زمین و کسی از من در روی زمین غنی تر
ای پسر معه تمام بخیرات نشد از آنچه خدای تعالی از آن بشمارد و که چک میداند آنچه
نزد خدای کوچک و حق تعالی در کلام خود مرح ایشان بسیار نموده و از عذاب ترسانند و
قرآنی فاطی است به این ای پسر معه آتش برای آنست که حرام خورد و بهشت از آن
آنست که ارجح است بگذرد ای پسر معه و خواهند آمد بعد از من جماعتی که طعامهای خود
و بر چهار پان خب و او شونده و بر زمینهای خود را را انداخته و فلان میروی آینه بطور دنیا

جباران منافقان این است اند و در آخر الزمان شراب خورند و قمار بازند و بهشت مشغول باشند
و ترک نماز جماعت کنند و عداوت یار و رزق مثل ایشان بکاه و غلات که شکوفه آن نمیکند
و طعمش تخت و عملهای ایشان در دین است که دو اندارد ای پسر معه و سخن ایشان از برای زبان
ایشان است و شرف ایشان بدرم و دنیا است و تمامی ایشان شکم ایشان است اجماعت
ترین مردم اند و گفتند از ایشان برخیزد و ایشان را کردد ای پسر معه اسلام چون پیدا
غریب بود زود باشد که باز کرد و غریب در میان کسانی را که غریب اند پس از فرزندان
کسی باید که زمانه اسلام بخند و شایسته کند بخند از ایشان و پرسش کند خندان
پس هر که از آنها طریق ایشان میکند و آنها نشان خلاف است و میمیزد بر غیر ملت شما
ایشان نیستند از من و من از ایشان پس باید که بر رسید از کسی که او از غیر خدا است
ای پسر معه بر ایشان بدعت من تمام انبیا و ملائکه مقرب و بر ایشان بدعت خدا
و منی حساب دنیا و آخرت ای پسر معه و خواهد آمد وقتی بر مردمان که صبر کردن بر این
بچون برداشتن آتش است که دست ای پسر معه و علماء و فقهای ایشان غایبند کار
و برترین خلق و پیروی ایشان که ایشان را دست میدارد و بر ایشان منشیان باشند و
مشورت کنند و برترین خلق خدا انانند که میکند که بر دین منسبت و نسبت و شعیت
و طریقت من لیکن من از ایشان پرارم و ایشان از من بری ای پسر معه و ایشان
منشیان و خیر و فرخت من و آیت ایشان بده بگویند بخدا که مرا توحی بکنی ترست
که خدا ایشان را پیوسته و شوکت گرداند و در زمین و برود ای پسر معه و کسی که پاموزد

بجهت دنیا و عاقل شدن برو دنیا و نیت آن مستحق عقاب است ای شود و بدرک الاغفل با بود
 و نه اینان در رود ای پسر محمد هر کس آن جهت دنیا خواند بهشت برو حرام شود و هر که
 بیاورد علی و بر آن عمل کند در روز قیامت کور باشد و هر که بیاورد علی بر این جهت دنیا
 الله برکت از او بردارد و معاش بر او تنگ گرداند و خدا او را بخورد و اگر از او چیزی
 باید که معشیت متعین در ابدان شرعی باشد چنانچه منکر را نیکو میداند و نیکو را منکر
 پس حقانی پسند ای پسر محمد بر تو باد که از خدای برترسی و ولجیات را بجای آری
 کن آنچه ترا بکار نرخی آید و قصد کن آنچه ترا بکار آید ای پسر محمد بر پهنیز از آن ترک طاعتی
 و قصد معصیتی بر پهنیز کاری کن که از دنیا و شهوات و فرشتهای آن در خود رجم و طلاق
 و هر که در زمان فرزند از خود و راهی طلاق و فقر و کساد و کسوف و شتر و زهر است
 که اینها قساح زیست و آنچه نزد حق سبحانه و تعالی از ثواب بگذشت نیکوتر از این است
 ای پسر محمد و چنانچه آن جوان و برائی برسی که در او امری و نهی باشد مگر بخواند ملاحظه فرم
 یکی و از آن پسند و اعتبار بگرد و غافل مشو آن ای پسر محمد و بخدای که مرا بخت بخلق فرستاد
 که زمانی در آید بر مردمان که شراب را حلال دانند و نام آن پسند نهند لعنت خدا و لعنت
 و جمع خلائق بر ایشان باد و ایشان از من و من را ایشان بری و پسر از ای پسر
 زانما و سهل تر است نزد حق سبحانه و تعالی از خوردن ربا اگر چه بمقدار خوردن آن
 و خوردن است کننده خواه اندک و خواه بسیار انسان بر است نزد حق سبحانه و تعالی
 از خوردن ربا زیرا که کلید بهر شراست ای پسر محمد و آنجا که عیب کند کسی را که بر روی شتر

من

افترض خدای تعالی ای پسر محمد و پسر از نیت کن که گناه در هستی است مثل شتر را که عیش
 و دنیا ملعون است و آنچه در دنیا است هر که از آن بخورد دوست دارد ای پسر محمد و چنانچه
 از برای خدای گزند از برای غرضی زیرا که حق تعالی بگوید نیکند از نیکان که آنچه خالصا لله
 باشد و بگذر از نعمت دنیا و شیرینی او و گرم و سرد و خوبی از او لازم سازد نفس خود را
 از آن زیرا که حضرت عیسی در آخرت از اینها سؤال خواهد نمود ای پسر محمد و چون قصد کاری
 کن و بغیر خدای تعالی مدد را و ثواب آخرت را در آن کار ای پسر محمد زمانی که مردمان
 مدح گویند و گویند روز روز میدارد شب پدید آید و نماز میکند و روزی و تو چنان نشانی
 جان خرم نشوی ای ابن مسعود کار نیک بسیار کن بهتر که روز قیامت نیکو کار و بدکار
 هر دو پشیمان گشتند نیکو کار گوید کارش شتر نیکو بی و بد کردار گوید ای کاش این
 نیکو کردم ای پسر محمد و یاد کن که قوتی پیشین را و ملوک و حکام چنانکه پیشتر بود
 و رفتند اند از این نیافتند چون عادی و محمود و نمرود و فرعون از حال ایشان اعتبار
 ای پسر محمد و الزام تقوی حق کن در ظاهر و پنهان و در بر و بجز روز و شب زیرا که حق
 ایشان را هر جا که هستند و خیانت کن با چنانچه در امانتی که نزد تو گذارد یا امانتی
 ترا بر آن میدانی بخوان و تعالی میفرماید اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكَ اَنْ تَقُولَ لَا مَالَنَا
لَا اَوْلِيَّاءَ ای پسر خدای تعالی میفرماید که اگر بپایندن بر امانتی ای پسر محمد و گویند که
 ما بر شتر بخلق فرستاد که هر که از دنیا بگذرد و روی بگذشت آخرت آرد حق تعالی
 جز بسیار او دهد و نفع شمارا کرامت نماید ای پسر محمد و گفت بر او مادر نهی نماید

تجارت آخرت آنحضرت فرمود که زبان تو هیچ سود میکند از ذکر خدا اگر کوهی سنجان
و الحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر پس هر کس که این عبارت سود کند است و دیگر
 چنان تو بیند و دل تو از این سود کند از برای خدا صرف کن تجارت آخرت جو حق
 میگوید ما عدا الله من عدا الله باقی یعنی آنچه نزد دست نیست
 میشود و آنچه نزد حق است باقیست ای پرستود چون لا اله الا الله و خدا
 از احق تعالی اورا بزرگتر اند پس بوی تو ای پرستود دوست دار صالحا ترا پس هر کسی
 که هر کس آنچه دوست دارد محو شود پس اگر تو ایانی داشته باشی بر عمل نیکو دوست دار
 علماء ای پرستود در هر یک از این کتب اگر چه ترا به آره برترند یا به آتش بسوزانند
 ای پرستود هر کس که صحبت کسانی که ذکر خدا است و تهنیل و تحمید گویند و عمل میکنند
 بطاعت او در هیچ و شام و خدا را بخوانند ای پرستود هیچ چیزی را اختیار نکن
 بر ذکر خدای تو چون میفرماید که ولا تدرك الله بحسن حسابك و ذکر خدای تو بزرگتر است از همه
 و بر شما باد که التزام کنید بکینه و آرام و وفا پس باش تو سهل و نرم سخن و برین کار سلیمان
 و شقی و پاک و نیکو کار و طاهر و پاکیزه و صادق و خالص و صریح سلم و عاقل و صالح
 و شاکر و مؤمن و زاهد و متوکل و جیم و دانا و زبر که بر که بدین صفات موصوفست
سبحن ربك و بشت بر اشد است چنانکه حق میفرماید و الذين هم على
صلواتهم يحيطون اولئك هم الابرار الذين يوفون العهود
هم فيها لا لاؤن ای پرستود شوق کن بر این و زنده شو که داخل شوی بکسب و نعم

و در او قیامت شش منته بشر باید که یاد حق کن و بعل مصالح مشغول نباشی که این کتب
 خدمت ای پرستود میباشد از قبل کسی که داده بماند مردم را یکبار نیکو آیتها را از این کتب
 و دیگر نگاه دارد از باج و در از بد کفایت با شمرنده فتوی و اخراج و تبرکات روزی که پرا
 شود و اما ظاهر شود بر همه و بر سر از خدا در حالت پایدان او و نهالی او اگر تو
 ادراکی بخواه ترا می خند ای پرستود انصاف به مردم را از انصاف خود و نصیحت کن ای
 و رحم کن بر ایشان پس اگر تو بچنین باشی خدای تو غضب کرده باشد بشهر و خواهد که
 بر ایشان عذاب فرستد نظر کند بسوی تو و بسبب تو رحمت کند بر ایشان و خدا نصیب
 ای پرستود و خدا هر کس را که تو خود را ظاهر کردانی در میان مردمان تو واضح فرستی
 و حال آنکه در خلوت که باشی تو و خدای مبالغه نمایی در محبتها و خدای تو عالم است
 و مخفی تر از آنها ای پرستود مثل کسی که تحت نمایند مردمان و بر خود آسان
 کند ای پرستود و اگر عمل و کاری نکر از روی علم و عقل کن و خدا کن از کار بی
 و دانش ای پرستود رست کو باش و بیرون میاید مطلقا زبان از دماغ بیرون
 و انصاف به مردمان از انصاف خود و نیکو کن ایشان و بخوان مردم را بیکو کن
 و نیکو کن با خویشان و مکر و جمل کن با مردم و وفا کن عهد و پیمانی که بر ایشان کرده باشی
خصن ثم وصیت که در حدیث آمده است ای پرستود که این وصیت
 که در اول روز بخت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رستم آنحضرت با آنحضرت
 میگوید این است الله الخالب علی بن طالب علیه السلام نشسته بود من چشمم

و منزلت نزد حضرت عزت در روز قیامت عالمت که مشفق نشود بعد خود و هر که طلب علم
بواسطه اکثر دمان روی بگویند و او را بزرگ خود دهند سر بر آید است بهشت و را
خواهد یافت بوی بهشت ای ای ذی که طلب علم کند مردم را بفرماید باین گویند
ای ای ذی که از تو سوال کنی چیزی را که ندانی بگویند اینها تا بهجات بانی از عذاب الهی در روز قیامت
ای ذی مطلع شوند قوی از اهل بهشت بر قوم از اهل دوزخ در آتش گویند و داخل شده ایم در
بواسطه قصدا بکند و تعلیم نمودن ایشان گویند که ما داخل شده ایم در دوزخ بسبب آنکه
از میگردیم مردم را بجزای نیک و خود بران عمل میکردیم ای ای ذی حقوق الهی زکات
از آنکه بندگان میگردانند قیام تواند نمود و نعمتهای آسمانی بپوشد است از آنکه بندگان را شمار
توانند آورد و لیکن بجای که در حساب مساوی بگردند از بهر این ای ای ذی تحقیق که در کتب
شب و روز عدد روز کم میشود و عملها حفظ میکند و آنکه هر که می آید و هرگاه در بهشت
نیک میکند باید عمره از او اجرت و فراغت و هر که زراعت بد میکند و حاصل
ندامت و شکیانی چو از برای هر زراعت کنند مثل انجری که زراعت کرده از نیک و بد
بفرماید بپسند خدای تعالی بفرماید بپسند و هر که نگاه دارد و بنده خدای را از بدی جدا
نیز او را نگاه دارد از بدی ای ای ذی پر مهر کاران قوی بزرگ کند و قیامان را بماند
مردمان بهشت نشستن ایشان هر چه بادی در بهشت در دنیا و آخرت تحقیق که
شوم می بیند که خود را مثل سنگ آویخته که گویا در زیر آن سنگ و بر سر که
آن سنگ بر او واقع شود و کافری بپند که خود را که گویا مکی است که بر پی می کند

ای ای ذی تحقیق که خدای تعالی هرگاه که بپند نیکو او را بخواهد بپند کند گناه او را از چشمان
محبت بر او گردان بهشت می سازد و دیگران که بپند و هرگاه که بپند بهشت گناه او را فراموش
بپند کند و نظر کنی که در دنیا خود را بپند کنی که حصیان می روزی ای ای ذی تحقیق که نفس
مضطرب است از ترس خدای تعالی بسبب آنکه کردن از کتب که افتاده شود و در دام ای ای
که کسی موافق باشد قول او با فعل او پس آنکس فردی قیامت بر سر صیبه نرق خود و کسی
که مخالف باشد قول او با فعل او بر سر کمرش گردد و میشود او فردی قیامت در میان مردم
و شکوید دنیا ای ای ذی تحقیق که مردم محروم میکردند از نرق خود بسبب آنکه کسی که میکند ای ای
منع کنی نفس خود را از چیزی که در آن فایده نباشد و سخن بگوید چیزی که بمعنیست و بپند
زبان خود را از بدی بپند که نگاه میداردی نقد و سخن در از لطف ای ای ذی تحقیق که خدای
داخل میکردند قوی از اهل بهشت و عطای کند بایشان نعمتهای گوناگون با آنکه ایشان بپند
و بالای ایشان قوی میشود در دوزخ عالی پس هرگاه که نظر کنند بر ایشان شناسند ایشان را
ای برورد کار ما اینها برادران ما بودند و با هم بودیم در دنیا پس بپند تفصیل کرده ایشان را
پس چرا جدا شدند که بهر جهت تحقیق که ایشان که ستم می بودند و جانانی که بود
و برای ایشان بودیم و کسی که شاخته بودید و در شورش و شفت میبودند و در
که شاد راحت بودید ای ای ذی که دانید است حق تعالی ششم مراد از کار کردن و محبت
نار در دل می نهاده و بپند که گرسنه بپند که گرسنه بپند که گرسنه بپند که گرسنه
بپند که گرسنه بپند که گرسنه بپند که گرسنه بپند که گرسنه بپند که گرسنه بپند که گرسنه

ای بابی در آردی که شبانه روزی دوازده گشت نارسست بکنار هموای آنچه برود نشسته
 بر آینه باشد و احوال حاجت واجب که ثابت باشد در بخت ای بابی در آمد که در کنار گذاردن بگو
 تحقیق در حضرت مکان جبار و هر که بسبب رگوید بر آینه نشسته شود برای او ای بابی در حقیقت
 نیست که کنار گذارد و اگر آنکه شاکر کند بر دنیا آنقدر که میان او و آخرت و موکل کرده شده بود
 ملک که نه اگر در میکوی برای سر آدم که تو میسر که به خایه ذنبوی و اخروی از برای توست
 و از کنار گذاردن انصاف هیچ چیز نمیکردی غیر از آن ای بابی در در یکی از صاحب عالم که ایشان
 بر دشت آن علم را در روز قیامت در ششم دم سر و بخت سوال نموده که ایشان چه کس است
 جواب داد که ایشان عالمی اند که پیش از مردم در بحر و غیر آن مساجد میروند و بطاعت مشغول شوند
 امیرانی نارسستون نیست و زبان بزرگ تر از آنست و صدقه محو میکند گناه را و روزه داشت
 سیرت آتش و دوزخ را و زبان بزرگ تر از آنست یعنی هر که زبان خود را بزرگتر از خدا کند یا
 کرده اند و از به کفایت باز دارد و جاری سازد بیک کفایت ثواب آن بزرگتر است از ثواب اینها
 ای بابی در مرتبه و درجه در بخت بالا و پایین می باشد همچنانکه در میان زمین و آسمان و در زمین
 و درجه بالای درجه است تحقیق که بنده با بنده که چشم خود کشاید در اخوت و ظاهر و درون
 کرده از برای او نوری که نزدیک باشد که بر دوزخ چشم او را آن بنده مشغول شود با کفایت
 به آن نور از دوزخ بر آید از آن که بر او نور است جواب داد شود که ای نور بر او نیست او
 گوید که بر او نیست و در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم چو نت که تفضل کرده شد
 بر من پس گویند او را که بر او نورانی نیست بر تو در عمل او این کند شود و بعد از آن حق است

پسنگ در دل او ضار اما او زهر شود ای بابی در دنیا زندان نیست چو نت کافر و صاحب میکند
 مؤمنی دنیا که اگر جزو دوزخ و جحیم می شود چگونه اند و کینه باشد که خدای تعالی داده او را و اضر شدن
 بجهنم و مؤمنی باشد در دنیا ملوت با آنکه عارف کند از دنیا چون عارف که از دنیا سیرد
 راحت و راحت ای بابی در ریت نزد خدای تعالی بهتر از آن دانه ای بابی در کسی که حاصل شد
 باشد عمل که او را کمال باشد هر آنکه او را است که باشد از قبیل که هر عمل صالح نموده باشد
 و شایسته در جهان تحقیق که خدای تعالی وصف کرده علماء را برین نوع که ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات
میرقبله اذ اصابهم بحرقه من النار و يقولون سبحان ربنا ان
كان وعد الله المتفقون و يخرجون من النار و يكونون من خاسرين
 ای بابی در کسی که توانایی دارد که بر کند یا بد که بر کند و اگر نه دانه و اما که کرده اند و خبر
 میدهم تر که هر دلی که زکات عفت دارد و دوست از رحمت خدا و یک ایشان بنده اند ای بابی
 خدای تعالی هر یک که جمع میکنند بر بنده و در ترس از ترس دنیا و آخرت و جمع میکنند بر بنده
 یعنی امن دنیا و آخرت پس که کسی ایمان شد از منی دنیا ترسانم او را در اخوت ای بابی در
 اگر مردی را باشد عمل مثل عمل خدا و به با یک که آن عمل را بجز دانه و برسد که میباید آنجا
 نیاید از عذاب و قیامت ای بابی در تحقیق که عرض میکند بر بنده گناه او را در روز رستخیز
 هر نوع گناهی که کرده باشد پس و گوید که من دنیا ترسان بودم و بر بنده گناه خدا شرفی
 او را پیاورد ای بابی در تحقیق که هر عمل یک کند و کینه و احقاد بر فایده ترک گناه
 منیره شود چون نزد حق سبحانه و تعالی حاضر گردد و حق بر او شمشیر کند و غضبناک شد ای بابی در

بنده باشد از زندگان خدا که گناه کند بهشت رو که حق با رسول الهی است و من ابرج بن فرمود که چون
بنده گناهی کند و آن گناه بهشت را بر او بشود و فراموش نکند و از آن توبه کند و از آن گناه
حق را بر تو تلافی بکشد و او ای بی در زنگ انگشت که نفس خود را بر نیکی دارد و کار کسی که
بیخود آن بعد از مرگ بدو عاید کرد و مرد عاجز گشت که نفس او با نعم لذات شهوات باشد
و طلب کند از حق جل که او را معاضد لذات ضوئیه رساند ای بی را و این چربی که بر او نشود
ازین لذات ساقط و فروتنی با برتر رسد که یافت شود و موضوع شایع ای بی در حق
نفس می دهد راست است که اگر دنیا از حقیقت اعتباری می باشد برابر پرستش هرگز نیست
شریعت این هیچ کاف و فید او دنیا و هر چه در دست ملعونست که کسی در دنیا طلب نماید
حق تعالی او توبه او بخدا باشد و هیچ چیز از حق تعالی و شمع و توبه تر از دنیا نیست و چون
دنیا را نظر کرد بدو نخواهد کرد و در قیامت هیچ چیز دست نیست از خدا تعالی
از ایمانی آوردن و در ترک چیزی کردن که او را مرد ترک آن نموده ای بی در بهشت که خدا تعالی
و حق فرموده بر او در غلظت است که دوست دارد دنیا را که من دست نمیدارم او را و او
آخرت را که خدا تعالی را که گوشت همه دست ای بی در جریل آمد از زمین باخوبین دنیا را
سیاه و سفید بگشت را که ای محمد اینها خزان دنیا و نقصان نبرد بود و در بر و در
که داری از حق سبحانه و تعالی خایه که تو این گنجی گفتم ای جریل مرا حاجت اینها
هرگاه می شود شکر نعم میگویم و هرگاه که گرسنه می شوم از خدا تعالی طلب می نمایم
بعد از روی ای بی در چون خدای تعالی بفرمده را بخواهد او را فقیر میکرد و اندر درین راه

و تا پیشکوه اندازند و میان چنایساز و چیهیهای یاد و در او دولا و پرونی می برد و او را از اینجای
بجایست و از اسلام بهشت ای بابی فکر کنی برادر خود که او را بدست و در دنیا پس متوجه او شو
و ستیج سخنان او کن زیرا که او تحقیق القای حکمت میکند و فادیه حکمت شنایید که نعمت بار رسول
گشت زاهد ترمیان مردم فروم کسی که فراموش نماند قبور را چه سید اجداد و از ترک کرد
باشد زیاده ای نیست بخیار و اختیار که در پیشان چیزی که اگر انبیاست بر جزی که انبیا نیست
در ملک هر دو کار دارد ای بابی در وضعی که در میان جمع کنیم مال را باین و لیکن در حقی
همی که تسبیح کنیم شبانی و در جلال او شمر تو از جمعه گمان و بندگی کن خدای تعالی اما که ترا
بیت جلال شود یعنی آروز در که ای بابی در من مشو ششم انتهای درشت و سطر و بی ششم
روی خاک می کنم گشتن خود را و سوار میشوم بر عمارت برین لسی در تعالی خود سوار
میکنم و اینهاست منت و هر که اعراض کند از سنت من او از من نیست
ای بابی در دوست داشتن مال شرف و مردن خود را همچو دو کر که بر و نه بر که روش
ناید با صبح پس نیکد از نماز آن کو سفندان مطلقا چیزی بپوشی مال شرف باین
مردوخان میکنند که آن کرکان با که سفندان ای بابی در گفت رسول الله که آن که خوف از
او حق تعالی فرو می کند و تواضع اند و ذکر لاهی بسیار بر زبان میرانند اما ایشان
سابقه در جنت حضرت فرمودند بلکه سابق جنت خدای مسلمانند بر سر کر ایشان
پای بر گردن مسلمان میهند و بهشت میروند ای بابی در تحقیق که دنیا مشغول کننده است
دلها و بد نهاد را بجزای که موجب لذات و نیویست و بکلمات می آید که هر مسلمان خود را

نکته دارد از برای حرام نافذ و قیامت از عهد جوابی بیرون تواند آمد ای این حق تعالی
 سزاوار خواهد کرد از نعمتهای حلالی که پخته از این سرشتههای حرام را ای این رب بر سر
 که در طاعت کرده ام از حضرت عزت که در هر روزی که دوست دارد مرا بقدر کفایت آن
 بفرستد و اگر او را پس نیست و زیاده بر آن نباشد و طلب که دام من را بوجع علای
 که بدینجه که او شکر دارد مرا مال بسیار و فرزند پشمار ای این خوش بادهای که در آن
 دوزی که میوه اند از دنیا و خجسته از دنیا و خجسته و ایشان آن کسانند که در این راه
 خود ساخته اند و خاک را بر آستر خود و آب پاک و خالص دانسته و کلام حق را ساخته
 بدان عمل میکنند و دعای که در کار راد و خود ساخته اند بفرستد طالب حقند و محتاج
 دنیا و دنیا تقطیع تمام ای لایزال رحمت نیکوست و زراعت دنیا مال پرانند
 ای این تحقیق که پرورگار خرد داده است مرا و فرموده بقیعت و در هر کس که سرسبز
 عابدان بدرجه که کنان تحقیق که من ناکردم برای که کنان در بهشت در صراط علای
 قصوی که در آن شریک نباشد هیچکس ایشان ای این در کفایت تمام یا رسول الله که تمام
 دانا و ذریک تر است فرمود که امان که ذکر مرکب بسیار کند و نصیر مرکب از دست
 کند از آن ای بسا در فکر که در نظر شود تو سر در دل شوم کشاده میشود دل او معلوم
 و حکم که در آن ظاهر شود و در این خبر که بجهت بعد از آن که تمام یا رسول الله فدای تو شوم
 نشانه آن صیبت فرمود که بازگشت است بدار ابدی و دوری که عدلت از دنیای
 و خود است بعد مرکب ساخته است پیش از آمدن آن ای بسا در ترس از خدا و انعام او را

بردم که تو ترس از خدا ناکردم و ترس از مردم و حال آنکه تو نباشد دعا برای ای الهی
 می باید که باشد از برای تو و چندی که بفرستی آری از آن بی نیکی و جستن و طعاعم خردن
 ای این بابت که بزرگ داری علیهم السلام این میان و بخاکم جمل و کن در زدن و شکستیدن
 الله تعالی و در ذوقک دین میگویند اللهم عجل لای بسا در تحقیق که خدا سرکار و فرستگان
 که ایشان ایستاده اند و جهات میث از ترس تو مستغرق شدند و سر بالا میکنند تا آن
 که صورت در دهند و دیگر بعد از آن جمیع فرستگان که در سجده و سجده و سجده
 کما یصلی لک العبد و اگر دای ما مثل عمل نماید پیغمبر باشد بر آنکه آن عمل نزد او اندک
 می نماید از تنهی چندی در روز قیامت و تحقیق اگر در وادی بریزند از چوک دریم دو جویان
 طلوع آفتاب برآید از حرارت و شدت آن بگوشاید جانب طرهای غرق آفتاب که در
 یکت زبانه آتش می کشد غمی مانده از ملک مقرب بنی مرسل که میگفت بدوران و گویند
 از ایشان از آن که بفرستد یعنی ای پروردگار در باب مراد هم کن بفرستد من غفران و غفران
 بفرستد من هیچ چیز ندارد بجهت که ابراهیم علیه السلام فراموش کند فرزند خود و بجهت
 و گوید ای پروردگار خلیل تو امیر فرستد مرا ای بسا در بهشت که اگر زنی از زنان
 بهشت ظاهر شود از آسمان بیاید که در غایت نازیکه بر آینه روشن از نور آن عالم من
 زیاده تر از او شود که ظاهر شود از قدر در نهایت بدت و می بایستد بوی خوش از همه
 زمین تحقیق که اگر کجا با جمیع عالمی بهل جنت کشاده شود در دنیا بهوش شود که
 نظر کند به و نتواند که برستد در ای این در فکر که تو حاضر شوی بخوار و فانی در آن

و در جنگ من مکن و از خود را ای ای بلیه ذر در قمر که حاضر شوی عقیقه در منو برایشان کن
 و لشکر بخا خود کن و کرب جان خود کن و بدان تحقیق که تو را حق تعالی شایسته بدانی ای ای ذر
 که بر خیز که فاسد شر منک است از ابا صلاح آورد و دوائی آن منک و هرگاه نمک فاسد
 حال چهره کی علما و در کان غزل منک در میان دمان چهره نمایند در نهایت و فساد
 و در کان در چهره صلا الله علیه و آله اصلاح حال ایشان کنند و بر آهست آورند و هرگاه
 و علما از اهل صلاح نباشند ایشانرا که بر صلاح آورد و ای موجب و اهل عالم شود
 بدان که بر شما دو عادت بدست می خنند فی تعجب رزه و یکی کامیاد طاعت به سهوایی
 سخن حق است و کران بر مردمان و سخن باطل بسک با مزه است و بسیار شوم است
 موجب عزای طوالت ای ای بلیه ذر که در دو کف نه معتدل بگذارد که دل او متوجه باشد
 بهر است از قایم داشتن شکر که دل او متوجه باشد از انانیتش و فراموشی
 و انانیتش تا آنکه بپندرد ما را به امثال شترهای عظیم و علم بعد از آن جوع کند نفس خود
 و خود را کمتر و نادان برداند بحسب علم ای ای در تیری تحقیق تا آنکه بدانی که در دمان
 حقه در کار دین و عاقل دانی ایشانرا در کار دنیا بفرموده مان آنچه مقتضای نیست بجای
 نمی آید و آنچه مقتضای نیاز است بکار می آورند ای ای بلیه ذر که در محاسبه نفس خود کن پس آنکه
 حساب کند در روز حساب و حساب نفس تو را مرد و آسان تر است از حساب کردن تو
 در فردای قیامت و وزن کن نفس خود را قبل از آنکه وزن کند نفس ترا یعنی حساب
 کن فاسدینات محبت باش تا فردای قیامت میزان تو سنج نباشد و همی که در آن

از برای نفس که در روز قیامت و آن روزیست که نفس نیست بر خدای تعالی ای ای بلیه
 جانک بخند ای که نفس من در قدرت اوست که در قمر که بقضا حاجت بردهم پس خود را
 خود و جایمانم از آن و ملک که با من ای ای بلیه ذر آیا دوست میداری که بجنت داخل شود
 گفت ای با رسول الله فرمود که گناه کن مل خود را و مرک را همیشه بر اجزیم خود
 و از و جا کن و از خدا آنچه خواست گفتیم یا رسول الله که هم از خدا بجا می خیزد
 که جای چنین نیست بلکه جای از خدا است که فراموش کنی مقبره را و فراموش کنی شکم
 خود را و چه که در دست و فراموش کنی سر خود و خیر که در دست و هر که خواهد که را
 آخرت را یا بد ترک کند زینت دنیا را و اگر تو چنین باشی سر بر آید الله ای ای بلیه ذر
 که مقارن شرم با یک نقدار که کافیه طعمی را نمک ای ای بلیه ذر که طلبت چیزی
 به عمل شکر است که خواهد از اندازد بجان بلیه ای ای بلیه ذر تحقیق که خدای تعالی بصلا
 می آید بلیه صلاح پر سپر را و سپر سپردار نگاه میدارد در دایره ای ای بلیه ذر
 که بر رو کار مبادات میکند با ملائکه خود به نظر اول می بردی که تنها واقع شود و اذ
 و آقا که کوید غار گذارد میگوید پرور کار با ملائکه که نظر کنید بر بنده من که نماز میکند
 و نمی بیند او را چگونه بفرمان بعد از آن نازل میشود از آسمان خفا و نور فرشته
 و نماز میکند در پران و طلب آمرزش میکند از خدای تعالی ای بلیه ذر که در شب
 بنام زنت کردن فایده شود تنها و سجده کند و در سجده او را خواب برد بعد از آن
 حتم میفرماید بلکه اگر نظر کنید بر بنده من و روح او ز دست و بدانی و سجده است

سیمم مردی که او در خانه باشد و فرار نماید مصاحبان او و اولیست تا کشته شود ای ای
بیت از مردی که بنده پیشان خود را بر بقیع انبیهای میس که روز قیامت آن نعم آدنی
نهد از برای او که سجده کرده و نماز کرده و نیست از منزل که نازل شود و فرو و آید در
منزل قوی که آنرا میسند از برای آن قوم ای ای به ذریت پیج حجب و شای که بقیع
رین نه میسند بعضی را که ای مسایرین که ای که کرده است بر تو که که الله تعالی بایند
که نهاد به پیشان خود را بر برای سجده الله بعضی از انبیهها گویند علی و اگر گویند
شادان شوند و نشاطی در پیدا شود و شرح کرد در جهان و دانند که از برای اوست زیاده
بر مسایرین ای ای در ذکر که مختصر از او آید مگر پسندایشان از آن وقت
و همیشه از عرض و دخت بچین باشند تا آنچه فخره بران بنی آدم باین کلمه که
اخذ الله ولدا یعنی الله را پرست چون که بنی آدم برین کلمه که نکرده بر زمین
و برو و منفعت در جهان ای ای به ذریت که برین کلمه که بر مردی مؤمن چهل صباح
مرد بهشت ای ای به ذریت که نهاده در جایی تنها باشد و بچسبند و او نباشد و ضو که تیرم
بعد از آن قامت کند و نکرده و امر کند الله ملائکه را تا صف کشند در پل میخسند
که دیده شود طرف آن صف و آن ملائکه که روح و جود با آن کشند و آمین گویند بر دعا
ای ای به ذریت که است کند و بکشت نماز گویند نماز میکنند با او مگر آن و ملک که با او
ای ای به ذریت که میگویند و ترک کرده بهشت از برای جنای خدا لذت دنیا را و
کرده اند جوانی خود را در طاعت الله مگر که بدید و ثواب است و صدق و دو

ای ای به ذریت که ذکر خدای تم در میان غافلان کند مثل آنست که مغفل کند در میان کریمها
ای ای به ذریت که در پیش مرده است از نهایی و نهایی است از نهایی و کفین
بهر است از کفین ای ای به ذریت صاحب شو که با موس و مد طعام خود را مگر که او شقی
باشد و خود طعام فاسق را ای ای به ذریت که در راه است و او را دست داری فاسق
برای خدای تم و بخود طعام کسر را که کفین دست دارد و فاسق را برای خدای ای ای
تحقیق که الله تعالی حاضر است نزد زبان هر گوینده پس باید که به ترسی از خدای تعالی
کنند از بکشتن و باید که بدانند که چه میگویند زیرا که میداند حضرت عزت پر مری
که میگویند ای ای به ذریت که کنی یا دنی سخن را و بس است ترا آنقدر که حاجت تو بدان
ای ای به ذریت که در راه دروغ گفتن آنچه شنیده ای ای ای به ذریت که پیچیده
از آنکه بسیار در زندان شربان ای ای به ذریت که بعضی از تعظیم و بزرگ داشتن
به شاه عادل است ای ای به ذریت که عمل میکند فایده دهد مگر را که از زبان از کفین
نگاه دارد ای ای به ذریت که تو از نیت کند مردم و مدح کند و طعن نکرده و
و بعضی ای ای به ذریت که میشود روزی از الله تعالی بسبب آنکه او خواهد که مردم
او ایند ای ای به ذریت که خود صدقه است و هر خطوه قدم جهت شهادت و
نماز صدقه است ای ای به ذریت که قبول کند اذان را یعنی خود بکشد و نماز را
نیکو سازد و عمارت مسجد الله را و ثواب از الله تعالی جنت گفتن یا رسول الله حکایت
عادت کرده شود صاحب حق تم فرمود او از خود را در ساجد بلند کن و خوش کن

و عبت کند ما و دم که از آنکه او را عبت کرده عبت نطلبند نمیشود ای ابی ذر
 و شام و او را ستم قویست و متعلق و جنگ کردن با مسلمانان کفر است و خوردن
 گوشت او و حیواناتی خداست بغیر عبت مسلمانان و حرام بودن اسلامان مثل خرگرم
 نمون است گفتیم یا رسول الله عبت چیست فرمود که ذکر کردن است برادر ترا میبرد
 مسلمان را بخیری که بخیر بشنود او را بداید گفتیم یا رسول الله اگر باشد در آن بخیر که ذکر
 کرده میشود از گناهات هم از محصیت آنحضرت فرمود بدان ای ابی ذر تحقیق
 اگر ذکر کنی او را بخیری که در دست عبت کرده تو او را و الا که در دنیا باشد تمت
 او را ای ابی ذر که سر کمرع کند و دفع نماید از برادر مسلمان عبت او واجب میشود و اگر
 که از او کند او را از آتش و دوزخ ای ابی ذر کسی که عبت کرده شود نزد او برادر هم
 و قادر باشد حضرت و او را عبت کند و او را اعانت داری کند حق هم او را در
 و در آخرت ای ابی ذر خس نمیشود در جنت سخن چین و تمام ای ابی ذر می آید
 در آخرت از عذاب ضایق هم ای ابی ذر که در دنیا و روی و دوزبان شد عذاب
 سخت تر باشد ای ابی ذر می باید که در جهنم با مانع باشد برادر بخیر و محبت
 شود از مصاری و شمشه از اظهار کند و اظهار اسلام از مسلمانان حیانت پس
 کن ازین اجتناب کن از بختی که در راه و طریقات دنیوی شر ای ابی ذر عرض
 میشود علمای اهل دنیا بر الله تمام از جمعه با جمعه و دو شنبه و چشمت بعد از آن می آید
 بر بنده مؤمن را بگرداند که باشد میان او و برادر مسلمان بوعده او پس گفته شود

ای ابی ذر

که بگذارد ای مایه علم این مرد و بنده را تا آن زمان که با یکدیگر صلح کند ای ابی ذر کن
 بخشم برادر هم خود را که عمل نیک قبول نمیکند الله تعالی از برادر عدم موصلت ای ابی ذر
 نه که مردم من از ابرو جان و اگر لازم شود بر تو دور شدن از برادر پس و رشتو تو از
 دور و گاه علی بر برادر برود و این روز موصلت کرده باشد با برادر خود می باشد در آتش
 و دوزخ بهتر و ای ابی ذر که عبت در آن که مردم نزد او بیایند پس عبت
 با او در آتش و دوزخ ای ابی ذر کسی که ببرد و در دل او کند زه و سخت و بکشد نمی باید
 او بوی شست مگر آنکه ببرد پس از آنکه بر من از آنکه بر من در گفتنی رسول الله تحقیق که مرا عجب و بگر
 می آید تا غایتی که دست میدارم که بنده نایاب منی سپا باشد و چون که در غلبین بر او
 بند میکند نیکو بود آیا این موجب ترس است بر من آنحضرت فرمود که چگونه می باید
 دل خود را گفت و از خود را شناسای حق و سا که در ضرر و فرمود که این که نیست
 که آنست که کسی که حق کند و بغیر حق تجاوز نشود و نظر کند بر دم و بنده هیچ عبت
 که عرض است و خون و مثل خون او ای ابی ذر کسی که بیشتر داخل میشود در آتش و دوزخ
 شکر آنست که گفت آیا نجات می یابد اگر آنحضرت فرمود که با کسی که پیش چشم
 و شیهه دوشه و بر حارسو شود و با مسلمانان نشیند ای ابی ذر کسی که بر برادر
 خود را تحقیق که بر می شود از کبر و بیزاری که از باران بخورد و خود بخانه برود ای ابی ذر
 کسی که جامه خود را بر می کشد از کبر حق تعالی در روز قیامت در نظر کند ای ابی ذر
 زیر جامه مرد باید که مایه صفت و مایه ای باشد تا ساقی رسیده به و کن نیست

بر او اگر باشد نزر جام میباید و رانوی او ایله ذر کی با لاکر اند و امیر و اید و
 کفر و تعلیل و اوصاف آلوده کرده روی خود را تحقیق که او برست از کبرای بی ذر
 کسی را که دوپیر این باشد یکی را خود پوشد و یکی را در برادر بر سر نه خود پوشد آن
 خوبست ای لیل ذر زود پوشد که مردی موجود و شوند از امت من و رخت و غذا کند
 بنشیند ای خوبت قصد ایشان باشد و همای کونا کون و مد و شمع بکفن بر دم آن حاجت
 بر آن است منند ای لیل ذر که ترک کند پوشش زپار او او قادر باشد بر آن از
 انصاف و منزلت خود از برای خدا و غیر محمل و نقص و ذلیل گرداند و غیر ممکن بعرض دارد
 که ممکن باشد و نفع کند مالی که جمع کرده و غیر معصیت در هم کند بر اهل ذلت و مسکین
 و احتیاط کند با اهل فقر و حکمت آنجا که نیک تر است منند خوش باد آنکه که بکشد
 مخفی نماید او و نیکوست آشکارای او و دور کند از مردم بهیای خود را خوشحال آنکس که
 عمل کند و نفع کند زیادتی مال خود را بیکدیگر و نگاه دارد زیاد کفین ای لیل ذر پوشش
 سنت و دشت از برای آنکه راه نیابد بر تو غر و کبر ای لیل ذر می باشد در آنرا
 قوم که می پوشند شرم در تابستان و می نمایند آن قوم خود را مردم که تحقیق
 برای ایشان زیاد است در پوشیدن شرم بر غیر ایشان آن قوم را ملاک زمین
 و آسمان است میکند ای لیل ذر در دهم ترا از اسب و حجت کفتم بای رسول الله
 فرمود که روی دمی بر هم زده و کرد آلود و جامه آلود پوشش که هیچ بکنند
 و مکر و طبع او نباشد اینها اگر قسم بای که بخدا یاد کند و از انضای تمام مراد که در پیش رو

بر اینست او را الله تعالی قبول می نماید دیگر این در حجت الله علیه کفتم که یک روزی مسجد فرمود حضرت رسول
 دیدم که مسجد تنها نشسته بود غنیمت دانستم خلوت او را پس آنحضرت فرمود ای لیل
 تحقیق که از برای محبت تر است کفتم حجت چیست فرمود دو رکعت نماز که بگذری بعد از آن
 کفتم بای رسول الله امر کرده تو را بنماز چند است فرمود که نماز بهتر خیریت که وضع کرد پس
 پس هر کس نماز بسیار نماز کند کفتم بای رسول الله که امت که دوست تراست نزد خداست
 فرمود که ای لیل در دین بعد از آن عزاکردن در راه خدا کفتم که ام مؤمنه قتل تر است
 از روی توای فرمود که دوشود از برای کردن کفتم که ام غازی فاضل تر است فرمود غازی
 قنوط او طولی باشد کفتم که ام صدقه فاضل تر است فرمود فقری بعد رطاعت خود
 فقری و پنجه کفتم حجت روزه فرمود که روزه فضل است که جز او ثواب و ثمر نیست
 الله تعالی و اضعاف کفتم که کدام رکوع افضل است فرمود که بهای او کران باشد
 و غیر تر باشد زدا رکوع کفتم که کدام غزای فاضل تر است فرمود غزای که مراد باشد
 پله کرده باشند و ریخته باشند چون او کفتم که کدام بزرگتر است از اینها که قدرانی است
 فرستاده است بوی تو فرمود آید اگر سر دیگر کفتم بای رسول الله چه بود است صحف را بر آید
 فرمود صحف را بر آید مثل الحجه و حد آن و مثال نیست که ای ملک مستط و آرموده
 تحقیق که من فرستاده ام بجهت کرده ام ترا که جمیع دنیا را بعضی بعضی بکشد ترا
 بهت کرده ام تا در کفر از دوت معلوم را یعنی گذاری که بر کسی غلبه واقع شود
 او متوجه بشود و دعا کند پس تحقیق که من و نیکم دعای معلوم را اگر چه کافر باشد

یا از کف کانی که او بدی نفع خود کرده باشد و بود در صحت اشال چند و لازم است بر عاقل
 ما و ام که مغلوب نباشد که از برای ساعات است که مضاجات کند در این ساعت به هر چه
 ساعتی است که در این ساعت فکر کند و منع الله و ساعتی که در این ساعت مضاجعت کند
 از نیک و بد که از وصاف شود و ساعتی که مشغول شود در آن ساعت بحاجت خود و اطلاع
 حلال و لازم بر عاقل که طاعت کند بر مردم که در پیش می در توشه اخذ و یکی در مشق
 معاش و یکی لذت گرفتن و غیر محرم و لازم است بر عاقل که مضاجعت نماید بر این پنج چیز
 خود را مضاجعت کند و بر برای که بدست و بر بهر حال خود و نگاه دارد زبان خود را و حال که حاکم
 کند کلام خود را و سخن گفتن خود را از اصل خود می باشد سخن مکرر چندی که فایده اخذ است
 گفتیم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر چه در دست و توبه میسر است اینست که عجب
 کسی را که یقین داشته باشد بهر آتش و جهنم بعد از آن خنده کند و عجب کسی را که یقین
 برکت چگونگی باشد و عجب کسی را که چند دنیا را در دهن اهل او از آنجا ببرد
 چگونه الطمانینه باشد بهر آتش و جهنم کسی را که اعتقاد داشته باشد بهر دنیا و آخرت
 عمل نیک کند گفتیم رسول الله صلی الله علیه و آله است از دنیا چیزی که آن بهر چه در محض ابراهیم و
 الله عز و جل است و بر تو فرمود که بخوان قرآن که مُطَاعِمٌ مِنْ رَبِّكَ وَذِكْرٌ لَكَ
وَبِهِ صُلَىٰ بِالْقُرْآنِ وَالْخَيْرِ وَالْآخِرِ خَيْرٌ مِنَ الْأَوَّلِ و این را هر روز بخوان
 این چهار آیه را هر روز در محض ابراهیم و توبه میسر است گفتیم رسول الله صلی الله علیه و آله
 فرمود که هر چه عیب تراستی عیبی که از برای آن توبه میسر است هر روز که می توانی توبه کن

و الله اعلم

و لازم که بر خود تلاوت قرآن و ذکر می شود و ذکر برای تو و آسمان نور در پیش بر خود
 فرار از آن که عبادت است و ذکر فرمود که لازم که بر خود سخن گفتن مکرر چندی نیک
 که گفتن نیک و بد و بیکد شیطان از تو و صحبت است از امرای تو و دیگر فرمود که هر که از دنیا
 خنده بیا میراند دل او پر از نور روی را و دیگر فرمود که نظر کن بر کسی که کمتر ازت و نظر
 کن بر آنکه زیادتر است از تو زیرا که این التماس بحال تو و باید که تو عیب سخن گفتن را که الله تعالی
 بتو داده است و بهر وقت قلیل ذکر کن که یاد کن و دیگر فرمود که صلوات رحم بر آنکه
 با خویشان خود و نیکو مرگن اگر چه ایشان از تو منقطع شوند و دوست دار میکنند از او با ایشان
 بسیار محال است و عیبی و دیگر فرمود که بگو سخن حق اگر چه سخت و دیگر فرمود که هر کس
 در راه خدا از غلامت کردن غلامت کند از اعمالی که تو از برای خدا کنی و اگر در غایت
 نیست عقیق مثل پیر و نیست در دهنی مثل منع کردن خود از چیزی بد و نیست
 مثل خاق نیکو **فصل ششم در روزهای ماه** مرویت از حضرت صادق علیه السلام
 که اول روز را ماه مبارک و صلح است دارد از برای ملاقات کردن با امرای و طلب حاجت
 و خیر و در وقت کردن در اعراف نمودن **دوم** ماه صلاحیت دارد از برای سفر کردن
 و طلب حاجت **سوم** ماه بهرست و صلاحیت ندارد از برای هیچ چیز **چهارم** ماه
 صلاحیت دارد از برای آن خواست و مکرر است برای سفر کردن **پنجم** ماه بهرست
ششم ماه مبارک و صلح است دارد از برای نکاح و طلب کردن حاجت **هفتم** ماه
 مبارک و صلح است دارد از برای هر چیزی که خواهد و مکرر کند در آن **هشتم** ماه صلاحیت دارد

کرم

وَبِشَيْءٍ خَلَقَهُ الْخَلْقَ وَلَا فَاةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ أَكْثَابِهِ
 وَرَبَّ الشُّعُورِ الْمُتَعَقِّطَةِ وَرَبَّ الْجُلُودِ الْمُتَمَرِّقَةِ وَرَبَّ الْعِظَامِ الْخَفِ
 وَرَبَّ السَّاعَةِ الْقَائِمَةِ أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَتَجْعَلَ لِي بِخَيْرٍ لَطِيفِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ **وَمِنْ**
بِرَكِيعَةِ الْأَرْوَاحِ **وَمِنْ** **بِرَكِيعَةِ الْأَرْوَاحِ** **وَمِنْ** **بِرَكِيعَةِ الْأَرْوَاحِ**
 که در جمیع تیر و یک چون غریب طبع است که در دست جمیع آدمیان است و در دستم که در دستم
 بخند از حضرت که موسوم است به ذات ایزد و مؤمن و معروف به صفات المتقین زیرا که او بهترین
 برای مؤمنین و بلوغ ترین موعظ است از برای توفیق قبول مستعین پس ختم کردم بر خطبه
 که ختم را پس که در پیش تو ختم شد **روایت** که حضرت را دیدی بود که او را تمام
 بن شریع میگفت و آنرا میگوید که گفت حضرت را که ای امیر مؤمنان این وصف کنی که ای
 متقیان را تا غایتی که منظر میکنم پس حضرت خود را اگر آن ساخت از جواب میگوشت ای تمام
 از خدای تعالی ترستی و میگویند که زیرا که خدای تعالی پر برکت است و با نیکوکاران پس تمام برکت
 قناعت نکرد و میگویند بر آن خلاصه را برداد پس حضرت بعد از ستایش و ستای پور و کما
 و صلوات بر پیغمبر صلوات الله علیه که فرمود که هرگز که حق تعالی خلق چهارزاد و شکا که بی نیاز
 بود از طاعت ایشان و ایمن از معصیت ایشان زیرا که معصیت ایشان منزه میکند و او را
 کسی که را عیب از او سپرد و سود نمیدهد و او را از طاعت کسی که او را فرمان برد بیکه کمتر
 عاید است بغیر عاصیان و منفعت طاعت راجع است بغیر طاعتیان پس است و فرمود و میفرماید

میفرماید ایانرا در هر دهر و نهاد ایشانرا از دنیا بگوشت میگویند که با ایشان سزاوارتر است
 در دنیا ایشانرا از اهل قضا که کامل و علم و دل و بری از دوا و ایشانرا جمیع فضایل انسانی
 که متعلق است به قوت بلا و اصل که علمت با عمل و کفایت ایشانرا صواب است بلا قصور و نقص
 میانه رویت در امور و روش ایشانرا فروتنی است برای رضای خدای تعالی و فروختن
 چشمهای خود را از آنچه حرام کرده خدای تعالی بر ایشان احکام شریعت غرا و باز داشته
 گوشهای خود را بر علم فایده مند برای ایشان در واقع سودمند و فرو و آمد نفسهای ایشان
 در گرفتار بر آنچه خود را در دنیا در فانی و در غایت از ایشان شکسته اند صورت بهم را
 در راه و سال و بر داشته اند صباح و روح خود را در مقام تقوی ابد وصال و صبر کرده
 نفسهای سرکش را در راه او و مطیعیت ایشانرا از آنچه در دست نصیب نفسهای ایشانرا
 غیر قرب بکلاه و اوقات حجب غیبت را صرف نمائید تحصیل خیری که مخلوق شده
 برای آن و بیکل وجه و روی آورده اند بفرمان حضرت زردان و التفات ایشان را باین
 می باشد بر طریق طمع با خصال شایسته مالکیت با دیر از برای حق حقیقی بگویند
 چهل و یقین دانسته اند که آنچه بر ایشان رسد از شفقت و محبت رحمت عظیم حق تعالی
 در جنت و در جسد و در طلب پس چنانچه ایشان را منع است و در پیش نهاد ایشانرا
 از دنیا و عیال و غم اگر نبودی اصلی که نوشته خدای تعالی از برای ایشان قرار نمیکرفت روح
 ایشان را بقدر که در سستی و بیهوشی و غفلت نموده در آن آمیده بجهت شوق ثواب الهی
 و ترس از عقاب و برکت خالق خلاق و جانها را ایشانرا پس بکشت غیر او در دیرانی

پرسبست ایشان بجهان چه نسبت کسیت که دید بهشته از ابعین البقیع با نهم وعده کرده اند
 بنشینان پاک درین جوانی را اعلیوم بعین حاصل شده که جاری مجری ضرورت کجایان
علیکم کو کشف الغطاء عز دت یقینا پس ایشان کو یا در بهشت اند و مغولان
 جاودان و نسبت ایشان بهما چه نسبت کسیت که دید بهشته از ابعین البقیع ایشان
 بو عید عیصاه و کفار پس کو یا ایشان در نماز مقید اند و کفار و این بقصر عده و وعید
 که دکار موجب غلبه خوف و رجا بر دلهای ایشان محروفت و سرای ایشان نام و چون
 ایشان کثرت تا غل عبارت لاغر و ضعیف و حاجت ایشان متاع دنیا خفیف که زینا
 نخواسته که آنقدر که سده رقی کنند ایشان را از غلیظ و لطیف و لفظهای ایشان
 پاکیزه است و ضعیف و صبر که دزد چند روز کوتاهی که دارد بعبادت ایشان است و دراز
 در چهار آن تجارت سود کننده که آسان گرداند برای ایشان پروردگار ایشان بدان آن
 دستگاه خواست ایشان را دنیا و نخواستند ایشان را و اگر مقرر نیست بفنا میگرد
 ایشان را دنیا بخواری پس دادند نعمتهای خود را از آن کفار اما شب پر صفت زد
 قدمه را ایشان در نماز و حالتی که خوانده اند اجزای قرآن را از روزی و میخوانند قرآن را
 بر تریل و تانی تبک معانی بلفظهای ممتاز بواسطه آنکه پرسیدند از حضرت امیر از
 تریل فرمود که حفظ و قوف و ادای حرف این شامل است بر جمیع این احوال کرده اند
 از افراد تلاوت زیرا که حفظ و قوف عبارت جانب معنی و ادای حرف نموده است
 طرف لفظ و اندوختن بسیارند بقرآن نعمتهای خود را به اندیشه کردن فرادان و پروردگار

به آن دوی در خودشان بر چون کندن به آبی که در و تشویش و آزار و سوز بر شریکند بوی
 بخت طمع کردن در آن دیده و در شود چشم در و نعمتهای ایشان بسو آن بشوق آنکه فرمود
 حق تعالی در آیات با برکات از ثواب و نعمت جان و کمال آنکه آنها بر پیش شهنای ایشان است
 و کوشش نمایند بر وجهی که خداوند بخواست چون بکند بر آبی که در آن خویشی بشمار از خویشی
 و بعد فرموده اند از عذاب و عقاب فرود آید بسوی آن آیه مسامع دلهای خود را با مضطرب
 برند آواز منکر ختم چون دل آواز خود را از زیر و شمس عبارت از آنست دست در خوا
 کوشای ایشان پس ایشان است ختم دهند و میل کنند بجهت خضوع بر میانههای خود در رکوع و زمین
 نهند پیشانی خود را و کفها و زانو را و طهارت قدیمهای خود را در سجود بکمال خضوع طاعت کنند
 بسوی خدای تعالی و خلاص گردان آزاد ساختن که دهنای خود را از مار آنها بپس برده بمانند
 دانیان نیکو کاران و پر بنیز کاران تحقیق تر بشید ایشان را خوف و خطر بجهت بر شید
 تیری بر که اشارت به استقامت احوال آخرت ایشان منکر بسوی ایشان با طر میبندد
 ایشان را بچار بجهت ظاهر و نیست با آن قدم بیماری بگذرد و ضعیف میمانند بواسطه
 کثرت ریاضت و بیداری و میگوید با بر تحقیق شوی که گردانیده شده اند و کفار
 آنچه با ایشان از عظیمی که اتصال ایشانست بملا اعلی و شتغال بر ایشان احوال
 بسا که نکلم میکنند بچیزی که پرونت از معارف عقلا از آنست که کاه نیست میدهند
 همچون با وجود آنکه دست خود فرو خشنود نمیشوند از اعمال خود بعمل قلیل و بسیار
 نمی شمارند عملی که گستره و طویل پس ایشان در میانه خود را اتمت کنند اند از کردارهای

و ترسند اند که مباد قبول نیفتد و پذیرفته نگردد **مرویت** که امام زین العابدین علیه السلام
 در موعظه حج چون اهل بیعت نمود نگاه پشوش بپا داشت و بجنبش از آن راه از آن پستی
 فرمود که رسیدم که خدای تعالی در جواب بیعتک لایبک و لاسعدیک فرماید و در میان
 و بر کز یکسان هر پنج ترسانند و ای بر دیگران چون ستایش کند یک را از ایشان رسید
 از آنچه گویند مرا و مرا در میان پس کجاست در میان ترس و ترس و ترس و ترس و ترس و ترس
 بنفوس خوار فرمود در نهان و شکار را با رضایا بیکدیگر میکشوند و بگردان مرا فیصل تر از آنچه
 گمان میرسد و بیایند برای هر آنچه نمیدانند و بکسین طاعت را بیکدیگر میزنند و بکسین
 یک از ایشان آنست که می پندارد او محکم در دین و احتیاطی در دین و ایمانی در یقین
 و محرم در علم و دانش و حکم و میانه روی و در تو انگری و فروتنی و عبادت و تحمل و فروتنی
 و شکایت بر درشت و طلب در روزی حلال و نشاط در راه راست و دور و باز ایشان
 از طمع میکنند کارهای شایسته و حال آنکه بر ترست از آنکه نباشد پذیرفته بشکاه
 قصدش کن نما میکند و بامداد قصد ذکر خدا و شب میکند ترسان که نگاه بخیزد
 و عمل از وفات شود چون مداد شود و فرحان کرد که طاعت از در غایت میداند
 و ترسانست با آنچه ترساید شده از غفلت و شادانست با آنچه باور سیده از فضل
 و رحمت **قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا** و اگر کسی کند
 نفع او را دوست دارد و خوشتر چشم او در این نیست که بزه ال نمی آید و زود
 و زیدان او در چیرت که نذر در بقا و می باید از امور دنیا می آید و علم را با علم

بگردان بری بپندارد که نزدیک و اول او اندک است لغزش و ذلل و غاشع است و اول او قانع
 و نفس کامل او اندک است و خوشتر از بقدر ضرورت زیرا که بطیبت سپرد فطرت را و دل سخت
 میکرد و آسانست کار او زیرا که او از دشواریهای دنیا دور است و از ممانعت او بفرمان
 در او از آسانست و مرد است شہوت او از کثرت نفس و فرو خورده سده آخشیتم او
 یافتن ابرار و غیر از دست افتد و او را و شر از دست مامون دور و بکار اگر باشد در میان
 و در نظر مردمان نوشته شده است نزد خدای تعالی در زمره را که ان خود دل است بیکر که
رَجُلًا لَا يَلْمِزُ النَّاسَ وَلَا يُلْمُهُمْ و بنوعی خوشتر از هر کس که باشد در میان اگر ان نوشته شود
 و بود بیا و مولی از آن خجسته بطریق اولی و عالی بود از این اعفونند و در گذرد او کسی
 اوستم کند و بدید بکسر که او را محروم گرداند و بپسندد و بکسر از او برود و در دست فتنه خیزی
 کثرت سر او در برنت و گفتار او با مردمان غایت و کار ناسایست او حاضر او بکثرت
 او در نهاده او خبر او پشت داده است و شر او در فتنه بزرگ در کارهای بکار و
 باوقار و در خجسته های غمت مبارات و در مزاجهای غمت شاکر وستم و حیف نمیکند
 و بکسر که دشمن میدارد و کینه نمیکند در باره بکسر که او را دوست بشمارد چو در راست
 روان هوا در خشنود اجبا اعزاف میکند بر حقش از آنکه گویا داده شود و بر وی مضایق نمیدارد
 چرخ می را که طلب کند است کرده اند و فراموش نمیکند چیزی را که بیاورد آورده اند و نخواهند
 مردم را ببلقیهای بد بنا بر کلام آسان که فرستاده است که **وَلَا تَابِرُوا بِلَا لِقَابٍ** و گزند
 نرسد بهیچ وجه و شاد می نمیکند بصیتهای گریان و داخل نمیشود در باطل و حق





درون غیایان حق بوجوب عبادت ایمان کسرت و این گویا موش کسند غلغلن غیایان سزاواران
خاموش زبیرا که از حکمت نه از جهل و بهوش و اگر بخندد پروازد و آواز بلند میسازد زیرا که با او
مرکب محبت میسازد و اگر ستم کند برو بخندد و از آفتاب نامتقام از و کشت و در
نفس آواره او از در ریج کشیدن و مردم از در آسایش وین و بر بخاند نفس خود
برای کاغذ و آسایش و مردم را از نفس خود برای ضایع و در بر او از کمره شود از و

فرغ عن یوم السلاطین

سنة تسعین الف

فرج الله من المصطفى

بعضی از غیره و ای ایضا

صیغه توبه نام استغفر الله العظیم ربی و التوب الیه بعد
بگوید بعد از آن بگوید که اشهد الله و ملائکته و انبیاءه و رسله
و جمیع خلقه علی ما سلف من الذنوب والمعاصی
و معترف بها و انی عازم ان لا اعود الیه و قد عامدت الله
تعالی علی ذلك الف عزمی غنمی مطالبی به یوم القیامه
بعد از آن غسل توبه کند و دو رکعت نماز توبه کند و در کمال شایسته است

رفع موضعی غیره هر که در سجده بخواند از حق و در آیه شدن و
آباد برهان شود و این دعا را بخواند و ایضا همیشه میخواند

